اطلاعات

سه شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۲ - ۱۴ صفر ۱۴۳۵ - ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳ - شماره ۲۵۷۶۵ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

افزایش توان ایران برای صادرات روزانه ۵ میلیون بشکه نفت خام

* مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی: پایانه‌های شناور نفتی ایران وارد خلیج‌فارس شد
* ظرفیت ذخیره‌سازی نفت خام در خارک تا پایان امسال به ۳۲ میلیون بشکه نفت می‌رسد
* مدیرعامل پتروشیمی سرمایه‌گذاران عرب برای مشارکت در طرح‌های ایران اعلام آمادگی کرد

صفحه ۴

بیش از ۱۲۰ کشته و زخمی در روز خونین عراق

* ۳ نیروی امنیتی عراق در حمله افراد مسلح به مرکز پلیس «بیجی» کشته شدند
* رشته انفجارهای خیابان فلسطین و شهرک صدر بغداد ۷ کشته برجا گذاشت
* ۱۲ تن از جمله ۶ زن در حمله به اتوبوس زائران حسینی در «تلعفر» کشته شدند

صفحه ۱۶

اتحادیه اروپا: تحریم‌های ایران لغو می‌شوند

ظریف در تماس تلفنی کری، از اقدام اخیر آمریکا انتقاد کرد

* وزیران خارجه اتحادیه اروپا در نشست دیروز خود اعلام کردند آماده‌اند در چارچوب توافقنامه ژنو، تحریم‌ها علیه تهران را پس از اجرای تعهدات ایران با آژانس لغو کنند
* وزیران خارجه اتحادیه اروپا از توافق هسته‌ای به دست آمده در نشست ژنو استقبال کردند
* ظریف: ایران ۱۰۰ درصد به توافق نهایی جامع متعهد است
* هرکسی نگرانی‌هایی دارد که باید رفع شود و ما برای حل نگرانی‌های معقول آماده‌ایم
* غرب توهم غنی‌سازی صفر در ایران را کنار گذاشته است
* مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای ایران نمرده، اگرچه ایران از دور جدید تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا عصبانی است
* عراقچی امروز در بروکسل با اشتون دیدار می‌کند

وزیران خارجه اتحادیه اروپا اعلام کردندکه تحریم‌های این اتحادیه که در "برنامه اقدام مشترک" آمده است بعد از اجرای تعهدات ایران با آژانس برداشته می‌شود.

به گزارش ایسناسایت رسمی اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای درباره نشست دیروز شورای وزیران اتحادیه برای بررسی مساله ایران اعلام کرد: این شورا از موفقیت به دست امده اخیر در مذاکرات گروه ۳+۳ به ریاست رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا و برنامه اقدام مشترک در ژنو استقبال می‌کند.

این توافق نشانه‌ای مبنی بر تعهد تمامی طرف‌ها برای اعتمادسازی، کاهش تنش‌ها و ادامه تلاش‌های دیپلماتیک به منظور دستیابی به یک راه‌حل جامع برطرف کردن نگرانی‌های بزرگ درباره فعالیت‌های هسته ای ایران است.

در ادامه این بیانیه آمده است: ایران باید تعهدات خود را با حسن‌نیت اجرا کند و شورا هم متعهد می‌شود گام‌های لازم را برداشته و آن دسته از تحریم‌های اتحادیه اروپا که در برنامه اقدام مشترک آمده است، بعد از اجرای تعهدات ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بر اساس توصیه کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا برداشته شوند.

بقیه در صفحه ۲



رئیس جمهوری در همایش هفته پژوهش:

مقصد عالی پژوهش پاسخگویی به مطالبات مردم است

صفحه ۲

رئیس مجلس: مسیر حرکت دولت مثبت است

* لایحه بودجه نشان می‌دهد که دولت اشکال کار کشور را به درستی فهمیده و تلاش می‌کند تا رونق اقتصادی به وجود آورد
* ارسال به موقع لایحه به مجلس، نشان از قانونگرایی دولت دارد
* توافقنامه ژنو، توقفگاه است، منزلگاه نیست
* رئیس مجلس با مراجع عظام تقلید دیدار و گفتگو کرد

سرویس شهرستانها- رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: مسیر حرکت دولت را در مجموع مثبت و رویکرد اقتصادی دولت را صحیح می‌دانم.

دکتر علی لاریجانی یکشنبه شب در برنامه زنده تلویزیونی (قم ۱۴۰۰) افزود: در ارزیابی عملکرد دولت یازدهم، گرچه هر کس کار اجرایی می‌کند افت و خیز دارد اما در مجموع تحلیل پایه‌ای که دولت در آن گام بر می‌دارد، تحلیل واقع بینانه‌ای است.

وی رویکرد دولت را برای حل مسائل اقتصادی صحیح دانست و تاکید کرد: لایحه بودجه با همه تنگناهایی که در آن است نشان از آن دارد که دولت اشکال کار کشور را به درستی فهمیده و تلاش می‌کند تا رونق اقتصادی به وجود بیاورد.

نماینده مردم قم در مجلس نهم مسیر حرکت دولت را عقلایی بیان کرد و افزود: دولت درد را درست تشخیص داده و راه درمان را نیز به درستی می‌رود، البته ممکن است در جاهایی اشتباه برود که باید آن را رفع کرد.

وی با بیان اینکه سلوک دولت در مسائل بین المللی سبب آرامش شرایط شده است، افزود: همین امر این فرصت را ایجاد کرده است که بتوان مسائل را راحت‌تر حل کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به آرامشی که در داخل کشور به وجود آمده و مردم امیدوار به حل

بقیه در صفحه ۱۳

نکوداشت سیدحسام الدین سراج در فرهنگسرای ابن سینا

صفحه ۳



نخستین کشتی اقیانوس پیمای ساخت ایران به زودی به آب انداخته می‌شود

* مدیرعامل سازمان صنایع دریایی وزارت دفاع: این کشتی در وزارت دفاع در حال ساخت است و به زودی به آب انداخته خواهد شد

صفحه ۱۴

رئیس جمهوری: مقصد عالی پژوهش پاسخگویی به مطالبات مردم است

رئیس جمهور با بیان این که دولت پاسخگو ناچار است برای عدم کارآمدی خود به مردم پاسخ بدهد، گفت: برای کارآمد کردن بنده راهی جز پژوهش نمی شناسم و پژوهش باید مدیریت ما را کارآمد کند.

به گزارش مهر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در چهاردهمین همایش تقدیر از پژوهشگران برتر کشور گفت: نتیجه پژوهش ها نیاز به بردباری جامعه دارد. ممکن است محقق یا پژوهشگری به نتیجه ای برسد که آن نتیجه خوشایند این و آن نباشد اما اگر در مسیر تحقیق به یافته ای رسید این یافته محصول پژوهش است.

رئیس جمهور ادامه داد: اگر کشور می خواهد به پیشرفت برسد زمینه آن ایجاد محیط امن، آزاد و مساعد برای پژوهشگران است. این که ایران توانست به تمدن بزرگ دست یابد ابتدا از ترجمه کتب دیگران آغاز شد اما ایرانیان به آن اکتفا نکردند و چنان خلاقیت به خرج دادند که کم کم کتاب های آنها مورد ترجمه دیگران قرار گرفت و لذا این سر اندیشه مطلوب اندیشه اسلامی - ایرانی است.

وی با بیان اینکه افتخار ما این است که در کنار دانشگاه ها پژوهشگاه برقرار باشد، گفت: همان طور که به واحدهای درسی و دروس اهمیت می دهیم به رساله ها نیز باید اهمیت بدهیم و رساله‌های کارشناسی ارشد و دکترا نیز باید جایگاه خود را داشته و بخشی از نیاز جامعه ما را پاسخگو باشند.

روحانی خاطرنشان کرد: پژوهش باید به بهبود کیفیت زندگی مردم بیانجامد مقصد عالی پژوهش پاسخگویی به نیازها و مطالبات به حق مردم است و نه یک حزب یا گروه خاص. من از اینکه در گوشه‌ای ببینم بخشی از تحقیقات برای پاسخ به مطالبات یک گروه خاص است، خوشحال نمی شوم.

وی تاکید کرد: آیا پژوهشی که برای دستیابی به سلاح هسته ای و سلاح کشتار جمعی باشد باید در کشور مورد احترام قرار گیرد؟ قطعاً چنین نخواهد بود چون ما در کشوری زندگی می کنیم که طبق فتوای رهبر معظم انقلاب دسترسی به سلاح هسته ای حرام شمرده شده است.

وی افزود: نه تنها از دیدگاه عقلانی و منافع جمعی کشور ما به دنبال سلاح هسته ای نبوده و نیستیم، بلکه از لحاظ ارزشی و دینی نیز ما به دنبال سلاح کشتار جمعی نخواهیم بود و این پژوهش نیز جزو نیازهای ما نیست.

روحانی گفت: سلاح کشتار جمعی جز منافع ملی و حتی دکترین دفاعی کشور ما نیست.

رئیس جمهور گفت: پژوهش می تواند علم را شکوفا کند و از طرفی به توسعه علم و آموزش بیانجامد البته پژوهش نیاز به محیط مساعد و مناسبی هم دارد. این محیط آغازش آزادی آکادمیک است.

وی با بیان این که مهمترین اصل پژوهش بردباری و سعه صدر است، افزود: نمی توان به پژوهش متقن دست یافت مگر آن که پژوهشگر خلاق باشد و این خلاقیت فقط در سایه آزادی امکان پذیر خواهد بود، لذا باید در سایه بردباری و تساهل زمینه را برای شکوفایی استعداد اندیشمندان، محققین و پژوهشگران آماده کنیم.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به این که منابع ما کمیاب است گفت: ما دارای منابع فراوان و ارزان از لحاظ محیط، ابزار پژوهش، نیروی انسانی و منابع اقتصادی نیستیم. حتی کشورهایی که در رشد اقتصادی قرار دارند آنها هم توانشان محدود است لذا استفاده بهینه از منابع محدود برای رسیدن به اهداف مطلوب باید مسیر پژوهش ما باشد.

روحانی یادآور شد: در حال حاضر ما بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برای به سرانجام رساندن پروژه های عمرانی نیاز داریم و لذا نباید پژوهش و پروژه ها را تنها زخمی کنیم.

رئیس جمهور گفت: پروژه ها را بر اساس نیازهای فوری و حیاتی که داریم باید اولویت بندی کنیم.

وی با تاکید بر این که کشور از لحاظ منابع آب مشکل دارد، گفت: تراز آبی کشور ما به شدت منفی است بنابراین به تحقیقات و پژوهش در این زمینه نیاز داریم که منتهی شود به فناوری و مصرف کم آب به ویژه در بخش کشاورزی چرا که ۹۰ درصد از آب کشور صرف بخش کشاورزی می شود.

روحانی همچنین با بیان اینکه کشور از لحاظ زیست محیطی دچار مشکل است، گفت: امروز شهرهای بزرگ ما دچار آلودگی هواست و رفع این آلودگی ها جزو نیاز حیاتی جامعه است.

روحانی تصریح کرد: در زمینه مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاست خارجی و امنیتی نیاز به پژوهش داریم و دولت تدبیر و امید نیز یکی از برنامه هایش در بخش پژوهش آن است که تقاضا را زیاد کند.

روحانی با اشاره به مشکلات اقتصادی ادامه داد: ما در بخش اقتصاد صدها مسئله داریم و در بخش اقتصاد، فرهنگ و مسائل اجتماعی نیازمند پژوهشگر آزاد و دانشگاه ها هستیم چرا که بخش دولتی به کارشناسان خود متکی است و ما باید در زمینه تحقیق و پژوهش از دیگران نیز بهره ببریم.

رئیس جمهور با تاکید بر اینکه ما در بخش پژوهش باید به توانمندی های کشور توجه کنیم، تصریح کرد: برخی از تحقیقات گرانقیمت است و با مجموعه امکانات کشور نیز دستیابی به آن دشوار. اما شعار "ما می توانیم" که رهبر انقلاب بر آن تاکید دارند شعار به حقی است که باید ما نیز پشت سر آن حرکت کنیم.

وی ادامه داد: "ما می توانیم" باید در چارچوب برنامه و نقشه جامع پژوهش کشور باشد و گرنه در مسیری حرکت می کنیم که ممکن است ۱۰ سال زمان ببرد تا به نتیجه برسیم.

رئیس جمهور با بیان این که در زمینه پژوهش نیاز به نظارت هم وجود دارد، گفت: به دلیل آنکه مدتی رئیس یک مرکز پژوهشی بودم تاکید می کنم که پژوهش نیاز به نظارت دارد چرا که برخی از منابع مالی در گذشته به نام پژوهش اتلاف شده و بخش های دیگری از پژوهش که برای تکمیل نیاز به منابع داشته است محروم مانده و متاسفانه در این وادی مقدس نیز رانت وجود دارد و باید این رانت را از بین ببریم.

روحانی در پایان با تاکید بر اینکه بخش خصوصی و دولتی باید دست به دست هم دهند تا پژوهش در کشور رشد یابد، خاطرنشان کرد: دولت تدبیر و امید در این چندماهه قدم هایی برداشته و در ماهها و سال آینده نیز قدم های بیشتری برخواهد داشت تا در این زمینه به موفقیت هایی دست یابیم چرا که پژوهشگران آینده ساز این کشور هستند.

حمایت مالی از دانشجویان دکتری

دکتر رضا فرجی دانا وزیر علوم، تحقیقات و فناوری هم با بیان این که حوزه پژوهش، بدون تامین اعتبار سامان نمی یابد، گفت: حمایت مالی از دانشجویان دکتری یکی از اولویت‌های دولت یازدهم است.

وی با بیان این که پژوهش تقاضامحور از اولویت‌های دولت یازدهم است، افزود: از ده سال گذشته، موضوع دانشگاه نسل سوم مطرح شد؛ یعنی دانشگاهی که براساس نیازهای صنایع شکل گرفته باشد. از این رو درصددیم دانشگاه‌ها همانند مراکز تحقیق و توسعه در بحث صنایع ایفای نقش کنند.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، افزود: به عبارتی، نیازهایی که از سوی صنایع به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ارائه می‌شود را می توانیم با کمک دانشگاه‌ها و گرد هم آوردن محققان، به جامعه عرضه کنیم.

وی خاطرنشان کرد: بدون تامین اعتبار نمی توان حوزه پژوهشی را ساماندهی کرد بنابراین باید به پژوهش های مربوط به حوزه علوم پایه، علوم انسانی و علوم اجتماعی توجه بیشتری داشته باشیم تا محققان این حوزه بتوانند تحقیقات خود را اجرایی کنند.

وزیر علوم با تاکید بر اهمیت حمایت از دانشجویان دکتری تصریح کرد: در کشورهای توسعه یافته حمایت‌هایی از سوی دولت برای دانشجویان دکتری اعمال می‌شود تا این دانشجویان با آسودگی خاطر به تحصیل بپردازند.

سکوت مجلس و دولت

معاون پژوهشی وزیر علوم دولت اصلاحات اظهار داشت: با وجود آن که سه سال از برنامه پنج ساله پنجم گذشته هنوز نتوانسته‌ایم در بخش پژوهش به نیم درصد از درآمد ناخالص ملی کشور هم دست یابیم در حالی که براساس برنامه پنجم توسعه، بودجه پژوهشی کشور باید به سه درصد درآمد ناخالص ملی برسد.

به گزارش ایسنا، دکتر رضا منصوری که در مراسم تقدیر از پژوهشگران برتر کشور در محل سالن اجلاس سران سخن می گفت با بیان این مطلب تصریح کرد: هیچ گاه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس طی این سالها در این زمینه اعتراضی نکرده‌اند که چرا این مصوبه که به توصیه‌ی مقام معظم رهبری بوده است، اجرایی نشده است و در واقع هم دولت و هم مجلس در این زمینه واقعا سکوت کرده‌اند.

استاد دانشگاه صنعتی شریف اظهار داشت: کشور ما متاسفانه با تمام تاکیدات مقام معظم رهبری، هیچ گاه عزم خود را برای توجه به پژوهش و علم محقق نکرده است و در واقع زمانی که کشور ما به این مصوبات خود احترام گذارد، تمام بخش‌ها مجبورند که در زمینه بودجه نظارت دقیق داشته باشد و سیاست گذاری بهینه کنند که این پول به طریق بهینه هزینه شود. کاری که کشورهای پیشرو و جهان سوم انجام داده و در واقع به حداقل سهم یک درصدی بخش پژوهش از درآمد ناخالص ملی دست یافته‌اند.منصوری تاکید کرد: ما نمی توانیم بعد از سی و چند سال از انقلاب هنوز ۰٫۴ درصد از تولید ناخالص ملی را صرف پژوهش می کنیم.

وی با اشاره به خاک خوردن پایان‌نامه‌ها در دانشگاه‌های کشور با طرح سوالی گفت: آیا سیاست گذاران علم و فناوری در کشور به این موضوع فکر کرده‌اند که چه درصدی از پایان‌نامه‌ها در کشورهای صنعتی تبدیل به محصول می‌شود.

منصوری ادامه داد: در کشورهای صنعتی از هر ۱۰ هزار ایده، هزار ایده نوشته و تبدیل به مقاله و جزوه می‌شود و از این هزار ایده ۱۰۰ ایده تبدیل به اختراع و ۱۰ ایده تبدیل به محصول می‌شوند و تنها یک مورد تبدیل به یک صنعت جدید می‌شود.

در این مراسم که با حضور دکتر ستاری، معاون علمی و فناوری رییس جمهور، دکتر فرجی دانا، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و جمعی از مسوولان حوزه علم و فناوری کشور برگزار شد، ۷۴ پژوهشگر، مدیر پژوهشی، موسسه پژوهشی، مرکز رشدفناوری، واحد فناور و پارک علم و فناوری، با اهدای جوایز و دریافت لوح، مورد تقدیر قرار گرفتند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: آمریکا و دیگران خلف وعده سیاسی را تکرار نکنند

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پیش از ظهر دیروز در دیدار اعضای هیأت پارلمانی اروپا، با اشاره به فضایی که برای روابط بهتر کشورهای جهان با ایران پیش آمده است، گفت: در عرف دیپلماتیک اوّلین شرط اخلاق سیاسی پایبندی به امضاء در توافق‌ها است و انتظار داریم غرب که سال‌ها ادعای بی‌اعتمادی می‌کرد، در شش ماه مقرر، در عمل ثابت کند که می‌توان به حاکمان غربی، اعتماد کرد.

به گزارش جماران، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، تحریم‌های اخیر آمریکا را نتیجه نفوذ و فشار لابی صهیونیسم دانست و گفت: انتظار دنیا از دولت اوباما عمل به موافق‌نامه‌ها بود و امیدوارند آمریکا و دیگران این خلف وعده سیاسی را، تکرار نکنند.

وی اتحادیه و پارلمان اروپا را محملی برای گسترش دمکراسی واقعی در غرب و تعمیق روابط کشورهای غربی با ایران دانست و تأکید کرد: فضای همکاری، فرصتی برای غرب ایجاد کرد تا زبان زور را برای مذاکره کنار بگذارند و دوستانه با هم بحث و گفت وگو کنند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤال یکی از اعضای هیأت پارلمانی درباره وضع حقوق بشر در ایران گفت: سند روشن ما در حقوق بشر، قانون اساسی بسیار مترقی ما است که پیشنهاد می‌کنیم برای یکبار هم که شده این قانون توسط اروپایی‌ها مطالعه شود.

وی با متضاد خواندن گفتار و رفتار حقوق بشری غربی‌ها، گفت: داشتن پایگاه یک گروه تروریستی در پارلمان اروپا که دستشان به خون مردم و مسئولان ایران اسلامی آلوده است، چه توجیهی برای دفاع از حقوق بشر دارد؟

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، درباره اوضاع سوریه که سؤال یکی دیگر از اعضای هیأت بود، گفت: حتّی قبل از درگیری‌ها، موضع ما این بود که مذاکره، تنها راه برای حل مسایل سوریه است تا مردم براساس رأی اکثریت برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره افزایش مواد مخدر در افغانستان هم گفت: افزایش چندین برابر کشت مواد مخدر در افغانستان محصول بی‌تدبیری اشغالگران است و اگر مبارزه ایران با کاروان‌های قاچاق نبود، اروپا به مراتب بیشتر از الان آلوده می‌شد.

وی با تقبیح برخی از اظهارنظرهای مسئولان غربی درباره مواد مخدر گفت: یکی از مسئولان انگلیسی می‌گفت در پاسخ به شترهای حامل مواد مخدر، ما مواد مخدر صنعتی را با هواپیما به کشورها می‌رسانیم که اعترافی بسیار زشت و عذری بدتر از گناه است.

در آغاز این دیدار، رئیس کمیته روابط با ایران در پارلمان اروپا، با ارائه گزارشی از برنامه‌های سفر به ایران و دیدار با مسئولان مختلف، گفت: پس از شش ماه، در شرایطی به ایران آمدیم که دوره جدیدی براساس درک ایده‌های متقابل شروع شده است.

خانم کرونبرگ افزود: پارلمان اروپا امیدوار است در این شرایط دفتر خود را در ایران باز کند تا پس از نهایی شدن قراردادها در دورنمای شش ماهه، همکاری‌ها گسترش یابد.

در ادامه، دیدار چهار عضو دیگر پارلمان اروپا به بیان دیدگاه‌های خود درباره مسایل مختلف پرداختند و سؤال‌هایی درباره سوریه، افغانستان، حقوق بشر، مبارزه با مواد مخدر، آینده روابط ایران با دنیا، مخصوصاً تحریم‌های جدید آمریکا پرسیدند که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤال اخیر گفت: ملت ایران این سؤال اساسی را دارند که چرا اتحادیه اروپا به دولت آمریکا اعتراض نمی‌کند و با نقض یکی از بندها، یعنی توقف تحریم‌های جدید، تعهدات مجموعه را مخدوش و امضای آن‌ها را تحقیر کرده است؟!

پیام تسلیت یادگار امام به مناسبت درگذشت آیت الله ارسنجانی

در پی درگذشت آیت الله ارسنجانی یکی از یاران دیرین امام راحل، حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی پیام تسلیتی را صادر کرد.

به گزارش جماران، متن پیام به این شرح است:

بسمه تعالی

برادر بزرگوار جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید محمد حسن ارسنجانی (دامت توفیقاته)

درگذشت فقیه مجاهد، والد ماجدتان، حضرت آیت الله آقای حاج سید محمد حسینی ارسنجانی (تاب ثراه) بی شک ضایعه ای سنگین برای روحانیت شریف استان فارس بود. آن مرحوم که همواره از زمره یاران صدیق امام راحل(س) محسوب می گردید، عمر خویش را وقف ترویج مبانی اسلام ناب محمدی(ص) و توسعه فرهنگ علوی(ع) نمود. تلاش مرحوم آیت الله ارسنجانی در دوره دفاع مقدس و پس از آن و زندگی ارزشمند ایشان قبل و بعد از انقلاب اسلامی، توشه بزرگی برای ایشان خواهد بود. اینجانب ضمن عرض تسلیت درگذشت آن مرحوم خدمت جنابعالی، بیت مکرم و همچنین خدمت روحانیت بزرگوار استان فارس و مردم عزیز آن استان، به خصوص خدمت مردم شریف شهرستان فسا، برای آن فقیه بزرگوار، علو درجات مسالت دارم.

سید حسن خمینی

اتحادیه اروپا: تحریم‌های ایران لغو می‌شوند

بقیه از صفحه اول

گفتگوی دکتر ظریف با واشنگتن پست

وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به مشکلاتی که هفته گذشته در مذاکرات هسته‌ای پیش آمد، خاطرنشان کرد که ایران ۱۰۰ درصد به توافق نهایی جامع متعهد است و در عین حال راه پرپیچ وخمی با چانه‌زنی های دشوار پیش‌روی دوطرف قرار دارد.

به گزارش ایسنا متن کامل گفتگوی یکساعته محمد جواد ظریف با دیوید ایگناتوس، خبرنگار روزنامه واشنگتن پست چنین است:

* بگذارید با اشاره به وضع مذاکرات شروع کنم. پس از این که هیات شما روز جمعه مذاکرات فنی در وین را ترک کرد، همکارتان _عباس عراقچی_ گفت که اقدام آمریکا برای تقویت اعمال تحریم‌های موجود خلاف روح توافق ژنو است و افزود که ایران در حال بررسی "یک پاسخ مناسب" است. آیا می توانید توضیح دهید که به عقیده شما موضع ایران چگونه باید باشد؟

ما بااطمینان از این که این پروسه که به شجاعت زیادی از جانب ما برای رسیدن به این توافق نیاز داشت، آغاز کردیم، به یک نتیجه رضایتبخش که همه الزامات توافق موقتی ژنو را رعایت می کند متعهد هستیم. یعنی این که در ایران برنامه غنی سازی داشته باشیم و در عین حال نگرانی ها و محدودیت‌های اعمال شده توسط جامعه بین‌المللی رفع شود. این هدف ماست. از آنجا که ما معتقدیم برنامه‌مان منحصرا برای مقاصد صلح‌آمیز است، قصد نداریم هیچگونه شک و تردیدی درباره ماهیت منحصرا صلح‌آمیز برنامه‌مان باقی بگذاریم. بنابراین از طرف ما، معتقدیم که رسیدن به توافق بسیار آسان است. البته برای رسیدن به آن به اراده سیاسی جدی و حسن‌نیت نیاز است.

اکنون اظهاراتی از واشنگتن شنیده می‌شود. ما می‌دانیم که تهران و واشنگتن و سایر اعضای گروه ۱+۵ (آمریکا، انگلیس، روسیه، فرانسه، چین و آلمان) جوامع یکپارچه‌ای نیستند. حتی حکومت‌های یکپارچه‌ای نیستند. ما دیدگاه‌های مختلفی در ایران داریم. برخی از آنها با صراحت و شدت توسط مخالفان توافق ابراز شده است تا جایی که حتی برخی از آنها خواستار کنار گذاشتن من شده‌اند. به عقیده من این در یک جامعه دموکرات که در آن نیروهای مختلف، دیدگاه‌های سیاسی مختلف و شاخه‌های مختلف دولتی که برای بررسی و ایجاد تعادل در اعمال قدرت سیاسی عمل می کنند، عادی است. همین درباره آمریکا صدق می کند. من فکر می کنم کاملا طبیعی است که قانونگذاران آمریکایی نگران باشند.

ما همه امیدواریم که هم مخالفان ما و هم مخالفان شما در آمریکا بیش از هرچیزی به فکر امنیت ملی کشورشان باشند. من این را درباره هردو طرف می گویم و فقط روی یکی متمرکز نیستم، ولی معتقدم که به دلیل سیاست بخش های مختلف داخل آمریکا و سلطه‌گری سیاست های آنها، گاهی منافع ملی در این پروسه اشتباه گرفته می‌شود؛ ولی این چیزی نیست که من باید بگویم. این یک مساله داخلی برای آمریکاست و معتقدم مردم و دولت آمریکا به خوبی از پس حل آن برمی آیند. ولی وقتی صداهایی از داخل دولت می‌شنوی که منطق مذاکرات را زیر سئوال می‌برد، این غیرقابل تحمل می‌شود، چه نقض مفاد طرح اقدام ژنو باشد و چه نباشد. ولی اگر اظهاراتی شنیده شود که با هدف مذاکرات تضاد دارد و از داخل دولت به گوش می‌رسد، این نتیجه بسیار معکوس خواهد داشت.

بنابراین ما باید توجه شرکای مذاکراتی‌مان را با شدیدترین لحن به این مساله جلب کنیم و فکر می کنم ما این کار را کردیم. این به ان مفهوم نیست که مذاکرات مرده است. این یعنی مذاکرات به مانعی برخورده است. همانطور که مارک تواین گفته است، خبر مرگ آن شدیدا اغراق شده است.

بنابراین معتقدم که باید ارزیابی مجددی درباره آنچه می‌خواهیم انجام دهیم، داشته باشیم. همه باید این کار را بکنند؛ با این دیدگاه که این موانع باید برداشته شود تا بتوانیم پیش برویم، به میز مذاکرات بازگردند. ما این کار را با حسن نیت انجام می‌دهیم، با اراده سیاسی و عزم راسخ نه فقط برای اجرای اولین گام بلکه برای رسیدن به توافق نهایی در کمترین زمان ممکن که به عقیده ما به نفع همگان است و هرگونه تلاشی برای اختلال در آن باید متوقف شود، زیرا نتیجه منفی خواهد داشت.

* آیا توضیحی از دولت آمریکا درباره معنا و هدف اظهارات دیوید کوهن، وزیر خزانه‌داری آمریکا که فکر می کنم منظورتان از اظهارات دولتی همان بود، دریافت کرده‌اید؟

ما گفتگوهای تلفنی داشته‌ایم. بگذارید این طور بگویم، ما تماس‌هایی با اعضای گروه ۱+۵ داشتیم و در چند روز گذشته درباره این مساله صحبت کرده‌ایم و من فکر می کنم این گفتگوها ادامه خواهد داشت. این اولین باری نیست که لازم دیده‌ایم که هم در گفتگوهای علنی و هم در گفتگوهای خصوصی در حاشیه مذاکرات با گروه ۱+۵ شرکت کنیم. این بدون شک یک مورد از آنهاست. من با مقامات آمریکایی و همینطور سایر مقامات گروه ۱+۵ و کاترین اشتون (رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا) صحبت کرده‌ام و همه دنبال احتمالاتی برای حرکت به جلو هستند.

* آیا آمریکایی‌ها چیزی گفته‌اند که نگرانی شما درباره این که اظهارات کوهن "روح ژنو" را خدشه‌دار کرده است، را برطرف کرده باشد؟

ترجیح می‌دهم گفتگوهای خصوصی، خصوصی باقی بمانند. دوست ندارم درگیر دیپلماسی عمومی شوم. اما چیزی که می‌توانم بگویم این که ما در گفتگوها برای اطمینان از این که همه به ژنو متعهد هستند، شرکت داریم. چیزی که من از جان کری و خانم اشتون شنیده‌ام این است که آنها به نهایی کردن زودهنگام پروسه ژنو با هدف رسیدن به یک توافق جامع متعهد هستند. من در این هدف شریکم. من مطمئنم که ما در مسیرمان به موانع دیگری بر خواهیم خورد. این یک پروسه بسیار دشوار است (نه به این دلیل که رسیدن به هدف آن دشوار است، بلکه به دلیل این که مدالیته‌های رسیدن به هدف دشوار هستند)، زیرا در ایران فقدان اعتماد وجود دارد، مردم و دولت ایران نسبت به نیات طرف مقابل شک دارند و آنها هم نگرانی هایی درباره نیات ما دارند. بنابراین این پروسه دشوار خواهد بود. مسیر پرپیچ و خمی را پیش‌رو داریم. متأسفانه نیروهایی بسیار قوی وجود دارند که سعی می کنند در این پروسه اختلال ایجاد کنند. ما باید از این مساله آگاه باشیم و باید با ذهن باز عمل کنیم.

* فقط می خواهم شفاف‌سازی کنم: شما گفتید که با کری و اشتون گفتگو کردید و احتمالا منظورتان گفتگوهای اخیر بود. درست است؟

ما هرگز ارتباطات را قطع نکردیم و گفتگوهایی انجام شده است.

* پس از اظهارات کوهن، به نظر می‌رسد که کری به شفاف‌سازی آن کمک کرد که این به شما اطمینان می‌دهد.

من سخنگوی آقای کری نیستم. می توانم بگویم که ارتباطاتی برقرار کردیم. سرگئی لاوروف (وزیر امور خارجه روسیه) به اینجا (ایران) آمده بود و ما مذاکراتی طولانی داشتیم.

* چه زمانی؟

چهارشنبه (۱۱ دسامبر) من با خانم اشتون، هم قبل و هم بعد از چهارشنبه گفتگو کردم. من با سایرین از جمله کری گفتگو کردم. یا شاید باید بگویم آنها با من ارتباط برقرار کردند.

* باراک اوباما (رئیس جمهوری آمریکا) هفته گذشته در سخنرانی‌اش در نهاد سابان در واشنگتن گفت که احتمال رسیدن به یک توافق قابل قبول و یک راه‌حل جامع را ۵۰-۵۰ می‌داند. کنجکاوم بدانم ارزیابی شما چیست و آیا فکر می کنید این یک ارزیابی منصفانه است یا ناامید کننده؟

همانطور که گفتم به عقیده من رسیدن به یک توافق چندان دشوار نیست، زیرا هدف اصلی چیزی نیست که مجادله آمیز باشد. این مسیر پرپیچ و خم خواهد بود و بسته به اراده سیاسی طرف‌های دخیل در آن و تأثیر سیاست‌های نهادهایی که در این مذاکرات حضور داشته‌اند، ممکن است به توافق برسیم یا نرسیم. من نمی توانم عددی برای آن تعیین کنم. من اهل قمار نیستم، بنابراین نمی توانم رقمی روی آن بگذارم. ولی ما با هدف حل ۱۰۰ درصدی این موضوع این پروسه را آغاز کردیم. ولی ما همیشه محدودیت‌های خود را داریم. هرکسی نگرانی هایی دارد که باید رفع شود و ما برای حل نگرانی های معقول آماده‌ایم.

* اجازه بدهید درباره مسائل مشخصی که هم توسط اوباما و هم توسط مقامات دولتی مطرح شده است صحبت کنم. توافق موقتی می گوید که تحت راه‌حل "جامع" "ایران حق برنامه هسته‌ای غیرنظامی تحت معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان.پی.تی) را دارد و در بخش دیگری می گوید که راه‌حل جامع شامل توانایی غنی‌سازی تحت محدودیت‌ها و شفافیت‌ها خواهد بود. بنابراین چیزی که مقامات آمریکایی می گویند این است که این پایه و اساس (توافق) است. ولی ما فکر می کنیم که راکتور آب سنگین اراک و هر راکتور آب سنگین دیگری انسجامی با نیازهای یک برنامه غیرنظامی ندارد؛ ما فکر می کنیم که ۱۹ هزار سانتریفیوژ انسجامی با یک برنامه غیرنظامی محدود که در توافق ژنو شرح داده شد ندارد؛ ما فکر می کنیم که تأسیسات مستحکم شده در داخل یک کوه در فردو انسجامی با یک برنامه غیرنظامی محدود ندارد. سؤال این است: در اطمینان دادن به گروه ۱+۵ درباره اینکه ایران به دنبال یک برنامه غیرنظامی محدود است، آیا شما آماده مذاکره درباره محدودیت‌ها در زمینه نکاتی که گفتم هستید؟

تکرار می کنم، من باور ندارم که ما لازم است به طورعلنی مذاکره کنیم. مذاکرات بهتر است به صورت خصوصی صورت بگیرد. ولی بگذارید به حقایقی در این زمینه اشاره کنم. اول این که این گفتگوها بر مبنای چند اصول قرار دارند که باراک اوباما در نامه‌هایش هم به رهبر معظم ایران و هم به حسن روحانی (رئیس جمهوری ایران) مطرح کرد. منظور از این اصول، اصل برابری، احترام متقابل و منافع دوجانبه است. بنابراین ما باید این مذاکرات را براساس این اصول انجام دهیم. یعنی باید به درک متقابل برسیم و سعی نکنیم چیزی را تحمیل کنیم. همانطور که می‌دانید ایرانیان هرگز دستورات نیروهای خارجی را نپذیرفته‌اند و این مساله هم از این قاعده مستثنی نیست. فشاری که اعمال شده است و آمادگی زندگی کردن با این فشار نشاندهنده خودداری ایران از پذیرش فشار و ارعاب است. بنابراین اصل برابری مساله مهمی برای ماست.

* منظورتان از اصل برابری چیست؟ یک توضیح ساده ارائه کنید.

یک توضیح ساده این است که ما درصدد تحمیل این که یک راه‌حل باید چگونه باشد به آنها برنخواهیم آمد و علاوه بر آن راه‌حلی را که آنها به ما تحمیل کنند نخواهیم پذیرفت. ما قرار است نگرانی ها درباره این که ایران سلاح هسته‌ای تولید نمی کند یا شرایطی را ایجاد نمی کند که نگرانی هایی درباره یک برنامه هسته‌ای تسلیحاتی ایجاد کند را رفع کنیم. راه‌های زیادی برای حل این مساله وجود دارد و ما به آنها خواهیم پرداخت.

اصل دوم که باید در ذهن نگهداشته شود این که اگر بخواهید در هر مذاکره‌ای به توافق برسید باید از دیدگاه طرف مقابل به مشکلات نگاه کنید. نه فقط از دیدگاه خودتان. من همه را دعوت می کنم از دیدگاه ما به این مشکل نگاه کنند. در آن صورت احتمالا یک راه‌حل ساده‌تر خواهیم یافت. من آماده‌ام که از دیدگاه شما یعنی از دیدگاه غرب به این موضوع نگاه کنم.

بیایید از غنی‌سازی شروع کنیم. ایران تصمیم نگرفت غنی‌سازی کند. ایران مجبور شد غنی سازی کند، زیرا ما سهمی در کنسرسیومی در فرانسه به نام "یورودیف" داشتیم که هزینه آن را کامل پرداخت کرده بودیم، ولی نتوانستیم حتی یک گرم اورانیوم غنی شده حتی برای راکتور تحقیقاتی‌مان که تحت برنامه "اتم‌ها برای صلح" آیزنهاور (رئیس جمهوری پیشین آمریکا) ساخته شده بود، دریافت کنیم. ما تصمیم نگرفتیم اورانیوم را تا ۲۰ درصد غنی‌سازی کنیم. ما را تحت ارعاب قرار دادند، به ما توهین کردند و آن قدر این طرف و آن طرف کشاندند که گفتیم خودمان این کار را خواهیم کرد: چنین رفتاری را از جانب کسی تحمل نخواهیم کرد!

این به این مفهوم نیست که اگر آنها اکنون به ما سوخت بدهند، ما آن را خواهیم پذیرفت، زیرا این سرمایه‌گذاری را در داخل انجام داده‌ایم و علاوه بر آن اعتمادی نداریم. سوم این که اکنون دلیلی برای انجام این کار نمی‌بینیم، زیرا وقت و تلاش زیادی را صرف آن کرده‌ایم و آنها را به جایی رسانده‌ایم که توهم غنی‌سازی صفر در ایران را کنار بگذارند، بنابراین چه دلیلی دارد چیز کمتری را بپذیریم.



اعضای هیات پارلمانی اروپا که به تهران سفر کرده اند، عصر دیروز با دکتر ظریف دیدار کردند

* ولی آیا محدودیت‌هایی را برای میزان غنی‌سازی خواهید پذیرفت؟

درباره این مساله با آنها صحبت خواهیم کرد. راه‌های مختلفی وجود دارد. محدودیت‌ها به نوبه خود هدف نیست. هدف اطمینان از این است که این برنامه برای مقاصد صلح‌آمیز است و این به وضوح اعلام شده است. هدف رفع نگرانی‌ها نیست، بلکه اطمینان از این است که این برنامه برای مقاصد صلح‌آمیز است. به روش‌های مختلفی می‌توان این کار را انجام داد. ما درباره این روش‌ها صحبت خواهیم کرد و به یک توافق در این زمینه خواهیم رسید، زیرا این باید مورد توافق دوجانبه قرار گیرد. ما معتقدیم که می‌توان به یک توافق رسید.

اکنون بیایید به سراغ مساله دوم یعنی راکتور اراک برویم. ما گزینه‌ای را ارائه کردیم. همه برنامه‌هایی که ایران دارد ابتدا از غرب درخواست شده بود و آنها درخواست ما را رد کردند و پس از آن ما به فن‌آوری خود تکیه کردیم. ما نمی‌خواستیم در ساخت همه این راکتورهای تحقیقاتی از صفر شروع کنیم. ما می‌خواستیم از فن‌آوری آن استفاده کنیم. همه دوست دارند از فن‌آوری پیشرفته استفاده کنند. ولی این فن‌آوری از ما دریغ شد و این نقض معاهده ان.پی.تی بود زیرا این معاهده کشورها را ملزم می‌کند که انرژی برای مقاصد صلح‌آمیز تولید کنند. این فقط یک حق نیست یک الزام است. یک وظیفه است. بنابراین آنها، یعنی همه کشورهای غربی حداقل در ۲۲ سال گذشته - از سال ۱۹۹۰ - معاهده ان.پی.تی را نقض کرده‌اند. متأسفانه هیچگونه قضاوت رسمی درباره نقض این معاهده وجود ندارد، زیرا ماده‌های مختلف آن تحت هیچ مکانیزم نظارتی قرار ندارند. در حالی که باید اینطور باشد، زیرا معاهده ان.پی.تی بر سه ستون استوار است و یکی از آنها استفاده صلح‌آمیز و دیگری منع اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای است. بیایید درباره خلع سلاح صحبت نکنیم، زیرا سوابق آن چندان قابل توجه نیست.

ایران راکتور آب سبک دریافت نکرد. ما مجبور شدیم با اطلاعاتی که داشتیم سرمایه‌گذاری را آغاز کنیم. این به این مفهوم نیست که ما یک راکتور آب سنگین می‌خواستیم، چون می‌توان از آن پلوتونیوم استخراج کرد. دلیل آن این بود که در زمانی که کار را آغاز کردیم این تنها فن‌آوری بود که در دسترس ما قرار داشت.

مذاکرات برنامه هسته ای ایران نمرده است

وزیر امور خارجه در گفتگو با شبکه خبری سی‌بی‌اس هم گفت که مذاکرات درباره برنامه هسته ای ایران نمرده، اگرچه ایران از دور جدید تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا عصبانی است.

ظریف با اشاره به اقدام وزارت خزانه داری آمریکا که روز پنج شنبه فهرست سیاهش علیه شرکت‌ها و افراد ایرانی را گسترش داد، گفت که این اقدام بسیار اشتباهی بود که او را "غمگین" کرده است.

وی افزود: ما به طرح اقدام و اجرای توافق ژنو متعهد یم، ولی معتقدیم که برای این کار تمایل هر دو طرف لازم است.

این پروسه از مسیر خارج شده است، ولی نمرده است. ما در تلاشیم آن را در مسیر قبلی قرار دهیم و این مسیر را اصلاح کنیم و مذاکرات را ادامه دهیم، زیرا معتقدم پای منافع زیادی برای دو طرف در میان است.

ظریف در بخش دیگری از این گفتگو در پاسخ به سئوال خبرنگار درباره رابرت لوینسون، مامور پیشین اف‌بی‌آی که واشنگتن مدعی است در ایران گم شده است و آسوشیتدپرس گزارش داد که از طرف آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برای جمع آوری اطلاعات به ایران سفر کرده بود، گفت: من از جای او خبر ندارم. آنچه ما می‌دانیم این است که وی در ایران زندانی نشده است.

ظریف گفت که اگر لوینسون پیدا شود، ایرانیان درباره این که آیا او را به آمریکا بازمی‌گردانند "مطمئنا گفتگو خواهند کرد".

وزیر امور خارجه ایران ادامه داد: هر احتمالی وجود دارد، اما من می‌گویم که ما ردی از وی در ایران ندیده‌ایم.

* ولی اکنون؟

ما نمی توانیم زمان را به ۲۰ سال پیش برگردانیم و از ایران بخواهیم از شر پروژه‌ای که سرمایه‌گذاری انسانی و مادی گسترده‌ای روی آن صورت گرفته است، خلاص شود. اما روش های مختلفی برای اطمینان از این وجود دارد که این راکتور منحصرا صلح‌آمیز باقی خواهد ماند، زیرا این هدف ماست. روش‌های مختلفی وجود دارد برای این که مطمئن شویم می‌توانیم به ایزوتوپ رادیویی دست یابیم. ما امروزه هم نمی توانیم ایزوتوپ رادیویی را از بیرون تهیه کنیم، بنابراین باید خودمان آن را بسازیم.

* بنابراین اگر راهی وجود داشته باشد که ایزوتوپ رادیویی بسازید و نگرانی ها درباره بازفرآوری پلوتونیوم را رفع کنید ...

درباره راکتورهای آینده، اگر آنها روش هایی را در اختیارمان بگذارند که نیازهایمان را برطرف کنیم اشکالی ندارد. درباره راکتور فعلی، باید درباره روش های علمی مختلف و حل این مساله گفتگو کنیم و ما آمادگی حل این مساله را داریم. این را به صورت مکتوب می نویسیم و همیشه به قول‌های‌مان عمل خواهیم کرد. ما قول دادیم که مساله اراک را حل کنیم و مساله اراک را حل خواهیم کرد.

بیایید به سراغ مساله سوم برویم: فردو. اگر در ایران بنشینید و کسانی را ببینید که نگرانی هایی درباره فردو دارند، تنها نتیجه‌گیری که می توانید به آن برسید این است که آنها می خواهند به شما حمله کنند. اهمیت فردو در چیست؟ فردو تاسیساتی است که به طور روزانه تحت بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد. روزانه! بنابراین ما نمی توانیم کاری در فردو انجام دهیم. تنها تفاوت فردو با تاسیسات غنی‌سازی در نطنز این است که به فردو نمی توان حمله کرد. بنابراین اگر پافشاری کنید که ما باید فردو را برچینیم یا کاری با فردو انجام دهیم، این یعنی کسی قصد حمله نظامی دارد و من باید بگویم که حمله نظامی نقض اساسی‌ترین اصول قوانین بین‌الملل است. منظورم این است که چنین کاری مبنای مذاکره نیست. من نباید مذاکراتی را قبول کنم که مبنای آن نقض قوانین بین‌الملل است. چه برسد به منافع ایران. بنابراین آنها من را مجبور می کنند مساله‌ای را بررسی کنم که به صورت اساسی غیرمنطقی است.

* باز هم راهی برای رفع این نگرانی وجود دارد ...

راه‌هایی برای رفع نگرانی وجود دارد، زیرا ما نمی‌خواهیم این برداشت را ایجاد کنیم که ایران یک برنامه تسلیحاتی دارد. این به نفع ما نیست. ما سیاست ابهام را دنبال نمی کنیم؛ این قصد ما نیست. ما سیاست شفاف‌سازی را دنبال می کنیم، این که به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. اگر شما ما را یک کشور مذهبی می‌دانید پس حداقل مبنا و اساس پایه‌گذاری یک کشور مذهبی را به رسمیت بشناسید. عالی‌ترین اصل در یک کشور مذهبی این است که وقتی عالی‌ترین مجتهد آن کشور فتوایی را صادر می‌کند، این فتوا قابل نقض نیست. فتوا این است که تسلیحات کشتار جمعی خلاف اصول اسلامی و حرام هستند. بنابراین این ابهامی را باقی نمی‌گذارد. ما آماده‌ایم که این شفافیت را عملی کنیم، زیرا ما علاقه‌ای به باقی گذاشتن هیچ ابهامی نداریم. ولی ما هیچ چیزی را که به ما تحمیل شود نخواهیم پذیرفت. ما قصد داریم درباره همه مسائل در چارچوب توافق ژنو مذاکره کنیم، ولی بر اساس اصل برابری و احترام متقابل. ما آماده‌ایم خود را جای شما بگذاریم و در عین حال از شما می‌خواهیم به محدودیت‌های ما احترام بگذارید. از ما نخواهید که به شما یک تحلیل اقتصادی از این که چرا غنی‌سازی در ایران امکانپذیر است، بدهیم زیرا این درباره ما صدق نمی‌کند. قابلیت اقتصادی برای ما مساله نیست، مساله اصلی برای ما فقدان (فناوری) است. وقتی دسترسی به چیزی ندارید، مشکل مالی مطرح نیست.

* مایلم به سراغ مسائل منطقه‌ای بروم. من مطمئنم که شما به عنوان وزیر امور خارجه تحولات سوریه را دنبال می‌کنید. یک علاقه روزافزون به این که آیا ایران آماده کار کردن با سایر کشورها از طریق پروسه تحت حمایت روسیه و آمریکا در ژنو برای رسیدن به یک انتقال سیاسی در سوریه است یا خیر، وجود دارد. مثالی برایتان می‌زنم: در تاریخ ۲۱ نوامبر نمایندگان ایران، عربستان، روسیه و آمریکا با ولری آموس، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور انساندوستانه دیدار کردند تا درباره امدادرسانی احتمالی گفتگو کنند. بنابراین این سئوال برایم پیش آمده است که آیا ایران آمادگی دارد در یک پروسه گسترده‌تر شرکت کند که می‌تواند یک کریدور کمک‌های انساندوستانه را به مرکز حمص باز کند یا خیر و این که چه گام‌های دیگری امکان‌پذیر است؟

بگذارید تلاش کنم سئوالات مختلف را جواب دهم. اول درباره ژنو ۲؛ ما با صراحت گفته‌ایم که ایران معتقد است راه‌حلی نظامی برای سوریه وجود ندارد. گرچه این ممکن است کاملا آشکار باشد، فکر نمی کنم همه بازیکنان منطقه این را باور داشته باشند.

* آیا بشار اسد این را باور دارد؟

اسد معتقد است که در نهایت به یک راه‌حل سیاسی نیاز است. ولی من معتقدم که کسانی که خواستار اقدام نظامی آمریکا هستند از این که آمریکا تصمیم گرفت در چارچوب قوانین بین‌الملل عمل کند و نه خارج از آن، ناامید شدند. آنها خواستار یک راه‌حل نظامی بودند، ولی ما همگی امیدواریم که همه عقلشان سر جایشان بیاید و این حقیقت را که راه‌حل نظامی وجود ندارد درک کنند. ما به یک راه‌حل سیاسی نیاز داریم. ما گفته‌ایم که اگر دعوت شویم، در ژنو ۲ شرکت خواهیم کرد و به رسیدن به آن راه‌حل سیاسی علاقه‌مندیم.

* آیا ژنو ۱ (توافق ۲۰۱۲ که خواستار انتقال سیاسی است) را به عنوان آغاز این پروسه می‌پذیرید؟

ما هیچ پیش‌شرطی را قبول نخواهیم کرد، نه به این دلیل که با چیزی مشکل داریم، بلکه به عنوان یک اصل. ما معتقدیم که لزومی ندارد ایران پیش‌شرطی را قبول کند، زیرا اگر بخواهید ایران نقش مثبتی ایفا کند آنگاه ایران را دعوت خواهید کرد. اگر نخواهید ایران نقش مثبتی را ایفا کند و آنجا باشد، آنگاه کسی دنبال دعوت شدن نیست. بنابراین من به دنبال دعوت شدن نیستم. بدون شک هیچ پیش‌شرطی را نخواهم پذیرفت.

ما همگی می‌دانیم که توافقی در ژنو باید صورت گیرد و این توافق باید یک توافق سوری باشد. بقیه نمی توانند برای سوریه تصمیم بگیرند. بقیه تنها می‌توانند یک راه‌حل سوری را بر مبنای موافقت مردم سوریه تسهیل بخشند. من معتقدم در نهایت بهترین راه برای پایدار کردن این موافقت از طریق صندوق‌های رای است و ما نباید از صندوق‌های رای بترسیم. من نگران این هستم که کسانی که به اصول دموکراتیک اعتقاد داشتند نگران نتیجه انتخابات هستند و در تلاشند پیش شرط‌هایی را مطرح کنند.

ما معتقدیم که باید نگرانی‌های همه طرف‌های دخیل را در نظر بگیریم. اگر می‌خواهید بیانیه‌های سیاسی ابراز کنید، این یک مساله است. ولی اگر می‌خواهید به انسان‌هایی که در بخش‌های مختلف سوریه هستند و تحت محاصره یک طرف یا طرف دیگر قرار دارند کمک کنید، باید مکانیزم‌هایی را پیدا کنید که قابل اجرا باشد.

*بگذارید سئوالی را صریحا بپرسم: برخی افراد می گویند که آشکار است که روحانی و ظریف اختیار مذاکره درباره پرونده هسته‌ای را دارند ولی پرونده منطقه‌ای در دستان سایرین به ویژه سپاه پاسداران قرار دارد. پاسخ شما چیست؟

من مخالفم. در ایران تصمیم گیری درباره امور خارجی پروسه‌ای است که با اتفاق نظر همراه است. رهبری ایران و شورای عالی امنیت ملی ایران در همه مسائل دخیل هستند و رئیس‌جمهور بازیکن اصلی است، ولی این کار را با موافقت رهبری انجام می‌دهد. بنابراین من با حرف شما موافق نیستم. دولت در همه مسائل سیاست خارجی اختیار دارد، ولی طبق قانون اساسی، این اختیار در چارچوبی قرار دارد که باید از سطوح مختلف گفتگوها و مشورت‌ها رد شود و ما بر اساس احترام به قوانین این کشور که محدوده‌های خاصی از اختیار را ایجاد می‌کند، این سطوح را پشت سر می گذاریم.

* من این سئوال را تا حدودی به دلیل اظهارات سردار جعفری که هفته گذشته شخصا از شما انتقاد کرد و این دیدگاه را تقویت کرد که دو دیدگاه، دو گروه و دو پرونده وجود دارد، مطرح کردند.

من معمولا سعی نمی کنم به اظهاراتی که در خارج از چارچوب سخنرانی‌ها و اظهاراتم مطرح می‌شود پاسخ دهم و نمی‌خواهم بدون درک کل متن این اشتباه را مرتکب شوم و درباره اظهارات فرد دیگری اظهارنظر کنم. من به اظهارات و دیدگاه‌های سردار جعفری احترام می‌گذارم و این انتظار را دارم که در دیدگاهش با من تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. نه دیدگاه‌هایی که من مطرح می‌کنم، نه دیدگاه‌هایی که او مطرح می‌کند، دیدگاه‌های رسمی دولت ایران یا سازمان‌هایی که ما نماینده آن هستیم، نیست. ما سخنرانی هایی می‌کنیم و دیدگاه‌هایمان را مطرح می‌کنیم و بعد پروسه‌ای بر اساس ایجاد اتفاق نظر جمعی آغاز می‌شود که ما در آن به مناظره و گفتگو و گاهی مناظرات داغ می‌پردازیم و پس از آن به یک اتفاق نظر جمعی می‌رسیم که به آن متعهد خواهیم بود و بر اساس آن مسئولیت‌هایی خواهیم داشت.

* مایلم درباره تغییر مسیر تاریخ مدرن که شما در حال گذران آن هستید، صحبت کنم. توصیفی که هنری کیسینجر (وزیر امور خارجه پیشین آمریکا) برای آن ارائه کرده این است برای این که این چرخش اتفاق بیفتد ایران باید یک ملت باشد، نه یک آرمان. باید مانند ملتی عمل کند که منافعی دارد، به دنبال احترام است، به دنبال برابری است، نه به صورت یک جنبش انقلابی که باعث ناآرامی سایرین می‌شود. بگذارید صریحا از شما بپرسم: آیا ایران امروزه یک ملت است یا یک آرمان؟

من معتقدم دوگانگی غلط است، مخصوصا وقتی از جانب آمریکا باشد. من از شما می‌پرسم: آمریکا یک ملت است یا یک آرمان؟ شما رفتار آمریکا را چگونه توصیف می‌کنید؟ آیا آمریکا تنها یک کشور است یا هدفی دارد؟ آرمان‌هایی دارد؟ باید در چارچوب درست به این مساله نگاه کرد. من معتقدم که همه کشورها آرمان‌ها و منافعی دارند. به عقیده من دوگانگی بین منافع و آرمان‌ها وجود ندارد. معتقدم که آمریکا منافع و آرمان‌هایی دارد. به عقیده من آرمان‌ها و منافع یکدیگر را پوشش می‌دهند، نه این که از هم فاصله بگیرند. ولی ایران به اصول قوانین بین‌الملل متعهد است. ما به دنبال ایجاد اختلال در هیچ دولتی نیستیم. ما به دنبال دخالت در امور داخلی هیچ کشوری نیستیم.

بقیه در صفحه ۱۶

یادداشت

عظمت از یاد نبردن و بخشیدن

دکتر رضا داوری اردکانی، رییس فرهنگستان علوم

آکادمی علوم آفریقای جنوبی نامه‌ای به رؤسای آکادمی‌های علوم جهان نوشته و در آن پس از ادای احترام به نلسون ماندلا، او را حامی بزرگ علم و نمونه وطن‌دوستی دانسته است. این نامه تذکری بود که من هم در باب این مرد بزرگ چند سطری بنویسم. ماندلای سیاستمدار بیش از آنکه به سیاست وابسته باشد، به نحوی از آزادی اخلاقی رسیده بود. شأن و مقام سیاسی و مجاهدت‌های آزادیخواهانه ماندلا بزرگ و ستودنی است اما اگر بپرسند او نام و عزت و بزرگی خود را از کجا یافت، آن را در بیرون از سیاست یا در فرا رفتن از مرزهای سیاست باید جست. سیاست، میدان اختلاف و جنگ است و ماندلا مرد صلح و دوستی و بخشش در عین تحمل درد بود.

بعضی از صاحبنظران، زمانه ما را زمانه کینه‌توزی دانسته‌اند. اگر در آغاز قرن بیستم قبول این نامگذاری دشوار بود، اکنون نشانه‌هایی از تأیید آن در همه‌جا آشکار شده است. کین‌خواهی همیشه بوده است. کین‌توزان هم همواره اینجا و آنجا آتش کینه می‌افروخته‌اند اما تا زمان‌های جدید هرگز کین‌توزی عنصر تعیین کننده در نظام تاریخ و زندگی مردمان نبوده و سیاست با آن قوام نمی‌یافته است. اکنون هم نمی‌توان جان مردمان را یکسره مسخّر کین‌توزی دانست یا لااقل این را نمی‌توان انکار کرد که عنصر کین‌توزی با چیزی از وجود تاریخی مردمان در تعارض است. جهان جدید غربی که همه تاریخ‌ها را پوشانده و اصول اساسی‌اش اعم از اینکه به آزمایش جان درک شده یا نشده باشد در همه جای جهان راهنمای فکر و عمل شده است، هم کین‌توزی را می‌خواهد و هم آنرا نمی‌خواهد.

این تاریخ و پروردگانش، حتی پروردگانی که خود را مخالف قهر جهان جدید می‌دانند، کم و بیش مسخر کین‌توزی‌اند. البته در راه این تاریخ درنگ‌ها و تأمل‌هایی نیز وجود دارد. تواناترین و مصمم‌ترین کسانی که در این راه می‌روند، علمداران کاروان خود می‌شوند. عزت و ماندگاری هم از آن رهروانی است که قدرت درنگ و ایستادن دارند و می‌توانند دیگران را به درنگ وادارند. ماندلا از این قدرت برخوردار بود. شاید روشی که ماندلا و پیش از او گاندی پیش گرفتند در نظر کسانی سازشکاری سیاسی تلقی شود و البته اگر بخواهند با صرف موازین خشک ایدئولوژیک درباره آنها حکم کنند آنها سازشکار بوده‌اند اما گاندی و ماندلا از آن رو به سیاست پرداختند که راه آزادی از سیاست می‌گذشت و می‌گذرد.

آنها در حصار و حبس سیاست نبودند که سیاست‌بینان درباره آنها بتوانند حکم کنند. بلکه از آنجا بیرون آمدند تا سیاستی را که بر مدار کین‌توزی می‌چرخد، مخاطب قرار دهند و بگویند و فقط بگویند که آدمی در روی زمین، آزاد از کین‌توزی نیز می‌تواند به سر برد. (تلقی کین‌توزی به عنوان اصل راهنما و ره‌آموز به تاریخ جدید تعلق دارد هرچند که بیشتر مظاهر شناخته شده آن به بیرون از جغرافیای غرب سیاسی تعلق دارد. به هرحال متذکر باشیم که حتی بنیانگذاران تاریخ غربی (و مثلا ارسطو) بنای سیاست و مدینه را بر فیلیا به معنی دوستی می‌گذاشتند) اگر محبوبیت و عزت ماندلا در جغرافیای آفریقا و به طور کلی در جهان استعمار زده محدود می‌ماند، او صرفاً یک مبارز بزرگ ضد استعمار و ضد تبعیض نژادی بود اما وقتی او از دنیا رفت، دیدیم که امریکا و اروپای غربی، راست و چپ، شمال و جنوب، سفید و سیاه همه به احترام این آفریقایی ساده و بزرگ به پا خاستند و در برابر عظمت روحش تعظیم کردند.

دوباره بپرسیم او این عظمت را از کجا آورده بود؟ سیاستمدار اگر دشمن را ببخشد پیروانش بر او خرده می‌گیرند و شاید از پیروی‌اش رو بر گردانند زیرا سیاست یا لااقل وجهی از سیاست دنیای جدید به تعبیر کارل اشمیت با تعیین خصم (و شاید با افروختن آتش کینه) قوام می‌یابد اما در سخن صلح و دوستی و بخشش ماندلا سرّی بود که نه فقط سیاه‌پوست‌ها و سفیدپوست‌های آفریقای جنوبی آن را پذیرفتند بلکه این سخن که نشانی از آینده دارد، در گوش همه مردم جهان اثر کرد.

زبان ماندلا زبان آزادی از قهر و خشونت و کینه توزی زمانه بود و عجب نیست که این سخن در گوش جان مردمی که اکنون دیگر نه کین‌توزی پنهان بلکه صورت عریان آن را به چشم می‌دیدند و به جان می‌آزمودند، نشست و اثری برجا گذاشت که هنوز درباره آن حکم روشن نمی‌توان کرد.

من گاهی فکر می‌کنم که اگر ماندلا نبود (با این که گاندی و مارتین لوترکینگ و ... بوده‌اند) آفریقایی‌زاده‌ای مثل باراک - حسین - اوباما به ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا نمی‌رسید (استدعا می‌کنم نفرمایید که اوباما با اسلاف خود فرقی ندارد. من حرف سیاسی نمی‌زنم و معتقد نیستم که ماندلا سیاست را در مسیر دیگری انداخته است بلکه به تحولی می‌اندیشم که در امریکای پر از تعصبات نژادی و در همه جهان روی داده و شاید بخشش ماندلا در این تحول بی‌اثر نبوده است) و چگونه ممکن بود در کشوری که تا ۵۰ سال پیش بر سر در بعضی رستوران‌ها و فروشگاه‌ها و هتل‌هایش می‌نوشتند «سیاهپوست و سگ وارد نشود»، یک سیاهپوست شخص اول آنجا و در رأس قدرتمندترین کشور روی زمین باشد.

ما عادت کرده‌ایم که همه چیز را عادی ببینیم و دیگر از هیچ چیز تعجب نمی‌کنیم. ماندلا با بها ندادن بیش از حد به قدرت سیاسی و آزادی از ضرورت‌های سیاست رسمی، به قول شاعر (مفتون امینی) از وجدان زمانه و بخصوص از وجدان مردم کشورهای صاحب قهر و قدرت، غرامت گرفت. «غرامتی با شکوفه‌های صلح و نه با گلوله‌های انتقام».

بعد از آنکه ماندلا به سفیدپوستان آفریقای جنوبی گفت بمانید تا کشورمان را با هم بسازیم و بخصوص وقتی همه دیدند که او به مقام و قدرت سیاسی دل نبسته است و می‌تواند به آسانی از سیاست رسمی کناره گیرد، پوست سیاه در همه جهان و مخصوصاً در امریکا جلوه و جایگاه دیگری پیدا کرد.

ماندلا انقلاب نکرد و طرح جهانی دیگر جز آنچه هست درنینداخت اما شاید او در شب سیاهی که تمیز ستمکش از ستمگر و بیداد از داد و بی‌خردی از خرد و ... دشوار است و عدل و عدالت و خرد و آزادی و صلح به صرف حرف مبدل شده است، درخشش بارقه‌ای را دیده باشد که فضای آزاد ورای محدوده ضرورت‌ها را در لحظاتی روشن کرده بود. ماندلا یک نشانه بود. نشانه امکان گذشت از چارچوبی که تاریخ ما در آن می‌گذرد. شاید بزرگی او هم در نشانه بودنش بود. نشانه یک امکان دیگر، امکان اینکه یک بار دیگر زندگی آدمی بر مبنای دوستی و نه قهر و کین‌توزی بنا شود. امکانی که هرچند طلب آن آغاز شده است هنوز از آن دوریم و به آسانی محقق نمی‌شود.

ما هنوز به دشواری می‌توانیم عظمت بخشش در زمان غلبه کین‌توزی را چنان که باید دریابیم ولی می‌توانیم فکر کنیم که شاید کیمیای بخشش بود که در مس وجود این سیاهپوست ساده درآمیخت و به او بزرگی بخشید. در مدت ۷۰ سالی که من پیروزی و شکست و مرگ نامداران بزرگ از گاندی تا ماندلا را به یاد می‌آورم، می‌بینم هر یک از این نامداران بر حسب بزرگی‌شان در حد انتظار مورد احترام قرار گرفته‌اند. ماندلا نه شاعر و نویسنده بود و نه پیشوای دین و سیاستمدار مستقر در رأس قدرت. او مجاهدی ساده و نجیب و آزاده و بخشنده و البته آموزگار بخشندگی بود.

آیا جهان اکنون به بخشش و گذشت و آزادی بیش از همیشه نیاز دارد که به یکی از صاحبان این گوهرها این چنین حرمت می‌گزارد. به این پرسش قدری بیشتر بیندیشیم و از یاد نبریم که وقتی هزار زخم و درد در تن و دل و جان مردم آسیا و آفریقا و امریکای لاتین و جاهای دیگر هنوز تازه است، بخشیدن کار آسانی نیست اما ماندلا هنری داشت که با همه دردهایش می‌توانست بر کینه غلبه کند و مظاهر ستمگری را ببخشد و به همین جهت بزرگ بود.

پیام تبریک دکتر روحانی به مناسبت سالگرد استقلال جمهوری قزاقستان

رئیس جمهوری در پیامی سالگرد استقلال جمهوری قزاقستان را به رئیس جمهوری، دولت و ملت این کشور تبریک گفت.

متن پیام حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای نور سلطان نظربایف

رئیس جمهوری قزاقستان

فرا رسیدن بیست و دومین سالگرد استقلال جمهوری قزاقستان را به جنابعالی، دولت و ملت آن کشور صمیمانه تبریک می گویم.

امیدوارم در پرتو مساعی مشترک و در دهه سوم استقلال قزاقستان، روابط دوستانه فی‌مابین در تمامی زمینه‌ها و در چارچوب منافع متقابل بیش از پیش گسترش یابد.

از خداوند متعال، سلامتی و موفقیت آن جناب و بهروزی و سرافرازی ملت قزاقستان را مسألت دارم.

حسن روحانی
رئیس جمهوری اسلامی ایران

چند انتصاب در ریاست جمهوری

رئیس جمهوری در احکام جداگانه‌ای اعضای کمیته ماده (۷۶) قانون برنامه پنجم توسعه، اعضای جدید شورای رقابت و رئیس کارگروه ملی بیابان‌زدایی را منصوب کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، دکتر حسن روحانی در احکامی دکتر عباس آخوندی و دکتر الهام امین‌زاده را به عنوان اعضای کمیته ماده (۷۶) قانون برنامه پنجم توسعه، دکتر رضا شیوا و دکتر فرهاد خداداد کاشی را به عنوان اعضای شورای رقابت و مهندس محمود حجتی وزیر جهاد کشاورزی را به عنوان رئیس کارگروه ملی بیابان‌زدایی منصوب کرد. رئیس جمهوری در این احکام، توفیق افراد فوق را در انجام شایسته وظایف محوله با رعایت اصول قانونمداری، اعتدال‌گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید در خدمت به اسلام و ملت شریف ایران از خداوند متعال مسألت کرده است.

حدیث روز

امام صادق علیه السلام:

اَلرَّوحُ وَ الرّاحَةُ فِی الرِّضا وَ الیَقینِ وَ الهَمُّ وَ الحَزَنُ فِی الشَّکِّ وَ السَّخَطِ؛

خوشی و آسایش، در رضایت و یقین است و غم و اندوه در شکّ و نارضایتی.

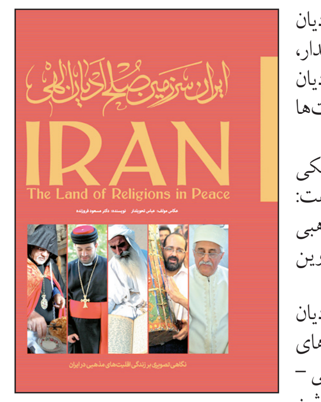
رونمایی از ۱۱۰ اثر پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی



با تجلیل از خانواده حجت‌الاسلام والمسلمین شهید انصاری رایزن فرهنگی ایران در بیروت، از ۱۱۰ اثر پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی رونمایی شد.

به گزارش ایسنا، طی مراسمی از آثار و دستاوردهای پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با حضور دکتر حداد عادل، آیت‌الله اراکی، محمدباقر خرمشاد، دهشیری و جمعی از فعالان عرصه فرهنگی و تبلیغی داخل و خارج کشور رونمایی شد. محمدرضا دهشیری معاون پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با ارائه گزارشی از نحوه انتخاب آثار برتر و تعداد آنها خاطرنشان کرد: دو دبیرخانه علمی و اجرایی آثار و محصولات پژوهشی همکاران و رایزنان فرهنگی را مورد ارزیابی و بررسی قرار دادند که براساس آن ۱۱۰ اثر برگزیده و در این مراسم رونمایی می‌شود. وی افزود: برای نخستین بار سه وبلاگ مرتبط با فعالیت‌ها و اهداف سازمان، سه پایان‌نامه، سه مقاله و دو کتاب به عنوان آثار برتر و شایسته تقدیر انتخاب شدند.

«ایران سرزمین صلح ادیان الهی» امروز در خانه هنرمندان رونمایی می‌شود



کتاب عکس «ایران، سرزمین صلح ادیان الهی» با عکس‌هایی از عباس تحویلدار، امروز با حضور روحانیان ارشد ادیان گوناگون در ایران و نمایندگان این اقلیت‌ها در خانه هنرمندان رونمایی می‌شود.

به گزارش ایبنا رامین احمدی، یکی از دست‌اندرکاران انتشار این کتاب گفت: این کتاب عکس با موضوع ادیان مذهبی در ایران در ۳۰۴ صفحه و پنج فصل تدوین شده است.

وی افزود: «ایران، سرزمین صلح ادیان الهی» نگاهی تصویری به زندگی اقلیت‌های مذهبی ایران است و در آن مراکز مذهبی ـ تاریخی، زندگی روزمره، مراسم‌های جشن و عزاداری و سنت‌هایشان به تصویر کشیده شده است.

احمدی تصریح کرد: زندگی زرتشتی‌ها، کلیمیان، مندائیان، عاشوریان و ارامنه این پنج فصل را شامل می‌شود که تاریخ این مراسم‌ها و مذاهب در ابتدای هر فصل به قلم مسعود فروزنده گنجانده شده است. گالری عکس این کتاب از آذر ۲۴ گشایش یافته و تا روز رونمایی کتاب در خانه هنرمندان برپا است. مراسم رونمایی از این کتاب ساعت ۱۸ سه‌شنبه، ۲٦ آذر در خانه هنرمندان ایران سالن شهناز برگزار می‌شود.

کوتاه آموزشی

وزارت علوم: دانشگاه ها به افراد حقیقی و حقوقی بدهکاری سنگین دارند

معاون اداری مالی وزارت علوم با اشاره به بدهی سنگین دانشگاه ها به افراد حقیقی و حقوقی، از علت افزایش و کاهش بودجه دانشگاه ها، بدهکاری مراکز آموزش عالی به پیمانکاران و کسری بودجه دانشگاه ها، گفت.

محمد حسین امید ـ عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفتگو با مهر با بیان این که سالی که به پایان آن نزدیک می شویم برای آموزش عالی کشور از نظر اعتبارات مالی سال بسیار بدی بود، ادامه داد: البته ما در جریان مشکلات دولت هستیم، متاسفانه سال گذشته هم برای دانشگاه ها سال بدی بود و فکر می کنم آموزش عالی در میان دستگاه های دولتی بدترین وضعیت را داشت.

وی نتیجه این تجمیع و مشکلات مالی را بدهی سنگین دانشگاه ها به افراد حقیقی و حقوقی اعلام کرد و گفت: در هزینه های جاری، دانشگاه ها نزدیک به یک هزار میلیارد تومان به افراد حقیقی و حقوقی، دستگاه ها، آب، برق، گاز و شرکتهای طرف قراردادشان بدهکار هستند. در بخش عمرانی هم سال گذشته تخصیص ها در حد ۱۰ درصد بود و پروژه ها راکد شد و دانشگاه ها مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان به پیمانکاران بدهکار هستند.

به گفته امید، ۹۰ درصد این کسری بودجه مربوط به سال ۹۱ و ۱۰ درصد آن مربوط به سال ۹۰ است. این مقام مسئول وزارت علوم، درباره شرایط مالی سه ماهه آخر امسال دانشگاه ها، اظهار داشت: امسال حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد به بدهی دانشگاه ها افزوده می شود و در سه ماهه سوم نیز به جای اینکه ۷۵ درصد بودجه خود را دریافت کنند تاکنون ٦۰ درصد بودجه به دانشگاه ها اختصاص یافته و در واقع هنوز ۱۵ درصد عقب هستند.

جزئیات تکمیل ظرفیت کنکور ۹۲ در رشته های پیام نور و غیرانتفاعی ها

جزئیات ثبت‌نام و انتخاب رشته برای شرکت در مرحله تکمیل ظرفیت و گزینش رشته‌های تحصیلی دانشگاه پیام نور و موسسات آموزش عالی غیردولتی ـ غیرانتفاعی (پذیرش با سوابق تحصیلی) بهمن ماه سال ۹۲ اعلام شد.

به گزارش مهر، داوطلبانی که در آزمون سراسری سال ۹۲ ثبت‌نام کرده (اعم از این که در جلسه آزمون حاضر بوده یا نبوده‌اند) و همچنین متقاضیانی که در آزمون فوق ثبت‌نام نکرده اند می توانند در این مرحله تکمیل ظرفیت شرکت کنند.

با توجه به اینکه ظرفیت پذیرش دانشجو بعضی از مراکز یا واحدهای آموزشی دانشگاه پیام نور و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی، پس از اعلام نتایج نهایی کنکور ۹۲ اعلام شده است، جدول کدرشته محل های تکمیل ظرفیت این رشته ها دیروز بر روی سایت سازمان سنجش منتشر شد.

در صورت قبولی نهایی این دسته از داوطلبان در این گزینش، قبولی قبلی آنان «کان‌لم یکن» تلقی خواهد شد. لذا به پذیرفته‌شدگان تأکید می‌شود، در تکمیل فرم تقاضانامه شرکت در گزینش رشته‌های تحصیلی دقت کافی مبذول دارند، در غیر اینصورت هیچگونه اعتراضی قابل قبول نخواهد بود. در صورت قبولی نهایی این دسته از داوطلبان در این گزینش، با آنان همانند دانشجوی انتقالی رفتار خواهد شد.

آغاز ثبت نام پذیرش کاردانی نظام مهارتی دانشگاه علمی کاربردی از فردا

ثبت نام برای پذیرش دوره کاردانی فنی و کاردانی حرفه ای نظام آموزش مهارتی بهمن ماه ۹۲ دانشگاه جامع علمی کاربردی از روز چهارشنبه ۲۷ آذر ۹۲ آغاز می شود و تا روز سه شنبه سوم دی ماه پایان می پذیرد.

به گزارش مهر، پذیرش دوره کاردانی فنی و کاردانی حرفه ای نظام آموزش مهارتی بهمن ماه ۹۲ دانشگاه علمی کاربردی در چهار گروه آموزشی شامل گروه صنعت، کشاورزی، مدیریت و خدمات اجتماعی و همچنین فرهنگ و هنر برای ۳۳۰ کد رشته و ۵ هزار و ۱۱۲ کد رشته محل انجام می گیرد.

ثبت‌نام برای پذیرش در این دوره از طریق شبکه اینترنتی سازمان سنجش انجام می شود و گزینش دانشجو در هر یک از کد رشته های تحصیلی بر اساس معدل مندرج در گواهینامه دیپلم، نوع دیپلم، سهمیه های آزاد، شاغل، رزمندگان و بومی بودن بر اساس ضوابط صورت می گیرد.

کاهش اعتبار عمرانی آموزش و پرورش در بودجه ۹۳

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور از کاهش بودجه این سازمان در لایحه پیشنهادی بودجه خبر داد و گفت: این اعتبار در لایحه پیشنهادی بودجه ۹۳، به ۸۳۰ میلیارد تومان کاهش یافته است.

مرتضی رئیسی در گفتگو با مهر گفت: اعتبارات عمرانی کشور در لایحه بودجه ۹۳ که به مجلس پیشنهاد شده، کاهش یافته و به فراخور این کاهش، بودجه عمرانی آموزش و پرورش نیز کاهش یافته است.

به گفته وی، اعتبار عمرانی مصوب آموزش و پرورش برای سال جاری ۱۳۸۰ میلیارد تومان بود که این اعتبار در بودجه پیشنهادی دولت در سال ۹۳ به ۸۳۰ میلیارد تومان کاهش یافته که این موضوع تاثیر گذار در اجرای پروژه های نیمه تمام عمرانی آموزش و پرورش خواهد بود.

رئیسی درباره تعداد پروژه های نیمه تمام آموزشی گفت: در حدود شش هزار پروژه نیمه تمام آموزشی و ورزشی در سطح کشور وجود دارد که برای تکمیل این پروژه ها نیازمند سه هزار میلیارد تومان اعتبار هستیم. از سوی دیگر از تمامی خیران سراسر کشور برای کمک به سازمان نوسازی دعوت به عمل می آوریم تا هر چه سریعتر پروژه های روی زمین مانده به اتمام برسد.

جنتی: اسناد ملی را باید از غربت بیرون بیاوریم



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه معتقدم باید اسناد ملی را از غربت درآورده و جامعه را با اهمیت بنیادی آن آشنا سازیم، گفت: احیای اسناد ملی در تقویت جنبش نرم افزاری بسیار تأثیرگذار است.

به گزارش فارس، نخستین همایش بین‌المللی اسناد ایرانی و چهارمین جشنواره هفته پژوهش دیروز با حضور علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اسحاق سلاحی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه‌ملی، رجبی رئیس موزه، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و سفرا، رایزنان فرهنگی و روسای آرشیو ملی و کتابخانه ملی ۲۵ کشور جهان در سالن همایش‌های کتابخانه ملی ایران برگزار شد. در این مراسم علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت، تاریخ هر کشوری مجموعه‌ای گرانسنگ از تلاش مردم آن کشور است که مستندسازی آن می تواند گنجینه‌ای عظیم از کردار و منش گذشتگان را فراهم آورد. وی اضافه کرد: بی‌توجهی به دستاوردهای بشر علاوه بر اینکه می‌تواند به تکرار خطاها و اشتباهها بینجامد باعث گسستن نسل امروز و نسل‌های گذشته خواهد شد در حالی که تجارب باید از نسل‌های گذشته به نسل‌های کنونی و آینده منتقل شود. جنتی ادامه داد: ایرانیان از گذشته در حفظ و نگهداری اسناد از تجربه خوبی برخوردار بودند حتی وقتی تاریخ را مرور می کنیم درمی‌یابیم که از دوره مادها و هخامنشیان تا عصر کنونی که ما صاحب آرشیو ملی هستیم اهتمام به این مسائل یعنی حفظ و نگهداری اسناد و تجربه ایرانیان در این مهم وجود داشته است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است با راه‌اندازی نهضت دیجیتال سازی اسناد وضعیت سند در کشور به ترتیبی پیش خواهد رفت که همه آحاد مردم و به ویژه پژوهشگران بتوانند به سهولت به این اسناد دسترسی داشته باشند. جنتی بیان کرد: وجود میلیون‌ها برگ سند و منابع اطلاعاتی در سازمان اسناد و کتابخانه ایران مایه مباهات کشور است و برگزاری نخستین همایش بین‌المللی اسناد ایرانی در ابعاد بین‌المللی امری ضروری و بسیار مهم است چرا که برگزاری این همایش در سطح بین‌المللی فرصت مناسبی برای پژوهشگران و محققان خواهد بود که با اسناد گذشته کشورشان به خوبی آشنا شوند. جنتی عنوان کرد: سندپژوهی باید رو به جلو سوق داده و پویا و بالنده باشد، همچنین احیای اسناد ملی و بیرون کشیدن اسناد از قفسه‌ها، راهکار مناسبی برای تقویت جنبش نرم‌افزاری است. این مقام مسئول ادامه داد: دولت جمهوری اسلامی ایران یا همان دولت تدبیر و امید توجه بسیاری به فناوری و پژوهش دارد به همین منظور در بودجه ۹۳ تنها در حوزه فناوری اعتبارات را ۲۰ برابر بیشتر از بودجه سال ۹۲ افزایش داده و به مجلس تقدیم کرده است. جنتی در پایان گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تمام توان و همه امکانات در خدمت اهدافی است که کتابخانه ملی ایران و سایر کتابخانه‌ها به دنبال آن هستند.

رونمایی از آثار کتابخانه ملی ایران

در پایان این مراسم از کتاب «اصطلاح‌نامه دوزبانه»، «آموزش مدیریت اسناد»، «روابط ایران و یونسکو»، «راهنمایی آرشیو شفاهی»، «قوانین و مقررات اسناد» از کتاب‌های تازه منتشر شده کتابخانه ملی رونمایی شد.

همایش «جلال و شمس؛ روشنفکران متفاوت» برگزار شد



همایش جلال و شمس، روشنفکران متفاوت دیروز در موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، با حضور جمعی از دوستان و نزدیکان ایشان برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای این همایش، دکتر حقانی رئیس این موسسه گفت: در بین آثار جلال آل احمد، غرب زدگی از آثار شاخص او به شمار می‌آید. «نون و قلم» می‌خواهد قصه شکست جریان‌های چپ را بگوید. او در آن سال‌ها که مقارن با سانسور و خفقان بود فرصتی می‌یابد که به سفرهای آمریکا و شوروی و حج برود و در نوشته‌های خود به محصولات آن سفرها و حاصل سخنرانی‌اش در دانشگاه «هاروارد» اشاره می‌کند.

سپس در دو بخش از کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران، ترجمه «کرگدن» اوژن یونسکو و «نفرین زمین» را در نقد وابستگی و تغییر زندگی می‌نویسد که از اصطلاحات عرضی با عنوان فروش املاک یاد می‌کند. این آثار نشان می‌دهد که نسل جوان اگر بخواهد جلال را بشناسد با چه شخصیتی روبرو است.

او بیگانه ستیز و مدام در حال تکامل شدن است. او دغدغه فرهنگ خود را دارد. هیچگاه جلال ۱۳۴۷، جلال ۱۳۲٤ نیست که عزاداری‌های نامشروع را نوشت و برخی مقالات تند را تحت تاثیر حزب توده چاپ کرد. او مکاتبی را درک کرد و سپس بازگشتی داشت که برای ما باید سرمشق باشد.

در بخش دیگری از مراسم، دانایی، خواهرزاده شمس و جلال که مجری برنامه‌ها بود گفت: در این مجلس درباره موضوعاتی صحبت می‌شود که بسیار پرحاشیه است. جلال یکی از هیجان‌انگیزترین نویسندگان معاصر است. طیف مخالفان و موافقان او بسیار گسترده است.

در ماه آذر، جلال به دنیا آمده است و در همین ماه مرحوم شمس آل احمد از دنیا رفته است که این تلاقی فرصت خوبی برای بررسی آرای این دو به ما داده است.

در بخش دیگر این همایش، دکتر یحیی یثربی، استاد فلسفه اسلامی دانشگاه علامه، گفت: شخصیت آل احمد، یکی از اثرگذارترین نویسندگان و روشنفکران دوران اخیر بود. آدم‌هایی که شرایط مختلف را درک می‌کنند، ذهن بازی دارند. او بسیاری از مسائل را درک کرده بود. هم از نظر شخصیتی و هم از نظر آثار، این تاثیر را می‌بینیم. من کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران و غرب زدگی و خسی در میقات را دوست دارم. در برخی از کتاب‌هایم خواه ناخواه تحت تاثیر جلال هستم و مخصوصاً کتاب «از این خانه به آن خانه»ام، تحت تأثیر «خسی در میقات» آل احمد است به نظر من در خدمت و خیانت روشنفکران، نقد خوبی صورت گرفته است. کسی گفته است این کتاب پراکنده‌گویی دارد. اما این حالت دلیل آن است که آل احمد چیزی را با تمام وجود حس می‌کرد ولی دلیل آن را نمی‌یافت. او می‌دید که جریان روشنفکری در غرب عالم دیگری پدید آورده است.

ما شاهد هستیم که روشنفکری در ایران بعد از یک قرن هنوز سرگردان است. تحول اجتماعی ایجاد نکرده است. سئوال بزرگ جلال این بود که چرا؟ خدمت یا خیانت؟ او در این راه عوامل مختلفی را مطرح می‌کند. عامل مهم این بود که روشنفکران اعتراض را جانشین تفکر کرده‌اند. یعنی اگر کسی مشت بر علیه دولتی بلند کند، روشنفکر است! هنوز هم این صادق است، مسئول دولتی بعد از اینکه مدتی در زندان حبس شود، تبدیل به روشنفکر می‌شود! کانت می‌گوید: ما کار خود را می‌کنیم اپراتور کار خود را بکند و ما در صدف آهنین، به کارهای علمی می‌پردازیم. در حالی که من قول می‌دهم جریان روشنفکری ما در این جامعه فعلی تا وارد درگیریهای سیاسی نشود، کسی با او کاری ندارد. من بنیادی‌ترین کتاب ملاصدرا را انقد کردم و گفته‌ام که او چیز جدیدی نگفته است اما تا به حال کسی نیامده است حتی به من گله‌ای بکند!

دکارت می‌گفت: انسان باید همه محتوای ذهنی‌اش را بیرون بریزد و ما در کلاس‌های دانشگاه با جوی مواجه شده‌ایم که من شک کرده‌ام و نه دانشجوی من و همچنان شک دکارت را درس می‌دهیم!

آل احمد در رنج بود که در ایران چرا اتفاق نمی‌افتد؟ یکی از ظریف‌ترین نگرش‌های او همین است.

وی افزود: تحول در گرو نقد است. جامعه باید بداند که ندارم‌های زیادی دارد. ندارم‌ها را اگر هدف گذاری کنیم، در جامعه پژوهش رخ می‌دهد. متاسفانه مادر علوم انسانی نمی‌گوییم نداریم. انگار همه چیز داریم و در نتیجه روشنفکری در جامعه مرجعیت علمی پیدا نکرده است. دعوای کلیسا با گالیله دعوای این بود که موجوداتی پیدا شده‌اند که مردم آنها را عالم می‌دانند.

متاسفانه در جامعه ما کار روشنفکری تداوم پیدا نمی‌کند و ما به یکدیگر فحش می‌دهیم و کار علمی انجام نمی‌دهیم و فقط محصول را می‌خواهیم بدون تفکر و زمینه‌های آن.

در بخش دیگری از مراسم ویکتوریا دانشور، خواهر سیمین دانشور، خاطره‌ای از چگونگی آشنایی سیمین و جلال را بازگو کرد.

سیدمحمود دعایی نیز در این همایش گفت: من چون از سال ۱۳٤۵ تا انقلاب ایران نبودم سعادت دیدار جلال را نداشتم. اما در کتابخانه علامه امینی، «سه‌تار» ایشان را خواندم و بعد با مدیر مدرسه و «نون‌والقلم» او آشنا شدم. مرحوم حاج احمدآقا وقتی به نجف آمد از جلال یاد کرد و مراجعاتی به مرحوم آل احمد داشت. به ویژه اولین جلسه‌ای که در ابتدای نهضت امام بود و در محضر امام «غرب زدگی» را دید و به امام گفت که شما از این ها هم می‌خوانید و امام از آن کتاب تقدیر و از شیوه نگرش جلال تمجید کرده‌بود. جلال نکته‌ای را به عرض امام رسانده بود که نهضت شما مبارک است اما من تصور می‌کنم بیانیه بعضی از روحانیان در فضای روشنفکری وقتی خوانده می‌شود مورد تعریض قرار می‌گیرد چون سبک بیان خاصی دارد. لذا اگر مصلحت بدانید ما آمادگی داریم که پیام‌ها را قبل از چاپ ویرایش کنیم. البته بدون تغییر در محتوای آن. این نشان می‌دهد که او علاقه‌مند و دلسوز بود و در مسیر کمال قلم می‌زد.

بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۹ مسئولیت روزنامه اطلاعات را به من سپردند. حاج احمدآقا گفت که شما باید به حکم آقای بنی‌صدر بروید. من به عرض رساندم به حکم ایشان نمی‌روم و من طلبه‌ای هستم که سرباز آقا هستم و این عهدی است که با خود بسته‌ام و جز با حکم امام نمی‌روم. استدلال این بود که چون حکم دکتر یزدی برای کیهان، بنی‌صدر را برآشفته است که چرا امام خارج از حق قانونی دخالتی در انتصاب کرده است، این بار بنی‌صدر من را نصب کند تا اعتدالی ایجاد شود. حاج احمدآقا گفت که هر دو اگر با هم شود شما راضی خواهی شد؟ که من قبول کردم و در فضای ابتدای انقلاب اینکه یک طلبه را برای روزنامه‌ای قدیمی منصوب کنند، مورد قبول روشنفکران نبود. یک روز صبح، شمس آل احمد با بزرگواری آمد پیش من و گفت که من آمده‌ام که به شما تبریک بگویم. به ذهنم رسید برای خنثی کردن آن تبلیغات، یک عنصر روشنفکر و با سابقه و ریشه‌دار به عنوان سردبیر در اختیار بگیرم و بنابراین به او پیشنهاد سردبیری دادم.

این انتصاب مورد تائید امام بود. شمس به اطلاعات آمد و در کنار او، جمع دیگری که از نهاد دیگری انتخاب کرده بودم شروع به کار کردند.

اما علت جدایی او از اطلاعات این بود که من به حاج احمدآقا گفتم، من علاقه‌مند آقای دکتر بهشتی هستم و دست پرورده آیت‌الله رفسنجانی و با حضرت آقای خامنه‌ای دوست هستم و من از طیف ایشان، نیرو خواهم گرفت. شما موسسه‌ای به من پیشنهاد می‌کنید که نیازمند اشراف است و من به سراغ کسانی می‌روم که به آنها اعتماد دارم. من برای اولین بار سراغ مرحوم شهید بهشتی رفتم و ایشان گفتند که ما کسی را به تو معرفی می‌کنیم که تجربه و اطلاع خوبی دارد. قرار گذاشتند در ساختمان هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی سابق (سنا) و سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی را معرفی کرد که توصیه‌های خوبی برای من داشت اینکه محل اتاق خود را در جایی تعبیه کنم که به محیط تحریریه نزدیک باشد که به مسائل فرهنگی اشراف داشته باشم.

وی افزود: آقای شمس با طیفی که ۱۵ نفر از روابط عمومی مجلس خبرگان بودند، بعدها همخوانی نداشتند و اختلاف و بحث پیش می‌آمد و این شرایط، قدم به قدم، آقای شمس را به دفتر بنی‌صدر نزدیک می‌کرد تا جایی که قرار بود آقای تاراجی از فرانسه بیاید به دفتر بنی‌صدر برای مصاحبه. یک روز آقای شمس گفت که از شورای انقلاب فرهنگی به ماموریتی برای سفری به کشورهای تازه انقلاب شده نیکاراگوئه و کوبا باید برای تهیه گزارش برود. سپس از طریق روزنامه «میزان» دوستان نهضت آزادی تلویحاً گفت که از این به بعد در روزنامه اطلاعات کار نمی‌کند. سرانجام بنی‌صدر رفت و طیف او هم دچار دردسر شد و تجربه انتخاب آقای شمس شکست خورد اما من و حاج احمدآقا، نگذاشتیم او صدمه ببیند و سراغ او رفتیم و این سفر آمریکای لاتین را به او پیشنهاد دادیم و حتی گفتیم که روزنامه اطلاعات می‌تواند اسپانسر این سفر باشد و او باور نمی‌کرد و حتی فکر می‌کرد که ممنوع‌الخروج است. برای سفر چند ماهه او ارز مورد نیاز را به سختی تهیه کردیم و ایشان به اتفاق آقای موسویان که همکار دکتر روحانی بود در شورای امنیت به کوبا رفت. سفر او بیشتر از ۳ ماه طول کشید و در آن زمان آقای خاتمی وزیر ارشاد بود و نامه‌ای از شمس رسید که هزینه‌ها زیاد است و آقای خاتمی مبلغی از طریق سفارت نیکاراگوئه برای ایشان فرستاد و ماحصل این سفر در کتاب سفرنامه شمس آل احمد به چاپ رسیده است.

مدیرمسئول روزنامه اطلاعات گفت: ویژگی اخلاقی شمس این بود که در برابر برادر ادعایی نداشت و خود را رهین او می‌دانست و از ریا و ظاهرسازی به دور بود.

در بخش دیگری از مراسم، سیدمهدی طالقانی خاطراتی از جلال آل احمد و آیت‌الله سیدمحمود طالقانی گفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین هادی خسروشاهی بخشی از خاطرات خود را اینگونه تعریف کرد: آشنایی من با جلال آل احمد، به پس از دور شدن وی از حزب توده، مربوط می‌شود، یعنی در واقع آشنایی من با افکار و اندیشه‌های جلال نه خود وی به دوران پس از انشعاب از حزب توده برمی‌گردد، چون سن و سال و محل اقامت من تبریز ایجاب نمی‌کرد که بتوانم حضوراً با وی آشنایی داشته باشم، ولی مقاله‌ها و آثار سیاسی او را در روزنامه «شاهد»، ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران می‌خواندم که در آن زمان مدیریت بخش‌هایی از آن روزنامه، به عهده جلال بود.

... پس از جدایی خلیل ملکی از دکتر بقایی و تشکیل حزب زحمتکشان دیگری با پسوند نیروی سوم، جلال نیز به او پیوست، چون در واقع، مرید خلیل ملکی به شمار می‌رفت وی درباره جزوه مشهور به «عزاداری‌های نامشروع» جلال آل احمد» گفت: جلال در «مثلاً شرح احوالات» خود می‌نویسد که رساله «عزاداری‌های نامشروع» که در سال ۱۳۲۲ چاپ شد از سوی «انجمن اصلاح» که با همکاری چند نفر از دوستان همفکرش آن را تشکیل داده بودند و در جلسات آن ادبیات عربی و «فنارسه» تدریس می‌کردند، منتشر شده بود و آن را به قیمت «دوقران» می‌فروختند. که ناگهان همه نسخ آن نایاب شد. جلال می‌گفت: نخست خوشحال شدیم که رساله با استقبال مردم و روشنفکران روبرو شده که تمام نسخ آن به فروش رفته است، ولی بعدها معلوم شد که عده‌ای از مؤمنین، قربتاالی الله! کلیه نسخ آن را یکجا خریداری کرده و خمیر کرده‌اند.

روزی که به او گفتم که در برابر مطلب «عرب‌زدگی» داریوش آشوری که در رد «غرب‌زدگی» تو نوشته است چیزی نمی‌نویسی، خندید و سپس گفت: «من هم اکنون مشغول نوشتن کتابی درباره «خدمت و خیانت روشنفکران» هستم و به کار و راه خود ادامه می‌دهم. بگذار دوستان بنشینند و بر کتاب دوم من هم ردیه‌ای بنویسند، ما که بخیل نیستیم آنها هم اجاره خود را بگیرند!»

نکته‌ها که در آثار جلال بسیار است، ولی من به نقل یک نکته جدی، اما طنزآمیز از جلال بسنده می‌کنم. یکی از دوستان قدیمی من، آقای ایرج افشار، صاحب مجله «راهنمای کتاب» که کتاب شناس و فهرست نگار برجسته‌ای است، نقل می‌کرد که در یکی از روستاهای بندر بوشهر دیدم جلال در حال نوشتن است. گفتم: چه می‌نویسی؟ پاسخ داد: «خزعبلاتی» که در آینده «اباطیل شناسانی» مانند تو از آن سود ببرند...

بعدها دیدم که آقای افشار این داستان را در مجله خود راهنمای کتاب به طور کامل آورده است.

اجرای طرح «فرصت برابر» برای گسترش ادبیات کودک و نوجوان در کشور

سرویس فرهنگی ـ هنری: حوزه هنری کودک و نوجوان با همکاری انجمن قلم ایران، طرح ملی گسترش آموزش داستان، شعر و مبانی ادبیات کودک و نوجوان را با عنوان «فرصت برابر» در سراسر کشور، اجرا کند.

به گزارش خبرنگار ما، در نشست رسانه‌ای که دیروز به منظور اعلام همین خبر در حوزه هنری تشکیل شده بود، راضیه تجار دبیر انجمن قلم ایران گفت: نویسندگان و شاعرانی که از ابتدای انقلاب اسلامی حضور داشتند توانستند آثار گران‌سنگی را خلق کنند اما بعد از گذشت ۳ دهه جای خالی کسانی که از میان ما رفته‌اند احساس می‌شود و باید افرادی حضور پیدا کنند که ادامه دهنده راه کسانی باشند که در دهه ٦۰ آمدند و تاکنون آثار ارزنده‌ای را عرضه کرده‌اند و پر کردن جای خالی آنها ممکن نیست مگر اینکه استعدادیابی شود.

تجّار ادامه داد: این استعدادیابی باید در اقصی نقاط کشور انجام شود و انجمن قلم با کمک حوزه هنری کودک و نوجوان درصدد برطرف کردن این کمبود و کشف استعدادها در نقاط دور کشور است.

تجّار در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: فرایند خلق اثر اتفاقی و فی البداهه صورت نمی گیرد تا بلافاصله آثاری به چاپ برسند. باید کلاس‌های آموزشی مستمر برگزار شود و ارتباط هنرجو و استادانی که چند گام جلوتر از آنان هستند به صورت مستمر باشد و در نهایت هم هنرجویان و آثارشان مورد حمایت قرار گیرند.

تجّار با اشاره به سفرهایی که به دیگر استانها داشته است، گفت: بچه‌های شهرستان‌ها این احساس کمبود را داشتند که همه اتفاقات در تهران رخ می دهد و از امکاناتی که در تهران وجود دارد مثل کتاب و استاد به دور هستند. امیدوارم این حرکت فرصت برابر برای کسانی ایجاد کند که فکر می کنند چون پایتخت‌نشین نیستند، دیده نمی شوند. او در پایان سخنانش اسامی تعدادی از استادان دوره‌های آموزشی شعر و داستان «فرصت برابر» را نام برد و گفت: در آموزش داستان استادانی چون محمدرضا سرشار، ابراهیم حسن بیگی، شهرام شفیعی و در آموزش شعر نیز اساتیدی چون محمود پور وهاب، بابک نیک طلب، مجید ملامحمدی و یحیی علوی همکاری خواهند داشت.

محمد سرشار، رئیس حوزه هنری کودک و نوجوان نیز در این نشست گفت: آفرینش آثار فرهنگی ـ هنری مناسب برای کودکان و نوجوانان نیازمند آفرینشگرانی است که توانایی های لازم برای تسلط به قالب‌های هنری را داشته باشند و این تخصص درهم افزایی با تعهد درونی به مبانی و ارزش های هنر انقلاب اسلامی منجر به خلق آثاری خواهد شد که قله‌های ادبیات کودک و نوجوان را شکل خواهد داد.

سرشار سپس به آسیب‌شناسی وضعیت کنونی ادبیات کودک و نوجوان پرداخت و گفت: فقدان طراحی دوره‌های علمی برای آموزش هنر و ادبیات کودک و نوجوان به افراد صاحب ذوق، بسیج نشدن ادیبان و هنرمندانی که توانایی آموزش دادن به هنرجویان در عرصه ادبیات کودکان و نوجوان را دارا هستند و فقدان پرورش استعدادها در دیگر نقاط کشور به دلیل تمرکز گرایی دوره‌های آموزشی در شهر تهران از جمله آسیب‌های موجود در این زمینه است و شناسایی این آسیب‌ها حوزه هنری را بر آن داشت که با سازمانها و گروه‌های متخصص در عرصه‌های مختلف هنری، اقدامات مشترکی را برای کاهش این آسیب‌ها و تغییر وضعیت موجود طراحی کند.

سرشار در ادامه، درباره دوره‌های مختلف طرح «فرصت برابر» توضیح داد: این طرح شامل سه دورهٔ «آموزش مبانی ادبیات کودک و نوجوان»، «آموزش داستان‌نویسی برای مخاطبان کودک و نوجوان» و «آموزش شعرسرایی برای مخاطبان کودک و نوجوان» است که برای هر دوره سرفصل های آموزشی و منابع علمی مورد نیاز شناسایی و تدوین شده است.

محسن پرویز سخنگوی انجمن قلم ایران نیز درباره اینکه آینده نویسندگانی که توانایی تألیف داشته باشند چه خواهد شد و آثارشان چگونه به چاپ می رسد، گفت: انجمن قلم ایران مجری طراحی به نام ۱۰۰ اثر از ۱۰۰ نو قلم بود که آثار تعداد بسیاری از این نوقلمان در این طرح چاپ و منتشر شد و این به آن معناست که انجمن قلم از چاپ و تألیف آثار آنان حمایت خواهد کرد.

نکوداشت سید حسام‌الدین سراج در فرهنگسرای ابن‌سینا



سرویس فرهنگی، هنری: مراسم بزرگداشت سیدحسام‌الدین سراج دیروز در فرهنگسرای ابن‌سینا برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، سهیل محمودی شاعر، در این مراسم با اشاره به آخرین اثر منتشر شده از سراج با نام «وداع» گفت: ویژگی این آلبوم در آن است که ما معمولاً فکر می‌کردیم آثاری که در حوزه اعتقادی باشند باید در سطح محافل سنتی و مذهبی برگزار شوند. ولی مخاطب‌های دیگری در حوزه‌های معرفتی و اعتقادی هستند که آثار ویژه‌تری می‌خواهند.

وی افزود: وداع برای مخاطبانی بود که گوش حساس‌تر و جدی‌تری دارند و وقتی هنر تکراری باشد و از عنصر نوآوری تُهی، بی‌تأثیر می‌شود. واقعه بزرگی مثل محرّم و عاشورا باید مستمر باقی بماند. چه در سنّت و چه فراتر از سنّت می‌توان نوآوری کرد. تکرار، اثر را از بین می‌برد.

محمودی در ادامه گفت: فکر می‌کنم هم در سنت به طراوت نیاز داریم و هم در حوزه ادبیات به نوآوری‌های متفاوت. ما نسلی بودیم که با افتخار بزرگ شدیم با پول نفت و پروار کردن افراد بی‌استعداد، نمی‌توان اثرگذار بود.

اگر صدای این نسل که یکی از آنها سراج است، در جامعه پذیرفته می‌شود به دلیل تربیت درست نسل اوست.

در ادامه این مراسم، استاد ایرج نعیمایی با اشاره به جایگاه موسیقی ایرانی گفت: در علوم قدیمه علم را به ۳ قسمت اعلی، متوسط و پایین تقسیم می‌کردند. علوم اعلی موضوعات کلی دارند و فراگیر هستند مثل پرسش از وجود، حقیقت و خلقت. علوم متوسط، علومی هستند که در معادلات، کلّی اما در مصادیق جزئی هستند، همچون ریاضیات علوم پایین هم همگی به جزئیات می‌پردازند. جایگاه موسیقی در گذشته، بین اهل علم دارای اختلاف بود. اما هیچ یک از دانشمندان اعتقاد ندارند که موسیقی جزو علوم پایین است. عده‌ای می‌گویند موسیقی متوسط و عده‌ای دیگر می‌گویند موسیقی اعلی است. اما عُرفا عموماً اعتقاد دارند موسیقی جزو علوم اعلی است به این دلیل که اگر کم است، نباید بر کیفیت تأثیر بگذارد اگر نغمه‌ای خوانده می‌شود، و باعث حُزن می‌گردد، این از کیفیت اثر است.

وی افزود: شخصیتی مثل سراج، بیش از آنچه که مدیون زحمات خود در حوزه معرفتی باشد، مدیون حالت‌های درونی، سلوکی و ریاضت‌هایی است که کشیده. دکتر ارجمند رئیس مرکز موسیقی حوزه هنری در این مراسم گفت: اگر سراج پایه‌گذار بخش موسیقی در حوزه هنری است، من امروز افتخار می‌کنم در جایگاهی قرار دارم که ایشان پایه‌گذار آن بوده‌اند. اگر ما امروز اینجا جمع شده‌ایم هنر ما نیست، توانایی سراج است که ما را در اینجا دور هم جمع کرده.

ما آلبوم جدیدی را به زودی به نام «مسیحا» رونمایی خواهیم کرد که با صدای سراج در مورد مادر گرامی امام زمان(عج) است. وی افزود: سراج از افراط و تفریط به دور بوده است. این حلقه گم شده، برخی هنرمندان امروز ماست. ایشان انسان جستجوگر و پویایی است. او، آزاد اندیش است و هیچ وقت هنر خود را نفروخت. سراج نوع جدیدی از توجه به موسیقی مذهبی را پایه‌گذاری کرده است که مخاطبان خاص‌تری را جذب می‌کند.

احمد مسجدجامعی رئیس شورای شهر تهران نیز در این مراسم گفت: زمانی که چکناواریان سمفونی خوف را ساخت در بیمارستان بستری شده بود، من که برای عیادت نزد او رفتم گفت: من برای این سمفونی خیلی تلاش کردم تا بگویند امام حسین(ع) فقط برای مسلمانان است. برای این کار تعزیه‌های مختلف زیادی را بررسی کرده‌ام. زمانی که این سمفونی در خارج از کشور اجرا شد این حس معنا و معنویت در شرایطی که آنها با معنا ارتباط برقرار نمی‌کردند، عجیب بود. اما گوشه‌ای از این حس روی مخاطب خارجی هم اثر گذاشت.

این جاذبه حضرت سیدالشهدا به هر شکل و صورتی تأثیر گذار است کار مهمی که آقای سراج انجام دادند کاری ماندگار است و در پیوند با امام حسین(ع) است این کار با ویژگی‌های شخصیتی آقای سراج هم انطباق دارد چرا که از آغاز تا اوج با نام سیدالشهدا مزین است.

در پایان مراسم حجت‌الاسلام شهاب مرادی گفت: ما آقای سراج را از زمان کودکی دوست داشتیم. ایشان الگوی بسیار مناسبی برای کسانی هستند که هنر را برای هنر نمی‌خواهند. حُزن بی‌نظیری که در صدای فاخر و ارجمند ایشان وجود دارد حقیقتاً تأثیر گذار است. در پایان این مراسم آیین تجلیل از سید حسام‌الدین سراج برگزار شد.

برگزاری ششمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر در ۱۰ بخش

سرویس فرهنگی ـ هنری: ششمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر در چهار بخش بین‌المللی، پنج بخش ملی و بخش مکمل فیلم‌های مستند هنرهای تجسمی ۱٤ بهمن تا ۵ اسفند در مؤسسه فرهنگی ـ هنری صبا، فرهنگسرای نیاوران و موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، اولین نشست خبری ششمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با رونمایی از پوستر این جشنواره به طراحی مصطفی اسداللهی آغاز شد و در ادامه، سیدعباس میرهاشمی دبیر کل جشنواره گفت: جشنواره ششم هنرهای تجسمی فجر درست پس از مراسم پایانی جشنواره پنجم کارش را آغاز کرد و جلسات مربوط به آن را با هماهنگی معاونت هنری ارشاد برگزار کردیم و چون از زمان مناسبی هم برخوردار بودیم، مباحث کلانی مطرح شد و در چارچوب‌ها قرار گرفت و در نهایت کلیت برنامه استخراج شد.

میرهاشمی با بیان این که در جشنواره ششم هنرهای تجسمی فجر بخش تصویرسازی اضافه شده است، با اشاره به وقفه‌ای که در ششمین دوره این جشنواره به وجود آمد، گفت: موضوعاتی بدون هماهنگی به بروز وقفه‌ای در اجرای برنامه‌های این دوره از جشنواره منجر شد که با برگزاری جلساتی با معاون امور هنری وزارت ارشاد این مشکلات برطرف و قرار شد اصلاحاتی در آن انجام شود و ادامه کار را داشته باشیم و بنده هم با رفع شدن این مسائل به سر کار بازگشتم. وی افزود: به دلیل وقفه پیش آمده و به جبران آن مهلت شرکت در جشنواره را چند روز تمدید کردیم. قبلاً ۲۹ آذر آخرین مهلت ارسال آثار تعیین شده بود که تا ساعت ۲٤ روز ۷ دی تمدید شد. میرهاشمی بخش‌های این دوره جشنواره را در سه محور ملی، بین‌المللی و بخش مکمل تعریف کرد و گفت: در بخش بین‌الملل چهار رشته عکاسی، پوستر، تصویرسازی و کاریکاتور، در بخش ملی پنج رشته نقاشی، خوشنویسی، مجسمه، نگارگری و سرامیک هنری و در بخش تکمیلی نمایش فیلم‌های مستند هنرهای تجسمی در نظر گرفته شده است.

در ادامه این نشست مسعود زنده روح کرمانی دبیر هنری جشنواره با بیان این که در جشنواره ششم ۹ رشته با ۱۹ گرایش برگزار می‌شود، گفت: جشنواره تجسمی فجر شکل نوپای خود را در بخش بین‌الملل دارد و تا الان نسبت به گذشته ۳۰ درصد افزایش شرکت کننده خارجی داشته‌ایم. او درباره برنامه‌های در نظر گرفته بخش بین‌الملل توضیح داد: از ۲۹ بهمن تا ۵ اسفند برگزاری کارگاه‌های آموزشی و همچنین نشست‌های تخصصی را با حضور داوران خارجی در نظر گرفته‌ایم.

کرمانی در دفاع از برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی فجر گفت: این جشنواره بزرگترین همایش برای رشته‌های تجسمی است و حتی گاهی علاقه‌مند می‌شویم برای تمامی رشته‌های تجسمی یک موضوع را برای خلق آثارشان پیشنهاد دهیم تا هماهنگی در این زمینه بیشتر شود. در هر بخش نقصان‌هایی وجود دارد که باید آسیب‌شناسی شود. جشنواره تجسمی فجر هم از دو سالانه‌های تخصصی هنرهای تجسمی تغذیه می‌شود و هم این که توانسته خوراک اطلاعاتی را به واسطه حضور میهمانان خارجی در فجر برای دوسالانه‌ها فراهم کند و جشنواره تجسمی فجر و دوسالانه‌ها به نوعی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. عبدالرحیم سیاهکارزاده دبیر اجرایی جشنواره نیز در این نشست از افزایش ٦۰ درصدی بودجه جشنواره امسال خبر داد و گفت که به تبع آن جوایز تمامی بخش‌ها هم افزایش پیدا کرده است. سیاهکارزاده، مکان‌های نمایشگاهی بخش مسابقه ششمین دوره این جشنواره را شامل مؤسسه صبا، فرهنگسرای نیاوران و موزه هنرهای معاصر نام برد و گفت: تاکنون ۲٤ استان برای برگزاری این دوره جشنواره اعلام آمادگی کرده‌اند و ۲۰ بهمن تا ۱۵ اسفند منتخب آثار جشنواره در استان‌های برگزیده به نمایش در می‌آید. همچنین کشورهای برگزار کننده فجر تاکنون پنج کشور صربستان، روسیه، هند، تونس و ترکیه اعلام شده‌اند که از ۱٤ تا ۱۹ بهمن آثار منتخب در این کشورها به نمایش گذاشته می‌شود.

بهره برداری از ۲۴۶ طرح عمرانی در سال آینده

تمرکز دولت روی تکمیل طرح‌هایی است که ۸۰ تا ۱۰۰ درصد پیشرفت داشته‌اند و تا پایان سال ۹۳تعداد ۲۴۶ طرح در تمام استان‌ها به اتمام خواهد رسید.

به گزارش فارس، محمد باقر نوبخت معاون برنامه‌ریزی راهبردی ریاست جمهوری در برنامه پایش با موضوع بررسی روش دولت در نحوه تخصیص بودجه‌های عمرانی ۹۳اظهار داشت: بودجه ۹۳ دولت با دو واقعیت رو به رو است. نخست منابع برای هزینه های جاری از جمله حقوق و دستمزد و دوم منابع مالی برای پایان طرح های عمرانی.

وی با بیان اینکه بودجه ۹۳ کمتر از بودجه ۹۲ است، توضیح داد: در سال ۹۲ سقف بودجه عمومی ۲۱۰ هزار میلیارد تومان بود و در سال آینده مبلغ ۱۹۴ هزار میلیارد تومان است.

وی ادامه داد: علیرغم کاهش ۷,۳ درصدی بودجه سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲،معادل ۱۸ درصد افزایش حقوق کارمندان پیش بینی شده است.

نوبخت افزود: در این شرایط ۲۹۰۶ طرح نیمه تمام در کشور وجود دارد که برای تعیین تکلیف آنها، دولت دو راه پیش رو داشت؛ اگرچه دولت نقشی در آغاز این طرح‌ها نداشته؛ اما خود را ملزم می داند طرح هایی که مردم به آنها علاقمند هستند را به پایان برساند.

وی با تشریح نحوه تقسیم منابع میان طرح های عمرانی اظهار داشت: این طور نیست که حدود ۳۸ هزار میلیارد تومان را تماما به طرح های بالای ۸۰ درصد اختصاص دهیم؛ بلکه به طرح هایی که کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت داشته اند هم منابع تعلق می گیرد، اما طرح قابل ملاحظه نیست.

نامبرده ادامه داد: به طرح هایی که از ۲۰ تا ۸۰ درصد پیشرفت داشته اند هم منابع مالی می دهیم و آنهاهم فعال هستند که تعداد آنها ۶۲ طرح است .

وی افزود: اما تمرکز دولت روی طرح هایی است که از ۸۰ تا ۱۰۰ درصد پیشرفت داشته اند تا در سال ۹۳ تکمیل شوند و در مجموع ۲۴۶ طرح تا پایان سال ۹۳ به اتمام خواهند رسید.معاون برنامه ریزی راهبردی ریاست جمهوری با اشاره به برخی طرح هایی که در سال ۹۳ به اتمام خواهند رسید، گفت: احداث ۳۸۹ کیلومتر آزادراه در قالب ۲ طرح، احداث ۴۴۱ کیلومتر راه اصلی، احداث ۱۸۰ کیلومتر بزرگراه، احداث ۱۷۰ کیلومتر راه آهن، پوشش تاسیسات فاضلاب شهری برای ۲۰۷ هزار نفر، بهره برداری از ۱۸۰ مگاوات نیروی برق، بهره برداری از ۴۰۰۰ مگاوات نیروگاه، آب رسانی به ۳۳ هزار هکتار مزارع، افزایش ۲۷۵ هکتار فضای محیط زیست، کاهش آلودگی هوا در ۲۰ شهر با نصب سیستم کنترلی، اجرای طرح های بیابان زدایی در ۳ میلیون هکتار، ساخت ۵ هزار کلاس درس، ساخت ۲۵ هزار متر مربع سالن سرپوشیده ورزشی، ساخت ۶ هزار و ۴۰۰ تخت بیمارستانی و ساخت ۶۳ هزار متر مربع فضای دانشگاهی از جمله این طرح ها است.

وی با تاکید بر اینکه بودجه عمرانی ۹۳ در سراسر کشور توزیع خواهد شد، گفت: جزئیات هزینه کرد این بودجه در طرح ها در جلسه ای غیر علنی به دعوت رئیس مجلس به اطلاع نمایندگان مجلس رسیده است؛ علاوه بر این، همراه بودجه، ۱۴ جلد گزارش به مجلس ارائه شده است.

نوبخت تاکید کرد: علاوه بر بودجه حدود ۳۸ هزار میلیارد تومانی عمرانی سال ۹۳، بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار فاینانس پیش بینی شده که ۱۵,۵ میلیارد دلار آن به تصویب شورای اقتصاد رسیده است.

وی توضیح داد: تجهیز و نوسازی اراضی استان خوزستان و بخشی از سایر مناطق، ساختمان شبکه فرعی آبیاری زهکشی اراضی کشاورزی خوزستان و ایلام، آبرسانی آذربایجان شرقی، احداث راه‌آهن همدان ـ سنندج، راه‌آهن شیراز ـ بوشهر، آزادراه تهران ـ شمال، راه‌آهن سریع‌السیر قم ـ اصفهان و مشارکت در پل خلیج فارس و احداث راه‌آهن گرگان ـ مشهد ـ بجنورد از جمله طرح‌هایی هستند که از منابع ۱۵,۵ میلیارد دلاری فاینانس تامین اعتبار می شوند.

به گفته معاون برنامه ریزی راهبردی ریاست جمهوری، ۲۰ میلیارد تومان دیگر امکان استفاده از منابع فاینانس وجود دارد که هنوز طرح‌های آنها معرفی نشده است وی افزود:می توانستیم سفرهای استانی را آغاز کنیم؛ اما دیدیم که حدود ۶۰۰ طرح وجود دارد که می توانیم به جای تبدیل شدن به آثار باستانی آنها را تکمیل کنیم.

این مقام مسئول ادامه داد: وقتی پول لازم برای تکمیل یا حتی ادامه تمام طرح‌ها در کشور نیست؛ عقل، ابتکار و تخصیص بهینه منابع این است که با پول کم به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که بهترین استفاده صورت گیرد.

وی همچنین از مردم و نمایندگان ملت خواست که به دولت اعتماد کنند و گفت: در بهترین شرایط در سال آینده تورم به ۲۵ درصد خواهد رسید.

افزایش توان ایران برای صادرات روزانه ۵ میلیون بشکه نفت خام

مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی با اشاره به آغاز شمارش معکوس برای راه‌اندازی ۴ میلیون بشکه ظرفیت جدید ذخیره‌سازی نفت، از افزایش توان صادرات نفت ایران به بیش از ۵ میلیون بشکه خبر داد و اعلام کرد: پایانه‌های شناور نفتی ایران وارد خلیج فارس شده اند.

به گزارش مهر، سید پیروز موسوی از بهره برداری ۴ مخزن جدید ذخیره‌سازی نفت در پایانه نفتی خارگ به عنوان شاهراه صادرات نفت ایران در خلیج فارس تا پایان سالجاری خبر داد و گفت: با وارد مدار شدن این چهار مخزن، ظرفیت ذخیره سازی نفت خام در خارگ به ۳۲ میلیون بشکه نفت افزایش می یابد.

وی با بیان اینکه هم اکنون ظرفیت ذخیره سازی در خارگ ۲۸ میلیون بشکه نفت است، تصریح کرد: با افزوده شدن چهار میلیون بشکه نفت به ظرفیت ذخیره سازی، به استانداردهای بین المللی نزدیک تر می شویم.

مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران مهمترین هدف از اجرای این پروژه را افزایش توان ذخیره سازی نفت خام و افزایش ظرفیت بالقوه بر اساس استانداردهای جهانی و همچنین جلوگیری از مخلوط شدن نفت خام سبک و سنگین و اجتناب از عملیات جداسازی ذکر کرد.

وی در ادامه با یادآوری اینکه شرکت پایانه‌های نفتی ایران آمادگی برای افزایش صادرات نفت خام را دارد، بیان کرد: همزمان با برنامه وزارت نفت برای افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت خام، ظرفیت عملیاتی لازم برای صادرات نفت به میزان سقف تعیین شده در اوپک در پایانه‌های نفتی وجود دارد.

نامبرده با اعلام اینکه هم اکنون با توجه به تعمیرات اساسی انجام شده در اسکله‌های شرقی و غربی، توان صادرات روزانه ۵ میلیون بشکه نفت خام از طریق این پایانه فراهم شده است، گفت: همچنین در صورت افزایش توان صادراتی کشور، می توانیم از پایانه های شناور هم استفاده کنیم.

وی در خصوص آخرین وضع صادرات میعانات گازی توضیح داد: صادرات میعانات گازی از طریق پایانه عسلویه بر اساس برنامه تکلیفی وزارت نفت در حال انجام است.

تمایل اعراب به سرمایه‌گذاری در پتروشیمی ایران

سرمایه گذاران عرب برای مشارکت در طرح های پتروشیمی ایران اعلام آمادگی کردند.

مصطفی تهرانی صفا مدیرعامل بازرگانی پتروشیمی اعلام کرد: درروزهای اخیرازکشورهای حاشیه خلیج فارس تماس‌های متعددی برای مشارکت در طرح های پتروشیمی ایران با ما گرفته شده است؛ البته سرمایه گذاران می خواهند فعلاً اسمی از آنها مطرح نباشد.

وی افزود: آنها می‌خواهند در سرمایه‌گذاری‌ها مشارکت کنند و در عین حال پول‌های اضافه‌ای که دراین کشورها وجود دارد را به کار بگیرند.

چنانکه پیشنهاد سرمایه‌گذاری مشترک در ایران و خارج از ایران را ارائه می‌کنند.

بهبود توزیع بارندگی‌ها در ۶ حوضه اصلی کشور

حجم بارندگی های کشور از ابتدای سال آبی جاری تاکنون به ۷۰ میلیمتر رسید که توزیع بارندگی‌ها در شش حوضه اصلی کشور خوب بوده است و با توجه به بارندگی های اخیر، وضع سدهای تهران بهتر شد به گونه ای که دغدغه تامین آب در تابستان ۹۳ از بین رفت.

محمد حاج‌رسولی‌ها مدیر عامل شرکت مدیریت منابع آب ایران دریک نشست خبری در پاسخ به سوال خبرنگار اطلاعات مبنی بر تشریح اوضاع آبهای زیرزمینی و روان آبهای کشور گفت: به خاطر برودت هوا روان آب‌ها فعلا ۲۳ درصد نسبت به سال آبی گذشته کاهش پیدا کرده و میزان آن نسبت به متوسط دراز مدت بیش از ۴۰ درصد کاهش یافته است.

وی با اشاره به اینکه در بخش بارندگی رتبه هشتم در آمار ۴۶ سال اخیررا داریم، گفت: حجم بارندگی های کشور از ابتدای سال آبی جاری تاکنون به ۷۰ میلیمتر رسیده است که این میزان بارش در مقایسه با میانگین بلندمدت با ۵۴ میلیمتر حدود ۳۰ درصد افزایش و درمقایسه با مدت مشابه سال آبی گذشته که ۷۹ میلیمتر بوده، ۱۱ درصد کاهش یافته است.

حاج رسولی‌ها با اشاره به اینکه ۴۲ درصد مخزن سدهای خوزستان ودر کل کشور ۳۷ درصد مخازن سدها در حال حاضر پراست، گفت: خوشبختانه امسال توزیع بارندگی‌ها در شش حوضه اصلی کشور خوب بوده است و بیشترین درصد بارندگی مربوط به حوضه خلیج فارس و دریای عمان با ۴۲ درصد افزایش و کمترین حجم بارش مربوط به حوضه دریاچه ارومیه با ۱۱ درصد افزایش است. با این حال بخش عمده‌ای از بارندگی‌ها اخیر در حوضه دریاچه ارومیه اتفاق افتاده به گونه‌ای که ۲۷ میلیمتر بارش دراین حوضه در هفته گذشته داشتیم که این رقم برابر یک چهارم بارندگی سه ماه اخیر است.

وی افزود: به غیر ازاستان‌های یزد،اصفهان، خراسان های جنوبی و شمالی و سمنان که بارندگی در آنها نسبت به میانگین کمتر بوده است، مابقی استان ها افزایش بارش نسبت به متوسط درازمدت داشته اند .

نامبرده کسری و بیلان منفی آب های زیرزمینی سال آبی گذشته کشور در ۶۰۹ محدوده مطالعاتی در مهر امسال را ۵/۷ تا ۶ میلیارد متر مکعب ذکر کرد و گفت: در سطح کشور حدود ۶۵۰ هزار حلقه چاه و ۱۰۳ هزار حلقه چاه غیر مجاز وجود دارد که ۷۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز خوداظهاری هم شناسایی شده است.

بخشی از سهام شرکت‌های دولتی قابل واگذاری در بورس عرضه می شود

جلسه هیات دولت عصر روز یکشنبه به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی برگزار شد و اعضای دولت مهم‌ترین مسائل روز کشور را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

در این جلسه، گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی در باره تحلیل بازار سرمایه ارایه شد.

هیأت وزیران در اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و تقویت خصوصی سازی با تأکید بر لزوم تناسب کامل میان رشد متغیرهای بازار سرمایه و عوامل بنیادی و متغیرهای کلان و استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و بنگاه‌های تولیدی نسبت به واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های قابل واگذاری به بخش خصوصی واقعی و کاهش تمرکز در مالکیت و سهم بازار تصمیم گیری کرد.

کاهش قیمت فروش پهنای باند به شرکت های خصوصی تا پایان امسال

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از برنامه این وزارتخانه برای کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت فروش پهنای باند به شرکت های خصوصی تا پایان سال جاری خبر داد و گفت: البته کاهش نرخ فروش پهنای باند به شرط ارزان فروشی شرکت ها خواهد بود.

به گزارش ایرنا، محمود واعظی در جریان بازدید از خبرگزاری جمهوری اسلامی در نشستی خبری افزود: برای کاهش قیمت اینترنت باید ابتدا هماهنگی های لازم با شرکت‌های ارایه دهنده خدمات صورت گیرد.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با انتقاد از پایین بودن پهنای باند داخلی و بین المللی اظهار داشت: برنامه ریزی‌های گسترده ای برای افزایش پهنای باند تاکنون صورت گرفته و امیدواریم بزودی افزایش باند عملی شود.

وی تصریح کرد: پهنای باند بین المللی ۷۱,۷ مگابیت برثانیه است که طی صد روز اول فعالیت دولت یازدهم به این رقم ۴۰ مگابیت در ثانیه اضافه شد و قرار است در صد روز دوم ۱۵۰ مگابیت بر ثانیه دیگر به آن اضافه شود. البته امیدواریم روند افزایش پهنای باند در آینده هم ادامه یابد.

وی درباره سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی گفت: براساس برنامه پنجم توسعه باید ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار میلیارد ریال برای توسعه زیرساخت های مورد نیاز این بخش سرمایه گذاری های لازم صورت گیرد که این رقم با سرمایه گذاری بخش خصوصی تا ۵۰۰ هزار میلیارد ریال قابل افزایش است.

وزیر ارتباطات با اشاره به برنامه بهره گیری از نسل سوم و چهارم در سال آینده، از موافقت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برای اجرای طرح هم کدسازی تلفن ثابت در استان ها خبر داد ودرباره حضورش در شبکه های اجتماعی و استقبال مردم از این امر گفت: حضور در این شبکه ها راه ارتباطی مناسبی با مردم است. اما به دلیل حجم بالای کار تلاش می شود تا حد امکان پاسخگوی نظرات، انتقادات و پیشنهادات باشم.

واعظی درباره نظارت برشبکه های اجتماعی جدید افزود: اگر یک شبکه اجتماعی دارای ۱۰ تا ۱۵ درصد مسایل غیراخلاقی باشد، نمی توانیم ۸۵ درصد مابقی را از آن محروم کنیم . مردم باید بتوانند از این شبکه ها استفاده کنند.

شبکه ملی اطلاعات تا سال ۹۴ راه‌اندازی می‌شود

وزیر ارتباطات همچنین در حاشیه نشست خبرگان فن‌آوری اطلاعات کشور که با موضوع بررسی و تبادل نظر پیرامون مدل مفهومی شبکه ملی اطلاعات و نقشه جامع دولت الکترونیک درباره جایگاه ایران در منطقه برگزار شد، گفت:شبکه ملی اطلاعات تا سال ۹۴ راه‌اندازی می‌شود.

نامبرده تاکید کرد: براساس آمارها در حال حاضر ما در منطقه در رتبه پانزدهم هستیم و امیدوارم با حمایت مجلس و دولت تا آخر برنامه پنجم توسعه مقام دوم در منطقه را کسب کنیم.وی افزود: همه نیازمندی‌های ما در خارج نیست و ما در آینده با داشتن دولت الکترونیک می توانیم همه کارها را از طریق فضای مجازی انجام دهیم. ممکن است در آینده ۵۰ یا ۶۰ درصد فعالیت شما در اینترنت مربوط به داخل کشور باشد.

واعظی تاکید کرد: ما دو اینترنت واگذار نمی کنیم و آن‌هایی که در داخل از شبکه ملی استفاده می کنند سرعت بسیار بالایی خواهند داشت.

وی افزود: من امیدوارم در اواخر سال آینده ما شبکه پهنای باند بین‌المللی‌مان از ۷۰ به ۷۰۰ برسانیم؛ یعنی ۱۰ برابر بیشتر از حال حاضر. همچنین شبکه داخلی و پهنای باند داخلی ما ۵۳۰ گیگابایت بر ثانیه بوده که باید به حدود ۲۰۰۰ گیگابایت بر ثانیه برسد.

فاز نخست مصلای امام خمینی با تامین اعتبار سال آینده تکمیل می شود

*در صورت تحقق ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار،فاز نخست مصلای امام خمینی با ۳۰۰هزار متر مربع مساحت سال آینده تکمیل می شود.

*بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته در نظر است تا تیر سال آینده ۲۰ تا ۲۳ بیمارستان با حدود ۱۸۰۰ تخت به بهره‌برداری برسد.

این مطالب رامحمدجعفر علیزاده معاون وزیر راه و شهرسازی در گفتگو با تسنیم با تاکید بر این‌که این توان را داریم که پروژه را یکساله به اتمام برسانیم، تصریح کرد: تکمیل فاز نخست مصلای امام خمینی با ۳۰۰ هزار متر مربع مساحت که مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و حساس ترین سازه‌ها مانند مسجد مرکزی، گنبد اصلی، ایوان بزرگ، مناره‌ها، شبستان مرکزی، شبستان‌های شرق و غرب و ایوان‌های شرق و غرب در این قسمت وجود دارد، در اولویت قرار دارند.

وی در پاسخ به این پرسش که چند پروژه در دست اجرا دارید، افزود: در کل کشور ۱۸۶ پروژه با حدود ۳میلیون متر مربع مساحت در دست اجراست که برای تکمیل آنها ۵ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

علیزاده در پاسخ به این پرسش که این میزان منابع مالی از چه طریقی تامین می‌شود، اظهار کرد: شیوه‌ای که با توصیه و تاکید وزیر راه و شهرسازی در حال پیگیری آن هستیم،روش مشارکت بخش عمومی با خصوصی است. در این خصوص جلسات فشرده‌ای با سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در حال انجام است و در این زمینه بیمارستان‌هایی را با هماهنگی وزارت بهداشت به‌عنوان پایلوت انتخاب کرده‌ایم.

نامبرده خاطرنشان کرد: بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته در نظر است تا تیر سال آینده ۲۰ تا ۲۳ بیمارستان با حدود ۱۸۰۰ تخت به بهره‌برداری برسانیم.

آلودگی هوا به تهران بازمی گردد

به علت سکون هوا، امکان انباشت آلودگی درهوای تهران در روزهای آینده وجود دارد و هوا امروز و فردا آلوده می شود.

مجید آزادی مدیرگروه پژوهش دینامیکی و هم دیدی پژوهشکده هواشناسی و علوم جوی در گفتگو با ایرنا افرود: از آنجا که از اوایل هفته به ویژه روز یکشنبه گذشته شرایط وزش باد در تهران بسیار مطلوب بود، هوای این کلان شهر در شرایط سالم قرار داشت، ولی با توجه به کاهش وزش باد و سرد شدن هوا، شرایط مساعدی برای انباشت آلودگی هوا درامروز و فردا فراهم می شود.

وی پیش بینی کرد:به علت سکون هوا و پایداری جوی امروز با انباشت آلودگی در هوا مواجه هستیم و بدین ترتیب فردا هم هوای تهران در شرایط ناسالم قرار می گیرد.

عضو هیات علمی پژوهشگاه هواشناسی و علوم جوی ادامه داد: این روند انباشت آلودگی به علت سکون هوا تا روز پنج شنبه ادامه خواهد یافت و پیش بینی ها نشان می دهد که از عصر پنج شنبه جو نسبتا ناپایداری تهران را دربر گیرد و همین امر موجب کاهش آلاینده ها از هوای شهر خواهد شد.به گفته وی از آنجا که پنج شنبه و جمعه تعطیل است، از این رو ممکن است تردد خودروها در سطح شهر کمتر شود و این کمک بزرگی برای کاهش آلودگی هواست .آزادی اظهار داشت: به علت سرد شدن و سکون هوا در اوایل صبح امروز پدیده وارونگی دما خواهیم داشت که در این میان توصیه می شود که با خودداری از تردد غیر ضروری در سطح شهر و استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی به کاهش آلودگی هوای شهر تهران کمک کنیم .

همچنین به گزارش سازمان هواشناسی، بر اساس نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی امروز در سواحل غربی دریای خزر و استان اردبیل بارش برف و باران رخ خواهد داد و در سایر نقاط کشور تا فردا(چهارشنبه) جوی آرام پیش‌بینی می‌شود که پیامد آن افزایش آلاینده‌های جوی در شهرهای صنعتی و پرجمعیت است.

بنابراین گزارش، آسمان تهران امروز صاف در پاره‌ای نقاط، غبار آلود با حداقل منهای دو درجه زیرصفر و حداکثر ۸ درجه بالای صفر گزارش شده است.امروز سردترین استان با منفی ۱۵ درجه زیر صفر اردبیل و گرمترین استان با ۲۶ درجه بالای صفر هرمزگان اعلام شده است.همچنین از ۳۱استان کشور ۲۳ استان دارای کمینه دمای زیر صفر هستند. حداکثر دما در سه استان آذربایجان‌های شرقی و غربی و اردبیل هم زیر صفر گزارش شده است.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۷/۲۹ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۱۰/۲۵ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۶/۸۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۳۶/۸۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۸۷۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۸۷۲۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۴۴۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۶۵۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۸۹۲۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۱۹۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۴۷۸/۵ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر بانکی)	۲۹۵۰ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۴۱۰ تومان
یورو(نرخ غیر بانکی)	۴۰۷۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۰۴۱/۴ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر بانکی)	۴۸۲۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۷۴/۸ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۰۵ تومان

تدوین ۳ استاندارد در حوزه بتن

سرویس اقتصادی: تدوین استانداردهای ملی بتن به مرکز تحقیقات بتن واگذار و در این زمینه ۳ استاندارد که اجرای یکی از آنها اجباری است، تدوین شد.

مهندس مصطفی احمدوند رئیس مرکز تحقیقات بتن(متب) دیروز در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب اظهار داشت: این مرکز برای تهیه ۱۷ استاندار ملی بتن با مؤسسه استاندارد تفاهم‌نامه منعقد کرده است و در این زمینه ۲ استاندارد کنترل کیفیت بتن‌های آماده در کارخانه‌های تولیدی و کنترل ماشین آلات حمل بتن که تشویقی است، تهیه شده است. استاندارد سوم هم مربوط به ویژگیهای بتن آماده(استاندارد۶۰۴۴) است که رعایت و اجرای آن الزامی است.

وی با اشاره به برگزاری شانزدهمین همایش سالانه بتن در ۳ و ۴ دی اظهار داشت: یکی از دستاوردهای مهم همایش امسال ارائه سند طرح جامع نظام بازرسی و کنترل کیفیت ساخت و ساز بتنی در قالب استاندارد مشخصات و ویژگیهای بتن آماده است که به وزارت راه و شهرسازی برای تصویب و اجرایی کردن آن تقدیم می‌شود.

احمدوند ادامه داد: براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۹۰ حدود ۳۱/۷ درصد واحدهای مسکونی شهری اسکلت‌فلزی و ۲۷ درصد سازه‌ها بتن و بتن آرمه هستند. در روستاهای کشور هم ۹/۵ درصد خانه‌ها اسکلت‌فلزی و ۱۱ درصد بتنی هستند. بقیه واحدهای شهری و روستایی که شامل ۵۵ درصد در شهرها و ۷۸ درصد در روستاها است با انواع خشت، گل، آجر، تیر و چوب ساخته شده‌اند.

وی با اشاره به اینکه حدود ۱۰۰ مقاله به همایش بتن ارسال شده است، گفت: در این همایش مسابقات دانشجویی در ۱۰ شاخه برگزار می‌شود و طبق توافقات به عمل آمده برای دانشجویان برتر معافیت سربازی در نظر گرفته شده است.

اعلام آمادگی شرکت‌های آلمانی برای بازگشت به ایران

عضو بزرگ ترین و قدیمی ترین انجمن آلمان در حوزه کسب و کار خاورمیانه از آمادگی شرکت‌های آلمانی برای بازگشت به ایران خبر داد.

به گزارش مهر، ورنر شولتزکه عضو انجمن آلمانی خاورمیانه و خاور نزدیک در دیدار با رئیس هیات عامل ایمیدرو از فرصتی که برای توسعه روابط دو طرفه فراهم آمده، استقبال کرد و یادآور شد: همکاری با صنایع معدنی ایران هیچگاه به طور کامل قطع نشده و در ۲ سال گذشته این شرکت پروژه هایی در شرکت آلومینیوم المهدی به اجرا درآورده است.

وی با تاکید بر اینکه خواهان برگشت به ایران برای انجام طرح های جدید هستیم، افزود: تحریم های بین المللی به سبب اینکه مانع استفاده از فرصت های موجود می شد برای ما هم شرایط دشواری را پدید آورده بود.

وین فرش هفت رنگ که پامال رقص توست
از خون و زندگانی انسان گرفته رنگ
در تار و پود هر خط و خالش، هزار رنج
در آب و رنگ هر گل و برگش، هزار ننگ
این جا به خاک خفته هزار آرزوی پاک
این جا به باد رفته هزار آتش جوان
دست هزار کودک شیرین بی گناه
چشم هزار دختر بیمار ناتوان!

هوشنگ ابتهاج



نگاهی به مشکلات صنعت فرش دستباف ایرانی

نقش زندگی بر تار و پود فرش ایرانی

***دکتر حسین تجدد ـ پژوهشگر و نویسنده دایرهٔ المعارف فرش دستباف ایران: قالی ایران علاوه بر این که در سراشیبی سقوط و نابودی قرار گرفته است، هنوز هم در بسیاری از شهرها و روستاها و مراکز عشایری، قالیبافان در بدترین شرایط کار و زندگی، دست اندر کار خلق و نگهداری این هنر دیرپای ملی هستند و معلوم نیست که چه کسی یا چه نهاد و دستگاهی مسئول این نابسامانی هاست؟**

***محسن محسنی ـ کارشناس و پژوهشگر فرش دستباف: هنگامی که نقاش فرش، استاد قالیباف، استادکار رنگرز و حتی ریسنده خامه، همگی کارشان را بدون نام و یاد خدا آغاز نمی کنند، طبیعی است که رفتار چنین کسانی ناشی از نیات و کنش و واکنش درونی آنهاست؛ که این گونه درون نگری و خلوص نفسانی را در کمتر حرفه و هنر مغرب زمین می توان یافت**

***پروفسور سید حسن امین ـ سرپرست علمی دایرهٔ المعارف ایران شناسی: فرش ایرانی در سه دهه اخیر در سطح جهانی، سهم بازار خود را از دست داده است و مسئولیت این شکست سنگین بیش از آن که مرتبط با کشورها و بازارهای دیگر نظیر چین باشد، به خود ما برمی گردد**

اگر روزگاری فرش را به عنوان نماد و نشان باغ و بوستان و گل و ریحان و باغچه و طبیعت زیبای بهاری فقط در تالارهای کاخ ها و موزه ها و در سطح اشرافیت و بسیار معدود می جستیم، امروزه به شکل هنری تر، آن را در میان ساکنان صحراها و چادرهای کویرنشینان و شیوخ و بزرگان اعراب وای بسا در میان قبایل مختلف و حتی مناطق سردسیر که سال تا سال رنگ و بوی سبزینه و بهار را لمس نمی کنند و رایحه بهاری بر دماغ شان آشنا نیست، به آسانی می توان یافت.

فرش، ارمغانی است که هنرمندان ایرانی به وسیله آن، بهار سبز را با همه خرمی و شادابی اش برای تمامی فصول سال به درون منازل دور دست می فرستند و برای همیشه در میان نسل ها جاودانه می سازند.

فرش یک عکسبرداری صرف از طبیعت نیست بلکه نماد زندگی زیباست که از ترشحات خلاق یک ذهن هنرمندانه نشأت گرفته و به صورت پیام های عاطفی و عرفانی درآمده است، آن سان که شایسته شأن انسان والا و طبع لطیف آدمی است.

فرش، تصویری را از زندگی ایجاد می کند که گویی هرگز در آسمان بهار سحرانگیزش، راه خزانی نیست و اگر خزانی را به تصویر کشد، خود مظهری از زیبایی وصف ناشدنی خواهد بود.

دایره المعارف فرش دستباف ایران

دکتر حسین تجدد ـ پژوهشگر و نویسنده دایرهٔ المعارف فرش دستباف ایران که طی ٤ دهه در عمق کارگاه های قالیبافی در شهرها و روستاهای مختلف به تحقیق و پژوهش پرداخته است، در کتاب خود به طور کامل شرایط غیر بهداشتی و سخت قالیبافی در سال های گذشته را شرح داده است.

وی در مورد پژوهش های خود در زمینه قالیبافی و دست اندرکاران آن می گوید: با بازدید از کارگاه های استان کرمان و دیگر کارگاه ها در شهرهای زرند، راین، ماهان، چوپار، کوه بنان، راور، شهر بابک، رفسنجان، نوق، داوران، کشکوئیه، عباس آباد خان و بسیاری نقاط دیگر و دیدن مشکلات و گرفتاری های قالیبافان، تصمیم گرفتم پژوهش ژرف و همه جانبه ای درباره وضع اسفناک این صنعت انجام دهم.

چرا که این هنر از یک طرف میلیون ها انسان را در تار و پود خود اسیر کرده و از یک طرف دیگر می تواند تاثیر مهمی در اقتصاد کشورمان داشته باشد.

دکتر تجدد ادامه می دهد: میلیون ها انسانی که در ایران و تمامی جهان از هنر آفرینی و ابتکار و خلاقیت این کارگران زحمتکش، محروم، بیمار و ستمدیده قالیباف استفاده می کنند و از تماشای دل انگیزترین و زیباترین جلوه های این هنر دستی لذت می برند و همچنین تمامی ثروتمندانی که با بهترین امکانات رفاهی، قالی های زیبا را بر کف و دیوار خانه های خود می گسترانند و آویزان می کنند، نمی دانند که این افراد چگونه و در چه شرایط سختی این فرش ها را آماده می سازند و برای عرضه و فروش، به کارفرمایان خود تحویل می دهند.

عوارض فرشبافی

دکتر تجدد که دارای تخصص مدیریت امور بهداشتی است، در مورد بیماری ها و عوارض حرفه ای فرش بافی اظهار می دارد: کار قالیبافی دارای مراحل و قسمت های گوناگونی است و در نتیجه عدم رعایت اصول و موازین بهداشتی در هر یک از این مراحل و قسمت ها، سبب ایجاد عوارض و بیماری های مختلف حرفه ای خواهد شد که مهم ترین آن ها عوارض و بیماری های ریوی، پوستی، آلرژی اسکلتی عضلانی، عفونی، چشمی و همچنین کم خونی ها، سو تغذیه، کمبود ویتامین ها و مواد معدنی است که من در دایرهٔ المعارف خود، پژوهش ها، تجربه ها و دیدگاه هایم را در مورد آن بیماری هایی که بیشتر شایع است، بیان کرده ام و راه های پیشگیری از آن ها را هم گفته ام و حتی اجرایی نموده ام.

دکتر تجدد ادامه می دهد: قالی ایران علاوه بر این که در سراشیبی سقوط و نابودی قرار گرفته است هنوز هم قالیبافان در بسیاری از شهرها و روستاها و مراکز عشایری، در بدترین شرایط کار و زندگی، دست اندر کار خلق و نگهداری این هنر دیرپای ملی هستند و معلوم نیست که چه کسی یا چه نهاد و دستگاهی مسئول این نابسامانی هاست!

باید نهادی با مسئولان استوار و با عزم و اراده ای خلل ناپذیر، پیشنهادها و راهکارهای صاحب نظران، کارشناسان، بازرگانان، صادرکنندگان و تولیدکنندگان را بررسی دقیق و موشکافانه کند و آنچه به مصلحت فرش کشور است، به گونه ای جدی اجرا شود.

وی با بیان این که باید بدانیم فرش دستباف یک کالای فقط اقتصادی نیست، می افزاید: فرش بنا به طبیعت و ماهیت خود، جایگاه ویژه ای در هنر و صنعت ایران زمین دارد. تصمیم گیری های اقتصادی و بازرگانی بدون مطالعه جوانب گوناگون، کاری نافرجام است که از پیامدهای منفی آن تا به حال زیان های بسیار دیده ایم. فرش یک هنر یا صنعت صرف نیست؛ یک فرهنگ است که با زندگی نسل های گذشته و امروز مردم ایران پیوند ناگسستنی دارد. فرش جلوه تابناک و درخشان اندیشه ایرانی است.

مشکلات صنعت فرش

علاقه طبقه به خصوصی از اهالی کشورهای اروپایی و آمریکایی به قالی ایران، در حدی است که تا کنون تبلیغات دامنه دار و سنگین و پر هزینه تولید کنندگان فرش ماشینی نتوانسته است آن ها را از خرید قالی های دست باف ایرانی منصرف و وادار به خرید فرش ماشینی کند، چرا که خرید فرش دستباف و با دوام ایرانی برای آن ها می تواند یک سرمایه گذاری خوب باشد.

دکتر حسین تجدد در این مورد می گوید: باید از تصمیم گیری های موقت و مقطعی درباره صنعت گسترده ای نظیر فرش خودداری شود. در چند وقفه ای که طی سال های گذشته در مورد صدور فرش پیش آمد، فقط تولید کنندگان کوچک بودند که ناچار به فروش بافته های خود با کمتر از قیمت تمام شده، به واسطه ها شدند.

بازار فرش فقط مربوط به تجار و صادرکنندگان آن نیست، بلکه باید اتحادیه ای متشکل از تمامی دست اندرکاران صنعت فرش ایجاد شود.

وی در مورد مشکلات دیگر صنعت فرش اظهار می دارد: امروزه در جهان، تبلیغات خوب و مؤثر، نقش ویژه ای در بازار کار دارد. اگر در بازارهای جهانی نتوانیم تبلیغات موثری داشته باشیم، بی تردید فروش فرش هایمان پایین خواهد آمد که متاسفانه ایران از نظر تبلیغات فرش، حرف چندانی برای گفتن ندارد.

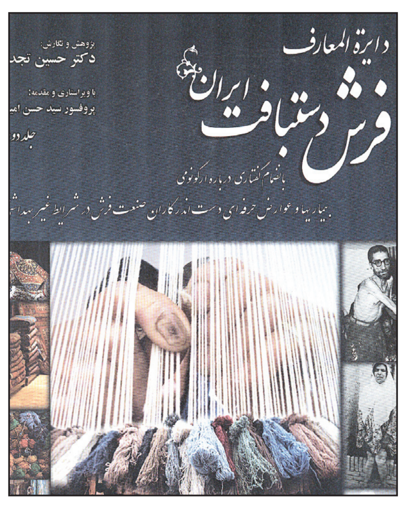
یکی از دلایل فروش پایین فرش ایرانی، یک نواختی در طرح و رنگ و اندازه فرش است. تولید کنندگان فرش باید محصولات خود را با نیاز بازارهای جهانی تطبیق دهند. فرش های ایرانی دچار یکنواختی و عدم تنوع شده و طبیعی است که این مساله سبب کاهش تقاضا شده است.

دکتر تجدد همچنین به لزوم برپایی مجتمع های قالیبافی اشاره می کند و می گوید: فرش کشور در بخش ها، روستاها و خانه ها بافته می شود. باید کم کم تمامی کارگاه ها و دارهای قالیبافی در خانه ها برچیده و قالی فقط در مجتمع های قالیبافی بافته شود و تمامی امور مربوط به فرش نیز تحت نظارت بازرسان و طراحان فنی قرار گیرد.

وی بر نتایج خوبی که فعالیت مجتمع های قالیبافی در پی خواهد داشت، تاکید می کند و ادامه می دهد: اگر همه امور متمرکز باشد، بافت قالی طبق اصول فنی انجام خواهد گرفت؛ کارگاه ها و دارها و ابزارهای قالیبافی بهداشتی خواهد شد، از مصرف رنگ ها و مواد نامرغوب جلوگیری به عمل خواهد آمد و همچنین در مجتمع های قالیبافی، کارگران از گرفتن حداقل دستمزد و حمایت های قانونی و تامین اجتماعی برخوردار خواهند شد و دست واسطه ها نیز از صنعت قالیبافی کوتاه خواهد شد.

شکست در بازارهای جهانی

پروفسور سید حسن امین ـ سرپرست علمی دایرهٔ المعارف ایران شناسی با بیان این که صنعت و هنر فرش، در فرهنگ و تمدن گران سنگ ایران زمین ریشه ای عمیق و پیشینه ای دراز دارد، می گوید: هنر



کاربردی فرش، یکی از ارکان هنر و فرهنگ ملی ما ایرانیان است و تاریخ فرش، به نوعی بخشی از تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران است. چنین است که هر ایران دوست و هر ایران شناسی باید به فرش علاقه مند باشد و به همین مناسبت است که سازمان دایرهٔ المعارف ایران شناسی، از چاپ «دایرةالمعارف فرش دستباف ایران» نوشته دکتر حسین تجدد استقبال کرده است.

وی در مورد این دایرهٔ المعارف که ویراستاری آن را هم برعهده داشته است، توضیح می دهد: این دایرهٔ المعارف در ۲ جلد به چاپ رسیده و شامل مباحثی راجع به نمادها، طرح ها، سبک ها، اندازه ها، رنگ ها، اجزا و مواد سازنده فرش، مراحل بافت آن و دیگر مشخصات فنی و هنری فرش ایرانی و همچنین نیک و بد تولید فرش از جهات اقتصادی، اجتماعی و عوارض و بیماری های حرفه ای است.

نام و نشان هنرمندان فرشباف و همچنین تفصیل و تبیین مباحث ریزتر و نکات ظریف تر درباره هنر و صنعت فرش و سیر تحول آن با تاکید بر تبیین موانع رشد صنعت فرش در کشور، در این کتاب گنجانده شده است.

پروفسور امین، ایران را یکی از نخستین خاستگاه های هنر فرش در جهان می داند و می افزاید: نگاهی به پیشینه درخشان فرش ایران، جای افسوس و دریغ بسیاری را برای امروز به جا می گذارد. فرش ایرانی در سه دهه اخیر در سطح جهانی، سهم بازار خود را از دست داده است.

مسئولیت این شکست سنگین بیش از آن که مرتبط با کشورهای دیگر و بازارهای دیگر نظیر چین باشد، به خود ما برمی گردد.

هنگامی که از تولید داخلی و صنایع بومی و دستی حمایتی نشود، نه تنها رقیبان بیگانه از ما پیشی می گیرند، بلکه تولید کنندگان ایرانی هم سرمایه های مادی و معنوی خود را به کشورهایی نظیر پاکستان، هند و ترکیه منتقل می کنند و در آن کشورها، طرح ها و نقش های ایرانی را تولید و به بازارهای جهانی صادر می کنند.

وی ادامه می دهد: در دهه های اخیر، غرب گرایی ایرانیان موجب شده است که کف خانه های ما با استفاده از سرامیک و پارکت و کف پوش های فرنگی دیگر یعنی فرش های ماشینی وارداتی فرش شود و با نهایت تاسف از فرش دستباف ایرانی خودمان که سرشار از رمز و راز و طراوت و خیال است و تا چندی پیش اساسی ترین اثاثیه منزل هر ایرانی بود، محروم شود.

فرش، سفیر فرهنگ شرقی

محسن محسنی ـ کارشناس و پژوهشگر فرش دستباف درباره هنر فرش ایرانی می گوید: اگر هنوز معتقدیم فرش دستباف طالب دارد، اگر هنوز به قدمت ۵۰۰ ساله فرش دستباف ایران در عرصه جهانی می اندیشیم و می دانیم این قدمت، خود پیشینه و فرایندی ۲۵۰۰ ساله دارد، اگر هنوز قصد داریم حضور مستمر و پایدار فرش دستباف ایران را در عرصه های مادی و معنوی جهان جدی بگیریم، اگر قبول داریم که این میراث کهن سنتی با ویژگی هایی که دارد کمتر از شاهکارهای معماری و ابنیه تاریخی نیست، اگر باور داریم که فرش ایران تنها سفیر حسن نیت و غنی از فرهنگ متعالی شرقی است که از درون دور افتاده ترین روستاها و اقوام عشایری تا دل و جان شیفتگان مغرب زمین رسوخ کرده است، اگر باور کنیم که هنوز هم داشتن یک قالیچه زیبا و قدیمی ایرانی جزو آرزوهای یک خانواده اروپایی و آمریکایی است و در عین حال وسیله تجملی افسانه ای است که پشتوانه و ذخیره ای مالی محسوب می شود، اگر قبول داریم که فرش های کهنه و مستعمل ایرانی، پس از سالیان دراز خدمت به خانواده های ایرانی، صدرنشین منازل غربیان است و با ارز و طلا معاوضه می شود، و بالاخره اگر اطمینان داریم که جذابیت های شیرین هنری فرش، با وجود تکرارها در عرصه خسته کننده زندگی ماشینی، ارضا کننده جان های تشنه و خسته از تلاش های روزمره است، باید بپذیریم که حضور هنر هنوز هم در صحنه زندگی ماشینی زوال ناپذیر و همچون اکسیری جاودانه، آرامبخش و ضروری است.

هنر فرش که با حضور خود، اندیشه های عارفانه مشرق زمینی را همواره بر کف سالن ها فرا روی بینندگان قرار می دهد، افسون گر و نشانی است از این که حضور خلاقانه هنرآفرینان ایرانی، تنها شعاری دهان پر کن نیست. محسنی در مورد حضور خلوص، صداقت و عشق معنوی در بافت فرش های ایرانی می گوید: هنگامی که می فهمی نقاش فرش، استاد قالیباف، استادکار رنگرز و حتی ریسنده خامه، همگی کارشان را بدون نام و یاد خدا آغاز نخواهند کرد، طبیعی است که رفتار چنین کسانی ناشی از نیات و کنش و واکنش درونی آنهاست که این گونه درون نگری و خلوص نفسانی را در کمتر حرفه و هنر مغرب زمین، می توان یافت.

وی می افزاید: دست اندرکاران این رشته هنری به دور از تقلب و دغل کاری و به زیر پا گذاشتن تعهدات اخلاقی کار هنری خود را به خاطر هنر، در درجه نخست و سپس برای تجارت و تعامل عرضه می کردند.

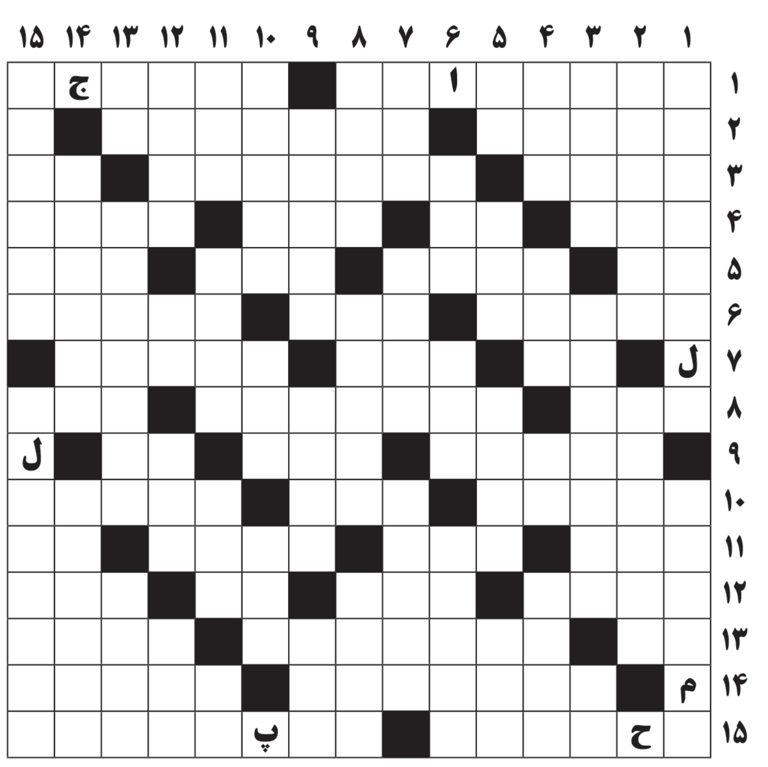
آیا ما به عنوان میراث دار آثار هنری، فرش را که یکی از مواریث ارزشمند ملی ماست، فراموش کرده ایم که چگونه از پیشینیان به دست ما رسیده است؟ آیا ما فکر می کنیم طراحی و نقاشی فرش نتیجه میلی زودگذر بوده یا بر اثر حادثه و اتفاق ناخواسته، این چنین درخشیده است؟

مجموعه کار قالیباف و طراح و نقاش فرش نه اتفاق است، نه یک حادثه و نه یک میل نفسانی؛ بلکه کاری است از سر شوق، توأم با تعهد و ارتباط عاطفی، ناشی از گره فکر و اندیشه با مخاطب!

شبنم سیدمجیدی

جدول ۲۲۱۵۷

طراح: غلامحسین باغبان



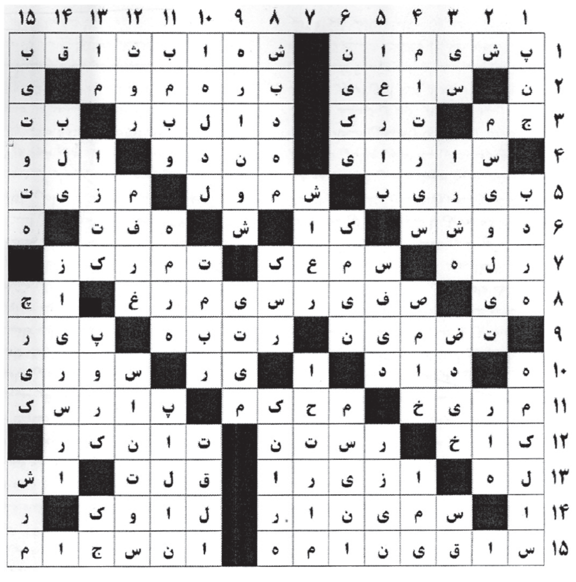
افقی:

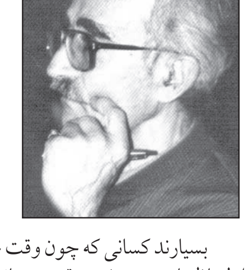
۱- کنایه از کم اطلاع- حمله ور
۲- گلر تیم استقلال تهران- میوه ترش هسته‌دار
۳- یورش و هجوم- دیدنی- تشک ماوس
۴- صندلی سوارکاری- کجاست- سوراخی در کوه- نامی دخترانه
۵- ضمیر جمع- ریزنمرات- از الفبای یونانی- رود ترکمنستان
۶- رخصت دادن- کشور«لهاسا»- جنگی بین نادر شاه و شاه گورکانی
۷- دفاع فوتبال- زود نیست- نام«ماندلا» مبارز آفریقای جنوبی
۸- گل سفید معطر- این طور- همراه«لعب»
۹- سوگند به خداوند- طعم- نت آخر
۱۰- خبرگزاری کار ایران- جواب«های»- پایتخت ویتنام
۱۱- پاداش عمل- هر سه ماه- مردان سیاسی- از خواهران برونته
۱۲- ابله و کم عقل- یار «رامین»- بیکاره- لون
۱۳- پول ژاپن- نوشابه‌گازدار قدیم- برتری
۱۴- غصب اموال کشورهای ضعیف توسط دول قدرتمند- ادیب انگلیسی مولف «تیمور لنگ»
۱۵- شهری در بوشهر- تیم فوتبال اتریشی

عمودی:

۱- تفاوت بین پرداخت‌ها و دریافت‌ها- ساکنین قطب شمال
۲- نیاز- معلق
۳-بعد چهارم- فصل بهاران- نام ترکی
۴- بی‌حرمتی- آرایش در قدیم- لگن توخالی- روز ازل
۵- به جای «او» می‌نشیند- مقابل کوه- هزاران- غول برف‌ها
۶- وسیله ماهیگیری- خون بها- دیر، عبادتگاه
۷- رشته و نخ- باوقار- گاز خورشیدی
۸- بینی- نوعی دلمه- جای کم عمق دریا
۹- شجاعت- مهره شطرنج- نظرات
۱۰- تبحر و استادی- مادر بزرگ- بخشش و کرم
۱۱- نوعی برادر- بیماری جذام- سرسرا- نت سوم
۱۲- پیشکش- خاک سفالگری- دوازده ماه- اولین سلسله پادشاهی ایران
۱۳- حرف ندا- چربی پشم- ذخیره
۱۴- ظرف مقیاس- نوعی شیرینی
۱۵- معمول و مرسوم- پایتخت«زلاندنو»

حل جدول ۲۲۱۵۶





به یاد دکتر مهیندخت معتمدی

استادی که تنها زیست و تنها رفت

محمد رئوف توکلی ـ بانه

بسیارند کسانی که چون وقت خود را بیشتر صرف دانش‌اندوزی می‌کنند، از لحاظ مادی و معیشتی عقب می‌مانند و به هنگام بیماری و سالخوردگی، زندگی ناگواری خواهند داشت، مگر اینکه نیکخواهانی از حالشان آگاه شوند و آستین همت بالا بزنند و بر دل آنان مرهم نهند و آلامشان را تسکین دهند. غرض از بیان این مقدمه اینکه:

خانم دکتر مهیندخت معتمدی استاد بازنشسته دانشگاه در تنهایی و غربت رفت. وی سال ۱۳۰۸ در بانه دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه، به دانشسرای مقدماتی سنندج راه یافت و در سال ۱۳۲۹ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. با پشتکار و علاقه‌ای که به ادامه تحصیل داشت، دوره دانشسرای عالی را در سال ۱۳۳۸ به پایان برد و در سال ۱۳۵۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی موفق به دریافت دکتری گردید و به تدریس در دانشگاه پرداخت و سرانجام پس از ۳۲ سال خدمت فرهنگی، در سال ۱۳۶۱ بازنشسته شد.

وی با زبانهای عربی و فرانسوی نیز آشنا بود و در شعر طبع روانی داشت. دو دفتر اشعارش یکی به نام «گلهای آبیدر» و دیگری به نام «دریای اشک» چاپ شده‌اند. در ترجمه هم توانا بود؛ «شعله کبود» از جبران خلیل جبران و «اشکها و لبخندها» اثر می زیاده را از عربی به فارسی برگردانده است که به چاپ رسیده‌اند. تحقیقات بزرگی هم راجع به زندگانی و اشعار مسعود سعد سلمان انجام داده بود که قرار بود انتشارات امیرکبیر چاپش کند. «گنجینه زبانها» و کتابی راجع به عرفان «مولانا خالد نقشبندی» از او به چاپ رسیده است. مقالات و اشعاری هم از وی در مطبوعات چاپ شده است.

خانم دکتر معتمدی به اسلام و انجام فرایض دینی سخت پایبند بود و در هر فرصتی با تلاوت قرآن کریم قلب خویش را جلا می داد. او دو بار به زیارت خانه خدا مشرف شد. مجرد بود و تنها می‌زیست و با حقوق بازنشستگی سر می‌کرد. خانه‌ای نداشت و چون همهٔ خانه به دوشان کرایه‌نشین بود و در آپارتمانی واقع در شرق خیابان طالقانی تهران زندگی می کرد. به مناسبت همشهری بودن و اشتراک علایق فرهنگی، به خانه ما تشریف می‌آورد و حقیر هم برای خوشه‌چینی از معلوماتش به خدمتش می‌شتافتم. روزی تلفنی تماس گرفت و با لحنی محزون از مشکلی که برایش پیش آمده بود، سخن گفت: «صاحبخانه به بهانه اینکه پسرش در تدارک ازدواج است، می‌خواهد آپارتمانش را تخلیه نمایم. جریان دادرسی هم در دادگاه به سر آمده و به زودی حکم تخلیه صادر می گردد و اثاثیه‌ام را به کوچه می‌ریزند. از بابت وسایل منزل چندان نگران نیستم، غم و دلهره‌ام بیشتر به خاطر کتابها و دست نوشته‌هایم است که سالها برایشان رنج برده‌ام و چون فرزند عزیز می‌دارم و سخت است پرپرشدن و بی‌حرمتی آنها را در کوچه شاهد باشم!»

پس از شنیدن رنجنامه خانم دکتر معتمدی، غمی سنگین بر دلم نشست. لاجرم اندوه خویش و درددل او را بر صفحه کاغذ نگاشتم و به روزنامه اطلاعات که بیش از نیم سده است خواننده‌اش هستم، فرستادم. پس از دو روز مثل اینکه آه جگرسوز ایشان چون تیری به هدف اصابت کرده باشد، تلفن خانه‌مان به صدا درآمد و کسی متواضعانه فرمود: «من فلانی هستم. حسب حالی که از آن استاد فرستاده‌ای، به دستم رسید؛ اگر ممکن است، شماره تلفن ایشان را لطف کنید تا شرح گرفتاری او را از زبان خودش هم بشنوم و راه چاره‌ای برایش بیابم.» شماره تلفن خانم دکتر معتمدی را به ایشان تقدیم کردم.



دکتر مهیندخت معتمدی در سال ۱۳۶۶

خوشبختانه در نتیجه تلاش خیرخواهانه ایشان، آپارتمانی دوخوابه در خیابان آرژانتین به مادام‌العمر خانم دکتر معتمدی واگذار گردید و از تشویش خاطر و سرگردانی رهایی یافت. به دنبال مستقر شدن ایشان در آپارتمان مزبور، با توجه به فرمایش رسول گرامی(ص) که فرمود: «**من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق**»، یعنی کسی که از لطف بندگان خدا شکر نکند، از خدا هم تشکر نمی‌کند، سپاسنامه‌ای حضور جناب دعایی تقدیم داشتم و کماکان از او ممنونم و از خداوند تبارک و تعالی اجر جزیل برایش مسئلت دارم. اقامت خانم دکتر معتمدی در آن آپارتمان حدود ده سال به طول انجامید و گاهگاهی حالش را جویا می‌شدم. مدتی بود هر چه تلفن می‌زدم، تماسی برقرار نمی‌شد، به قول لسان‌الغیب شیراز:

صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی بر نخاست
عندلیبان را چه پیش آمد؟ هزاران را چه شد؟

با خود اندیشیدم شاید مشکلی برایش پیش آمده یا در بیمارستانی بستری شده؛ چون همواره از پا درد و بیماری شکایت داشت. از دوستان و آشنایان سراغش را می گرفتم. یکی از دوستان در سنندج گفت: «شنیده‌ام او را به آسایشگاه سالمندان فاطمیهٔ کرج برده‌اند.» با آنجا تماس گرفتم، گفتند: «بلی، اینجاست و می توانی او را ببینی.» از حصار کرج خود را به آسایشگاه رساندم، ساعت ۱۲ ظهر بود. مدیر داخلی آسایشگاه گفت: «وقت ملاقات تمام شده، فردا پیش از ظهر تشریف بیاورید.» گفتم: «از راهی دور آمده‌ام، رفت و آمد برای من سالخورده سخت است. لطف بفرمایید در باز شود تا او را زیارت نمایم.» در باز شد، یکی از پرستاران اتاق کوچکی را نشانم داد که استاد معتمدی با یک خانم سالخوردهٔ دیگر در آنجا به سر می‌برد و هزینه نگهداری‌اش را از حقوق بازنشستگی‌اش دریافت می‌کردند.



مرحومه معتمدی در ماههای پایانی عمر در خانه سالمندان

سلام و عرض ادب کردم. تشکر کرد. دیدم فقط جثه مچاله شده‌ای از وی باقی مانده است. به یاد روزی در آذر ۱۳۵۰ افتادم که مرحوم دکتر مهدی حمیدی شیرازی در دانشسرای عالی در رثای بدیع‌الزمان فروزانفر صحبت می کرد و از مرحوم دکتر معین هم سخن به میان آورد که پنج سال در حال اغما بود و سرانجام ۱۳ تیر ۱۳۵۰ به رحمت ایزدی پیوست، در حالی که وزنش به ۱۶ کیلو تقلیل پیدا کرده بود! یکی دو بار دیگر به ملاقاتش رفتم و گاهگاهی تلفنی حالش را جویا می‌شدم و با صدای ضعیفی جواب می‌داد. بار آخر وقتی خواستم حالش را بپرسم، خانم هم اتاقی‌اش گفت: «متأسفانه خانم دکتر معتمدی چندی است درگذشته و بدون هیچ تشریفاتی در گورستان بی‌بی‌سکینه کرج روی در نقاب خاک کشیده است!» هیچ روزنامه و رسانه‌ای خبر فوت او را انتشار نداد. ندانستم سرنوشت کتابها و دست‌نوشته‌هایش که آن همه دغدغه آنها را داشت، به کجا انجامید؟ به قول شاعر:

کسی ز چون و چرادم همی نیارد زد
که نقشبند حوادث ورای چون و چراست
کسی چه داند کاین گوژپشت مینارنگ
چگونه مولع آزار مردم داناست!

روانش شاد و یادش گرامی باد و به فرمودهٔ پروین اعتصامی:

صاحب آن همه گفتار امروز
سائل فاتحه و یاسین است

***

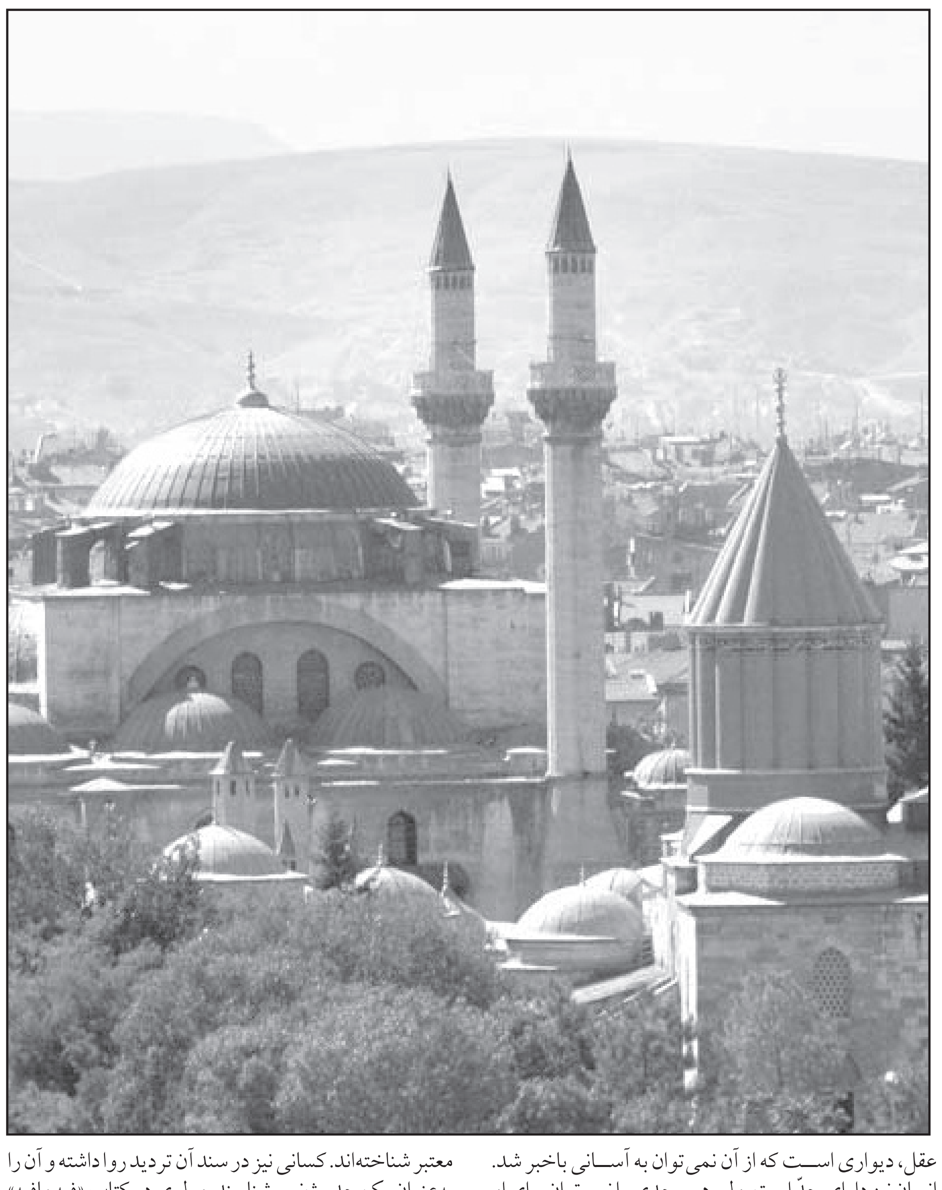
یکی از سروده‌های ایشان، شعر «به تو ای بانه زیبا»ست که در آغازش می‌نویسد: حمله هوایی دشمن به شهر کوچک من بانه در روز ۱۳۶۲/۳/٤ آن را به خاک و خون کشید و چنان آتشی در دل برافروخت که در سوگ عزیزان از دست رفته، خون گریستم.

تا که خاک تو مرا زادگه است
بانه ای شهر پر از شور وسرور
با نسیم سحری بوی خوشت
به مشام آیدم از این ره دور
تا بکاهد غم تنهایی دل
از توام، مه سخنی ساز کند
تا بپیچد به پرندت همه شهر
جلوه مهتاب خوش آغاز کند
خود ندانم که در این جنگ وستیز
در سلیمان بگ تو جائی هست؟
تا مگر تشنه لبی نوشد آب
بر لب جو اثر پائی هست؟
آربای خوش و سرسبزی آن
گر چه در چشم خیالم طاق است!
سایه بید بن و زرد گلت
باز میعادگه عشاق است؟
باز در دامن این کوه، چو من
مرغی آواره غزلخوان گردد؟
باز از آتش صدها گل سرخ
همه شب باغ چراغان گردد؟
درختی ز دوکانان لب جو
آشیان ساخته آن لک‌لک پیر؟
می زند چوبه منقار به هم؟
می‌شود گاه ز تنهائی سیر؟
باز از جلوه، هزاران اختر
عاشقان را همه شب گوید راز؟
آید از مسجد آدینه شهر
بانگ تکبیر به هنگام نماز؟
باز در سقف سرا، فصل بهار
چلچله ساخت ز نو لانه خویش؟
یا چو من ماند ز جانانه جدا؟
الفتی بست به کاشانه خویش؟
باز در پیچ و خم کوچه تنگ
پیچد آواز خوش رهگذری؟
یا که در آرزوی دیدن دوست
آید از خانه برون باز سری؟
باز در سایه کم نور چراغ
پدر پیر نفرسود ز کار؟
از شکوفا گل رخسار پسر
آیدش یاد ز هنگام بهار؟
بشکند دست جفاپیشه خصم
که غمی تازه به غمها افزود
آفت جنگ که ننگ بشر است
باد از پهنه گیتی نابود...

خودشناسی، پیام مولوی

دکتر غلامحسین دینانی

بخش اول



مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در تاریخ ایران اسلامی یکی از شخصیت‌های شگفت‌انگیزی است که از بسیاری جهات شبیه و نظیری برایش نمی توان یافت. امواج خروشان اندیشه‌های این شخصیت شگفت‌انگیز که از ژرفای هستی او ناشی می‌شود، پی‌درپی و دمادم است و در هر موجی از این امواج، رمزی از رموز بی‌پایان وجود انسان آشکار می گردد. او خود به گوناگونی اندیشه‌های خویش آگاهی دارد و به‌درستی می‌داند که با پیدایش یک اندیشه محکم و متین جهان‌هایی ویران می‌شود و جهانی جدید و عالمی نو رخ می نماید، چنان که گوید:

از یک اندیشه که آید در درون
صد جهان گردد به یک دم سرنگون

مولوی در آثار خود قصه می گوید و افسانه می‌سراید؛ ولی در هر قصه و افسانه‌دروازه‌ای را به جهان معانی می گشاید که کمتر کسی می‌تواند به این جهان‌های پررمزوراز راه داشته باشد. او همواره از پوست به مغز می‌رسد و به‌خوبی می‌داند که مغزهمواره در درون پوست به‌کمال می‌رسد؛ بنا بر این قصه‌هایی که‌می گویدو افسانه‌هایی که‌می‌سراید، به‌منزله پوستها و قشرهایی هستند که مغزهای گرانبهایی را به انسان‌ارزانی می‌دارند. او خود به این مسئله اشاره کرده می گوید:

بشنو اکنون صورت افسانه را
لیک هین از کَه جدا کن دانه را

ستایشگر خرد

مولوی بدون هیچ گونه تردید، اندیشمند بزرگ و ژرف‌اندیشی است که‌برخلاف آنچه برخی از ظاهرپرستان می گویند، برای عقل و خرد اهمیت فوق‌العاده قائل‌شده، پیوسته از عقل و خرد ستایش می‌کند. شاید کمتر عارفی را بتوان یافت که به اندازه مولوی از عقل تمجید به‌عمل آورده باشد. اگر خواسته باشیم سخنهای مولوی رادرباره اهمیت عقل و خرد بازگو نماییم، سخن به درازا خواهد کشید و این مقدمه کوتاه‌گنجایش آن را نخواهد داشت، ولی از باب نمونه می‌توان به برخی از اشعار او در این‌باب اشاره داشت. در جایی گوید:

از عدم چون عقل زیبا رو گشاد
خلعتش داد و هزارش نام داد
کمترین زآن نامهای خوش‌نفس
آنکه نبوَد هیچ او محتاج کس
گر به صورت واگشاید عقل رو
تیره گردد روز پیش نور او

چنان که در این ابیات دیده می‌شود، در نظر مولوی عقل آنچنان روشن ودرخشان است که اگر صورت واقعی خود را نمایان سازد، روزهای روشن عالم در برابرعظمت نور او تیره و تاریک خواهند بود. نکته دیگری که مولوی به آن اشاره می‌کند، این است که می گوید: عقل به‌واسطه‌وسعت و گسترش خوداز نامهای فراوان برخوردار است که در میان این نامهای‌فراوان، کمترین آنها این است که به چیزی نیازمند نیست، اگرچه بسیاری از امور به آن نیازمند شناخته می‌شوند.

تردیدی نیست که همه چیز به عقل شناخته می‌شود؛ ولی عقل به‌واسطه چیزهای‌دیگر شناخته نمی‌شود. عقل، هم خود را می‌شناسد و هم امور دیگر را مورد شناسایی‌قرار می‌دهد و البته این ویژگی در هیچ یک از موجودات عالم امکان وجود ندارد.مولوی در میان عقل و عشق دشمنی نمی‌بیند و آنها را با یکدیگر ناسازگار نمی‌شناسد. او چنین می‌اندیشد که عقل خالص و خالی از شوائب اوهام، با عشق پاک متحد و یگانه‌است و با نوشیدن شراب عشق مست می گردد. به همین مسئله اشاره شده آنجا که گفته‌است:

چون‌عشیق‌از‌جام‌وحدت‌مست‌شد
عقل با عشق آمد و هم‌دست شد

با این همه، باید یادآور شویم که مولوی در برابر برخی از فلاسفه، موضع مخالف گرفته و نسبت به آنها زبان به انتقاد گشوده است. او از فلاسفه پیروی نمی کند، بلکه پیروی سنت مصطفوی را برگزیده و اندیشه‌های خود را از این سنت و معارف آن‌به دست آورده است. او استدلال محض و صورت منطق را به‌تنهایی برای کشف حقایق‌معنوی کافی نمی‌داند. به همین جهت، پای استدلالیان را چوبین دانسته، در سخن‌معروف خود گفته است:

پای استدلالیان چوبین بود
پای چوبین سخت بی‌تمکین بود

مولوی بر این باور است که حقیقت وابسته به استدلال نیست؛ زیرا حقیقت راعقل استدلالی نیافریده‌است.البته‌ممکن است حقیقت در صورت استدلال ظهور پیداکند، ولی حقیقت مخلوق استدلال نیست، بلکه استدلال جلوه‌ای از جلوه‌های

> ***مولوی به همان اندازه که برای عقل اهمیت قائل می‌شود، عشق را نیزعظیم می‌شمارد. این دو از خصلت‌های ذاتی‌انسان شناخته می‌شوند. اندیشه‌های مولوی موجهای دمادم ایجاد می‌کند و در هر کدامش، پیام مهمی نهفته است؛ اما عمده‌ترین پیام او، در مجموع آثار منظوم و منثورش، همان‌چیزی است که می‌توان آن را «خودشناسی» نامید**

حقیقت‌به‌شمار می‌آید. حدود هندسی روشن و آشکار است. براهین آن نیز محکم و معتبرشناخته می‌شود؛ ولی نور و رنگ از حدود هندسه خارج است، اگرچه ممکن است‌هندسه از طریق رمز به نوعی آنها را نشان دهد. برهان محض و صورت استدلال بدون مسبوق بودن به پاره‌ای از معطیات قبلی کاری از پیش نمی‌برد و چیزی را نشان نمی‌دهد.

عقل استدلالی همهٔ عقل نیست و ظرفیت کامل عقل، از آنچه فقط صورت استدلال خوانده می‌شود، بیشتر است. درست است که منطق از خطای در ادراک‌جلوگیری به عمل می‌آورد و در تعریف منطق نیز به این مسئله اشاره شده است؛ ولی توانایی منطق در آنچه «حفظ ذهن انسان از خطا» نامیده می‌شود، فقط از لحاظ صورت‌است، اما در آنچه به مادّه برهان مربوط می‌شود، نمی‌توان به توانایی منطق اعتماد داشت. به نظر می‌رسد مولوی نیز به همین مسئله نظر داشته، آنجاکه پای استدلالیان را چوبین دانسته، پای چوبین را سخت بی‌تمکین شمرده است. شاید مولوی در آنجا که‌پای استدلالیان را چوبین می‌داند، به‌چیزی اشاره می‌کند که می‌توان آن را نوعی «شهودماقبل منطقی» به‌شمار آورد. کسانی هستند که از این نوع شهود بی‌نصیب نیستند.

نکته‌ای که نباید در اینجا نادیده انگاشته شود، این است که: برخوردار بودن ازشهود ماقبل منطقی، نمی‌تواند انسان را از آنچه صورت استدلال منطقی خوانده می‌شود بی‌نیاز سازد؛ زیرا آنچه به‌حوزه ادراک و شهود انسان وارد می‌شود، در مقام بیان و انتقال به غیر، صورت استدلال پیدا می‌کند و صورت استدلال، جز رعایت موازین‌منطقی چیز دیگری نیست. نکته قابل ملاحظه این است که خود مولوی در مقام ردّ منطق و نکوهش از استدلال، سخن خود را در قالب استدلال منطقی بیان کرده و آنچه در بیت‌معروف خود آورده است، به طور دقیق، یک استدلال منطقی شناخته می‌شود. او وقتی می گوید: «پای استدلالیان چوبین است»، آن را صغرای یک قیاس قرار می‌دهد، و هنگامی که «پای چوبین را سخت بی‌تمکین» می‌داند، آن را کبرای قیاس می‌شناسد و به این ترتیب، با تشکیل دادن یک قیاس منطقی، به نکوهش از قیاس منطقی می‌پردازد. ازاینجا می‌توان دریافت که اگر کسی بخواهد به ردّ منطق مبادرت کند، باید از سلاح منطق استفاده نماید.

با توجه به آنچه در اینجا ذکر شد، می‌توان گفت: جلال‌الدین محمد بلخی، هرگز باعقل مخالفت نکرده. او آن را شریفترین گوهر هستی می‌شناسد. کسانی که به شهود معنوی یا شهود ماقبل منطقی اشاره می‌کنند، از یک امر نامعقول سخن نمی‌گویند؛ زیرا باید میان امر «نامعقول» و آنچه «فوق معقول» شناخته می‌شود، تفاوت قائل شد. البته عقل حدّ دارد، ولی حد عقل، دیواری است که از آن نمی‌توان به آسانی باخبر شد. انسان نیز دارای حدّ است، ولی هیچ حدی را نمی‌توان برای او درنظر گرفت، مگر اینکه می‌تواند از آن عبور کند و آن را پشت سر بگذارد. تعالی‌جویی انسان به همین خصلت‌بستگی دارد و از همین طریق می‌تواند به ناکجاآباد هستی دست پیدا کند. مولوی خود به‌همین مسئله اشاره کرده، سیر و سفر درازآهنگ انسان را به‌گونه‌ای توضیح داده که پس از طی مراحل جمادی و نباتی و حیوانی، از فرشته برتر و بالاتر می‌رود و به‌آنچه دروهم نمی‌گنجد، دست می‌یابد، مولانا پایان آن سیر و سفر را در این بیت خلاصه کرده و چنین گفته است:

بار دیگر از ملک پرّان شوم
آنچه اندر وهم ناید، آن شوم

سیر و سفر معنوی انسان را پایانی نیست و مقصد نهایی او در هیچ وهم و تصوری نمی گنجد. عقل آدمی برای تعالی ساخته شده و انسان عاقل، پیوسته تعالی‌می جوید. مولوی بر این باور است که حضرت ختمی مرتبت(ص) مَظهر و مُظهر عقل کل‌است. و به همین جهت، در میان ابلهان، سر در گلیم پنهان داشت. او در تفسیر آیه کریمه: «**یا ایها المزّمل**» به این مسئله اشاره کرده است. دربسیاری موارد، خردمندان و اهل عقل و تأمل از بیم گروههای نادان که خیال سروری و ریاست بر خلق را در سر خود می‌پرورانند، روی از خلق نهان می‌دارند و سرخود را در گلیم می‌کشند. مولوی آیه کریمه قرآن را بر این اساس تفسیر کرده، در چندبیت چنین می‌گوید:

احمقان سرور شدستند و زبیم
عاقلان سرها کشیده در گلیم
خواند مزّمل نبی را زین سبب
که برون آ از گلیم، ای بوالهَرب!

مولوی درباره اهمیت عقل تا آنجا پیش می‌رود که فرشتگان را تجسم عقل می‌داند و می گوید: عقل جنس ملک است اگرچه ملک را صورت هست و پر و بال هست و عقل را نیست، اما درحقیقت یک چیزند و یک فعل می‌کنند و یک طبع دارند. به‌صورت نمی‌باید نظر کردن، چون در حقیقت یک فعل می‌کنند؛ مثلاً صورت ایشان را اگربگذاری، همه عقل شود و هیچ از پروبال او چیزی بیرون نماند. پس دانستیم که همه‌عقل بودند، اما مجسم شده بودند، ایشان را «عقل مجسم» گویند.[1]

مولوی به همان اندازه که برای عقل و خرد اهمیت قائل می‌شود، عشق را نیزعظیم می‌شمارد و چنین می‌اندیشد که عقل خالص و قدسی که از شوائب اوهام پاک و منزه می‌شود، باعشق ناسازگار نیست. در نظر او عشق و عقل از خصلت‌های ذاتی‌انسان شناخته می‌شوند و عظمت انسان نیز به‌واسطه عشق و عقل است. اگر کسی بتواندحقیقت عقل و عشق را بشناسد، حقیقت انسان را نیز می‌شناسد. اندیشه‌های مولوی همانند یک اقیانوس، موجهای دمادم ایجاد می‌کند و در هر یک از این امواج، پیام مهمی برای بشر نهفته است؛ اما به هیچ‌وجه گزاف نیست‌اگر ادعا کنیم که عمده‌ترین پیام مولوی، در مجموع آثار منظوم و منثور خود، همان‌چیزی است که می‌توان آن را «خودشناسی» نامید. او در کتاب «فیه مافیه» می گوید:

علمای اهل زمان در علوم موی می‌شکافند و چیزهای دیگری راکه به ایشان تعلق ندارد، به‌غایت دانسته‌اند و ایشان را بر آن احاطه کلی گشته است و آنچه مهم است وبه او نزدیکتر از همه است، خودی اوست و بی‌خودی خود را نمی‌داند.[2]

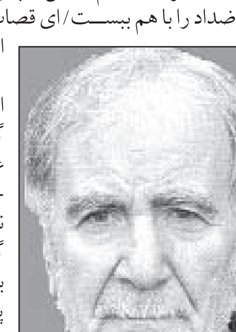
چنان که در این عبارت دیده می‌شود، برای انسان همه چیز را شناختن و خود را نشناختن، یک خسران بزرگ به‌شمار می‌آید. بزرگان اهل معرفت به‌جمله معروف «**من‌عرف نفسه فقد عرف ربه**» تمسک کرده‌اند و آن را به عنوان یک حدیث معتبر شناخته‌اند. کسانی نیز در سند آن تردید روا داشته و آن را به‌عنوان یک حدیث‌نمی‌شناسند. مولوی در کتاب «فیه مافیه» خود، این حدیث رامعتبر دانسته، آن را به حضرت علی(ع) منسوب ساخته است.[3]

به مقتضای این حدیث، شناختن خود مستلزم شناختن خداست و کسی که خود را نشناسد، نمی‌تواند به شناختن خداوند دست یابد. البته باید توجه داشت که آنچه تحت عنوان «خود» و «خودی» مطرح می‌شود، غیر از آن چیزی است که تن و بدن خوانده می‌شود. مولوی تن را چشم‌بندی عظیم خوانده، می گوید: «آخر تو به این تن چه نظر می‌کنی؟ تو را به این تن چه تعلق است؟ تو قائمی بی‌این و همواره بی‌اینی! اگر شب است، پروای تن نداری و اگر روز است، مشغولی به‌کارها. هرگز با تن نیستی. اکنون چه می‌لرزی بر این تن؟ چون یک ساعت با وی‌نیستی، جاهای دیگری. تو کجا و تن کجا؟ این تن مغلطه‌ای عظیم است.»[4]

مولوی در این عبارت که در «فیه‌مافیه» آمده، وادی خودی انسان را ازوادی تن او جدا دانسته، معتقد است: خودی انسان به‌رغم اینکه به تن تعلق دارد، همواره به غیرتن توجه می‌کند، زیرا درحال خواب، تن مورد غفلت است و درحال‌بیداری نیز خودی انسان به امور بیرون از تن می‌پردازد و اشتغال به امور بیرونی، موجب می‌شود که تن کمتر مورد توجه بوده باشد. از لوازم سخن مولوی در اینجا این است که‌خودی انسان، اقیانوس ژرف و عمیقی‌است که تن و بدن، ساحل آن شناخته می‌شود. درنظر این عارف بزرگ، آنچه درباره انسان تحقق دارد، در مورد عالم نیز صادق است. او در جای دیگر از همین کتاب گوید:

«روح عالم دریاست آن را نهایت نیست. جسم ساحل و خشکی است. محدود باشد و مقدر صلوات دائم جز روح را نباشد. پس روح را رکوع و سجودی هست؛ امابه صورت این رکوع و سجود را ظاهر باید کردن، زیرا معنی را به صورت اتصالی هست. تا هر دو به هم نباشند، فایده ندهند. چنان که دانه قیسی تا پوست را با مغز به هم نکاری، نروید. این‌که می گویی: صورت فرع معنی است و صورت رعیت است و دل‌پادشاه، آخر این اسمای اضافیات است. چون می گویی که: این فرع آن است؟ تا فرع نباشد، نام اصلیت بر او کی نشیند؟ پس او اصل از این فرع شد و اگر از این، آن‌فرع نبودی، او را خود نام نبودی. چون زن گفتی، ناچار مرد باید و چون ربّ گفتی، ناچار مربوبی باید و چون حاکم گفتی، ناچار محکومی باید.»[5]

در اینجامی بینیم که‌مولوی روی مسئله‌اضافه‌سخت تکیه می‌کند و البته معلوم است که اضافه همواره قائم به دو طرف است. مسئله «اضافه» و «زوجیت» در اندیشه‌مولوی جایگاه ویژه‌ای دارد. او همه چیز را در نوعی ارتباط و همبستگی مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: این عارف اندیشمند، از نوعی تفکردیالکتیکی برخوردار است و در این طرز تفکر، حتی اضداد را نیز با یکدیگر همبسته می‌بیند، تا جایی که ضدی از درون ضد دیگر زاییده می‌شود. [نقل است که:] از یکی ازعرفای بزرگ پرسیدند «بِمَ عرفتَ ربک؟» چگونه پروردگار خود را شناختی؟ او درپاسخ گفت: «بجمعه بین الأضداد»؛ یعنی خدا را از این طریق شناختم که می‌تواند درمیان امور متضاد جمع و هم‌آهنگی برقرار سازد. مولوی جمع میان اضداد را مقتضای‌حکمت بالغه پروردگار دانسته، با صراحت تمام در این باب چنین می گوید: «حکمت این اضداد را با هم ببست/ای قصاب! این گرد ران، با گردن است»



شخص قصاب، اگر در مقام فروختن گوشت به مشتری خود، عادل باشد، و به‌مقتضای حکمت عمل کند، نباید گردن پراستخوان گوسفند را به یک مشتری بفروشد وسپس گِردران پرگوشت و کم‌استخوان را برای مشتری دیگر بگذارد. مولوی در مورد همبستگی اضداد به یکدیگر، تا آنجا پیش می‌رود که حتی از هستی، در درون نیستی و بالعکس نیز سخن می گوید و البته این مسئله را امری طرفه و شگفت‌انگیز می‌داند. او باصراحت تمام در این باب چنین می‌گوید:

هالک‌آید پیش وجهش، هست و نیست
هستی اندر نیستی، خود طرفه‌ای است

این طرز تفکر در بسیاری از اندیشمندان مسلمان دیگر نیز وجود داشته، تاجایی که می‌توان گفت: حتی فردوسی نیز به همین سبک و اسلوب می‌اندیشیده است. ما در اینجا به عنوان نمونه به یکی از ابیات او اشاره می‌کنیم، یک بیت فردوسی به‌درستی براین طرز تفکر دلالت دارد، آنجا که می گوید:

جهان را چنین است سازونهاد
که جز مرگ را، کس ز مادر نزاد

او چنین می‌اندیشد که نهاد و بنیاد جهان به‌گونه‌ای است که در آن مرگ و زندگی با یکدیگر درهم آمیخته‌اند و انسان از همان هنگام که زاییده می‌شود، مرگ را نیز باخود همراه دارد. چنان که مشاهده می‌شود، سخن فردوسی در این باب از صراحت وروشنی بیشتری برخوردار است؛ زیرا او زاییده شدن را زاییده شدن مرگ می‌شمارد و از همان آغاز، پایان را می‌بیند. براساس همین طرز تفکر است که جلال‌الدین محمدبلخی، شادی را زوال غم می‌داند و معتقد است منشأ هر دو یک چیز بیش نیست. او در «فیه‌مافیه» می گوید: «نیکی ترک بدی است و ترک بدی، بدون بدی محال است. شادی، زوال غم است وزوال غم، بی‌غم محال است. پس یکی باشد لایتجزی.»[6]

تضاد میان دو امر متضاد را به دو خط متقاطع تشبیه کرده‌اند که یکی دیگری راقطع می‌کند؛ ولی در نقطه تقاطع، قطع تحقق نمی‌پذیرد. مولوی به همین مسئله اشاره می‌کند، آنجا که شادی را زوال غم می‌داند و در عین حال، بر این باور است که منشأ هر دو یک چیز بیشتر نیست. این عارف بزرگ، روی مسئله تضاد میان امور و داشتن منشأواحد و یگانه تکیه کرده، حتی دین را ترک کفر دانسته است، اگرچه منشأ کفر و دین رانیز یک چیز به شمار آورده است. او در «فیه‌مافیه» گوید: «بنای این خانه بر غفلت است و اجسام و عالم، همه قوامش بر غفلت است. این جسم نیز که بالیده است، از غفلت است و غفلت کفر است و دین، بی‌وجود کفرممکن نیست، زیرا دین ترک کفر است. پس کفری بباید که ترک آن توان کرد. پس هر دو یک چیزند.»[7]

> *** مولوی برای عقل اهمیت فوق‌العاده قائل‌شده، پیوسته از آن ستایش می‌کند. شاید کمتر عارفی را بتوان یافت که به اندازه او از عقل را تمجید کرده باشد. در نظر وی عقل چنان درخشان است که اگر صورت واقعی خود را نمایان سازد، روزهای روشن عالم در برابرعظمت نور او تیره و تاریک خواهند بود**

کفر و دین، هر دو در رهت پویان
وحده لا شریک له گویان

مولوی بر اساس اصل تضاد که آن را در عالم کون و فساد ساری و جاری می‌داند، به مسئله ظاهر و باطن و صورت و معنی نیز توجه فراوان مبذول می‌دارد. درنظر او، هر ظاهری، باطنی دارد، چنان که هر صورتی نیز از یک معنی برخوردار است.همه امور ظاهری، در عرض یکدیگرند؛ چنان که همه صورتها نیز در عرض یکدیگرقرار می گیرند. این مسئله نیز مسلم است که وقتی همه امور در عرض یکدیگر قرار گرفته باشند، هیچ یک از آنها نمی‌تواند علت دیگری بوده باشد؛ بنا بر این هرگز نمی‌توان انتظارداشت که یک امر ظاهری، معلول امر ظاهری دیگر بوده باشد و یا یک صورت، منشأپیدایش صورت دیگری قرار گیرد، بلکه هر ظاهری، از باطن ناشی می‌شود و هرصورتی نیز، از عالم معنی و جهانی بی‌صورت سرچشمه می‌گیرد. مولوی در بسیاری از سخنان منظوم و منثور خود، به این مسئله اشاره کرده است که ابیات زیر می‌تواند نمونه‌ای از آنها بوده باشد:

صورت از بی‌صورتی آمد برون
باز شد کانّا الیه راجعون
صورت از معنی چو شیر از بیشه دان
یا چو آواز و سخن ز اندیشه دان

در نظر مولوی صورت همواره از عالمی‌ناشی می‌شود که آن عالم، خود بی‌صورت است. او در این مسئله تا آنجا پیش می‌رودکه تن محسوس انسان را صورت انسان می‌داند و معتقد است که در باطن این صورت‌معنایی وجود دارد که این صورت از آن ناشی می‌شود. در «فیه‌مافیه» به‌طرح این مسئله پرداخته، چنین می گوید:

«سید برهان‌الدین فایده می‌فرمود. ابلهی گفت در میان سخن او که: ما را سخنی می‌باید که بی‌مثال باشد. سیّد فرمود که: تو بی‌مثال بیا تا سخن بی‌مثال شنوی. آخر تو مثالی از خود. تو این نیستی. این شخص تو، سایهٔ توست. پس معلوم شد که ظاهر تو مثال توست، تا از ظاهر تو بر باطن تو استدلال گیرند. هر چیز که درنظر آید، از غلیظی است، چنان که نفَس در گرما محسوس نمی‌شود، الّا چون سرما باشد از غلیظی در نظر می‌آید...»[8]

چنان که در این عبارت دیده می‌شود، مولوی ظاهر بدن انسان را نسبت به باطن اوغلیظ می‌داند و به همین جهت، آن رامحسوس می‌شناسد. باطن انسان به حکم لطافت، محسوس نیست و با حواس ظاهری قابل ادراک نخواهد بود. او وقتی از باطن انسان سخن می گوید، باطن را یکسان و یکنواخت نمی‌داند، بلکه برای باطن نیز مراتب متفاوت و گوناگون قائل است، به‌گونه‌ای که مرتبه پایین از مرتبه بالا بی‌خبر است؛ چنان که مرتبه بالا نیز از مرتبه بالاتر بی‌خبر خواهد بود. مولوی در «فیه مافیه» به‌مناسبت نقل یک داستان، جمله‌ای را مطرح کرده که دارای اهمیت بسیار است: «هر خبری در چیزی بی‌خبری است از خبری دیگر.»[9]

از مضمون این جمله چنین برمی‌آید که دانش و معرفت دارای مراحل و مراتب‌بی‌پایان است و به هر مرحله یا مرتبه‌ای که انسان دست یابد، مرتبه و مرحله‌ای بالاتر وجود دارد که آن مرتبه هنوز برای انسان ناشناخته است. مولوی به مناسبت همین مسئله، به طرح مسئله دیگری پرداخته، می گوید:

«یکی می‌گفت: من چندین تحصیل علوم کردم و ضبط معانی کردم. هیچ معلوم نشد که در آدمی آن معنی کدام است که باقی خواهد بودن و به آن راه نبردم. فرمود که: اگرآن به مجرد سخن معلوم شدی، خود محتاج به فنای وجود و چندین رنجها نبودی. چندان می‌باید کوشید که تو نمانی تا بدانی آن چیز را که خواهد ماندن.»[10]

از این عبارت برمی‌آید که بقای انسان در فنای اوست و مادام که انسان به مقام فناء فی‌الله نرسد، از بقا خبری نخواهد داشت. راه رسیدن به فنا نیز راه بیکرانهٔ عشق است و البته کسی که در این راه پرخطر و خونین قدم می‌گذارد، درغم گذشتن روزگار و به سر رسیدن عمر نیست. آنجا که عشق جلوه می‌کند، از غم زمان و زمانه خبری نخواهد بود. شاید مولوی به همین مسئله اشاره می‌کند، آنجا که می‌گوید:

در غم ما روزها بیگاه شد
روزها با سوزها همراه شد

شاید حافظ نیز به همین معنی نظر داشته، آنجا که گفته است:

در ره‌عشق‌از آن سوی فناصدخطر است
تا نگویی که چو عمرم به سر آمد، رَستم

حافظ در جای دیگر نیز هماهنگ با اندیشه‌های مولوی، از راه بی‌پایان وپرخطر عشق سخن گفته و هر شبنمی را در این راه، صد بحر آتشین شمرده است. در این طرز تفکر، عشق امری ابدی شناخته شده است و البته ابدی بودن عشق به معنی ازلی بودن آن نیز هست؛ زیرا هرآنچه ازلی است، ابدی نیز خواهد بود: آنچه آغاز ندارد، نپذیرد انجام. آیه کریمهٔ «**یحبّهم و یحبونه**» نیز بر همین معنی دلالت دارد. محبت ازصفات خداوند است و صفات خداوند ازلی است و آنچه ازلی است، ابدی نیز خواهد بود. حافظ باز هم در جای دیگر به این مسئله اشاره کرده، باصراحت تمام گفته است:

نبود نقش دو عالم که رنگ اُلفت بود
زمانه طرح محبت، نه این زمان افکند

در اینجا می‌بینیم که حافظ و مولوی و بسیاری از بزرگان اهل معرفت، از عشق ازلی سخن می گویند. در این مسئله نیز تردید نمی‌توان داشت که عشق ازلی، بدون‌معشوق ازلی، معنی محصل و معقول ندارد. و به این ترتیب، بی‌درنگ این پرسش پیش می‌آید که: چگونه امکان‌پذیر است که بزرگان اهل عشق و محبت، به معشوقی دل‌بسته شوند که بی‌چون است، دارای صورت نیست، زمان و مکان ندارد و به طور کلی ویژگیهای معشوق این جهانی در آن دیده نمی‌شود؟ مولوی بلخی به این مسئله توجه داشته و همین پرسش را مطرح کرده است که ما عین عبارت او را در اینجا می‌آوریم:

ـ عجبم می‌آید از مردمان که گویند که اولیا و عاشقان به عالم بی‌چون که او را جای‌نیست و مکان نیست و صورت نیست و بی‌چون و بی‌چگونه است، چگونه عشقبازی می‌کنند و مدد و قوت می گیرند و متأثر می‌شوند؟ آخر شب و روز در آنند. این شخص که شخصی را دوست می‌دارد و از او مدد می گیرد، آخر این مدد از لطف واحسان و علم و ذکر و فکر او و از شادی و غم او می گیرد و این جمله در عالم لامکان است و او دم به دم از این معانی مدد می گیرد و متأثر می‌شود، عجبش نمی‌آید و عجبش می‌آید که با عالم لامکان چون عاشق شوند و از وی چون مدد گیرند؟

حکیمی منکر بوداین معنی را. روزی رنجور شد و از دست رفت و رنج بر او درازکشید. حکیمی الهی به زیارت او رفت. گفت: «آخر چه می طلبی؟» گفت: «صحت.» گفت: «صورت این صحت را بگو که چگونه است، تا حاصل کنم؟» گفت: «صحت صورتی ندارد.» گفت: «چون صورتی ندارد؟ او بی‌چون است، چونش می‌طلبی؟» گفت: «آخر بگو که صحت چیست؟» گفت: «این می‌دانم که چون صحت بیاید، قوتم حاصل آید و فربه می‌شوم.» گفت: «من از تو نفس صحت می‌پرسم. ذات صحت چه چیز است؟» گفت: «نمی‌دانم، بی‌چون است.» گفت: «اگر مسلمان شوی و از مذهب اول برگردی، تو را معالجه کنم و تندرست کنم و صحت را به تو رسانم.»[11]

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱ـ فیه‌مافیه، نوشته جلال‌الدین محمد بلخی، تصحیح: دکتر توفیق سبحانی، چاپ اول ۹۹ / ۱۳۸۸.
۲ـ همان / ۱٦.
۳ـ همان / ۵۲.
٤ـ همان / ۲۲۰.
۵ـ همان / ۱۳٤ـ ۱۳۵.
٦ـ همان / ۱۱۹.
۷ـ همان / ۱۹۷.
۸ـ همان / ۲۱۰ ـ ۲۰۹.
۹ـ همان / ۲۱٤.
۱۰ـ همان / ۱۸٤.
۱۱ـ همان / ۳٦.

تأملی در نام آذربایجان

محمد بهمنی قاجار

در این مقاله با تکیه بر اسناد نشان داده‌ایم که آذربایجان همواره از ایالات همیشگی ایران بوده و تهیه این مقاله در این شرایط بدان روست که به استناد مدارک متقن پاسخی قاطع به آنهایی داده شود که هر از گاه با جعل نام ایالات و استانهای تاریخی و باستانی ایران در آن سوی ارس سعی در تعرض به تمامیت ارضی و فرهنگی ایران را دارند. آنچه مسلم است مناطق شمالی رود ارس، همواره از دوره اسطوره‌ای تاریخ ایران نمادی از ایرانیت بوده‌اند و در طول چندهزار سال از هویت ایرانی خود دفاع نموده‌اند و اسامی این مناطق (مانند: شروان، گنجه، اران، ایروان و نخجوان)، همواره در طول تاریخ در نوشته‌های تاریخی، سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی، سیاسی و فرهنگی، همین نامها بوده و در جنوب ارس نیز به ایالت آذربایجان در همه مدارک و اسناد اشاره شده است و به هیچ وجه نمی‌شود نام دیگری را بر شروان، اران و گنجه در مأورای ارس گذاشت و با جعل واقعیات تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی، هم نامهای ارزشمند ایالات تاریخی ایران در ماورای ارس را از خاطره‌ها و اسناد و مدارک تاریخی حذف کرد و هم نام ایالت ایران در جنوب ارس یعنی آذربایجان را بر آنها نهاد.

در این مورد به اسناد بسیاری اشاره شده و در کتابهای مختلف نیز به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما علاوه بر آنها و روایات تاریخی، می‌توان به دو سند مشخص دیگر نیز که نماد رسمی از ایالات ایران در شمال و جنوب ارس می‌باشد نیز اشاره کرد. این دو سند قراردادهای «گلستان» و «ترکمانچای» می‌باشند که خود پاسخی معتبر و رسمی به جعلیات عنوان شده در این خصوص است. اگر به فصول «قرارداد گلستان» نگاه کنیم، در فصل دوم و سومش که به تعیین خطوط سرحدی پرداخته شده، می‌بینیم که به هیچ وجه نام آذربایجان بر مناطق شمال ارس اعلام نشده است. در فصل دوم قرارداد، خطوط مرزی تعیین شده و در فصل سوم در مورد واگذاری اراضی و ایالاتی که ایران به روسیه واگذار کرده، چنین آمده است:

«فصل سوم ـ اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم کل ممالک ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت خورشیدمرتبت امپراطور کل ممالک روسیه دارند، با این صلحنامه به عوض خود و ولیعهدان تخت شاهانه ایران، ولایات قره‌باغ و گنجه که الان موسوم به ایلی سابط‌پول است و اولکای خوانین‌نشین شکی و شروان، قبه، دربند، بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را با خاکی که الان در تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره‌گل و آچوف‌باشی و کورنه و منگریل و ابخاز و تمامی اولکا و اراضیی که در میانهٔ قفقازیه و سرحدات معینه‌الحالیه بوده و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازیه الی کنار دریای خزر متصل است، مخصوص و متعلق به ممالک امپریه روسیه می‌دانند.

تحریراً فی معسکر اُروسیه، رودخانه زیوه من محال گلستان، متعلقه به ولایات قره‌باغ؛ به تاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ قمری، مطابق ۲۱ اکتبر ۱۸۱۳ تحریر یافت.»

همچنین در فصل سوم قرارداد ترکمانچای نیز در تفویض ولایات ایروان و نخجوان، هیچ اشاره‌ای به نامیدن اسم آذربایجان بر این ولایات در ماورای ارس نیامده است. در فصل سوم قرارداد ترکمانچای آمده است:

«فصل سوم ـ اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود و اخلاف و وراّث خود، خانات ایروان را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانات نخجوان را به ملکیت مطلقه به دولت روس واگذار می‌کند. بنا علیهذا، اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد می‌شوند که دفاتر و اسنادی را که راجع به حکومت و ادارهٔ خانات فوق‌الذکر است، منتها در ظرف ٦ ماه از امضاء این عهدنامه به مأمورین روس تسلیم نمایند.

این قرارداد در دهم فوریه سال ۱۸۲۸ میلادی مطابق پنج شعبان، سنه ۱۲۴۳ هجری در ترکمانچای تحریر شد.»

در فصل چهارم این قرارداد نیز چون موضوع واگذاری مناطق شمالی رود ارس بوده، اصلاً نام آذربایجان برده نشده است. این دو سند معتبر نشان می‌دهد که آذربایجان راستین و تاریخی در جنوب رود ارس است و هیچ‌گاه نام آذربایجان به مناطق شمالی رود ارس اطلاق نمی‌شده است.

علاوه بر قرارداد گلستان و ترکمانچای که مشخصاً تأییدی بر محل جغرافیایی و تاریخی آذربایجان در جنوب رود ارس و استانهای قدیمی و باستانی ایران در شمال رود ارس می‌باشد، موضوع عبور لشکریان روس از رودارس و تصرف آذربایجان در پایان «جنگ دوم ایران و روس» که منجر به عقد قرارداد ترکمانچای شد نیز خود دلیل دیگری از محل و موقعیت تاریخی و جغرافیایی آذربایجان می‌باشد؛ زیرا اصولاً وقتی نیروهای روس از ارس گذشتند و وارد آذربایجان‌شدند و تبریز را گرفتند عباس میرزا مجبور به مصالحه و عقد آن قرارداد شوم شد.

در این مورد لازم به ذکراست که پسکویچ در پایان جنگ دوم ایران و روس، در ۲۸ اکتبر ۱۸۲۷ برابر با ۷ ربیع‌الثانی ۱۲۴۳ق وارد مرند شد و در ۳۱ اکتبر همان سال (۱۰ ربیع الثانی) تبریز را اشغال کرد. از آن هنگام مشکل عباس میرزا مجبور کردن روسیه به تخلیه ایالت آذربایجان و راندن آنها به آن سوی ارس بود و بر همین اساس در هنگام بستن قرارداد ترکمانچای، یکی از نکات مهمی که باید اول حل می‌شد، موضوع قبول روسیه به تخلیه آذربایجان پس از پرداخت خسارات جنگی از طرف ایران بود. بر این اساس و در این راستا باید به سند معتبر دیگری اشاره کرد که در هنگام بستن قرارداد ترکمانچای تنظیم گردیده و حائز اهمیت فراوان است که نشان می‌دهد موضوع تخلیه آذربایجان، جزء چهار محور اصلی انجام مذاکرات در پایان جنگهای دوم طرفین، و از اصولی بوده که باید مورد توجه قرار می‌گرفته است و خود این نشان دهنده موقعیت جغرافیایی و تاریخی آذربایجان است.

در متون تاریخی در مورد کارهای مقدماتی که جهت انعقاد قرار دارد ترکمانچای باید انجام شود، آمده است: «بعد از آنکه وکلای دولتین هریک، آن را ملاحظه و تصحیح و مهر و به گماشتگان طرفین تسلیم که هنگام نوشته شدن عهدنامه مفصل، سند جانبین باشد، وکلای جانبین چهار قسم عهدنامه بنا گذاشتند:

قِسم اول ـ مشتمل بر شروطی که می‌بایست مادام صلح مابین دولتین مرعی و منظور باشد.

قِسم دوم ـ مبتنی بر آداب و رسومی که اوقات آمد و شد سفرای هر دو جانب، درباره ایشان از اولیای دولتین می‌بایست به عمل آید.

قِسم سوم ـ در باب اموری که مابین ارباب معاملات جانبین می‌بایست ملاحظه شود.

قِسم چهارم ـ در بیان فصولی که تا موعد تخلیهٔ روسیه، ولایات آذربایجان را می‌بایست تقدیم شود و ما برای اتمام امر صلح به تاریخ ۱٤ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۴۳ به مدت ۲۰ روز متارکه کرده و به اطراف و جوانب از جانب حضرت ولیعهد و جنرال پسکویچ احکام صادر شد که سپاه طرفین از مکانی که نشسته‌اند، تعدی و تجاوز نکرده و تا موعد مقرر نسبت به یکدیگر درازدستی نکنند.

روسیه در این اثنا امیراصلان خان ـ حاکم خوی ـ را با اعیان آن ولایت احضار به تبریز کرده و کسانی را که در ولایت مصدر خدمتی برای دولت علیّه می‌دانستند، به قراول گذاشته، حکومت خان مشارالیه را ممضی داشتند، چون اهالی تبریز در خفیه از صالدات روسیه به قتل رساندند و با کارگزاران حضرت ولیعهد [=عباس میرزا] مراودت نهانی می‌کردند. روسیه از این معنی وحشت کرده، اکثر اشراف تبریز را نیز به قراول انداخته، به احتیاط اینکه مبادا اهالی آذربایجان از راه ارادتی که به حضرت ولیعهد دارند، شورش برپا کنند، در اتمام امر اصرار و ابرام نمودند و مجلس دیگر از برای قرار و مدار وجه مصالحه ترتیب شد. روسیه خواهش نمودند که از بابت ۱۵ کرور وجه خسارت، وجه خسارت ۵ کرور تا موعد یک ماه تسلیم شده، عهدنامه به مهر وکلای دولتین برسد و ده کرور باقی دو ماه بعد از آن به وکلای روسیه برسد تا آذربایجان را تفویض کنند...»[2]

همان طور که ملاحظه می‌شود، این سند نیز بر موقعیت تاریخی و جغرافیایی آذربایجان مهر تأیید می‌گذارد و مشخص می‌کند که آذربایجان در جنوب رود ارس واقع است و رود ارس مرز بین آذربایجان و ایالات باستانی قدیمی اران در شمال ارس است.

سند متقن دیگری نیز که در این مورد موجود است، نامه‌ای است که پسکویچ ـ سردار روسیه تزاری ـ پس از قتل گریبایدوف وزیر مختار روسیه در تهران «که در روز دوم شهر شعبان ۱۲۴۳ قمری در تهران به قتل رسید»،[3] به عباس میرزا نایب‌السلطنه نوشته است. او گمان می‌کرد که دولت ایران مردم را تحریک کرده که به سفارت روسیه بریزند و سفیر روسیه را بکشند تا جنگ سوم آغاز شود و ایران بتواند ایالات از دست رفتهٔ خود در شمال ارس را که بر اثر قراردادهای شوم گلستان و ترکمانچای از ایران جدا شده بودند، باز پس بگیرد.

پسکویچ در نامه خود عباس میرزا را تهدید می‌کند که در صورت حمله لشکریان ایران به متصرفات روسیه در شمال رود ارس، این بار قوای روسیه از ارس می‌گذرد و به آذربایجان آمده، تبریز را گرفته و دیگر تخلیه نخواهد کرد: «... شاه معظم پدر شما می‌خواهد بار دیگر آغاز جنگ کند و ولایات سرحدی ما جز پادگانهای قلعه‌جات نیروئی برای دفاع ندارند، پس شما می‌توانید در ماه ژوئن [۱۱ خرداد تا ۱۰ تیر، فصل گرما] وارد مملکت بی‌دفاع ما بشوید و تمام شهرهای آن را غارت کنید؛ ولی نمی توانید استحکامات آن را تصرف نمائید و همچنین جرئت پیش رفتن و در قفا گذاشتن این استحکامات مهیب را نخواهید داشت؛ ولی در ماه اکتبر [۱۰مهر تا ۱۰ آبان] که کوههای شما در زیر برف مستور است، من به طرف تبریز حمله خواهم برد. آن وقت آذربایجان را به نیروی سپاهیان خود قبضه کرده، بی‌آنکه هرگز آن را به شما مسترد دارم، در اشغال نگاه خواهم داشت.»[4]

به طوری که ملاحظه می‌شود، در این نامه نیز حدود ایالت آذربایجان در جنوب رود ارس کاملاً نشان داده شده است. با توجه به این مدارک متقن، جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که آذربایجان واقعی به عنوان یکی از ایالات باستانی ایران تنها در جنوب رود ارس بوده و در شمال ارس منطقه‌ای به این نام وجود نداشته است. این تنها اشاره کوچکی به آن مدارک مستند است و هزاران مدرک تاریخی دیگر بیانگر این واقعیت فرهنگی، تاریخی و سیاسی می‌باشد.

پی‌نوشتها:

۱ـ ن.ک به ناصر نجمی، عباس میرزا، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷٤، ص ٤۳٤.
۲ـ میرزا مصطفی افشار (بهاءالملک) و حاجی میرزا مسعود انصاری وزیر امور خارجه، به کوشش محمد گلبن سفرنامه خسرومیرزا و تاریخ زندگی عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، تهران، کتابخانه مستوفی، ص ۷۲ و ۷۳
۳ـ همان، ص ۱۲۷.
٤ـ ن.ک به ناصر نجمی، پیشین، ص ۵۱۱.

فرانسه به دنبال حضور مجدد در بازار ایران است

یک روزنامه فرانسوی نوشت: شرکت‌های فرانسوی به‌دنبال حضور مجدد در بازار ایران هستند.

به گزارش ایسنا، روزنامه لوموند چاپ فرانسه در گزارشی با عنوان فرانسه به دنبال فتح بازار ایران، نوشت: در بخش اتومبیل‌سازی، انرژی ، ساخت و ساز و الکترونیک، شرکت های فراوانی هستند که در آن‌ها این امید به‌وجود آمده است تا از این شکاف باز شده بر اثر انتخاب دولت جدید در ایران بهره ببرند و امیدوار باشند که تحریم‌هایی که از سال ۲۰۱۲ به این طرف علیه تهران اعمال می‌شوند، برداشته شوند.

دیدار میان فرانسوا اولاند و حسن روحانی در پایان سپتامبر گذشته در نیویورک اولین نوع از دیالوگ‌های فرانسوی - ایرانی بود که از مدت‌ها پیش متوقف شده بود.با این وجود نشان می‌دهد که مسابقه به‌خوبی از قبل شروع شده است. دلیل این کار را هم می‌توان در این دانست که پاریس پیش‌بینی می‌کند دوباره بخش اقتصادی سفارت خود در تهران را که در سال ۲۰۱۱ بازگشایی کند.

منابع بسیاری این آغاز فعالیت را برای پایان نوامبر ۲۰۱۳ پیش‌بینی می‌کنند. آن چه رسماً در این باره گفته می‌شود، این است که مذاکراتی درباره تعداد نیروهای سفارت در حال انجام است.

در حالی که این مناسبات تجاری به ۴/۵ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۶ یعنی بالاترین حجم مناسبات می‌رسیدند ، در هشت ماهه اول سال ۲۰۱۳ این میزان به ۳۷۹ میلیون یورو رسیده‌است.

فرانسه در سال ۲۰۱۲ به میزان ۸۰۳ میلیون یورو



به ایران صادرات داشته که این میزان در سال جاری به نصف سقوط کرده است. دلیل این هم تصمیم اتحادیه اروپایی برای ممنوعیت‌های کار بانکی با ایران از سال ۲۰۱۲ به بعد و نظام سوییفت بوده است. این تصمیم سامانه انتقال پولی شرکت‌هایی که می‌خواهند درآمدهای حاصله از فعالیت‌های خود در داخل ایران را منتقل کنند را فلج کرده است.

سازندگان اتومبیل اولین قربانیان این روند بوده‌اند. هر کسی که در سال‌های اخیر به ایران سفر کرده توانسته است حضور فرانسه در شاهرگ‌های مواصلاتی و خیابان‌های پایتخت را مشاهده کند.

پژو که در سال ۲۰۱۱ تا ۳۰ درصد اتومبیل‌های مورد استفاده در ایران را به خود اختصاص می‌داد و در این سال ۴۵۸ هزار اتومبیل تولید کرده بود، تولید خود را تعطیل کرده است. مجازات‌های ضدایرانی باعث این کار شده‌اند و شرکت پژو قرارداد خود را با بزرگ‌ترین تولید کننده داخلی یعنی ایران‌خودرو قطع کرد.سخنگوی این گروه می‌گوید: رفتن از بازار ایران خیلی باعث خوشحالی نمی‌شود. ما با علاقمندی تحولات اخیر را دنبال می‌کنیم.

نوعی احتیاط توأم با میل در این اظهار نظر دیده می‌شود که گروه رنو هم با آن موافق است. این گروه ۵۱ درصد سهام شرکت ایرانی رنو پارس را در اختیار دارد که او هم مجبور شده است بساط خود را جمع کند. از سال ۲۰۰۴ به بعد، این گروه مارک‌های لوگان و مگان را در قالب یک سرمایه‌گذاری مشترک با سایپا و ایران خودرو تولید می‌کرد. نزدیک به ۱۳۰ هزار دستگاه در سال ۲۰۱۲ از این نوع اتومبیل‌ها فروخته شده بودند که این میزان در فاصله زمانی ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۳ حدود ۳۱ هزار و ۳۸۲ دستگاه بوده است.

با این که حدود ۳۰ شرکت در فهرست اتاق بازرگانی ایران و فرانسه از جمله توتال، دانون، بل (از طریق شعبه‌ای به نام سحر) یا اشنایدر ثبت شده‌اند ولی رفتن اجباری این گروه‌ها چهره فرانسه را در کشور ایران خراب کرده است. این در حالی است که کشورهای دیگر توانستند از این موضوع سوء استفاده کرده و بهره ببرند. در صنعت اتومبیل‌سازی مارک‌های کره جنوبی و چینی این بهره را بردند.

یک واسطه تجاری می‌گوید: بدون چراغ سبز الیزه نمی‌توان حرکتی کرد ولی تماس‌هایی برقرار شده است. ما از تحلیل‌های مشاوران دانشگاهی هم بهره می‌بریم و گرایش در این زمینه بیش‌تر مثبت است تا منفی.برای منافع فرانسه موضوع و بزرگی آن مهم است. ایران به عنوان یک بازار مصرف کننده ۷۸ میلیون نفری که ۲۶ میلیون نفر آن مصرف کننده فعال هستند، از جمله کشورهای با ثبات منطقه است. طبقه متوسط ایرانی تحصیلکرده و شهرنشین وخواستار کالاهای مصرفی و تجهیزات هستند.در عین حال این کشور سومین ذخیره نفت و اولین ذخیره گاز دنیا را دارد.

کلمان ترم از مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی در این باره می‌گوید: ایران یک کشور بالقوه نوظهور است و بیرون از سازمان تجارت جهانی یک بازار بزرگ محسوب می‌شود.

یک محقق دیگر در این زمینه می‌گوید: یک خط جدید که در برابر ایران رویه‌ای پراگماتیک‌تر دارد در الیزه در حال ظهور است.تیبری کوویل محقق موسسه روابط بین‌المللی و استراتژیک می‌گوید: بخش خصوصی امروزه فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌دهد و یکی از مهمترین هدف‌های دولت این است که صادرات غیرنفتی خود را توسعه دهد.

ولی فرانسوی‌ها کسانی نیستند که امیدوارباشند روی یک تفاهم احتمالی با ایران سرمایه‌گذاری کنند. زیرا قبل از گفتگوی تلفنی میان رئیسان جمهوری ایران و آمریکا، شرکت‌های متعدد آمریکایی به ایران پای گذاشته بودند.

یک شرکت آمریکایی که نمی‌خواهد نامش برده شود، می‌گوید: در صورت توافق همکاری میان تهران و واشنگتن، این الزام وجود دارد که سهمی از بازار را هم نصیب خود کنیم.

رایزن بخش اقتصادی سفارت ایران در پاریس معتقد است: فرانسوی‌ها می‌توانند از نزدیکی روابط در بخش‌های توریسم، کشاورزی، فن‌آوری، ساختمان و حمل و نقل سود ببرند.

وی می‌افزاید: احتیاط، به‌خصوص در این زمان، الزاما نمی‌تواند مشاور خوبی باشد.

کشاورزی رونق می یابد



استقلال کشور از اهداف محوری انقلاب اسلامی بوده و دستیابی به این مهم بدون توجه به تامین مواد غذایی امری محال است و با عنایت به اینکه بخش کشاورزی و منابع طبیعی تامین کننده مواد غذایی کشور بشمار می رود، لذا توجه به این بخش در حقیقت استقلال، امنیت و عزت سیاسی کشور را تضمین می کند.

کشاورزی، شناسه تاریخ و تمدن بشریت و رسالت آن از دیر باز تامین غذا به عنوان یکی از مهمترین نیاز حیاتی بشر تعریف شده است. لذا امنیت غذایی دارای آنچنان اهمیتی است که امروزه به عنوان کالای عمومی تعریف شده و دولت ها موظف به تامین آن شده‌اند و سیاستمداران اذعان دارند که کشاورزی در فرایند توسعه نقش حیاتی داشته و عزم و اراده سیاسی را به خاطر بسیج منابع برای توسعه این بخش ضروری می‌دانند.

بخش کشاورزی در نظام جمهوری اسلامی ایران وظیفه تامین امنیت غذایی متکی بر تولید داخلی با استفاده علمی و کارآمد از منابع آب و خاک و سایر منابع و حفاظت از منابع طبیعی را به عهده دارد.

این بخش با برخورداری از حدود ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۰ درصد اشتغال و سهم قابل توجهی از صادرات غیرنفتی و حدود ۸۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز کشور، جایگاه والایی در اقتصاد ملی دارد و به همین دلیل وزن استقلال غذایی در اتخاذ راهبردهای کلان کشور را دو چندان کرده است.

استفاده بهینه از ظرفیت های آب و خاک در مناطق مختلف موجب استقرار و پراکندگی متناسب جمعیت کشور در این نقاط خواهد شد و از آنجا که حضور جمعیت فعال در مرزهای کشور می تواند موجبات امنیت فراگیر در این نقاط را به دنبال داشته باشد، لذا توسعه بخش کشاورزی در این نقاط در حقیقت می تواند به ثبات امنیت در مرزها هم کمک کند.

صاحبنظران بر این باورند که افزایش چشمگیر منابع درآمدی کشور طی سال های اخیر فرصت مناسبی برای جبران سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی کشور و عاملی برای رونق بخشی و کاهش وابستگی و تقویت امنیت غذایی و پایداری و حفظ منابع بوده است، اما متاسفانه چنین اتفاقی به وقوع نپیوست و عملیاتی نشد.

نبود اطمینان کافی در تامین امنیت غذایی کشور، محدودیت منابع آبی کشور، ضعف مکانیزاسیون در فرایندهای تولید، بهره برداری، فرآوری، بسته بندی و نگهداری محصولات، ناهماهنگی های فرابخشی و سیاستهای اقتصادی و ضعف ساختاری در تامین اجتماعی تولید کنندگان و جامعه روستایی از جمله مهمترین چالش های بخش کشاورزی و منابع طبیعی در کشور بشمار می رود.

محمود حجتی وزیر جهاد کشاورزی دولت یازدهم در ابتدای امر تصدی گری خویش رویکرد اصلی برای عبور از چالش‌ها را تاکید بر اقتصاد و تولید دانش بنیان عنوان و تاکید کرد که در آن با اتکا به منابع انسانی فرهیخته و استفاده از فناوری های نوین به عنوان اصلی ترین عوامل ایجاد ثروت به اقتصادی کردن تولید و خلق مزیت رقابتی توجه می کند.

اقتصادی که بر پایه بهره وری بالای عوامل تولید، کارآمدی توزیع و کاربرد دانش در مدیریت شکل گرفته و پیشرفت کشاورزی را به ارمغان می آورد.

این امر مستلزم ارتباط موثر فرآیند تولید علم با فرآیند تولید و توزیع محصول است؛ اجزای این فرایند مشتمل بر مراکز تحقیقاتی و تولید علم، انتقال ، انتشار، آموزش و کاربست دانش در تولید محصول و خدمت است؛بنا بر این کارآمدی مدیریت تحقیقات، انتقال و ترویج از الزامات مهم تحقق کشاورزی با رویکرد اقتصاد دانش بنیان است.

باید اذعان داشت که نیروی علمی و کارشناسی بخش کشاورزی ایران در منطقه به نسبت وضع مطلوبی دارد و باید به این نکته هم توجه داشت که تحقیقات تقاضا محور، آموزش اثر بخش و ترویج فناوری‌های نوین از مهمترین سرمایه ها و قابلیت ها برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی و منابع طبیعی محسوب می شود که با نیروی انسانی متخصص و با انگیزه، مدیران، کارشناسان و پژوهشگران و شبکه گسترده ترویج و همکاری و مشارکت تشکل ها و بهره برداران در کشور امکان پذیر خواهد شد.

تامین و ارتقای امنیت غذایی و نیل به خودکفایی در تولید محصولات اساسی و حذف واردات، صیانت پایدار از منابع پایه با تاکید بر مهار بحران آب در دشت ها، توسعه پایدار، اصلاح الگوی کشت و ارتقای بهره وری عوامل تولید، توسعه صادرات با هدف برقراری تراز مثبت بازرگانی در بخش، ارتقای کارآمدی نظام سیاست گذاری و ارتقای نقش و سطح مشارکت کشاورزان و توسعه ظرفیت و ارتقای کارایی نظام توسعه فناوری از جمله اهداف و راهبردهای اعلام شده وزیر جهاد کشاورزی در ابتدای تصدی مسئولیت خویش بوده است.

حجت الاسلام سید محمد سادات ابراهیمی دبیر اول کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی در این خصوص می گوید: دولت یازدهم در ۱۰۰ روز نخست کاری خویش در مورد مسائل کشاورزی عملکردی واقع بینانه ای داشته است.

وی می افزاید: خوشبختانه دولت یازدهم توجهی ویژه و خاص برای دغدغه اصلی کشاورزان که همان قیمت تمام شده محصولات کشاورزی بود، داشته تا جایی که قیمت گندم را در حد مطلوبی افزایش داده است.

وی تصریح می کند: همچنین دولت یازدهم در عرصه تعادل بین عرضه و تقاضا و مباحث رابطه منطقی در نحوه واردات و صادرات بخش کشاورزی اقدامات مطلوبی انجام داده است تا جایی که کشاورزان در امر صادرات خویش خصوصا در امر صیفی جات سود و بهره خوبی بردند.

دبیر اول کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس ادامه میدهد: اگر چه افزایش قیمت محصولات صادراتی در بخش صیفی جات بنا به دلایلی از جمله سردی هوا به صورت مستمر ادامه نداشت، اما اینگونه اقدامات را باید به فال نیک گرفت.

وی می گوید: اگر دولتمردان بتوانند درآمد کشاورزان را افزایش دهند، بطور حتم آن موقع است که کشاورزی صرفه اقتصادی خواهد داشت و مسائلی همچون عوارضی که از جانب هدفمندی یارانه ها به کشاورزان در باب افزایش قیمت‌ها به آنان تحمیل شد؛ جبران می‌شوند.

ابراهیمی با بیان اینکه دولت در امر تامین نهاده های دامی و کشاورزی به صورت ویژه عمل کرده است، اظهار می دارد: دولت یازدهم در ابتدای امر مشکلات بسیار جدی در بخش تامین نهاده‌های کشاورزی داشت و جلساتی هم در کمیسیون کشاورزی مجلس با حضور مسوولان تشکیل شد.

وی یادآور شد: اعضای کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شاهد هستند که دولت از همان ابتدا در تامین نهاده‌های کشاورزی بسیار فعال شد و توانست اعتبارات مورد نیاز تامین این امر را مهیا کنند.

نامبرده با بیان اینکه طی چند سال گذشته سهمیه کود کشاورزان کاهش چشمگیری داشته است، اظهار می دارد: متاسفانه در سالهای گذشته کشاورزان برای تهیه سهمیه کود خود دچار مشکلات عدیده‌ای بودند که خوشبختانه در حال حاضر مشکل تامین کود شیمیایی مورد نیاز کشاورزان در حد مصوب حل شده است.وی در مجلس اضافه می کند: نهاده ها مواد اولیه کشاورزان برای تولید محصولات هستند و خوشبختانه دولت با شناخت دقیق از وضع موجود در ۱۰۰ روز نخست در خصوص تامین نهاده‌های کشاورزی گام های مناسب و مطلوبی برداشته است.

ابراهیمی ادامه می دهد: تامین به موقع نهاده های کشاورزی در شرایطی که کشور در وضع عادی نبوده و در موقعیت خاصی همچون تحریم ها قرار داشته کار بسیار ارزشمندی است که نباید به آسانی از آن چشم پوشی کرد.

وی یادآور می شود: طی روزهای اخیر دولت اعتبارات و تسهیلات ویژه ای برای مکانیزاسیون کشاورزی ارائه کرده است، به گونه ای که این رقم فقط در خوزستان بالغ بر ۴۵۰ میلیارد ریال بوده است.

نماینده مردم شوشتر و گتوند با بیان اینکه تسهیلات مکانیزاسیون کشاورزی برای نخستین بار طی سالیان اخیر تامین شده است، خاطر نشان می کند: این اعتبارات ویژه دولت برای تامین کمباین و تراکتور نیمه سنگین و سنگین بخش کشاورزی اعطاء شده است.

وی ادامه می دهد: این سیاست دولت اقدامی اساسی و زیربنایی بشمار می رود، چرا که بسیاری از وسایل و ادوات کشاورزی به سبب فرسوده بودن، هزینه های زیادی را به کشاورزان تحمیل می کرد و باعث پایین آمدن بهره وری می‌شد.

دبیر اول کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس می گوید: اینگونه اقدامات طی ۱۰۰ روز نخست دولت حرکت بسیار مثبت و قابل تقدیر بوده، اگر چه نیاز بخش کشاورزی چندین برابر آن چیزی است که تاکنون عمل شده است.

وی خاطر نشان می کند: امیدوارم دولت یازدهم با همین نگاه و رویکرد گام های بعدی را بردارد و توسعه کشاورزی را همراه با صنعت از اولویت های نخست کشور قلمداد کند.

این نماینده مجلس می افزاید: خوشبختانه هم اکنون این احساس وجود دارد که در دولت یازدهم دیگر کشاورزی دارای اولویت چندم نیست و به عنوان یک موضوع مهم کشور بدان نگریسته می شود.

وی در مورد اقدامات دولت یازدهم در زمینه کاهش واردات و توسعه صادرات می گوید: این سیاست ها زمان بر بوده و نیاز به فرهنگسازی و عزم ملی دارد.باید پذیرفت که تولیدکنندگان عرصه کشاورزی، موسسات بزرگ، یکپارچه و واحد نیستند که با یک بخشنامه با یکدیگر هماهنگ شوند، چرا که اینها میلیون ها کشاورز خرده مالک در اقصی نقاط کشور هستند.

ابراهیمی با بیان اینکه اصلاح الگوی کشت یکی از اقداماتی است که بسیار ضروری به نظر می رسد، ادامه می دهد: کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی در برخی از فصول ناچار به واردات برخی از محصولات است و حذف کامل این امر به طور حتم به صلاح مصرف کنندگان نیست.

وی با تاکید بر اعمال تعرفه‌ها می گوید: اگر بتوانیم تعرفه های مصوب را اعمال کنیم؛ مصرف کننده و تولید کننده هر دو سود خواهند برد.

دبیر اول کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس می‌افزاید: نقاط ضعف دولت با توجه به بی مهری هایی که طی سالیان گذشته در امر کشاورزی صورت گرفته بود، بسیار اندک است، اما شاید بتوان بحث تکمیل و تاسیس کانال های آبیاری و زهکشی اصلی و فرعی در بسیاری از نقاط کشور را در این مقوله جای داد.

وی می گوید: استفاده از مکانیسم آبیاری یکی از مهمترین عوامل افزایش بهره وری کشاورزی بشمار می رود، اما متاسفانه دولت در امر تکمیل پروژه های آبیاری و زهکشی اراضی به سبب کمبود اعتبارات گام های کمتری برداشته است.

نماینده مردم شوشتر و گتوند در مجلس تصریح می کند: اخیرا طی جلساتی که اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس با وزیر جهاد کشاورزی داشته اند، مباحثی مطرح شد که ایشان به دولت پیشنهاد داده‌اند تا فاینانسی از کشور چین برای این موضوع تامین شود.

هدایت اله میر مراد زهی دبیر دوم کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس هم در همین زمینه می گوید: اولویت بخشی به امر تولید و کشاورزی سبب رفع بسیاری از مشکلات می شود، اما متاسفانه وزیر جهاد کشاورزی به تنهایی نمی تواند در این امر موفق باشد و نیاز به حمایت مالی از جانب دولت دارد.

وی می افزاید: هم اکنون شاهد حضور خودروهای گران قیمتی در سطح شهرها هستیم که با ارز مرجع خریداری می شود و این در حالی است که اینگونه وسایل لوکس در چنین شرایطی نیاز کشور نیست.

دبیر دوم کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس ادامه می‌دهد: باید دولت اعتقادی راسخ به رونق کشاورزی در کشور داشته باشد و تمام همت خویش را برای رشد و شکوفایی این امر اختصاص دهد.

وی با تاکید بر حمایت بیشتر اعضای هیات دولت از وزیر جهاد کشاورزی یادآور می شود: هم اکنون در زمینه کشت گندم، کودهایی که باید به این امر اختصاص داده می شد، عملیاتی نشده و بدست کشاورزان نرسیده است.

نماینده مردم سراوان در مجلس خاطر نشان می کند: این آب و خاک کشور افرادی تحصیلکرده و متخصص نیاز دارد تا بهره وری را افزایش دهد و این امر هم نیاز به برنامه ریزی و حمایت جدی دولت دارد.

عرضه بخشی از سهام شرکت های دولتی در بورس

هیات دولت در نشست خود تصویب کرد که بخشی از سهام شرکت‌های دولتی قابل واگذاری در بورس عرضه شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت در این جلسه، گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی در باره تحلیل بازار سرمایه ارایه شد.

هیات وزیران در اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و تقویت خصوصی سازی با تاکید بر لزوم تناسب کامل بین رشد متغیرهای بازار سرمایه و عوامل بنیادی و متغیرهای کلان و استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای تامین مالی فعالیت های اقتصادی و بنگاه های تولیدی نسبت به واگذاری بخشی از سهام شرکت های قابل واگذاری به بخش خصوصی واقعی و کاهش تمرکز در مالکیت و سهم بازار تصمیم گیری کرد.

از سوی دیگر در جلسه هیات واگذاری که با حضور اعضا در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل شد قیمت پایه و شرایط واگذاری ۲۰ درصد سهام شرکت پتروشیمی سلمان فارسی و ۲۰ درصد سهام پتروشیمی ابن سینای همدان از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ملی صنایع پتروشیمی، ۱۰۰ درصد سهام شرکت نوسازی صنایع ایران از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ملی سازمان گسترش و نوسازی صنایع پارس(ایران) و ۱۰۰ درصد سهام شرکت ریخته گری ماشین سازی تبریز از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از طریق فرابورس به صورت نقد و اقساط موافقت شد.

همچنین در این جلسه قیمت پایه و شرایط واگذاری ۵,۰۱ درصد سهام شرکت سرمایه گذاری صنعتی رنا از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ملی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از طریق بورس و ۴۹,۹ درصد سهام شرکت مهندسین مشاور نیرو از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ملی ساتکاب بابت رددیون دولت به بانک صنعت و معدن از طریق فرابورس به صورت نقد و اقساط مصوب شد.تصویب قیمت پایه و شرایط واگذاری ۱۰۰ درصد ارزش نیروگاه شهید رجایی به صورت نقد و اقساط به همراه ۴۹ درصد سهام شرکت مدیریت برق شهید رجایی از طریق مزایده به صورت نقد از دیگر مصوبات جلسه دیروز هیات واگذاری بود.

قیمت پایه و شرایط واگذاری ۴۰ درصد سهام شرکت مدیریت تولید و بهره برداری نیروگاههای سیکل ترکیبی خیام از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ملی توانیر از طریق فرابورس به صورت نقد و اقساط و پنج درصد سهام پست بانک از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی وزارت امور اقتصادی و دارایی از طریق بورس به صورت نقد و اقساط نیز در جلسه روزگذشته به تصویب اعضای هیات واگذاری رسید.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۸۸۱۱۲/۵	۸۸۲۰۵/۵	۸۷۰۰۴/۲	۱۰۸۸/۴	۱/۲۵
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۴۲۰۲/۶	۴۲۰۴/۴	۴۱۲۹/۱	۸۱/۵	۱/۹۸
شاخص آزادشناور	۱۰۱۸۳۶/۸	۱۰۱۹۰۰	۱۰۰۰۸۸/۳	۱۷۲۵/۸	۱/۷۲
شاخص بازاراول	۶۶۷۰۰/۳	۶۶۷۷۰/۹	۶۵۵۹۹	۱۰۷۹/۳	۱/۶۴
شاخص بازاردوم	۱۶۲۷۸۵/۶	۱۶۳۲۸۱/۹	۱۶۲۷۶۵/۲	۶۳۷/۶	۰/۳۹
شاخص صنعت	۷۴۵۵۲/۸	۷۴۶۳۶/۴	۷۳۶۷۹/۴	۸۵۳/۸	۱/۱۶

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه ۹۲/۹/۲۵)

مجموع حجم معاملات	۱/۴۴۹/۴۹۱/۳۷۷ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۶/۷۸۵/۵۲۵ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۶۵۱۳۰ معامله
ارزش بازار	۴/۳۱۵/۱۴۰ میلیارد ریال

۲۶۷ قرارداد سلف موازی برق

با انجام معامله روزانه میعانات گازی در بازار فیزیکی و ۲۶۷ قرارداد سلف موازی استاندارد برق، در بازار مشتقه، ارزش معاملات بورس انرژی کمی بیشتر از ۱۰ میلیارد ریال شد.

به گزارش بورس انرژی، در معاملات بازار مشتقه (تابلو برق) ۲۶۷ قرارداد سلف موازی استاندارد برق به ارزش ۲۰۰ میلیون ریال منعقد شد.

همچنین در رینگ داخلی بازار فیزیکی ۴۴۲۰ بشکه میعانات گازی پالایشگاه ایلام عرضه شد. شرکت ملی نفت ایران طبق روال روزانه یازدهمین محموله میعانات گازی را با موفقیت عرضه کرد و به فروش رساند. قیمت هر بشکه از میعانات گازی حدود ۲ میلیون ریال قیمت خورد. ارزش این محموله بالغ بر ۸ میلیاردو ۸۰۰ میلیون ریال شد.

توجه به سیاست قیمت تضمینی در لایحه بودجه ۹۳



مدیرعامل بورس کالای ایران با اعلام این که دستور العمل اجرایی آیین نامه ماده ۳۳ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی ابلاغ شده است، خواستار توجه ویژه در لایحه بودجه سال ۹۳ به پیش بینی بودجه سیاست قیمت تضمینی محصولات کشاورزی شد.

دکتر حسین پناهیان گفت: بر اساس این ماده قانونی از تاریخ تصویب این قانون، علاوه بر اجرای قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی، در قالب بودجه‌های سنواتی و اعتبار مصوب، سیاست قیمت تضمینی هم برقرار می‌شود.

مدیرعامل بورس کالای ایران افزود: با ابلاغ این دستور العمل تولیدکنندگان محصولات‌کشاورزی محصولات خود را در بورس کالا عرضه کنند و در صورت پایین بودن قیمت کشف شده محصولات در این بورس نسبت به قیمت تضمینی اعلام‌شده از سوی دولت، تنها مابه‌التفاوت آن با معرفی بورس کالا، توسط دولت به تولیدکنندگان پرداخت می شود. ویژگی این طرح این است که علاوه بر کاهش بار مالی دولت، استاندارد کشت و خرید محصولات کشاورزی را ارتقا می بخشد.

وی تاکید کرد : با توجه به اینکه ابلاغ این دستورالعمل همزمان شده است با ارائه لایحه بودجه ۹۳ به مجلس شورای اسلامی، بنابراین لازم است که برای فراهم کردن زمینه های ایجاد این تحول در بخش کشاورزی، در بودجه ۹۳ توجه ویژه ای به تامین مالی اجرای سیاست قیمت تضمینی شود.

پناهیان همچنین با بیان اینکه مقدمات عملیات اجرایی این دستورالعمل با مشارکت بورس کالا و وزارتخانه مربوطه آغاز شده است، ابراز امیدواری کرد که با تمهیدات انجام شده، فرایند اجرا بدون هیچ مشکلی عملیاتی شود.

مدیرعامل بورس کالای ایران تشریح کرد: در صورت عدم پیش‌بینی بودجه ،کشاورزانی که برای محصولات آنها قیمت‌ها پایین‌تر از قیمت تضمینی کشف شود، به هنگام اخذ مابه التفاوت آن از وزارتخانه با مشکل مواجه می‌شوند که این امر می تواند اجرای دقیق الزامات ماده ۳۳ قانون افزایش بهره وری و منابع طبیعی را با مشکل مواجه کند.

براساس این گزارش، مرجع تعیین کیفیت و درجه‌بندی محصولات موضوع این آیین‌نامه، بورس کالا با همکاری وزارت جهاد کشاورزی است و مقرر شده است که وزارت جهاد کشاورزی پس از دریافت فهرست قطعی معاملات از بورس کالا ظرف دو هفته برای پرداخت مابه‌التفاوت قیمت تابلو بورس و قیمت تضمینی اعلام شده از سوی هیات وزیران اقدام کند.

گزارش دیگر اینکه با انعقاد ۲۸هزار و ۸۳۸ قرارداد آتی سکه طلای تمام بهار آزادی در سومین هفته آذر در ۱۲ هزار و ۹۵نوبت توسط معامله گران در بورس کالای ایران، ارزش معاملات قراردادهای آتی سکه در این بورس طی هفته مذکور به بیش ازدو هزار و ۵۷۶ میلیارد ریال رسید.

به گزارش روابط عمومی شرکت بورس کالای ایران، در هفته گذشته معاملات قراردادهای آتی سکه طلا تحویل اسفند۹۲ با ۱۹هزار و ۴۸۷قرارداد در ۷هزار و ۵۳۸نوبت در صدر قرار گرفت. ارزش معاملات قراردادهای مذکور به بیش از یکهزار و ۷۴۱میلیارد ریال بالغ شد.

بر اساس این گزارش رتبه دوم بیشترین معاملات قراردادهای آتی در هفته گذشته را قراردادهای آتی سکه طلا تحویل بهمن ۹۲ به خود اختصاص داد .

در هفته ای که گذشت ۳هزار و ۹۲۹قرارداد آتی سکه طلا تحویل بهمن ماه دریکهزار و ۹۱۰ نوبت و به ارزش بیش از ۳۴۶میلیارد ریال توسط معامله گران آتی منعقد شد.

جایگاه سوم بیشترین معاملات این قراردادها به قراردادهای سررسید اردیبهشت اختصاص دارد که ۳ هزار و ۹۳ قرارداد آتی سکه طلا تحویل اردیبهشت ماه ۹۲ را به ثبت رسانده است. قراردادهای آتی سکه این سررسید در یکهزار و ۳۳۱ نوبت و به ارزش بیش از ۲۸۶میلیارد ریال داد و ستد شد.

این گزارش حاکی است، قراردادهای آتی سکه طلا تحویل آذر و دی ۹۲ به ترتیب با یک هزار و ۲۳۵ قرارداد و یک هزار و ۹۴قرارداد در جایگاه بعدی این معاملات قرار داشت.

همچنین در هفته منتهی به ۲۱ آذر حدود ۲۹۵ هزار تن انواع کالا به ارزش نزدیک به ۶ هزار میلیارد ریال در تالارهای صادراتی و داخلی بورس کالای ایران مورد معامله قرار گرفت و گروه های کالایی وکیوم باتوم، گوگرد، گازها و مواد پلیمری با رشد معاملات مواجه شد.تالار داخلی و صادراتی فرآورده های نفتی و پتروشیمی بورس کالای ایران در هفته ای که گذشت شاهد معامله بیش از ۱۸۸ هزار تن انواع کالا با ارزشی حدود ۳۳۵۵ میلیارد ریال بود . در این تالار، حدود ۵۵ هزار تن انواع قیر به ارزش بیش از ۷۶۷ میلیارد ریال مورد داد و ستد قرار گرفت.همچنین حدود ۴۴ هزار تن انواع مواد پلیمری به ارزش بیش از ۱۵۵۷ میلیارد ریال به فروش رسید.تالار فرآورده های نفتی و پتروشیمی بورس کالای ایران همچنین شاهد معامله بیش از ۳۹ هزار تن انواع وکیوم باتوم، ۱۰ هزار تن لوب کات، حدود ۲۴ هزار تن انواع مواد شیمیایی، حدود ۱۷ هزار تن گوگرد و ۹۰ تن انواع گاز بود.گروه وکیوم باتوم، گوگرد و گازها به لحاظ حجم به ترتیب رشد ۶۱، ۱۰۴ و ۲۰۰ درصدی را ثبت کردند.

این گزارش حاکی است، تالار داخلی و صادراتی محصولات صنعتی و معدنی شاهد معامله بیش از ۱۰۶ هزار تن انواع کالا به ارزش بیش از ۲۶۰۶ میلیارد ریال بود.

در تالار مذکور حدود ۹۵ هزار تن انواع محصول فولادی، ۴۶۰۰ تن انواع محصول مسی، ۴۲۲۰ تن انواع محصول آلومینیومی، ۱۶۰ تن کنسانتره مولیبدن، ۱۷۰۰ تن کک، ۱۰۰ تن روی و ۶ تن کنسانتره مورد معامله قرار گرفت.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
ح . فرآورده های نسوزایران	۳۷,۵۰۰	۲۸۳۰۰
ح. گسترش نفت و گاز پارسیان	۸,۷۳۹	۱۱۷۵
ح . بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۵۴۵	۱۱۴
ح . پمپ سازی ایران	۲,۶۸۵	۱۹۸
ح . سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۴۹۴	۱۱۰
ح . پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۱۸۴	۸۷
ح . لیزینگ‌ایران	۱,۷۵۵	۱۳۰
ح . ایران‌دارو	۱۰,۲۰۰	۳۹۰
ح . کاشی الوند	۳,۱۵۵	۲۲۳
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۲,۴۷۰	۹۵
مهرکام‌پارس	۱,۵۳۴	۵۹
پاکسان	۲۵,۸۷۳	۹۹۵
تولیدمحورخودرو	۲,۳۹۳	۹۲
توسعه معادن روی ایران	۳,۹۰۲	۱۵۰
فیبر ایران	۷,۶۴۸	۲۹۴
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۸۷۳	۷۲
پشم‌شیشه‌ایران	۸,۸۴۶	۳۴۰
سایپا دیزل	۱,۲۷۵	۴۹
گلتاش	۲۵,۴۴۹	۹۷۸
گروه مپنا (سهامی عام)	۱۰,۴۶۱	۴۰۲
معادن بافق	۲۳,۸۱۱	۹۱۵
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۲,۰۰۴	۷۷
پاما	۱۳,۸۹۸	۵۳۴
ایران‌ارقام	۳,۹۵۷	۱۵۲
پارس مینو	۷,۷۵۸	۲۹۸
پارس‌سویچ	۶,۰۹۳	۲۳۴
بین المللی محصولات پارس	۱۱,۹۸۴	۴۶۰
سیمان بجنورد	۷,۰۶۱	۲۷۱
صنعتی بهشهر	۱۵,۲۷۰	۵۸۷
پمپ سازی ایران	۳,۶۴۸	۱۴۰
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۴,۳۲۶	۱۶۶
الکتریک خودرو شرق	۲,۱۳۷	۸۲
فولاد مبارکه اصفهان	۴,۷۹۶	۱۸۴
ذغال‌سنگ نگین طبس	۴,۸۴۹	۱۸۶
سرمایه‌گذاریتوسعه‌صنعتی‌ایران	۲,۲۰۸	۷۶
بیمه دانا	۲,۱۹۱	۸۴
سرمایه گذاری خوارزمی	۳,۰۵۵	۱۱۷
سالمین	۳,۰۰۳	۱۱۵
توسعه‌معادن‌وفلزات	۱۰,۰۰۱	۲۷۵
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۳,۶۸۶	۱۴۱
کمباین سازی ایران	۳,۵۸۲	۱۳۷
شیشه همدان	۱۲,۱۸۷	۴۶۸
بیمه ملت	۲,۹۸۱	۱۱۴
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۲,۰۶۷	۷۹
کمک‌فنرایندامین	۲,۷۴۸	۱۰۵
سرمایه‌گذاری سپه	۳,۴۰۰	۱۲۷
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۳,۲۴۷	۱۲۴
پارس الکتریک	۶,۰۰۰	۱۰۶
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۴,۴۸۰	۱۷۲
نیرو محرکه	۱,۶۵۴	۶۳
داروسازی جابرابن‌حیان	۱۰,۵۰۹	۴۰۴
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۶,۶۲۴	۲۵۴
ماشین سازی اراک	۷,۵۷۸	۲۹۱
بیمه البرز	۱,۷۱۰	۶۵
کیمیدارو	۹,۳۴۳	۳۵۹
بانک پاسارگاد	۲,۹۶۲	۱۱۳
کشاورزی ودامپروری مگسال	۳۱,۱۱۴	۱۱۹۶
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۰,۸۶۰	۲۲۰
عمران‌وتوسعه‌فارس	۳,۸۹۵	۱۴۸
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۸۷۲	۱۱۰
فولاد امیرکبیرکاشان	۶,۳۳۱	۲۴۳
حفاری شمال	۷,۹۰۵	۳۰۲
سیمان دورود	۱۸,۸۳۲	۷۲۴
لبنیات‌کالبر	۳,۳۰۹	۱۲۷
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۲,۲۹۹	۸۸
پارس خودرو	۲,۱۲۷	۸۱
ایران خودرودیزل	۲,۳۵۵	۹۰
رادیاتور ایران	۲,۳۰۶	۸۸
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۸۳۰	۱۰۸
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۷,۸۴۲	۳۰۱
سرمایه‌گذاری مسکن	۲,۵۷۲	۵۴
لیزینگ رایان سایپا	۲,۲۴۶	۸۶
ملی صنایع مس ایران	۴,۴۲۰	۸
پارس خزر	۱۱,۰۱۸	۴۲۳
کارت اعتباری ایران کیش	۷,۹۲۳	۱۴۲
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۳,۵۴۹	۱۳۶
لیزینگ‌ایران	۲,۵۷۴	۹۹
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۳۲۳	۸۹
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۳,۷۹۱	۱۴۵
فراورده های نسوزایران	۳۵,۲۷۴	۱۳۵۶
ایران تایر	۴,۰۷۰	۱۵۶
سیمان‌سپاهان	۳,۷۵۰	۴۸
ایران‌دارو	۱۲,۱۲۰	۴۶۶
گروه‌بهمن	۲,۸۴۶	۱۰۹
نیرو کلر	۱۱,۴۰۰	۳۸۵
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶,۹۳۵	۱۷۶
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۳۶۸	۵۲
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۳,۰۶۰	۱۱۴
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۶۴,۹۹۹	۸۸۳
قطعات اتومبیل ایران	۲,۵۶۰	۹۸
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۴۲۰	۶۱
بانک‌اقتصادنوین	۲,۹۹۰	۱۱۵
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۳,۰۰۰	۱۱۵
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۳,۷۳۱	۱۲۴
زامیاد	۲,۰۶۵	۷۹
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۳,۹۵۴	۱۵۲
ساپاشیشه	۱,۹۸۲	۳۶
لامپ پارس شهاب	۱۵,۳۴۱	۵۹۰
داروسازی امین	۱۳,۶۹۲	۵۲۶
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۸۸۱	-۴۵
گروه دارویی سبحان	۹,۰۱۷	۳۴۶
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۳,۵۲۹	۱۰۲
داده‌پردازی‌ایران	۳,۵۷۱	۱۳۷
سیمان کرمان	۱۲,۳۱۷	۴۴۶
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲۳,۵۶۱	۵۵۸
ایران خودرو	۳,۳۰۰	۱۲۰
آلومینیوم‌ایران	۸,۴۹۰	۱۴۷
سرمایه گذاری پردیس	۲,۴۸۳	۰
البرزدارو	۱۶,۱۵۰	۵۶۸
فرآورده‌های نسوز پارس	۶,۱۲۵	۲۳۵
سیمان آرتا اردبیل	۱۹,۶۸۴	۷۵۶
قنداصفهان	۸,۸۳۹	۶۲
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۶,۷۰۰	۵۵
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳,۹۸۵	۱۵۳
پتروشیمی‌شیراز	۱۲,۷۸۹	۴۹۱
سرما آفرین	۴,۹۰۸	۱۸۸
سرمایه گذاری شاهد	۲,۹۵۵	-۴۰
نوردوقطعات فولادی	۴,۱۴۰	۱۵۸
سرمایه گذاری سایپا	۱,۸۰۰	۵۱
پلاسکوکار	۲,۶۰۰	۵
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۵,۸۷۶	۲۲۶
سیمان داراب	۷,۱۹۸	-۳۹
فولاد خوزستان	۴۳,۳۱۰	۱۱۶۳
ح.گروه مدیریت سرمایه گذار امید	۴,۳۰۰	-۳۵
پارس سرام	۶,۷۰۰	۱۹۷
نورد آلومینیوم	۷,۰۷۰	۰
نیروترانس	۹,۴۲۰	۳۶۲
صنایع لاستیکی سهند	۱۴,۴۸۱	۳۸۶
کاشی الوند	۴,۰۵۶	۱۵۶
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۱,۰۵۳	۴۲۵
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۹۴۲	۰
تولیدی‌مهرام	۷,۳۰۳	۲۸۰
پست بانک ایران	۱۱,۰۳۰	-۱۳
سایپا	۲,۳۳۴	۸۷
بیمه آسیا	۱,۸۹۵	۷۲
معادن‌منگنزایران	۸,۴۲۰	۱۵۱
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۷,۵۰۶	-۲۳۴
کالسیمین	۹,۸۳۰	۲۸
سیمان صوفیان	۵,۳۷۰	۱۹۲
بیمه پارسیان	۲,۸۳۷	۱۰۹
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۲۱,۶۰۰	۴۴۵
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۲,۵۴۸	۳۲
پتروشیمی پردیس	۲۴,۷۵۰	۵۷
مارگارین	۹,۴۴۴	۳۶۲
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۶۱,۲۰۰	-۱۴۲۵
مهندسی‌نصیرماشین	۲,۲۹۵	۸۸
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۵,۷۰۰	۲۴
بانک‌پارسیان	۳,۹۱۰	۴۴
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۶۸۰	۲۹
سامان گستراصفهان	۲,۷۱۲	-۲۵
داروسازی اکسیر	۲۲,۸۹۹	۵۶۰
سیمان‌هگمتان	۸,۶۹۵	-۴۰
سیمان شرق	۴,۴۸۰	-۱۸۳
محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۶۵۰	۴۸
صنعتی آما	۷,۶۹۹	۲۹۶
پتروشیمی شازند	۲۷,۷۷۷	-۱۴۶
بانک تجارت	۳,۸۰۰	۴۲
بانک ملت	۳,۰۲۰	۱۷
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۴۷۱	-۳۳
رینگ‌سازی‌مشهد	۲,۹۴۰	۵۵
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۵,۴۰۰	-۵۱
داروسازی فارابی	۲۹,۳۳۳	-۳۴۶
سیمان فارس و خوزستان	۴,۸۹۰	-۱۳۹
تجارت الکترونیک پارسیان	۱۱,۰۹۰	-۱۹۹
معدنی املاح ایران	۱۴,۳۵۰	-۳۰۸
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۶,۶۰۰	۱۰۸
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۹,۶۰۰	-۲۴
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۷,۶۱۱	۴۷
دارویی لقمان	۶,۸۳۱	۲۶۲
کاشی وسرامیک حافظ	۵,۴۱۴	۲۰۸
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۸,۰۲۰	۷۸
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۸,۳۰۰	-۲۷
فولاد خراسان	۱۰,۲۹۱	۳۹۵
سیمان خزر	۶,۹۶۶	۲۹
پتروشیمی‌فارابی	۳۶,۸۵۵	۲۹۴
شرکت ارتباطات سیار ایران	۵۶,۰۵۰	۶۹۹
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۶,۶۵۰	-۸۱
دوده صنعتی پارس	۷,۴۶۰	-۱۱۹
ح . دوده صنعتی پارس	۶,۴۰۳	-۱۶۳
معدنی و صنعتی گل گهر	۱۲,۹۱۰	۴۵
قند لرستان	۴۲,۷۰۰	۶۸
سیمان بهبهان	۵۴,۰۰۰	-۷۰۰
فنرسازی‌زر	۲,۶۱۶	۱۰۰
ایران مرینوس	۱۳,۹۵۰	۵۳۶
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۹,۱۰۰	-۴۱
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۲,۱۹۰	۴۶
بانک سینا	۳,۳۶۱	-۹۳
ایران‌یاساتایرورابر	۲۵,۳۰۰	۲۹۵
بانک کارآفرین	۳,۱۱۹	۹۰
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۸,۷۴۲	۳۳۶
تهران شیمی	۹,۸۰۰	۳۷۶
فولاد آلیاژی ایران	۴,۵۷۱	۱۷۵
دارویی رازک	۱۹,۶۷۰	۷۵۶
سیمان‌مازندران	۲۱,۵۶۰	۸۲۹
پالایش نفت تبریز	۲۶,۹۷۰	۲۴۴
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۱۰,۵۰۰	۸۸
سینتا	۹,۶۹۳	۳۷۲
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۱۰,۰۵۰	۲
نوش‌مازندران	۴,۱۵۰	۲۹
داروپخش (هلدینگ	۱۹,۵۲۰	۷۵۰
کارخانجات‌داروپخش	۲۱,۰۷۸	۸۱۰
سیمان ایلام	۱۰,۵۹۳	۴۰۷
دشت مرغاب	۴,۰۹۹	۱۵۷
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۲,۳۵۷	-۱۴۹
پارس دارو	۴۱,۷۰۱	-۵۱۰
سازه پویش	۱۶,۶۴۳	۶۴۰
خدمات‌انفورماتیک	۲۱,۶۴۶	۸۳۲
مس شهیدباهنر	۴,۴۲۰	-۷۶
شیمی دارویی داروپخش	۸,۱۵۶	۳۱۳
گروه‌صنعتی‌بوتان	۲,۰۱۹	۷۷
ایران گچ	۶,۸۲۰	۲۶۲
داروسازی‌زهراوی	۲۹,۹۰۴	۱۱۵۰
داروسازی ابوریحان	۲۵,۱۸۹	۵۵۳
شهد ایران	۳,۵۵۰	-۷۲
سیمان تهران	۸,۲۰۰	-۲۸۸
داروسازی سینا	۱۷,۵۰۰	۵۳
پتروشیمی خارک	۴۴,۰۷۶	۶۵۲
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۹۴۰	-۲۶
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۹۹۰	۲۰
سیمان کردستان	۱۶,۴۷۹	۲۷۱
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۳,۸۰۰	۸
لنت ترمزایران	۴,۴۱۰	-۸۴
گروه صنعتی بارز	۹,۱۷۰	-۸۷
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۱,۷۴۳	-۴۸۹
پتروشیمی فناوران	۳۷,۱۰۰	۸۱
سایپاآذین	۲,۰۴۰	-۴۲
ح. کارت اعتباری ایران کیش	۶,۸۹۰	-۳۲۴
بانک صادرات ایران	۱,۱۳۰	-۱۱
کاشی پارس	۹,۲۲۳	-۱۸۲
سیمان سفیدنی‌ریز	۲۲,۷۸۸	۰
پتروشیمی آبادان	۱۷,۸۹۷	-۲۳۰
بهنوش ایران	۱۲,۳۶۲	-۳۴۷
بانک انصار	۳,۰۰۲	-۳۷
سرمایه‌گذاری‌ملت	۱,۰۲۹	-۴
کاشی نیلو	۳,۷۰۱	-۱۰
کارخانجات قند قزوین	۵,۰۱۰	-۱۷۵
قندنقش‌جهان	۸,۷۶۴	-۳۶۵
چینی ایران	۹,۳۲۰	-۴۱
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۳۵,۷۸۲	۴۲۶
مخابرات ایران	۳,۸۱۲	-۱۵۷
سیمان قائن	۵۳,۰۰۰	-۲۰۳۰
پالایش نفت بندرعباس	۱۴,۷۹۰	-۴۰۵
سیمان‌هرمزگان	۱۷,۱۰۰	-۱۹۹
قند نیشابور	۵,۱۸۰	-۱۱۵
سخت آژند	۳,۱۱۲	-۱۲۹
گسترش نفت و گاز پارسیان	۱۱,۴۵۰	-۳۴۰
پالایش نفت اصفهان	۲۹,۰۶۰	-۳۹۱
بیسکویت گرجی	۸,۳۹۹	۳۰۴
قند شیرین خراسان	۷,۲۲۰	-۱۱۳
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۴,۸۵۶	-۲۰۲
قند ثابت خراسان	۶,۴۷۹	-۵۴
سیمان‌ارومیه	۱۱,۰۸۰	-۴۶۱
داروسازی کوثر	۵,۸۹۰	-۱۴۲
سیمان‌شاهرود	۷,۲۱۵	-۲۹۷
تراکتورسازی‌ایران	۵,۱۳۱	-۱۰۴
شیشه و گاز	۸,۴۴۰	-۲۶۵
لعابیران	۱۱,۶۰۰	-۴۷۷
صنایع آذرآب	۳,۴۸۰	-۷۸
شهد	۲۱,۶۰۱	-۵۳۹
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۴۲۷	-۱۰۱
ایران ترانسفو	۶,۲۳۰	-۲۳۶
آبسال	۴,۳۷۳	-۱۷۵
داملران	۱۲,۹۰۴	-۹۲
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۵,۸۳۵	-۱۶۸
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۸,۵۶۶	-۱۹۲
سیمان فارس نو	۷,۵۶۷	-۳۱۵
سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۸۹۰	-۱۴۲
قند مرودشت	۲۷,۵۰۰	-۶۰۵
ایرکا پارت صنعت	۲,۵۸۸	-۵۴
داروسازی اسوه	۳۳,۹۰۰	-۴۱۲
سیمان‌غرب	۱۰,۲۵۰	-۴۲۷
لبنیات پاک	۶,۷۸۰	-۲۶۷
سیمان شمال	۴,۸۲۳	-۲۰۰
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۷,۶۸۰	-۲۷۴
تامین ماسه ریخته‌گری	۷,۴۷۰	-۲۵۹
کربن ایران	۶,۵۵۵	-۲۳۸
سیمان‌خاش	۱۲,۳۵۴	-۵۱۴
درخشان تهران	۵,۲۲۳	-۲۱۷
کنتورسازی‌ایران	۱۵,۵۴۵	-۶۴۷
تولیدی کاشی تکسرام	۳,۸۹۵	-۱۶۲
لامیران	۴,۱۱۲	-۱۷۱
جام‌دارو	۱۸,۲۰۴	-۷۵۸
شکرشاهرود	۱۰,۰۸۲	-۴۲۰
کارتن ایران	۸,۸۶۴	-۳۶۹
کشت و صنعت چین چین	۱۹,۶۷۵	-۸۱۹
قندهکمتان	۱۷,۵۰۰	-۵۸۶
نفت پارس	۴۳,۱۴۰	-۵۷۰۴

پرند، آمادهٔ استقرار پایتخت اداری است

پرند ـ خبرنگار اطلاعات: پرند آمادهٔ میزبانی برای استقرار پایتخت اداری کشور است.

سخنگوی شورای اسلامی شهر جدید پرند با اعلام این مطلب افزود: این شهر جدید با داشتن ظرفیت‌های بالقوه، آمادگی انتقال مرکز اداری پایتخت کشور را دارد.

سعید میرزایی با اشاره به موقعیت استراتژیکی شهر پرند گفت: از سال‌های گذشته پرند همواره به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی پایتخت اداری کشور مطرح بوده است و امروز که این موضوع در حال اجرایی شدن است، تمام مجموعه شهرستان بویژه شورای شهر پرند، در زمینهٔ تسریع در شکل‌گیری این مهم هرچه در توان دارد، در طبق اخلاص خواهد گذاشت.

او گفت: یکی از ویژگی‌های مهم که می‌تواند برای پایتخت اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد این است که پرند روی گسل زلزله قرار ندارد و به دلیل قرار داشتن در مسیر باد شهریار، همواره از آب و هوای بی‌نظیری برخوردار است.

وی گفت: این شهر به دلیل داشتن راه‌های ارتباطی هوایی، زمینی و ریلی برای استقرار پایتخت اداری کشور بسیار مهم و مطلوب است. وجود پروژه سرزمین ایرانیان و فرودگاه بین‌المللی امام(ره) از دیگر مزیت‌های این شهر است.

وی افزود: در رابطه با انتقال مراکز دولتی پایتخت به این شهر هیچ مشکلی نداریم و همه تدابیر برای تحقق این امر مهم در دستور کار قرار گرفته است.

او درباره آخرین وضع آمار جمعیت ساکن در پرند نیز گفت: تصمیم‌گیری‌های کلان استان و شهرستان برای این شهر براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۹۰ به میزان ۳۰ هزار نفر اعمال می‌شود در حالی که امروز جمعیت شهر پرند از مرز ۲۰۰ هزار نفر گذشته است.

وی ادامه داد: شورای شهر در این رابطه مستندات محکمی را به مرکز آمار استانداری تهران ارسال کرده است که در این زمینه اختلاف ۵۰ هزار نفری از ۲۰۰ هزار جمعیت ساکن وجود دارد که امید می‌رود این امر مهم نیز با درایت استاندار هرچه سریعتر رفع شود.

وی تصویب ۱۳۰ مصوبه در مدت آغاز فعالیت چهارمین دوره شورای اسلامی شهر را یکی از توانمندی‌های خرد جمعی در پارلمان محلی اعلام کرد و گفت: خوشبختانه از آغاز فعالیت چهارمین دوره شورای شهر، طرح‌های خوبی در زمینه‌های فرهنگی، عمرانی، خدماتی و تفریحی در نهاد شورای شهر به تصویب رسیده است.

اعزام ۸۶ گروه راهداری زمستانی به راهدارخانه‌ها و محورهای برفگیر آذربایجان غربی



ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با سراسر کشور، ۸۶ گروه راهداری برای اجرای عملیات راهداری زمستانی به راهدارخانه‌ها و محورهای برف‌گیر آذربایجان غربی اعزام شدند. خلیل محبت‌خواه مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی در این مراسم گفت: ۶۲۳ راهدار و ۴۸۳ دستگاه ماشین‌آلات سنگین و نیمه سنگین در ۴۴ راهدارخانه ثابت، ۵ راهدارخانه سیار و محورهای برف‌گیر استان مستقر شده‌اند.

او از نظارت تصویری گردنه‌ها و مناطق خاص آذربایجان غربی خبر داد و گفت: برای کنترل هرچه بهتر راههای استان ۲۳ دوربین نظارت تصویری در برخی از نقاط خاص آذربایجان غربی نصب شده است.

وی با اشاره به ذخیره نمک و ماسه در انبارهای راهدارخانه‌های استان، افزود: ۲۰ هزار تن نمک و ۴۰ هزار تن ماسه در راهدارخانه‌ها موجود است و در مواقع ضروری مورد استفاده قرار خواهد گرفت. او در ادامه گفت: تابلوهایی که در جاده‌ها نصب شده است با زبان گویای جاده‌ها با راننده صحبت می‌کنند و عواملی که باعث بروز تصادفات می‌شود بی‌احتیاطی، عدم رعایت سرعت مطمئنه و علائم راهنمایی رانندگی است.

محبت‌خواه افزود: خوشبختانه با حضور گشت‌های راهداری و پلیس راه فرهنگ‌سازی شروع شده است و جا دارد بر تداوم این فرهنگ‌سازی و اصلاح درست رانندگی کردن افزوده شود. وی در بخش دیگری از سخنان خود از آمادگی اداره کل راه و شهرسازی آذربایجان غربی در برابر هرگونه حوادث احتمالی در جاده‌های استان خبر داد.

تاکید استاندار گیلان بر تکمیل طرح‌های نیمه تمام

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار گیلان بر ضرورت تکمیل طرح‌های عمرانی در دست اجرا تاکید کرد.

محمدعلی نجفی در جلسه شورای اداری گیلان با تشریح سیاست‌های دولت تدبیر و امید گفت: تکمیل پروژه‌هایی چون سد شفارود، ۱۱ کیلومتر باقی مانده از آزادراه رشت ـ قزوین، خط آهن قزوین ـ رشت ـ انزلی ـ آستارا را در اولویت برنامه‌های ما قرار دارد.

وی خطاب به مدیران دستگاه‌های اجرایی استان، همکاری، همیاری و تعامل بیشتر با نمایندگان مجلس، حضور سرزده در ادارات، تلاش بیشتر برای تامین ارزاق عمومی و خدمات‌رسانی به مردم، لزوم پایبندی به اخلاق اسلامی را مورد توجه دولت قرار داد.

او در ادامه گفت: تلاش و کوشش مسئولان باید برای خدمت و رفاه حال مردم گیلان باشد.

او با اشاره به اینکه گیلان دارای مغزهای متفکر زیادی است گفت: خط‌مشی و شعار مسئولان استانی دولت تدبیر و امید باید «گیلان بهتر و برتر در سایه افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران» باشد.

وی در ادامه بر ضرورت برگزاری جلسات استانی اعم از شورای اداری، برنامه‌ریزی، اقتصادی، توسعه صادرات، اشتغال و غیره در خارج از ساعات اداری تاکید کرد و گفت: با تشکیل این گونه جلسات در خارج از ساعات اداری مدیران فرصت‌های حضور با مردم، برنامه‌ریزی و اندیشه را در ساعات اداری خواهند داشت.

وی در پایان با قدردانی از محمد اکبرزاده معاون سابق سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری، محمد احمدی‌پور را به عنوان معاون جدید سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری، محمدولی روزبهان را به عنوان مدیرکل حوزه استاندار و حسین کاووسی را به عنوان مدیرکل منابع انسانی استانداری معرفی کرد.

بزرگراه امام علی(ع) به حرم حضرت عبدالعظیم(ع) پیوست

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: شهردار منطقه ۲۰ تهران از اتصال ضلع جنوب حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) به بزرگراه امام علی(ع) در این منطقه خبرداد.

منصور کتانباف گفت: برای تسهیل دسترسی شهروندان تهرانی و مسافران بین شهری به حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) پروژه اتصال ضلع جنوب این حرم شریف به بزرگراه شهید آوینی که قسمتی از بزرگراه امام علی(ع) محسوب می‌شود، آغاز شده که کاهش بار ترافیکی دیگر راه‌های ارتباطی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) از دیگر پیامدهای این طرح است. وی با اشاره به این که این مسیر جدید به طول ۵۰۰ متر و عرض ۴۵ متر در حال ساخت است افزود: ۴۰ هزار مترمربع ملک معارض شامل ملک مسکونی و اراضی زراعی در این طرح آزادسازی شده است.

ایمیل سازمانی پلیس فتای خراسان شمالی آغاز به کار کرد

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس پلیس فتای خراسان شمالی از آغاز بکار رسمی ایمیل پلیس فتا با نشانی (kh.shomali-fata@police.ir) خبر داد.

سرگرد اسماعیل خاکشور، در نشست خبری با خبرنگاران استان در این باره افزود: با آغاز بکار این ایمیل همشهریان می‌توانند با اعلام ایمیل خود پاسخ‌های مورد نیاز خود را از پلیس فتا دریافت کنند. وی یادآور شد: در حوزه مبارزه با جرائم اینترنتی تاکنون ۶۲ فقره پرونده در پلیس فتا تشکیل شده و در این زمینه ۹۴ درصد منجر به کشف شده است. وی همچنین از شناسایی ۷۰ متهم اینترنتی خبر داد که از این عده ۴۰ درصد در حوزه استانی و ۳۰ درصد فرااستانی بوده است. وی با اشاره به ۷۵ مورد بازدید از کافی‌نت‌های استان از ابتدای امسال گفت: بر همین اساس ۱۱ کافی‌نت به خاطر تخلف پلمب و شش مورد تاکنون اخذ مجوز شدند. او عده تخلفات این کافی‌نت‌ها را نصب فیلترشکن، نداشتن دوربین مداربسته و ثبت نکردن مراجعه افراد ذکر کرد. وی از دستگیری پنج متهم در قالب یک گروه که اقدام به انتشار تصاویر مبتذل می‌کردند، خبر داد و افزود: این افراد متهم شامل چهار پسر جوان و یک دختر بودند که همگی زیر ۲۰ سال سن دارند.

پیاده‌روسازی در هسته مرکزی رباط کریم

رباط کریم ـ خبرنگار اطلاعات: در صورت تصویب اعتبارات مورد نیاز از سوی اسلامی شهر، عملیات عمرانی پیاده‌روسازی در هسته مرکزی رباط‌کریم تا پایان امسال تمام خواهد شد.

شهردار رباط‌کریم با اعلام این خبر افزود: این طرح در فاز اول حد فاصل زیر گذر محمد(ص) تا چهارراه مصلی در دو طرف خیابان اجرا شده است. منوچهر رضایی گفت: در زمینه ساماندهی و استفاده بهینه از فضای پیاده‌رو در مرکز شهر عملیات پیاده‌روسازی به صورت ترکیبی از سنگ و واش بتن است که در کناره‌های این پیاده‌رو که عموماً محل برای ازدحام زباله بود، به صورت نوار کوبیک کار شده است.

وی افزود: در این نوار انواع نیمکت و استند نور و نیز باکس‌های زباله جانمایی و حتی سیستم آبیاری قطره‌ای نیز برای آبیاری درختان نصب شده و بقیه پیاده‌رو به صورت واش بتن آنتیک اجرا شده است.

او گفت: در فاز بعدی قصد داریم ضلع جنوبی چهارراه مصلی از ابتدای خیابان شهید حاج‌جعفری تا ابتدای خیابان شهید ملکی را تا پایان سال به پایان برسانیم.

آغاز مطالعات اولیه برای ساخت سد چروم فارس

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: مطالعات اولیه برای ساخت سد چروم فارس آغاز شده و در صورتی که به قطعیت ساخت سد در منطقه برسد برای انجام مطالعات اصلی به پیمانکار واگذار خواهد شد.

مجید سیاری، معاون طرح و توسعه شرکت مدیریت منابع آب ایران در جمع کشاورزان و باغداران مناطق خشت و کنار تخته فارس افزود: در صورتی که مشکل اعتباری پیش نیاید در ۳ تا ۴ سال مطالعات اولیه به پایان خواهد رسید. او گفت: دو سدهایقر و چشمه عاشق نیز تا پایان امسال آبگیری خواهند شد.

اخبار کوتاه حوادث

کشف و ضبط ۸۵ اصله چوب قاچاق

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: ۸۵ اصله چوب قاچاق از یک کارگاه در روستای آغوزبن نور کشف و ضبط شد.

فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران منطقه ساری با اعلام این خبر افزود: ۸۵ اصله چوب قاچاق گرده کاتین از نوع توسکا و راش به قطرهای ۲۵ تا ۳۵ سانتیمتر و نیز ۴ اصله تخته به طول بیش از ۲ متر از نوع راش به میزان ۵/۵۵۵ مترمکعب کشف و ضبط شد.

مرگ دلخراش راننده خاور در آتش

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: بر اثر برخورد دو دستگاه خودرو خاور و نیسان در جاده خمین، یک کشته و یک مجروح برجا ماند. محمد کاظمی رئیس ایستگاه ۱۰۰ آتش‌نشانی با بیان مطلب بالا، افزود: در این حادثه خودرو خاور واژگون و هر دو خودرو دچار آتش سوزی شد وی افزود: راننده خودرونیسان که به شدت دچار سوختگی شده بود، توسط نیروهای اورژانس به مرکز درمانی انتقال داده شد. اما راننده خودرو خاور که زیر خودرو گیر کرده بود، در میان شعله‌های آتش گرفتار شده بود.

او گفت: آتش‌نشانان با استفاده از چند رشته لوله آبدهی آتش را خاموش کردند و پس از مهار آتش، راننده خودرو خاور را که به شدت دچار سوختگی شده و جان باخته بود بیرون کشیدند. به گفته وی یک دستگاه خودرو تاکسی پراید نیز با عقب خودرو خاور برخورد کرده بود که خوشبختانه برای سرنشینان آن اتفاقی نیفتاده بود و تمام سرنشینان آن سالم بودند.

برخورد تریلر با منزل مسکونی

* یکدستگاه تریلر با انحراف از مسیر خود در جاده اراک ـ قم با یک کارگاه تولیدی و سپس یک منزل مسکونی در حاشیه جاده روستای شهوه، برخورد کرد و دو مصدوم برجا گذاشت. نجفی مدیر روابط عمومی آتش‌نشانی اراک با اعلام این خبر افزود: این حادثه، ساعت یک بامداد رخ داد و خوشبختانه به ساکنان منزل مسکونی هیچ آسیب جانی وارد نشد.

او با بیان اینکه کارگاه تولیدی و بخشی از منزل مسکونی ویران شده است، اضافه کرد: تنها مصدومان این حادثه راننده تریلر و شاگرد راننده بودند که البته راننده به شدت از ناحیه پا دچار آسیب شده است.

او ادامه داد: علت این حادثه در بررسی‌های اولیه بی‌احتیاطی راننده خودرو اعلام شد اما علت اصلی آن توسط کارشناسان پلیس راهور در حال بررسی است.

کشف ۱۰۰ کیلوگرم حشیش در قم

قم ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر فرماندهی انتظامی استان قم از کشف ۱۰۰ کیلوگرم حشیش در استان خبر داد.

سرهنگ منوچهر طالبی در تشریح جزئیات این خبر گفت: برای مبارزه بی‌امان با قاچاقچیان موادمخدر و در پی کسب خبری مبنی بر فعالیت فردی در امر تهیه و توزیع مواد، بررسی این موضوع در دستور کار ماموران مبارزه با مواد مخدر استان قرار گرفت.

او افزود: با کنترل محورهای مواصلاتی استان دو دستگاه خودرو سواری پراید و پژو ۴۰۵ شناسایی و متوقف شد.

طالبی با بیان اینکه خودرو پراید نقش اسکورت پژو را بر عهده داشت، افزود: در بازرسی از صندوق عقب خودرو پژو، ۸۷ بسته باندرول شده حشیش به وزن حدود ۹۰ کیلو و ۶۰۰ گرم کشف شد و چهار تن از سرنشینان خودروها دستگیر و تحویل مراجع قضایی استان شدند.

انهدام ۳۰ شبکه قاچاق کالا در آذربایجان‌غربی

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: ۳۰ شبکه قاچاق کالاهای مختلف در آذربایجان‌غربی متلاشی شد.

سرهنگ رسول النقی‌پور رئیس پلیس، آگاهی فرماندهی انتظامی آذربایجان‌غربی با بیان مطلب بالا افزود: امسال بیش از ۱/۵ میلیون پاکت سیگار، ۲۴ هزار متر پارچه، ۲۰۰ هزار ثوب لباس، ۲۵۲ هزار مورد لوازم آرایشی و بهداشتی ۲۰ میلیون و ۳۱۶ هزار قلم دارو، ۱۶ هزار عدد انواع قطعه یدکی قاچاق خودرو به ارزش ۱۹۱ میلیارد ریال در استان کشف و ضبط شد.

وی همچنین در این مدت از کشف ۲۳۵ مورد انبار و دپوی کالاهای قاچاق در استان خبر داد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

لرزه بر اندام بیمه‌شدگان تأمین‌اجتماعی!

خواندن گزارش سوءاستفاده و اختلاس‌های صورت گرفته در سازمان تأمین اجتماعی تا مغز استخوان بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران این سازمان را می‌سوزاند! مگر جز این است که ذخائر صندوق تأمین اجتماعی را پس‌اندازهای کارگران، بازنشستگان و کارکنان زحمتکش زیرپوشش این سازمان تشکیل می‌دهد، چگونه کسانی به خود اجازه داده‌اند از این پس‌اندازها سوءاستفاده کنند؟

بازنشسته تأمین‌اجتماعی

توقف ارزان‌فروشی شرکت‌های نفتی

اقدام وزیر محترم نفت در جلوگیری از ادامه خصوصی‌سازی و به عبارتی روشن‌تر، ارزان‌فروشی شرکت‌های نفتی در بورس، ارزشمند است. متأسفانه در سال‌های گذشته سهام بسیاری از شرکت‌های نفتی و پالایشگاهی به قیمت پایین در بورس واگذار شد که هم‌اکنون ارزش سهام آن‌ها بسیار رشد داشته که به معنای برباد رفتن بخشی از بیت‌المال است.

تلفن به خط ارتباطی

قانع به قناعت

با داغ‌تر شدن بحث افزایش جمعیت، برخی از کارشناسان به افراد کم‌درآمد توصیه می‌کنند که با پیشه ساختن قناعت، می‌توانند به داشتن فرزندان بیشتری بیندیشند. مردم در صورتی تشویق به قناعت می‌شوند که مسئولان کشور را نیز قناعت پیشه ببینند و تفاوت چندانی بین حقوق‌های نمایندگان مجلس، وزرا، معاونان و مدیران کل با معلمان و حقوق‌بگیران مشاهده نکنند.

یک حقوق‌بگیر

فریاد چای‌کاران به جایی نمی‌رسد!

واقعیت‌های صنعت چای و مشکلات چای‌کاران فراتر از آنچه است که در مقالات روزنامه‌ها به صورت گذرا به آن‌ها پرداخته می‌شود. حال که فریاد چای‌کاران به جایی نمی‌رسد، امیدواریم دست‌اندرکاران مطبوعات و گزارشگران با حضور در مزارع چای و گوش دادن به در دل کشاورزان چای‌کار، از مصائب ما بنویسند. البته اگر با تغییر کاربری و ویلاسازی در مزارع چای، مزرعه‌ای باقی‌مانده باشد که بتوان آن را از نزدیک دید!

لاهیجان ـ فلاح

دریغ از یک نامه کسر از حقوق

شعب سازمان تأمین‌اجتماعی یک نامه کسر از حقوق را از بازنشستگان که حتی بخواهند وام یک میلیون تومانی را ضمانت کنند، دریغ می‌کنند و با حسابرسی دقیق احتمال فوت بازنشسته ضامن و مسئولیت این سازمان را در قبال وام اخذ شده در نظر می‌گیرد. بهتر است چنین حسابرسی‌های دقیقی در مورد موجودی صندوق تأمین‌اجتماعی نیز وجود داشته باشد!

فردیس (کرج) ـ بازنشسته تأمین اجتماعی

در مناسبت‌ها مکان رویداد لحاظ شود

واقعه ۱۶ آذر در دانشکده فنی دانشگاه تهران روی داد و از آنجا که در مناسبت‌ها و سالروز گرامیداشت وقایع مهم، مکانی که رویداد مورد نظر در آنجا رخ داده مهم است، به جا بود که رئیس جمهوری محترم در همین مکان به ایراد سخنرانی می‌پرداخت.

تلفن به خط ارتباطی

حقوق پایین کارکنان کانون پرورش فکری

حقوق کارکنان قراردادی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پایین است و آنان از مزایای جانبی هم برخوردار نیستند. انتظار می‌رود مسئولان ذی‌ربط نسبت به افزایش حقوق کارکنان قراردادی این کانون اقدام کنند.

از کارکنان کانون پرورش فکری کودکان

فرماندهان پلیس در جلسات کابینه حضور یابند

با افزایش آمار ارتکاب جرایم اجتماعی، پیشنهاد می‌شود فرماندهان پلیس کشور در برخی از جلسات کابینه و به ضرورت حضور داشته باشند تا ضمن ارائه گزارش آخرین اقدامات در مورد چگونگی برخورد با جرایم و اطلاع از تصمیمات مرتبط با این نهاد، از پشتیبانی‌های لازم نیز برای برقراری امنیت اجتماعی، برخوردار شوند.

اصفهان ـ یک شهروند

آغاز صادرات مواد معدنی چالدران به چین

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: صادرات مواد معدنی آهن از بزرگترین معدن شمال غرب کشور واقع در چالدران استان آذربایجان غربی به کشور چین آغاز شد. به گزارش روابط عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی، مدیر کارگاه معدن آهن شهرستان چالدران با بیان مطلب بالا، افزود: معدن آهن آذرآبادگان در چالدران با استخراج سالانه ۸۰ هزار تن بزرگترین معدن شمال غرب کشور است. حسینی محمد شاهی افزود: براساس قرارداد منعقد شده بین مسئولان این معدن با شرکت چینی ماهانه ۲۰۰۰ تن مواد آهن با عیار ۶۰ تا ۷۰ درصد صادر می شود که این کار با حمل و ارسال این ماده معدنی به بندر عباس و حمل آن با کشتی به بندر شانگ های چین انجام می گیرد.

وی اضافه کرد: علاوه بر صادرات مواد معدنی سنگ آهن چالدران به چین، این مواد معدنی در داخل کشور به استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، کرمان، فارس و یزد برای مصرف ذوب فلزات ارسال می شود.

او اضافه کرد: بالا بودن عیار این ماده معدنی همواره پرسنل این معدن را مصمم ساخته که با داشتن آزمایشگاه مجهز مواد معدنی با کیفیت به مشتریان خود عرضه کنند. او ادامه داد: از سال آینده مواد معدنی این معدن به کشورهای هند و ترکیه نیز صادر خواهد شد.

خرید تضمینی مرکبات مازندران آغاز شد

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: خرید تضمینی مرکبات مازندران توسط اتحادیه باغداران و با قیمت مناسب با دستور استاندار مازندران آغاز شد.

استاندار مازندران در جلسه تنظیم بازار مرکبات استان گفت: خرید محصولات توسط اتحادیه باغداران از میادین و از باغداران به صورت مستقیم انجام خواهد شد و باغداران می توانند در امر ذخیره‌سازی مرکبات نیز مشارکت کرده و نقش مهم خود را ایفا کنند.

ربیع فلاح جلودار بر صادرات محصولات مرکبات استان تاکید کرد و افزود: به منظور تثبیت قیمت و ذخیره‌سازی شب عید، اعتبار مورد نیاز برای خرید و ذخیره‌سازی مرکبات از سوی بانک‌های عامل و صندوق حمایت از بخش کشاورزی تامین شده است.

وی اضافه کرد: باید قیمت‌ها را به نفع تولیدکننده تنظیم کنیم تا بخشی از زحمت‌های طاقت‌فرسای باغداران استان جبران شود.

تولید ۳۴ میلیون قطعه بچه ماهی قزل‌آلا در استان مرکزی

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: ۳۴ میلیون و ۳۵۰ هزار قطعه بچه ماهی قزل‌آلا از ابتدای امسال تاکنون در واحدهای تولید بچه ماهی استان مرکزی تولید شد.

اکبری مدیر شیلات و امور آبزیان سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی با اعلام این خبر افزود: این تعداد در مقایسه با مدت مشابه پارسال دو برابر رشد داشته است.

وی گفت: بچه ماهی های قزل‌آلا در ۱۸ واحد تولیدی در شهرستان‌های اراک، خنداب، خمین، ساوه و شازند تولید و پرورش داده می‌شود. او ادامه داد: پارسال حدود ۸ درصد از بچه‌ماهی قزل‌آلای تولیدی کشور به استان مرکزی تعلق داشت. وی پیش‌بینی کرد: امسال ۴۵ میلیون قطعه بچه ماهی قزل‌آلا در استان مرکزی تولید شود.

باشگاه بین‌المللی تیراندازی در کاشان تاسیس می‌شود

کاشان ـ خبرنگار اطلاعات: کلنگ آغاز کارهای ساختمان باشگاه تیراندازی اهداف پروازی بسیج با حضور رئیس سازمان ورزش بسیج کشور و مسئول اسلحه و مهمات سپاه کشور در دانشگاه کاشان به زمین زده شد.

مجری طرح و معاون اداری مالی دانشگاه کاشان گفت: این باشگاه با طرح المپیک در مجموعه تراپ و اسکیت برای نخستین بار در دانشگاه‌های کشور در این دانشگاه در مساحتی حدود ۲۰ هکتار راه اندازی می‌شود.

وی اظهار داشت: در فاز توسعه این مجموعه اهداف پروازی در سه رشته تراپ، تراپ دوبل و یک رشته سلاح بادی و رشته پینت بال در نظر گرفته شده است.

دکتر بخشنده، هدف از تاسیس این باشگاه را عمل به دستور پیامبر مکرم اسلام(ص) مبنی بر آموزش تیراندازی به فرزندان، پیروی از تاکیدات مقام معظم فرماندهی کل قوا مبنی بر توسعه ورزش، بالا بردن توان رزم و روحیه شادی و نشاط بین دانشجویان و خانواده‌های کارمندان و اعضای هیات علمی شهرستان کاشان ذکر کرد.

او با اشاره به برگزاری مسابقات آسیایی ۲۰۱۵ در ایران ابراز امیدواری کرد: با راه اندازی این طرح که از سطح بالای استاندارد و المپیک برخوردار است بتوانیم میزبان مسابقات این رشته ورزشی در این دانشگاه باشیم.

۱۴ میلیون جلد کتاب در کتابخانه‌های مساجد کشور موجود است

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۴ میلیون جلد کتاب در بیش از ۱۰ هزار کتابخانه مساجد کشور وجود دارد.

ابوالفضل هاشمی، مدیرکل کتابخانه‌های ستاد عالی کانون‌های فرهنگی ـ هنری مساجد کشور در همایش آموزشی کتابداران کتابخانه‌های مساجد فارس با بیان این که طبق آخرین آمار ۵۲۶۵ کتابخانه مخزن‌دار در مساجد کشور وجود دارد، افزود: از پارسال به دستور سیدمحمد حسینی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز رسمی برای کتابخانه‌های مساجد صادر شد که در نخستین سال، مجوز فعالیت رسمی برای ۱۴۰۰ کتابخانه که شاخص‌های مورد نظر را داشتند صادر شده است.

او افزود: امسال نیز ۳۰ درصد کتابخانه‌ها که ۱۲۰۰ کتابخانه را در بر می گیرد با سفرهای نظارتی شناسایی شده و در صورت رعایت شاخص‌ها، مجوز فعالیت آن‌ها نیز صادر می‌شود و این روند تا زمان دریافت مجوز تمام کتاب‌خانه‌ها ادامه خواهد داشت.

۱۰ پروژه حمل و نقل و مسکن در فارس آماده سرمایه‌گذاری است

* پروژه در حوزه حمل و نقل و مسکن فارس آماده سرمایه‌گذاری و نیازمند ۷ میلیارد دلار اعتبار است. هوشنگ عشایری، مدیرکل راه و شهرسازی فارس یکی از پروژه‌ها را طرح توسعه فرودگاه بین‌المللی شهید دستغیب نام برد که فاز اول آن ۲۲ هزار مترمربع و فاز دوم آن ۵۸ هزار مترمربع است و افزود: راه‌آهن سریع‌السیر شیراز ـ اصفهان، شیراز ـ بوشهر ـ عسلویه و لامرد، راه‌آهن شیراز ـ اهواز، راه‌آهن شیراز ـ گلگهر و راه‌آهن شیراز ـ جهرم ـ لار ـ بندرعباس در حوزه ریلی نیز آماده سرمایه‌گذاری است.

او به آزادراه شیراز ـ اصفهان که توسط سرمایه‌گذار در دست اجرا است و آزادراه شیراز ـ بوشهر و پارسیان ـ لامرد که آماده سرمایه‌گذاری است، اشاره کرد و گفت: مجتمع تجاری اداری بزین به مساحت ۲۳ هزار مترمربع نیز آماده سرمایه‌گذاری است.

ساخت هشداردهنده «دیرکرد امانت کتاب» در شیروان

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: یک کتابدار شیروانی موفق به ساخت نخستین سامانه هوشمند هشداردهنده دیرکرد امانت کتاب اعضای کتابخانه‌های عمومی شد.

حسین چاره‌ساز، کتابدار کتابخانه عمومی امام علی(ع) شیروان در این باره گفت: این سامانه با توجه به دیرکرد امانت کتاب برای اعضای کتابخانه‌های عمومی به طور خودکار با اعضا تماس تلفنی برقرار می‌کند و هشداری مبنی بر تأخیر اعضا به صورت پیام صوتی ارسال می‌کند.

او گفت: این سامانه قادر است در صورت قطع بودن یا اشغال خطوط تلفن اعضا، به صورت خودکار در زمان برنامه‌ریزی شده توسط کاربر تماس مجدد برقرار کند و امکان گزارش گیری روزانه از میزان پاسخ اعضا در سامانه برای کاربر نیز در آن وجود دارد. احسان روشن با قدردانی از مخترع و کتابدار این شهرستان اعلام کرد: آماده‌سازی و ایجاد فرصت در زمینه خلاقیت و نوآوری برای تمام کتابداران شیروان فراهم شده است تا بتوانند در ارائه خدمت‌رسانی بیشتر به جامعه فرهنگی کوشش کنند.

وی همچنین به خدمات متنوع کتابخانه‌های عمومی اشاره کرد و گفت: علاقه‌مندان می‌توانند با عضویت در کتابخانه‌های عمومی از خدمات متنوعی چون کتاب من، نمایه نشریات و شبکه کتابخوانان حرفه‌ای کشور بهره‌مند شوند.

طرح زمستانی پلیس راه در یزد آغاز به کار کرد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: طرح زمستانی پلیس راه و سازمان‌های امدادی در مراسمی با حضور فرمانده انتظامی استان یزد به طور رسمی آغاز به کار کرد.

سرهنگ احمد مظفری، رئیس پلیس راه استان یزد در این مراسم گفت: این طرح از ۲۰ آذر به مدت سه ماه و به منظور ایجاد تسهیل در عبور و مرور و کاهش مشکلات برخورد با متخلفان برگزار می‌شود.

وی افزود: امیدواریم که با اجرای این طرح، زمستان امسال شاهد کاهش تلفات و خسارات رانندگی در استان یزد باشیم.

محمدعلی رضایی، مدیرکل راه و شهرسازی استان یزد نیز گفت: سیستم اطلاع‌رسانی هوشمند جاده‌ای و بهینه کردن آن، باعث کاهش خسارات و مشکلات ناشی از سفرهاست و شاهد تاثیر بالای آن هم بوده‌ایم.

وی با بیان اینکه یزد در مسیر سفرهای زیارتی و تجارتی قرار دارد و باید شرایط سفر مطلوب برای هموطنان خود را فراهم کنیم، افزود: این موقعیت یزد باید به یک فرصت تبدیل شود. در این مراسم، رزمایش طرح زمستانی پلیس راه و سازمان‌های امدادی استان یزد برگزار و آمادگی نیروها در اجرای طرح زمستانی به نمایش گذاشته شد.

کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و مجلس تفاهمنامه امضا کردند

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: برای استفاده بهینه و بهره‌گیری متقابل از ظرفیت‌ها، امکانات و خدمات علمی و پژوهشی، تفاهمنامه همکاری میان کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی منعقد شد.

رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، هدف از انعقاد این تفاهمنامه را هم‌افزایی و مضاعف کردن توان موجود برای دسترس‌پذیر کردن دانش به پژوهشگران اعلام کرد و افزود: در گذشته، همکاری‌هایی با کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی داشته‌ایم و امیدواریم این همکاری در آینده نیز به‌طور گسترده‌تری بین این دو سازمان انجام شود.

محمدهادی زاهدی با اشاره به تأکیدات تولیت عظمای آستان قدس رضوی مبنی بر این که باید تمام منابع مطالعاتی دنیا در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی گردآوری شود، گفت: سیاست کتابخانه آستان قدس رضوی، گردآوری تمام منابع منتشر شده چاپی است و بر این اساس، در چند سال اخیر، بیش از یک میلیون جلد کتاب به منابع کتابخانه‌های سازمان افزوده شده است. در ادامه این جلسه، رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی را افتخار کشور و نظام خواند و افزود: باعث افتخار است که کتابخانه‌ای بزرگ، رو به توسعه و با عمق و ریشه‌ای تاریخی در پایتخت معنوی ایران قرار دارد.

دکتر محمد رجبی اضافه کرد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با محوریتی که در آسیای میانه و شبه قاره هند دارد، از اهمیت فراوانی برخوردار است و ما خرسندیم که در ارتباطی پیوسته با این کتابخانه، به توسعه آن و در کنارش به رشد خود کمک می‌کنیم.

همکاری و مشارکت در طراحی و اجرای طرح‌های پژوهشی راهبردی، کاربردی و افکارسنجی لازم برای طرفین، ارائه مشاوره به مسئولان بخش‌های نسخه‌های خطی، کتاب‌های چاپ سنگی، سربی و دیجیتال و نیز اعزام مشاوران، بر حسب نیاز طرفین و برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای کتابداران در زمینه حفاظت و نگه‌داری کتاب‌های خطی و چاپ سنگی و کتابخانه مجازی و کتاب‌های دیجیتال از مفاد این تفاهمنامه است.

*** اهدای تمبر به موزه**

گنجینه‌ای بی‌همتا، افزون بر ۶۰ هزار قطعه تمبر، به عنوان غنی‌ترین مجموعه تمبر در تاریخ گنجینه تمبر موزه آستان قدس رضوی، توسط یک مجموعه‌دار برجسته تهرانی به گنجینه تمبر، اسکناس و سکه آستان قدس رضوی اهدا شد.

مسئول گنجینه تمبر، اسکناس و سکه این سازمان با بیان مطلب بالا افزود: این مجموعه باارزش که همگی به صورت ورق است، توسط فرامرز توکلی اهدا شده است.

محمدحسین یزدی‌نژاد گفت: تمبرهای یادگاری جمهوری اسلامی، شامل تمبرهای بزرگداشت ارتش، بزرگداشت علامه سید محمدحسین طباطبایی، هزاره نهج‌البلاغه، هفته وحدت، میلاد حضرت عیسی مسیح(ع)، روز جمهوری اسلامی، یادبود شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، شهدای محراب، مبعث حضرت رسول اکرم(ص)، بزرگداشت فداکاری‌های رزمندگان اسلام، روز جهانی قدس، مجلس شورای اسلامی، روز بسیج، روز درختکاری، روز جهانی موزه، بزرگداشت بنیانگذار جمهوری اسلامی و ده‌ها موضوع دیگر است. او با بیان این که این مجموعه‌دار تهرانی که در سالیان طولانی، تمبرها را به صورت ورق جمع‌آوری کرده بود، به واسطه عشق و علاقه به بارگاه منوّر رضوی، این مجموعه غنی را به گنجینه تمبر، اسکناس و سکه موزه آستان قدس رضوی اهدا کرد، افزود: بیش از ۷۰۰ هزار قطعه تمبر تاریخی و فرهنگی از بیش از ۲۵۰ کشور و مستعمره سابق جهان در این گنجینه نگه‌داری می‌شود.

کهنسالترین نماینده روزنامه اطلاعات؛ با قامتی خمیده همچنان پا برجا و مسئولیت‌پذیر





مسن‌ترین نماینده روزنامه اطلاعات در شهرستان تفت یزد، سیدی دوست داشتنی با قریب ۸۰ سال سن و با قامتی خمیده همچنان با عشق و علاقه و احساس مسئولیت به کار خود ادامه می‌دهد.

او که این کار را باذره ذره وجود خود آمیخته می‌داند، هر روز صبح با اولین خط واحد تفت ـ یزد مسیر ۲۵ کیلومتری را طی می‌کند و خود را به دفتر سرپرستی یزد و در ساعت اولیه صبح و قبل از این که سرپرستی شروع به کار کند، آن هم در تابستان داغ و سوزان کویر و حتی در سرمای سرد و خشک یزد و در برف و باران می‌رساند و پشت در می‌ایستد تا در باز شود، تازه بعد از باز شدن در باید ساعاتی را تا آمدن روزنامه منتظر بماند و این ساعات آرام و قرار را از او می‌گیرد مرتب به کوچه می‌رود و به داخل دفتر باز می‌گردد تا ببیند روزنامه آمده است یا نه و هرچه همکاران می‌گویند شما بنشینید هر موقع روزنامه رسید به شما اطلاع می‌دهیم توجه نمی‌کند و می‌خواهد خود از آمدن روزنامه مطلع شود.

اولین مسافر خط واحد تفت ـ یزد بعد از رسیدن روزنامه که برق شادی را می‌توان در چشمان مهربانش دید، با اشتیاق فراوان بسته روزنامه و نشریات خود را تحویل گرفته کنترل می‌کند و آن را در بقچه می‌پیچد که نکند یک نسخه از روزنامه یا مجلاتش گم شود و راه ایستگاه خط واحد یزد ـ تفت را در پیش می‌گیرد تا به سرعت روزنامه را به دست مشترکین برساند و اگر روزی روزنامه به دستش نرسد او افسرده می‌شود.

باباطاهر گزارش ما که همه همکاران او را دوست دارند و او را به این نام صدا می‌زنند و اگر خدای نکرده روزی مریض شود و نیاید همه از نیامدن و نبودنش دلگیر می‌شوند در گفتگو با خبرنگار روزنامه اطلاعات یزد با گوش‌های سنگین بعد از فهمیدن سوالات در مورد خودش و کار و زندگیش چنین گفت:

من سیداحمد طاهری متولد ۱۳۱۴ هستم که در شهرستان تفت و در خانواده‌ای مرفه که پدرم به حرفه شعربافی (پارچه‌بافی) مشغول بود بعد از تنها برادرم چشم به جهان گشودم تا زمانی که چیزی از دنیا نمی‌فهمیدم زیر سایه پدر زندگی مرفه و خوبی داشتیم و زمانی که وارد هشت سالگی شدم پدرم را از دست دادم و یتیم شدم.

آن زمان با توجه به این که سن کمی داشتم ولی کم کم سختی‌های زندگی که بردوش مادرم به خاطر کار کشاورزی بود که ما را بزرگ کند حس می‌کردم. تا اینکه در نوجوانی تصمیم گرفتم کمک حال مادرم باشم و روی پای خود بایستم و در کارگاه خیاطی مشغول به آموزش شدم و پس از یادگیری برای خود مغازه‌ای دایر کردم و شروع به خیاطی کردم و از این طریق امرار معاش می‌کردم و کمک حال مادرم بودم تا این که سال ۱۳۴۰ ازدواج کردم و تشکیل خانواده دادم و سال ۱۳۴۳ اولین فرزندم به دنیا آمد و زندگیم رنگ و بوی تازه گرفت.

*** شروع کار با روزنامه**

در حالی که فقط توانسته بودم در مقطع ابتدایی درس بخوانم و سواد چندانی نداشتم ولی علاقه زیادی به روزنامه داشتم تا این که اوایل انقلاب کار توزیع روزنامه‌های ارزشی را در کنار کار خیاطی و در همان مغازه انجام می‌دادم.

آن زمان روزنامه‌ها به وسیله اتوبوس به یزد ارسال می‌شد و من بعد از اقامه نماز صبح خود را سریع و همزمان با رسیدن روزنامه و با هر وسیله و به هر نحوی که بود به یزد می‌رساندم و روزنامه‌ها را تحویل گرفته و به همان سختی آمدن، راه تفت را در پیش می‌گرفتم و کار توزیع روزنامه را همزمان با یزد و اگر اغراق نکرده باشم قبل از یزد توزیع می‌کردم آن زمان به علت این که تنها چند روزنامه در کشور چاپ می‌شد تعداد روزنامه‌هایی که من توزیع می‌کردم زیاد بود.

خلاصه کار توزیع روزنامه با سختی و شیرینی‌های زیادی که داشت در کنار کار خیاطی می‌گذشت تا این که کم کم چشمانم به خاطر کار زیاد خیاطی آب آورد و کم سو شد و دیگر قادر به خیاطی مثل قبل نبودم و از ترس این که پارچه‌های مردم را خراب کنم و شرمنده آنها شوم این کار را کنار گذاشتم و در مغازه خیاطی فقط کار توزیع روزنامه را انجام می‌دادم.

*** خاطره تلخ و شیرین**

طاهری در این رابطه گفت: سراسر کار با روزنامه که با پوست و خون من عجین شده است تمام خاطره است ولی خاطره رویایی و زیبایی که از آن زمان به یاد دارم این بود خداوند هفت فرزند به من بخشید و با همسرم جمعا خانواده‌ای ۹ نفری را تشکیل دادیم آن زمان بود که کار توزیع روزنامه کفاف گذران زندگیمان را نمی‌کرد هر چند که عشق به روزنامه داشتم ولی به خاطر سختی‌ها و فشارهای زندگی که به من وارد می‌شد، داشت کم کم فکرهای دیگری به مغزم خطور می‌کرد و یک شب با دیدن یک خواب جرقه‌ای در زندگی من زده شد و این خواب روزنه و جرقه امید در زندگی من شد و تصمیم گرفتم تا پای جان این کار فرهنگی را در هر شرایطی انجام دهم و شاید باور نکنید از این طریق زندگیم بهتر شد و روزهایمان سپری می‌شد و همچنین از طرف روزنامه‌های ارزشی که توزیع می‌کردم یک بار به خانه خدا و چندین مرتبه به پابوس امام رضا(ع) مشرف شدم که جزو خاطرات شیرین و به یادماندنی زندگیم است و خدا را شاکرم.

از او پرسیدم خانواده به شما اعتراضی نمی‌کردند لبخندی به لب نشاند و با مهربانی گفت: همسری دلسوز و مهربان باد رکی بالا دارم که هیچ زمان به من اعتراض نکرد فقط به خاطر سختی‌های راه نگران و دلواپس من بود خصوصا الان که عمری از من گذشته و کم توان شده‌ام چون چندمرتبه اتفاقات خاصی مثل زمین خوردن برایم پیش آمده و باعث شکستگی استخوان شدم و فرزندانم نیز که ۳ پسر و ۴ دختر هستند الحمدلله اولادهای خوب تحصیلکرده و همه دارای کار و زندگی هستند آنها نیز نگران رفت و آمد و سلامتی من هستند و هیچ زمان معترض به کار من نبودند بلکه از جهاتی به خاطر این که من افتاده و گوشه‌نشین نشوم خوشحالند و با فعالیت من مخالفت نمی‌کنند.

اگر قرار باشد به ۳۰ سال قبل برگردی دوباره این حرفه را انتخاب می‌کردید؟

باباطاهر با لحنی کوبنده می‌گوید: البته اگر بارها به آن زمان باز گردم خدمت به روزنامه ارزشی و وزینی چون اطلاعات را که قدمتی به وسعت عمر من دارد و کار فرهنگی است به مشاغل دیگر ترجیح می‌دهم و تحت هیچ شرایطی حاضر به انتخاب شغل و حرفه دیگری نمی‌شوم چون هیچ کس نمی‌تواند باور کند که من به علت عشق به این کار و مسئولیت پذیری حتی حاضر به استراحت در سخت‌ترین شرایط بیماری نمی‌شدم و حتی به مسافرت‌های غیرضروری نیز نمی‌رفتم و شب را با عشق به این که روز بعدی باشد، و من دوباره روزنامه را به دست مشترکین، علاقه‌مندان و خوانندگان پر و پا قرص روزنامه‌های وزین و ارزشی برسانم سر بر بالین می‌گذاشتم.

پیرترین نماینده روزنامه اطلاعات گفت: افراد در سن و سال من تقریبا ناتوان هستند و قادر به حرکت و کار نیستند ولی عشق و علاقه تحرک، ایاب و ذهاب و انجام کارهای فرهنگی مرا سرپا نگه داشته و من در کنار کار توزیع روزنامه در مغازه‌ای که در آن لوازم‌التحریر و... دارم نیز کار می‌کنم.

او گفت: ممکن است به علت کهولت سن کارهای روزمره زندگی را فراموش کنم ولی هرگز احساس مسئولیت خود را در برابر روزنامه فراموش نمی‌کنم و به یاد ندارم حتی یک لحظه روزنامه را با تاخیر به تفت رسانده باشم و همیشه جزو خوش حساب‌ترین نماینده‌های روزنامه اطلاعات هستم.

او در پایان در پاسخ به این که چه آرزویی داری گفت: از خداوند متعال می‌خواهم تا زمانی که زنده و سرپا هستم این شور و نشاط و علاقه به این کار را در وجودم زنده و پویا نگه دارد.

و این هم خاطره من خبرنگار یزد که این بابا را بسیار دوست دارم و عیدی که این سید بزرگوار به مناسبت‌های عید به ما می‌دهد و هرگز این امر را فراموش نمی‌کند و برای او مثل توزیع روزنامه عادت شده آنها را نگه می‌دارم و آن را برکت زندگیم می‌دانم و این حس همه همکاران من در سرپرستی یزد است.

گزارش: بهناز عسکری

قدردانی از صادرکنندگان نمونه کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: همایش روز ملی صادرات در کرمان برگزار شد.

در این آیین نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران صادرات را در اقتصاد بسیار سرنوشت‌ساز دانست و گفت: صادرات امروز کشور، حاصل ده‌ها و صدها سال کاری است که پیشینیان ما انجام داده‌اند. محسن جلال پور از سال ۹۱ به عنوان مشکل‌ترین سال در تولید و صادرات کشور یاد کرد و افزود: صادرکنندگان در حالی که شرایط اقتصادی خوب نبود حماسه آفریدند و نه تنها در صادرات غیر نفتی کاهش نداشتند بلکه افزایش صادرات را هم شاهد بودیم.

محمد مهدی‌زاهدی رئیس مجمع نمایندگان استان کرمان نیز از صادرکنندگان به عنوان جهادگران خط اقتصادی کشور یاد کرد و گفت: امید می‌رود بتوانیم بسترهای لازم را برای صادرات فراهم کنیم.

وی با تأکید بر ضرورت تقویت صادرات، افزود: باید به صادرات غیرنفتی به عنوان یک راهبرد اساسی برای کشور نه تنها در حوزه اقتصاد بلکه در حوزه امنیت و مسایل دیپلماسی عمومی کشور نگاه کنیم.

زاهدی، مجمع نمایندگان استان کرمان را حامی صادرکنندگان دانست و گفت: از آنجا که کرمان توانایی و استعدادهای بالقوه مادی و معنوی خدادادی متعددی دارد رسالت ما در بحث صادرات غیرنفتی و توسعه همه جانبه این استان بیشتر می‌شود.

*** تک نرخی کردن ارز**

محمدرضا پورابراهیمی نماینده مردم کرمان و راور در مجلس شورای اسلامی نیز با تأکید بر لزوم تک نرخی کردن ارز، یادآور شد: در بودجه سال ۹۳ به دنبال تک نرخی کردن ارز هستیم.

وی با اشاره به اهمیت نرخ ارز در رویکرد صادراتی و هدفمندی یارانه‌ها افزود: اگر دولت بخواهد در انتهای سال این هدفمندی را اعمال کند. موجب بروز مشکلاتی در اقتصاد کشور خواهد شد.

او صادرات ۸ ماه گذشته استان کرمان را نسبت به مدت مشابه پارسال نامطلوب ارزیابی کرد و گفت: رتبه صادرات کرمان بین استان‌های کشور در حال کاهش است.

به گفته پورابراهیمی متوسط کاهش صادرات کشور در این مدت ۱۲ درصد بوده در حالی که این آمار در استان کرمان ۳۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.

*** خستگی مردم از چالش‌های سیاسی**

استاندار کرمان هم در این آیین با تأکید بر سیاسی کار نبودن خود، یادآور شد: مردم از چالش‌های سیاسی خسته شده‌اند.

علیرضا رزم‌حسینی توجه به اقتصاد و بخش خصوصی را اولویت برنامه‌های مدیریتی خود اعلام کرد و گفت: قصد دارم تا ۷۰ درصد وقت خود را به بخش اقتصادی، ۲۰ درصد را به بخش فرهنگی و ۱۰ درصد را به مسائل سیاسی اختصاص دهم.

وی سیاست‌های نادرست اقتصادی، تحریم‌ها و نبود انضباط مالی را از عوامل اصلی مشکلات اقتصادی دانست و افزود: استان کرمان بسیار غنی است اما افراد کارآفرین کم دارد. او تأکید بر لزوم تقویت بخش خصوصی گفت: دولت موظف به ایجاد اشتغال نیست، موظف به فراهم کردن زمینه برای توانمندسازی مردم است تا اشتغال و بنگاه اقتصادی ایجاد کنند.

رزم حسینی با تأکید بر ضرورت حمایت از هرگونه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در استان کرمان یادآور شد: باید برای نسل آینده و جدید زمینه‌های اقتصادی را فراهم کنیم.

***انتقال آب به کرمان**

در ادامه مدیر عامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی کشور از کرمان به عنوان استانی کویری و خشک یاد کرد و گفت: ما به دنبال انتقال آب از خلیج‌فارس به استان کرمان هستیم. سیدمحمدعلی سیدابریشمی اعلام کرد: استان کرمان ظرفیت‌های خوبی در بخش تولید فولاد دارد ولی تولید فولاد نیازمند آب و برق است. به گفته وی اگر آب در جهت صنعت مصرف شود موجب تولید و اشتغال در کشور خواهد شد. او میزان واردات امسال کشور را ۳۷/۷ میلیارد دلار و صادرات را ۱۹/۶ میلیون دلار اعلام کرد و گفت: این اعداد و ارقام نشان‌دهنده خام‌فروشی در کشور است.

سیدابریشمی با اشاره به این که بیشترین واردات کشور شامل مواد مصرفی مانند برنج، بنجاله، گندم و ذرت از امارات، چین و هند بوده است، افزود: متأسفانه صادرات ما شامل محصولاتی چون سنگ آهنگ، متانول و قیر نفتی به کشورهای چین، عراق، امارات و هند بوده که این محصولات جزو دارایی‌های کشور به شمار می‌آید.

شمس اردکانی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی نیز اعلام کرد: پارسال ۱۱ میلیون تن فولاد به ارزش ۱۰ میلیارد دلار وارد کشور شده و همزمان ۱۶ میلیون تن سنگ آهن به ارزش بالای ۲ میلیارد دلار صادر شده است. وی این ۸ میلیارد دلار مابه‌التفاوت را معادل ۱۳۰ هزار شغل صنعتی پایدار دانست و افزود: چرا نباید این رقم برای ایجاد اشتغال در کشوری که سالانه یک میلیون فارغ‌التحصیل دارد، هزینه شود؟

وی ابراز امیدواری کرد؛ ظرفیت تولید ۸ تا ۱۰ میلیون تن فولاد در استان کرمان محقق شود. همچنین محمود سلطانی‌زاده رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان صادرات کالاهای تولیدی امسال استان ۵۱۶ میلیون دلار اعلام کرد و گفت: این میزان نسبت به مدت مشابه پارسال ۲۹ درصد کاهش داشته است.

وی علت کاهش عمده ارزش کالاهای صادراتی استان را کاهش ۱۵۰ میلیون دلاری پسته دانست و افزود: کاهش صادرات پسته به دلیل عرضه‌نشدن به موقع محصول توسط باغداران به امید افزایش قیمت، تأخیر سال زراعی از شهریور به مهر و خشکسالی، تحریم و کاهش قیمت توسط رقیب ما بوده است. سلطانی‌زاده همچنین مشکلات حمل و نقل، تحریم، برنگشتن به موقع ارز و قیمت بالای تمام شده خرمای ایران را از دلایل کاهش صادرات این محصول اعلام کرد.

در این آیین از حمید رضایی مدیرعامل شرکت رنگین‌کمان سمنگان در زمینه خرما و پسته، امین جلال‌پور مدیرعامل شرکت گسترش بازرگانی کرمان، حمیدرضا اسدی زیدآبادی مدیرعامل شرکت پسته سیرجان، علی پورجعفرآبادی مدیرعامل شرکت ایلیا گستر سیرجان و حمید حسام مدیرعامل شرکت مروارید سبز کویر در زمینه پسته و مغز پسته و همچنین آرش علوی مدیرعامل شرکت پارسان در زمینه خرما و نیز محمد هروی مدیرعامل شرکت فرخ‌باف در زمینه فرش دستباف، سیدمحمد حسینی‌نژاد یزدی‌پور مدیرعامل شرکت فخار رفسنجان در زمینه مصالح ساختمانی، کاشی و سرامیک، محمد جلال مآب مدیرعامل شرکت گل گهر سیرجان در زمینه سنگ‌آهن و مهدی مهرالحسنی از شرکت نشاط‌آفرینان کویر محمد علی‌نژاد محمودی مدیرعامل شرکت رباط مولیبدن در زمینه فرو مولیبدن، محمد محققی مدیرعامل شرکت فرو مولیبدن کویر رفسنجان در زمینه فرومولیبدن و اکسیدمولیبدن، علیرضا معمار مدیرعامل شرکت کرمان لیکوریس در زمینه گیاهان دارویی و شیرین‌بیان، علیرضا کریمی رحمت‌آبادی مدیرعامل شرکت روغن موتور، بابک شایسته مدیرعامل شرکت رنگدانه سیرجان در زمینه محصولات پلیمری، مسعود ضرابی مدیرعامل شرکت راهسازی و ساختمانی ۱۱۵ در زمینه خدمات فنی و مهندسی قدردانی شد.

در این آیین همچنین از فرخ عبدالکریم بهمنیار مدیرعامل شرکت فرش دستباف کرمانفرش، حمید عرب‌نژاد مدیرعامل شرکت هواپیمایی ماهان، سیدرضا حسینی‌نژاد مدیرعامل شرکت کاشی و سرامیک برلیان رفسنجان، علی موحدی در زمینه خرما، مجید جاویدان مدیرعامل شرکت گسترش صادرات جاویدان در زمینه پسته و مغز پسته و محمد ربانی مدیرعامل شرکت سیمان ممتازان کرمان در زمینه سیمان قدردانی به عمل آمد.



ساخت مرکز سالمندان محمودیه در اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار اصفهان با حضور در مرکز توانبخشی محمودیه و دیدار با مددجویان و توانخواهان این مرکز کلنگ ساخت مرکز سالمندان این مرکز را بر زمین زد تا به صورت رسمی ساخت این پروژه آغاز شود.

مرکز سالمندان محمودیه در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع و با زیربنای ۷۵۰۰ مترمربع در هفت طبقه و با ظرفیت ارائه خدمت به ۳۰۰ نفر سالمند ساخته می‌شود.

دکتر زرگرپور استاندار اصفهان در این آیین گفت: این اولین مراسم کلنگ‌زنی در دوران کاری من به عنوان استاندار اصفهان است. وی با بیان اینکه دوره سالمندی زمانی برای رسیدن به کمال، حکمت و خردمندی است افزود: با توجه به روند رو به افزایش سالمندی در کشور، ارائه خدمات توانبخشی مطلوب به این قشر از جامعه بیش از پیش احساس می‌شود و لازم است شرایطی مناسب برای ارائه خدمات با کیفیت به این عزیزان پیش‌بینی شود.

محمود محمدزاده مدیرکل بهزیستی استان اصفهان نیز هدف از ساخت این مجموعه را ایجاد یک سیستم استاندارد برای زندگی کردن سالمندان در فضایی آرام، شاد و بدون دغدغه و ارائه خدمات کامل توانبخشی و توانپزشکی به آنها بیان کرد.

فعالیت ۸۰۰ نانوایی بدون پروانه در آذربایجان‌شرقی

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: شهرستان بناب از نظر آرد هیچ کمبود و مشکلی ندارد و تنها مشکل آن ناآشنایی نانوایان با پخت نان است.

مدیرکل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۸ که در نشست بررسی مسائل و مشکلات نان بناب سخن می‌گفت، یادآور شد: سهمیه آرد، استان آذربایجان شرقی ۳۴ هزار تن است که ۱۲۰۰ تن آن سهمیه شهرستان بناب است. علی شامی نژاد افزود: مصرف سرانه آرد بناب ۹ کیلوگرم بود، که از پیش از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به ۷/۵ کیلوگرم کاهش یافت.

وی سپس از خرید ۲۰۰ هزار تن گندم از کشاورزان منطقه خبرداد و افزود: برای ۱۶۰۰ نفر جمعیت استان باید یک نانوایی وجود داشته باشد یعنی ۳۵۰۰ نانوایی ولی ۵۷۰۰ واحد نانوایی در استان فعالیت دارند که ۸۰۰ واحد آن بدون پروانه هستند. شامی نژاد با انتقاد از فعال نبودن کارگروه گندم، آرد و نان در شهرستان بناب یادآور شد: بهسازی و نوسازی واحدهای نانوایی و همچنین آموزش نانوایان از عوامل تأثیرگذار در ارتقای کیفیت نان است و در این راستا شرکت غله و خدمات بازرگانی آذربایجان شرقی با عقد قرارداد و پرداخت یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان تلاش‌هایی را برای آموزش نانوایان انجام داده است.

وی تأکید کرد: با تعلیق برخی نانوایان متخلف و دادن آموزش‌های لازم به نانوایان سرانه ۷/۵ کیلوگرمی جوابگوی شهرستان خواهد بود.

در این نشست نماینده مردم بناب در مجلس شورای اسلامی نیز با اعلام این که بناب پذیرای ۱۲ هزار دانشجو و ۳۰۰۰ کارگر است، گفت: سهمیه اختصاصی آرد جوابگوی نیاز منطقه نیست. حجت‌الاسلام محمد باقری بنابی با تأکید بر لزوم فعال‌سازی کارگروه آرد و نان شهرستان بناب، افزود: مسئولان صنعت و معدن و غله باید بحث آموزش نانوایان را جدی بگیرند. در ادامه فرماندار بناب با اشاره به این که سرانه آرد و نان استان‌ها و شهرستان‌ها باید تفاوت داشته باشد؛ گفت: با شروع فصل کار سرانه مصرف نان در شهرستان بناب افزایش می‌یابد.

سعید برقی با انتقاد از نبود نظارت کافی به کار واحدهای نانوایی افزود: از زمانی که بازرسی آرد و نان از فرمانداری منفک و به تشکیلات غله واگذار شده، بازرسی‌ها نیز ضعیف شده و اداره صنعت و معدن با چهار بازرس توان بازرسی واحدهای صنفی و نانوایی‌های شهرستان را ندارند.

رئیس اتحادیه نانوایان بناب نیز با ارائه گزارشی از وضع نان این شهرستان گفت: سهمیه آرد بناب ۱۴۵۰ تن بود که ۲۵۰ تن آن را ذخیره کرده و در فصل کاری با توجه به نیاز بیشتر منطقه توزیع می‌کردیم، ولی هم اکنون سهمیه ماهانه آرد شهرستان بناب به ۹۹۴ تن کاهش یافته است.

آذربایجان غربی در جذب تسهیلات صندوق توسعه ملی هشتم شد

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: آذربایجان غربی با معرفی ۱۶۶ طرح تولیدی و صنعتی برای گرفتن تسهیلات سرمایه ثابت و در گردش رتبه ۸ کشوری را به خود اختصاص داده است.

عبدالله اکبری رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی این خبر را در جلسه‌ای که به منظور بررسی وضع طرح‌های مصوب از محل تسهیلات صندوق توسعه ملی در اتاق جلسات معاونت برنامه‌ریزی استانداری برگزار شد؛ اعلام کرد و افزود: این طرح‌ها با اعتبار ۳۷۶۰ میلیارد ریال توسط کارگروه استانی و مرکزی به بانک‌های عامل معرفی شده‌اند.

وی اضافه کرد: از این میزان طرح معرفی شده به بانک‌های عامل، ۳۴ طرح احداثی و بقیه به صورت طرح‌های سرمایه در گردش است.

اکبری با بیان اینکه سهم صنعت استان از منابع صندوق توسعه ملی ۱۸۰۰ میلیارد ریال است، افزود: ۸۸۰ میلیارد ریال مربوط به سال ۹۱ و ۹۲۰ میلیارد ریال سهم استان است.

وی اضافه کرد: با پیگیری‌های انجام گرفته حدود ۵۴۰ میلیارد ریال مسدودی از منابع صندوق توسعه ملی آماده پرداخت به واحدهای تولیدی و صنعتی استان است.

او اعلام کرد: در بخش ارزی نیز تاکنون ۲۲۵ میلیون دلار برای بخش صنعت استان از محل منابع صندوق توسعه ملی جذب کرده‌ایم.

اکبری گفت: امیدواریم با پیگیری‌های مستمر سازمان در روزهای آینده میزان بهره‌مندی استان از اعتبارات صندوق توسعه ملی افزایش یابد.

معاون برنامه ریزی استاندار آذربایجان غربی نیز در این جلسه بر جذب حداکثری تسهیلات صندوق توسعه ملی برای اجرای طرح‌های صنعتی و تولیدی در استان تاکید کرد.

غلامرضا دیزج نژاد افزود: به لحاظ وضع کارکرد بانک‌ها در زمینه ارائه تسهیلات و نهادینه شدن این موضوع در ساختار اقتصادی کشور متاسفانه تامین منابع مالی بخش خصوصی برای اجرای طرح‌ها بانک محور است.

در این جلسه مدیران بانک‌های عامل درباره طرح‌های بررسی شده، میزان ارسال پرونده‌ها به اداره‌های مرکزی و صندوق توسعه ملی و مشکلات مربوط به ابلاغ دستورالعمل توضیحاتی ارائه کردند.

پرداخت تسهیلات خودکفایی به مددجویان اردبیل

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل کمیته امداد استان اردبیل از پرداخت ۱۲۶ میلیارد و ۲ میلیون ریال تسهیلات اشتغال‌زایی به مددجویان زیر پوشش کمیته امداد و قشرهای آسیب‌پذیر در این استان خبر داد.

بهروز زلالی در جلسه شورای اشتغال و خودکفایی کمیته امداد اردبیل افزود: این تسهیلات در اختیار ۲۲۸۰ نفر از افراد جویای کار قرار گرفته است. وی با تشریح اینکه بیش از ۱۷ میلیارد و ۵۳۱ میلیون ریال تسهیلات خودکفایی از محل منابع امدادی پرداخت شده است، بیان کرد: ۵۰۹ نفر از مجریان طرح‌های خودکفایی کمیته امداد استان اردبیل از تسهیلات پرداختی بهره‌مند شده‌اند و مشغول به کار هستند.

زلالی با بیان این که ۱۷۷۴ نفر از افراد تحت حمایت با دریافت تسهیلات اشتغال‌زایی توانسته‌اند شغلی را برای خود ایجاد کنند، افزود: از محل منابع بانکی برای این عده از مجریان نزدیک به ۱۰۶ میلیارد و ۸۴۰ میلیون ریال در قالب تسهیلات خودکفایی پرداخت شده است.

مدیرکل کمیته امداد استان اردبیل افزود: همچنین برای عملیاتی شدن شش طرح از محل ویژه توسعه کشاورزی نیز بیش از یک میلیارد و ۶۳۲ میلیون ریال تسهیلات خودکفایی پرداخت شده است.

وی اضافه کرد: تسهیلات پرداختی از محل منابع بانکی و منابع امدادی و به صورت قرض‌الحسنه با اقساط بلند مدت در اختیار مددجویان تحت حمایت و افراد نیازمند قرار می گیرد.

زلالی گفت: توانمندسازی مددجویان و حمایت از آنان در قالب اشتغال و خودکفایی با ارائه آموزش‌های مؤثر فنی و حرفه‌ای و مشاوره‌های شغلی همراه است تا بتوانیم در راستای توانمندی خانواده‌ها قدم‌های مؤثری برداریم.

او با بیان این که فراهم کردن زمینه اشتغال و خودکفایی مددجویان تحت حمایت از اولویت‌های کاری این نهاد مقدس است، افزود: ایجاد اشتغال پایدار مددجویان و افراد بی‌بضاعت جامعه از مهم‌ترین اهداف کمیته امداد است.

وی با قدردانی از بانک‌های عامل که نهایت همکاری را با این نهاد دارند، ابراز امیدواری کرد: با درایت و همکاری دیگر سازمان‌ها و اداره‌ها و مردم خیر استان، بیش از پیش در جهت فقرزدایی از جامعه، رفع مشکلات اساسی نیازمندان و توانمندسازی آنان تلاش کنیم.

معاون عمرانی استاندار مازندران معرفی شد

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: علی بنیان به عنوان معاون عمرانی استاندار مازندران معرفی شد.

استاندار مازندران در این مراسم با اشاره به این که توسعه و پیشرفت همه جانبه استان مطالبه به حق مردم است، گفت: متأسفانه مازندران در اغلب شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی جایگاه مناسبی ندارد.

ربیع فلاح جلودار با بیان این که مسئولان باید نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند، افزود: مازندران علی رغم برخورداری از ظرفیت‌ها و استعدادهای فراوان خدادادی هنوز با جایگاه واقعی خود فاصله زیادی دارد.

وی بودجه‌های دولتی را پاسخگوی نیازهای استان ندانست و خطاب به مدیران و فرمانداران گفت: با به کارگیری ظرفیت‌های منطقه‌ای در بخش خصوصی می توان کارهای بزرگی انجام داد.

وی توجه به اقتصاد گردشگری را مهم ارزیابی کرد و ادامه داد: کارهایی که در گذشته برای مازندران انجام شده خوب است اما باید ۱۰ برابر بیشتر انجام می‌شد و این ظرفیت در مازندران وجود دارد.

معاون امور عمرانی استاندار مازندران نیز گفت: باید تلاش کنیم حماسه اقتصادی که مد نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی است در کشور تحقق یابد و برخی پروژه‌های به زمین مانده مازندران را به اتمام برسانیم.

علی بنیان یکی از موضوعات مهم استان را بحث آمایش سرزمین اعلام کرد و گفت: در آمایش سرزمین کلان نگری مطرح است و کسانی که دل در گرو این نظام و انقلاب دارند باید برای تحقق این موضوع همکاری مناسبی داشته باشند.

او توسعه ریلی استان را از دیگر برنامه‌های این معاونت اعلام کرد و افزود: ایجاد ریل از ساری تا غرب مازندران در دستور کار قرار می‌گیرد که با ایجاد حمل و نقل ریلی بخش مهمی از ترافیک مازندران تا گیلان برطرف می‌شود.

بنیان از برنامه‌ریزی برای ایجاد آزادراه در شهرهای مازندران خبر داد و افزود: طرح مطالعاتی ساخت آزادراه در مازندران به اتمام رسیده است.

وی بر ساماندهی زباله در استان تأکید کرد و افزود: برای رفع مشکل زباله نیاز به عزم جدی است. وی بر هویت بخشی به شهرهای مازندران و استفاده از الگوی معماری ایرانی ـ اسلامی در شهرها تأکید کرد. در این مراسم از خدمات سیدعیسی هاشمی، معاون عمرانی سابق استانداری قدردانی شد.

بازسازی ۱۷۱ مدرسه در استان زنجان

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل تجهیز و نوسازی مدارس استان زنجان از بازسازی ۱۷۱ مدرسه با ۶۴۴ کلاس درس در استان خبر داد و گفت: تاکنون از این تعداد ۱۵۱ مدرسه با ۵۵۶ کلاس درس به بهره‌برداری رسیده و ۲۰ مدرسه با ۸۸ کلاس نیز در دست اجرا است.

آقای خانی در جلسه شورای آموزش و پرورش استان افزود: از محل اعتبارات ملی نیز ساخت ۲۰ مدرسه با ۵۷ کلاس درس مصوب شده که تاکنون ۱۱ مدرسه با ۵۱ کلاس به بهره‌برداری رسیده و بازسازی ۹ مدرسه با شش کلاس نیز در دست اجرا است.

مدیرکل آموزش و پرورش استان نیز با بیان این که هیچ منطقه‌ای در استان وجود ندارد که دانش آموزان امکان تحصیلی در پایه ابتدایی را نداشته باشند، افزود: میزان پوشش تحصیلی مقطع ابتدایی پارسال ۶/۹۹ درصد بود که این میزان امسال به ۷/۹۹ درصد افزایش یافته است.

امیر نظری از تحصیل ۱۷۷ هزار و ۲۵ دانش آموز امسال در مدارس استان خبر داد و گفت: در طول ۱۶ سال گذشته آموزش و پرورش استان همواره با کاهش جمعیت مواجه بود ولی امسال شاهد ثبات جمعیت دانش آموزی در مقایسه با پارسال هستیم.

وی توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را با ۱۲ درصد رشد ۶/۴۴ درصد اعلام کرد و افزود: معدل قبولی کنکور استان از میانگین کشوری بالاتر است و امسال ۱۲۴ نفر رتبه زیر ۱۰۰۰، ۱۵ نفر رتبه دو رقمی و ۱۰۶ نفر رتبه سه‌رقمی به دست آوردند.

نظری ادامه داد: ۱۴۲ مدرسه قرآنی در استان دایر است و بیش از ۱۰ هزار دانش‌آموز حافظ قرآن از حفظ کلی تا نیم جزء داریم که بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته استان زنجان در این زمینه از جایگاه برتری برخوردار است.

۲۶۲ دهیاری جدید در روستاهای خراسان رضوی تأسیس می‌شود

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری خراسان رضوی از تأسیس ۲۶۲ دهیاری جدید در استان و با اعلام بلامانع بودن آن از سوی وزیر کشور خبر داد.

اسماعیل نورمحمدی افزود: وزیر کشور براساس اختیارات حاصل از ماده واحده قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور (مصوب ۷۷/۴/۱۴) با تأسیس ۲۶۲ دهیاری در استان خراسان رضوی موافقت کرده است. وی با اشاره به این که شاخص اصلی صدور مجوز تأسیس دهیاری‌ها برای روستاها، دارا بودن ۱۵۰ نفر جمعیت یا ۳۰ خانوار به بالا است، افزود: با پیگیری‌های به عمل آمده امسال مجوز تأسیس ۲۶۲ دهیاری با لحاظ شدن وضع قرارگیری خارج از محدوده‌های شهری صادر شده است.

او با تأکید بر اهمیت تأسیس دهیاری‌ها در روستاها گفت: نقطه عطف مدیریت در روستاها و رسیدن به توسعه پایدار روستایی، تأسیس دهیاری و ایجاد جایگاه مدیریت روستایی است.

یلدا؛ شب بلند سلامت ایرانیان!

یکی از جشن‌های کهن ما ایرانیان که در حال حاضر نیز هر سال در کشورمان برگزار می‌شود، «شب یلدا» است که به دلیل تقارن زمانی با «طولانی ترین شب سال» و همچنین «شب اولین روز زمستان»، یکی از جشن‌های مهم باستانی محسوب می‌شود. یلدا، جشنی ایرانی است که هزاران سال عمر دارد و در بعضی از کشورهای جهان نیز برگزار می‌شود. در این شب خانواده‌ها در کنار یکدیگر و یا در منزل بزرگان خانواده گرد هم می‌آیند و با برگزاری شب‌نشینی، این جشن را گرامی می‌دارند.

آیین شب یلدا یا شب چله، خوردن آجیل مخصوص، هندوانه، انار، شیرینی و میوه‌های گوناگون است که جنبه نمادی دارد و نشانه برکت، تندرستی، فراوانی و شادکامی است. یکی دیگر از رسم‌های شب یلدا، «فال حافظ گرفتن» و «شاهنامه خوانی» است. اگر رسم‌ها و آیین‌های دیگر یلدا را میراثی از فرهنگ چند هزار ساله بدانیم، فال حافظ گرفتن در شب یلدا در سده‌های اخیر به رسم‌های این شب افزوده شده است. شاهنامه خوانی و قصه گویی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای کوچکترها نیز از آیین‌های یلدا است که خاطرات شیرینی برای بزرگسالی آنها فراهم می‌آورد. مردم معتقدند این شب نه تنها بلندترین شب سال است، بلکه این شب باید از نظر مواد خوراکی نیز یکی از پاکترین و بهداشتی ترین شب‌های سال باشد. با توجه به اینکه یکی از اصلی ترین آیین های برگزاری شب یلدا، خوردن تنقلات طبیعی مانند آجیل و یا همان خشکبار، شیرینی های طبیعی، میوه‌هایی مانند هندوانه، انار، سیب و پرتقال است، همه این خوراکی‌ها و حتی آجیل باید از مواد طبیعی تهیه شده باشد تا شاید بتوان گفت که شب یلدا، یک شب پاک در میان ایرانیان است. در رابطه با شب یلدا، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

* به مسئولان و شورای فرهنگ عمومی کشور پیشنهاد می‌شود روز ۳۰ آذر، به نام «روز محصولات سالم و طبیعی» نام‌گذاری شود.

* به هموطنان عزیز توصیه می‌شود استفاده از محصولات غذایی و میوه‌های طبیعی و سالم را در شب یلدا، فراموش نکنند و همچنین از خوردن غذاهای آماده مانند پیتزا و ساندویچ و تنقلاتی نظیر انواع چیپس، پفک و نوشیدنی های گازدار که جزء مواد غذایی زیان‌آور است، خودداری به عمل آورند.

*ایرانیان در جشن شب یلدا با مراعات نکات زیست محیطی و از جمله استفاده نکردن از ظروف پلاستیکی یکبار مصرف و استفاده از ظروف چینی؛ کریستالی و شیشه‌ای، به سلامت خود، طبیعت و محیط زیست اهمیت دهند.

* از نکات مهم «شب یلدا»، می توان احترام گذاشتن به بزرگان و صله رحم را نام برد، که امیدواریم بیش از پیش مورد توجه خانواده‌ها قرار گیرد.

حسین عبیری گلپایگانی

خیرین مدرسه‌ساز، پاکبازان دل آگاه

یکم آبان ماه ۹۲ برای مردم علمدار هادیشهر آذربایجان‌شرقی روز فرخنده و مبارکی بود. چرا که همزمان با عید غدیرخم با شرکت جمع کثیری از اهالی و مسئولان محلی، کلنگ یک مدرسه ۱۲ کلاسه در زمینی به مساحت ۳هزار متر مربع که هزینه احداث آن با مبلغ حداقل یک میلیارد تومان به وسیله یکی از خیرین علمداری مقیم تهران به نام حاج حمزه حمزه‌زاده علمداری تأمین شده است، به زمین زده شد.

به نظر من خیرین مدرسه‌ساز پاکبازان دل آگاه و شخصیت‌های فرهیخته‌ای هستند که با بسیج تمامی امکانات مادی و معنوی خویش امکان تحصیل و دانش اندوزی را برای نسل‌های جوان و نوباوگان میهن اسلامی‌مان فراهم می‌سازد.

این خیرین در راهی گام برمی‌دارند که پایان آن غلبه روشنائی بر تاریکی و پاک شدن چهره میهن اسلامی‌مان از آثار جهل و نادانی با تمامی عوارض و عواقب نامطلوب آن است، و در این راه مقدس، هدفی به جز نجات انسان‌ها از دام شیاطین در چهره‌های گوناگون و رستگاری بشریت ندارند. که به حق گفته‌اند «در هر مدرسه‌ای که باز شود، در زندانی بسته می‌شود» پیامبر بزرگوار و گرامی ما نیز فرموده‌اند: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» یعنی ز گهواره تا گور دانش بجوی.

بهتر می‌دانید که تربیت یک فرد و تجهیز روح و جسم او به صفات پسندیده و ارزشمند انسانی، از شکافتن سنگ خارا و صعود به مرتفع ترین قُلل جهان مشکل تر است، ولی سقوط به دره بدنامی و آلوده شدن به رذایل اخلاقی، در یک چشم برهم زدن انجام می گیرد و از اینرو است که تلاش خیرین مدرسه‌ساز، تحسین‌برانگیز است و پیامدهای مثبت فراوانی دارد.

جبرائیل سراجی علمداری

پیشنهادی برای برون رفت از مشکلات قانون هدفمندسازی یارانه‌ها

یکی از چالش‌های مهم داخلی پیش‌رو در کشور عزیزمان، برخورد با قانون هدفمندسازی یارانه‌هاست و اینک که بعضی از مصادر امور و اقتصاددانان به تکاپو افتاده‌اند تا برای آن راه حلی بیابند، من نیز برای رفع و یا کاستن این مشکل پیشنهادی به شرح زیر دارم.

پخش بعضی مناظره‌ها از رسانه ملی و لاجرم درج در جراید، اثر بسیار مخرب اقتصادی برای کشور خواهد داشت. زیرا وقتی صحبت از بررسی مال و اموال و دارایی‌های مردم به ویژه وجوه متمرکز در شبکه بانکی می‌شود، مطمئن باشید از فردای آن روز مردم عادی به ویژه سالمندان از ترس شناسائی، بخشی از دارائی‌های خود را که به صورت سپرده نزد شبکه بانکی کشور است خارج و صرف خرید دلار و طلا خواهند کرد، که این معضلی خواهد شد برای پیشرفت اقتصاد کشور.

از سال‌های نخست انقلاب که در سمت مشاور عالی وزارت کشاورزی و نماینده وزیر در شورای‌عالی بانک‌ها بودم، در این شورا افرادی که از امور بانکی کمی بی‌اطلاع بودند، خواستار آن شده بودند که مردم حق نداشته باشند روزانه بیش از مبلغ جزئی از حساب‌های خود برداشت کنند. نتیجه آن شد که مردم عزیز کوچه و بازار سعی بلیغ داشتند تا سپرده‌های خود را ولو با مبلغ کم، ولی به طور روزانه از شبکه بانکی خارج کنند و به روال معروف، به صورت «زیربالشی» در آورند.

یادم است در آن زمان بعد مراجعه از مرخصی همراه با یکی دو نفر دیگری که سوابق بانکی داشتند، با این تصمیم سخت مخالفت کردیم، به نحوی که ما با عکس این روش موافق بودیم و آن اینکه اطلاع‌رسانی شود هرکس به هر میزان از پول سپرده‌های خویش نزد بانک‌ها لازم دارد، می‌تواند حتی در یک روز و به صورت یکجا برداشت کند و هیچ بانکی نمی‌تواند متعرض دارندگان سپرده‌ها شود.

خوشبختانه در آن وقت که فرد کاردان و باهوشی در راس شورایعالی بانکها ولاجرم سمت ریاست بانک مرکزی را داشت، از این پیشنهاد پشتیبانی کرد و نتیجه آن شد که آتش برداشت روزانه مردم از سپرده‌های خویش نزد بانک‌ها به زودی خاموش شود و وضع به صورت عادی درآید.



متاسفانه امروز خطر این گونه سخنان و پیشنهادها در مورد بررسی دارائی‌های مردم از رسانه‌ها بسیار بیشتر خواهد بود و اصولاً بحث سرکشی از اموال و دارائی‌های مردم هیچ‌گاه در پیشبرد اوضاع اقتصادی کشور، موثر نبوده است.

بنابر این حال سؤال این است پس چه باید کرد تا دولت از این معضل موجود در امر اجبار پرداخت یارانه نقدی به عموم از وجوهی که اگر هم باشد، باید عمدتاً صرف زیرساخت‌های کشور شود، رهائی یابد؟ صرف نظر از اینکه میزان درآمد حاصله از محل اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در حد یک سوم پرداخت‌ها بوده است که لاجرم باید به طریق ایجاد زایدالوصف تامین شود، در اینجا به یکی از راه‌حل‌ها می‌پردازیم.

بر هیچ کس پوشیده نیست که رئیس محترم جمهوری در حال حاضر توانسته است محبوبیت ویژه‌ای نزد مردم کسب کند که در نوع خود کم نظیر است. این امر ادامه نخواهد داشت، مگر آنکه تصمیمات متخذه دولت کماکان با پشتیبانی مجلس در جهت تدبیر و امید باشد که یکی از این تدابیر هم صحبت صادقانه رئیس جمهوری با مردم است.

باید به مردم گفته شود که پرداخت یارانه ۳/۲۹۳ میلیارد تومان ماهانه در حالی که حدود یک سوم آن از محل اجرای این قانون حاصل می‌شود، کاری عبث است و لاجرم دولت از این بابت دچار مشکلات بسیاری خواهد شد. البته راه چاره هم سرکشی به حریم خصوصی مردم نیست، همان‌قدر که سرکشی از خانواده‌های بی‌بضاعت و شناخت دقیق آنان ضرورت حیاتی دارد.

در این سخنرانی و پی گیری آن از طریق استانداران، فرمانداران و رسانه‌های گروهی دلسوز و علاقه‌مند به پیشرفت کشور و به ویژه توسط ائمه جمعه و جماعات و نمایندگان مردم در مجلس و شوراها، ابتدا باید از مردم شریف خواسته شود کسانی که از یک درآمد سالانه نسبتاً مطلوب برخوردارند (سطح حداقل و حداکثر باید با استفاده از مراکز آماری و بانک مرکزی کشور تعیین شود)، به طور داوطلبانه و به صورت موقت از دریافت نقدینگی ماهانه صرف‌نظر کنند، که اطمینان دارم بخش عمده‌ای از مردم شرافتمند ما با دلبستگی که به دولت تدبیر و امید دارند، به تصمیم شخصی از دریافت اعانهٔ ماهانه منصرف خواهند شد، می ماند اشخاصی که به صورت داوطلبانه چنین پیشنهادی را اجابت نمی کنند.

بدیهی است که این عده یا مستحق واقعی هستند و یا با وجود برخورداری از درآمد کافی، متاسفانه از عرق ملی لازم برخوردار نیستند که در هر حال ضرورت دارد، ولو با سختی، وجه ماهانه این دو قشر کماکان پرداخت شود تا بی جهت موجبات نارضایتی مردم چه از طریق سرکشی به حریم خصوصی و ثروت آنان و چه از طریق عدم پرداخت یارانه به نیازمندان واقعی، حاصل نشود که روشن است اگر چنین شود باید منتظر معضلات بعدی باشیم.

سیدعبدالله قرشی ـ
مشاور عالی اسبق وزارت کشاورزی و کارشناس رسمی دادگستری

آمدیم ثواب کنیم..!

این روزها همهٔ ما در گذرگاه‌های عمومی شاهد گدایان و یا به عبارت رسمی و محترمانه‌تر، متکدیانی هستیم که شامل کودک، بزرگسال، مؤنث، مذکر، و بیمار یا سالم هستند که به‌نظر می‌رسد در سال‌های اخیر با رشدگرانی‌ها بر تعداد آنها افزوده شده است.

اگر چه هرچند مدت یکبار، مسئولان ذی‌ربط شهری اقدام به جمع‌آوری و ساماندهی آنان می‌کنند، اما پس از چندی دوباره در معابر این‌بار با احتیاط بیشتری ظاهر می‌شوند! این موضوع در شهرهای کوچک هم دیده می‌شود، البته شنیده‌ام در شهرهایی مثل تبریز به‌علت عدم حمایت مردم، آنان بساط خود را از سطح شهر جمع کرده‌اند.

گدایان براساس شخصیت، میزان فشارهای مالی و شدت احتیاج، فوریت یا عدم فوریت نیازهایشان، میزان تحصیلات و امثال آن‌ها، نحوهٔ تکدی‌هایشان مثل ثابت و یا سیار بودن و وضع ظاهری با یکدیگر متفاوتند و از این لحاظ قابل دسته‌بندی و بررسی هستند.

مثلاً نوع جدیدی که همین چند روز پیش با آن روبرو شدم، مربوط می‌شود به کسی که بساط آدامس را در هوای سرد در مقابلش چیده بود. محض کمک به او که به‌نظر بیشتر دستفروش می‌آمد تا گدا، یک آدامس شیک نعناعی را که قیمتش در مغازه‌ها ۲۰۰ تومان است، خریدم که برخلاف انتظارم گفت: دو هزار تومان می‌شود آقا! پرسیدم چرا؟ گفت: دانه‌ای هزار تومان خریده‌ام، شما هم برای کمک به من هزار تومان سود که بدهید، خوب است و استفاده‌اش همین قدر ناچیز است (یعنی همان نوع جواب‌های کلیشه‌ای که بعضی از کاسب‌ها می‌دهند).

دلم می‌خواست آدامس را پس بدهم، اما چون پولم ۵ هزار تومانی بود و آن را در دستش گرو گرفته بود و همین طور از روی دلسوزی دلم نیامد، دیدم نمی‌توانم معامله را بر هم بزنم. از طرفی او شروع کرد به انگلیسی صحبت کردن و پرسید: انگلیسی بلدی؟ گفتم: تا اندازه‌ای گفت: من معلم انگلیسی بودم و خلاصه دل مرا به دست آورد و با سماجت و زبان‌بازی، معامله را چهار میخه کرد!

صحبتش ادامه داشت، اما من از ترس اینکه مبادا ماجرا به مطالبهٔ بیشتر او یا دردسرهای احتمالی دیگر بینجامد، از دامی که برای امثال من تنیده بود و در آن افتاده بودم، به زحمت گریختم و با لبخند و اظهار تشکر و تمجید از خوش خلقی او به زبان انگلیسی، کلام را خاتمه دادم و با حیرت از معرکه‌ای که می‌ترسیدم مهلکه‌ام شود، دور شدم و تا چند ساعت، دقایقی به این نوع تکدی زیرکانه و مُحیلانه و ابداعی او فکر می‌کردم و به این می‌اندیشیدم که چه زمانی و چطور باید این قبیل مشکلات اجتماعی پایان یابد؟

سید جمال حسینی

سریال‌های ایرانی و اسلامی جایگزین کره‌ای و چینی شود!

کشور وسیع و متمدن ایران اسلامی به برکت اسلامیت و ایرانیت، در طول قرون گذشته قهرمانان، نخبگان، دانشمندان و فقیهان بزرگی را در خود دیده است که هر کدام تاثیر به سزایی در دوران خود و قرون بعد از خود داشته‌اند و توانسته‌اند نام خود را در تاریخ اسلام و ایران ثبت کنند که اگر بخواهیم اساسی چنین افراد تاثیرگذاری را بیاوریم، باید ده‌ها کتاب در این زمینه منتشر کنیم.

متاسفانه تاریخ درخشان این مرز و بوم در بسیاری از جهات و زمینه‌ها مورد غفلت واقع شده و در عوض تاریخ تمدن و سرزمین‌های دیگر که در مقایسه با کشورمان در حد پائینی قرار دارد، مورد توجه مدیران و مسئولان قرار گرفته است و بعضاً الگوی جوانان و نوجوانان مسلمان و مومن ایرانی از کشورهای غربی و شرقی انتخاب و معرفی می‌شوند.

باارزیابی عملکرد رسانه ملی در حوزه ساخت سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی، مشاهده می‌شود که وجود فیلمسازان و کارگردان‌های کاردان و برجسته در کشورمان، باعث ساخت مجموعه‌های فاخر تاریخی و مذهبی شده است، ولی به دلیل عدم برنامه‌ریزی‌های دقیق و هزینه فراوان ساخت چنین فیلم‌هایی شاهد هستیم که انواع فیلم‌های شرقی و غربی و بخصوص فیلم‌های کره‌ای و چینی در دو دهه گذشته به کرات از سوی رسانه ملی خریداری و پخش شده است و حتی پخش تکراری و چندین باره این نوع فیلم‌ها با استقبال گرم مخاطبان رو به رو شده است و اگر به موضوع و محتوای این فیلم‌ها به دقت نگریسته شود، مشاهده می‌شود که بیشتر این نوع فیلم‌ها یا افسانه و یا حاصل تخیل نویسندگان و کارگردان‌های شرقی است که با هزینه‌های خیلی کم و در محیط‌های ساده ساخته شده‌اند و کشورهایی مثل ایران نیز مشتاقانه نسبت به خرید آن ها اقدام می‌کنند که می‌توان افسانه جومونگ، جواهری در قصر و امپراطور دریا را در این خصوص مثال زد، در حالی که تاریخ و فرهنگ غنی ایرانی ـ اسلامی در دامان خود علما، دانشمندان، سرداران و وطن دوستان شجاع و دلیری را پرورش داده است که هر کدام تاثیر شگرفی در عصر خود و قرون بعدی داشته‌اند و با مرور زندگینامه چنین بزرگانی می‌توانیم فرهنگ و تمدن غنی و اصیل خود را با شناخت دقیق به جامعه ایرانی و همچنین به جهان معاصر معرفی کنیم و نسل جدید را با کشفیات و دلاوری‌های این افراد آشنا سازیم.

اردبیل ـ حسن ایرانی

در گذرگاه زندگی

درسی که هر روز در زندگی باید آن را تکرار و تمرین کرد

جای تردید نیست که آموزش به معنی فرا گرفتن از آموزگار است:

دستم بگرفت و پا به پا برد
تا شیوه راه رفتن آموخت

انسان از طریق تقلید، تکرار، تمرین، تشویق و تنبیه می آموزد و آموزش، راهی برای رسیدن به توانایی و دانایی و کمال است. آموزش و روش‌های آن ابزاری است تا انسان به هدفی برسد که مقصود آموزش را تشکیل می‌دهد.

آموختن راه رفتن، آموختن سخن گفتن، آموختن خواندن و نوشتن و فنون و علوم گوناگون، تنها در صورتی ارزش می‌یابد که در جهت هدف‌های مثبت به کار رود و در غیر این‌صورت کاری است بیهوده و حتی مضر.

آن دانشمند آمریکایی که تلاش خود را معطوف به ساختن سلاح مرگبار برای کشتن مردم بیگناه عالم می‌کند، خسرالدنیا والاخره است. نمونه آن، «رابرت اوپنهایمر» دانشمند اتمی است که در پروژه های ساختن اسلحه هسته‌ای آمریکا دخالت داشت. پس از بمباران شهرهای هیروشیما و ناکازاگی ژاپن که هیچ گونه دلیل نظامی نداشت و با مرگ ۱۶۰ هزار زن و کودک غیرنظامی فقط در خدمت ارضای خوی تهاجمی نظامیان آمریکا بود، او آنچنان درمانده و سرگشته شد که عمری را در افسردگی و احساس گناه و در به دری شدید به پایان برد، یا حتی خلبان هواپیمایی که بمب اتمی را پرتاب کرد، به همین وضع دچار شد و با شرم و احساس ننگ، زندگی بی حاصل خود را با خودکشی به پایان برد.

بنابراین، درسی برای ما لازم است که راهی به سوی کمال باشد. خداوند در وجود انسان همه گونه ظرفیت را به ودیعه گذاشته است و کافی است که آنها با آموزش فعال شوند، ظرفیت برای حرکت، برای گفتن و خواندن و مهم‌تر از همه برای خوب بودن، برای فداکاری، اما اینها نیاز به نمونه‌های خوب دارد تا از طریق آنها با تقلید، تکرار و تمرین، چنین صفاتی بیاموزیم. خداوند این نمونه‌ها را هم در اختیار ما قرار داده است، یعنی معصومین علیه السلام. آنان جامع همه صفات خوب خداگونه هستند، گرچه ما هر یک را با صفت‌هایی از دیگران متمایز می کنیم، از حضرت محمد(ص) دانش و امانت و خلق خوش، از حضرت علی(ع) شجاعت و بلاغت، از حضرت امام حسن(ع) صبر و حلم و از حضرت امام حسین(ع) جوانمردی و آزادگی. گاندی نهضت کربلا را سرمشق نجات انسان‌ها می‌یابد و می گوید: «از حسین آموختم چگونه در مظلومیت پیروز باشم». و از حضرت زین العابدین(ع) بردباری و علم را می‌آموزیم، درس‌هایی که هر روز باید تکرار و تمرین کنیم، تا راهی به سوی عاقبت خیر بیابیم.

دکتر فربد فدائی ـ روانپزشک

ضرورت ساماندهی فرهنگ عمومی و رفتارهای اجتماعی

در این برهه زمانی خوشبختانه تغییراتی صورت گرفته و صحبت از امید، تدبیر و اعتدال به میان آمده که بسیار کارساز و امید بخش است و به باور من با توجه به سرمایه‌های عظیم ملی و تدابیر اقتصادی و سیاسی و بهره‌مندی از همکاری مسئولان تحصیلکرده، متعهد، دلسوز و کاردان تحت مدیریتی آگاه و مصمم موفقیت در زمینه تغییرات ضروری و کارساز در کشور دور از دسترس و انتظار نیست و قطعا تحقق خواهد یافت اماآیا این برای تداوم راه کفایت می کند؟ به نظر من مطمئناً خیر! چرا که تا نگرش، اخلاق و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی افراد جامعه تصحیح نشود و بهبود نیابد و سالم سازی روحی و فرهنگی انجام نپذیرد، اگر با تمامی ممالک دنیا هم ارتباط برقرار کنیم و از بعد اقتصادی نیز دارای بالاترین رقم رشد باشیم با زهم راه به جائی نخواهیم برد.

چرا که به نظر می‌رسد زمان آن با تاخیری چند ساله فرا رسیده است تا تغییراتی زیربنائی و کارساز در این مورد انجام پذیرد، که اساس آن، از این قرار است: ایجاد شناخت و آگاهی جامعه نسبت به مسایل اجتماعی، رفتاری و اقتصادی، ایجاد فرهنگ صرفه‌جوئی و استفاده درست از انرژی و امکانات اجتماعی و عمومی، ایجاد نظم در فرهنگ زندگی فردی و بهداشت عمومی و محیط زیست و ایجاد شناخت و انگیزه‌های لازم برای زندگی بهتر، که اقدام‌های یاد شده، این دستاوردها را خواهد داشت: قرار گرفتن جامعه در مسیر صحیح روابط اجتماعی و اقتصادی، کاهش برخورد و ناهماهنگی‌های موجود و کم شدن دردسرهای بی‌مورد مسئولان، بهسازی جامعه و محیط زیست و زندگی فردی و صرفه‌جویی بسیار در هزینه‌های ارزی ریالی کشور به دلیل ایجاد فرهنگ استفاده بهینه از تمامی منابع.

فریدون ذوالفقاری

ایمیل گفته‌ها و نوشته‌ها (ویژه خوانندگان) neveshteh@ettelaat.com

مبانی فقهی روابط بین‌الملل



* تألیف: دکتر سید محمود علوی
* نوبت چاپ: هفتم
* شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
* بها: ۴۵/۰۰۰ ریال
* انتشارات: امیرکبیر

موضوع این اثر ـ چنان که از نامش پیداست ـ آن دسته از قواعد فقهی است که جنبهٔ زیربنایی برای روابط بین‌الملل دارد و شکل و جهت و اهداف روابط خارجی حکومت اسلامی را ترسیم می کند و دولت اسلامی باید سیاست خارجی خود را بر مبنای آنها تنظیم کند.

چند قاعدهٔ فقهی که در این اثر، در خصوص روابط بین‌الملل، از آنها بحث شده قواعد تازهٔ کشفی نیستند، بلکه همواره به شکل‌های گوناگون مورد بحث بوده‌اند، ولی در مقام تطبیق و تبیین کاربرد، تنها به حوزهٔ مسائل فردی اکتفا شده است. نظری که این قواعد به امور عمومی امت اسلامی داشته و تأثیری که بر ترسیم خط مشی و سیاست دولت اسلامی دارند، کم و بیش نادیده گرفته شده است، در حالی که اغلب قواعد فقهی، ملاک‌های فراگیری هستند که هم احکام اشخاص را در مسائل مختلف مشخص می کنند و هم تکلیف مسائل کلان جامعهٔ اسلامی را روشن می نمایند.

پیروزی انقلاب عظیم اسلامی، به رهبری امام راحل ـ رضوان‌الله تعالی علیه ـ منشاء دگرگونی شگرفی در بینش همگان به ابعاد شریعت مقدس اسلامی و توان‌مندی فقه و فقاهت گردید و در عمل ابعاد جهان‌شمول اسلام را مطرح ساخت و دست نیاز مجامع علمی، مراکز حکومتی و عوامل اجرایی را به سوی حوزه‌های فقه و فقاهت فرا فرستاد. بدین سان بر همگان مبرهن شد که آیین مقدس اسلام، نظامی فراگیر است و به تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها نظر و به همهٔ نیازهای دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی آنان توجه دارد.

از جمله محورها، محور سیاست خارجی در تنظیم روابط بین‌الملل حکومت اسلامی است. ضرورت دارد که در این عرصه، مباحث کارشناسانهٔ فقه ارائه گردد، و این اثر تلاشی است در آغاز این راه و بدیهی است که با بحث و کاوش‌ها و نقادی ارباب‌نظر، راه کمال را خواهد پیمود.

اهمیت و ضرورت این بحث نیز روشن است، چرا که ما در دورانی زندگی می کنیم، که ارتباطات، جهان را به صورت دهکده‌ای درآورده، بسیاری از مرزها را از خاصیت و تأثیر انداخته، فاصله‌های جغرافیایی را کم‌رنگ کرده و روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را به صورت یک واقعیت گریزناپذیر برای ملت‌ها و کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران درآورده است.

تنظیم روابط نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به گونه‌ای که «عزت» امت اسلامی تضمین و بر پایهٔ «مصلحت» نظام پی‌ریزی شده باشد، اهمیت ویژه‌ای دارد. دستیابی به چنین اهدافی، از رهگذر روابط خردگرایانه حاصل می‌شود که خود از حکمت نشأت می گیرد و به فهم و درایت و تیزهوشی و موقعیت‌شناسی کارگزاران سیاست خارجی متکی است که باید از ویژگی‌هایی چون خرده‌گرایی، هوشمندی، ژرف‌اندیشی و نکته‌سنجی برخوردار باشند.

این اثر، ترسیم مبانی فقهی روابط بین‌الملل در نظام اسلامی را برگزیده است، طوری که ضمن به بحث گرفتن هر یک از مسائل به نوبهٔ خود، پاسخی به پرسش‌ها را نیز ارائه کند.

همان‌گونه که اشاره کردیم، این موضوع با گسترهٔ آن و بدین گونه که در این اثر آمده است، برای نخستین بار مورد بررسی قرار گرفته است و به نظر می‌رسد در حد خود جنبهٔ ابتکاری دارد و از الگوی ساختاری خاصی تبعیت نکرده و شیوهٔ عمومی آن مخصوص به خود است.

در جزئیات برخی از مباحث، از تلاش محققان ارجمند عرصه‌های مختلف علمی نهایت بهره‌وری به عمل آمده است و در واقع عرضهٔ این کتاب را می‌توان گامی در جهت پر کردن یک خلأ به حساب آورد و امید می‌رود راهی را برای کارهای کامل‌تر بگشاید.

از نکات بدیع این کتاب آن است که برای نخستین بار، قواعدی که در میدان فقه و فقاهت، همواره در رابطه با تکالیف فردی و مسائل انفرادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، به سوی مسائل جمعی و شئون حکومتی جهت داده است، و با چشم‌انداز آنها، مسائل کلان بررسی شده، و تنها به تأثیر آنها در حوزهٔ تکالیف فردی بسنده نشده است.

مطالعه این اثر ارزشمند، به پژوهندگان، دانشجویان و تمامی علاقه‌مندان به مباحث حقوقی و حقوق بین‌الملل توصیه می‌شود.

سرزمین‌های اشغالی؛ انتفاضه سوم یا شورش داخلی؟

سرویس خارجی: وضع بغرنج سیاسی ـ اقتصادی سرزمین‌های اشغالی بوی خشم و نفرت می دهد و ترس از انتفاضه سوم یا شورش مدنی از سناریوهای قابل پیش بینی در رابطه با خشم فزاینده مردم فلسطین است. سرزمین های اشغالی فلسطین در تب و تاب نارضایتی داخلی از رهبران و خشم نسبت به سیاست های رژیم صهیونیستی است و در وضعیت بغرنجی به سر می برد. از یک طرف بحران اقتصادی و فقر فزاینده دامن گیر ساکنان سرزمین های اشغالی شده و نارضایتی از رهبران فتح و حماس را به دنبال داشته (رهبرانی که خود درگیر رقابت‌های درونی هستند) و از طرف دیگر، فشارهای رژیم صهیونیستی برغزه و کرانه باختری و ادامه شهرک سازی ها، باعث خشم فزاینده فلسطینیان از سیاست های این رژیم شده است که درچنین شرایطی، ناظران سیاسی با تکیه براین شواهد، معتقدند باید منتظر انتفاضه سوم بود؛ انتفاضه ای که از دو انتفاضه قبل خشونت آمیزتر به نظر می رسد.

بررسی وضعیت فلسطین نشان از این دارد که باید منتظر وقایع جدیدی در این منطقه باشیم؛ وقایعی که نشان دهنده سرریز خشم مردم ستم دیده فلسطین از بی تفاوتی جهان، بویژه جهان عرب نسبت به درد و رنج آنهاست. دراین مقاله سعی داریم با دو نگاه بیرونی (گفتگوهای صلح) و درونی به وضعیت سرزمین های اشغالی، نمایی کلی از وضعیت بغرنج این مناطق ارائه دهیم تا با دیدی کلی تر بتوان مساله را بررسی کرد.

*** از سرگیری گفتگوهای صلح**

موضوع مذاکرات صلح بین مقامات فلسطینی و رژیم صهیونیستی مدتی است دوباره احیا شده است. به این منظور، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا درسفر به منطقه با بنیامین نتانیاهو، رییس کابینه اسراییل و محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین، به گفتگو پرداخت و سعی کرد گفتگوهای مستقیم به اصطلاح صلح بین طرفین را که درسال ۲۰۱۰ به دلیل نبود توافق برسر توقف شهرک سازی های غیرقانونی رژیم صهیونیستی متوقف شده بود، از سر گیرد. از زمان احیای موضوع گفتگوهای صلح، رژیم صهیونیستی شمار محدودی از زندانیان فلسطینی را از زندان آزاد کرد. در حال حاضر، حدود ۵۰۰۰ فلسطینی در زندان های اسراییل به سر می برند و این رژیم کماکان به دستگیری فعالان فلسطینی به ویژه در کرانه باختری ادامه می دهد. آنچه مانع اصلی روند مذاکرات صلح بین طرفین است، توقف شهرک سازی های رژیم صهیونیستی در کرانه باختری و پایان دادن به حضور نظامی این رژیم درمنطقه است.

محمود عباس بر راه حل دو دولت تاکید دارد و ادامه شهرک سازی ها این روند را مختل می سازد. تاریخ مذاکرات رژیم اشغالگر قدس با فلسطینیان نشان می دهد که هربار با شروع دور جدیدی از مذاکرات، آنها شروع به گسترش شهرک ها در کرانه غربی کرده و هرچه بیشتر این منطقه را تقسیم و از هم جدا می کنند. هرچند نتانیاهو بارها اعلام کرده با راه حل دو دولت موافق است، اما برخی مقامات اسراییلی کابینه نتانیاهو مدعی هستند که مشخصا راه حل دو دولت شکست خورده است. سیاست اسراییل در سرزمین های اشغالی، ساختن، ساختن و ساختن است.

با توجه به سوابق رژیم صهیونیستی در مذاکرات صلح، مشخصا می توان گفت که هدف نتانیاهو از شروع روند صلح، خنثی سازی فشارهای بین المللی، امتیازگیری از آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران، انحراف افکار عمومی در فلسطین و بهبود تصویر اسراییل در اذهان عمومی است. آنچه مساله را بغرنج ترمی سازد، این است که گویی محمود عباس هم مشخصا به دنبال مذاکره به عنوان راهی برای بهبود وضعیت فلسطینیان نیست.

به نظر می رسد هدف وی نیز از مذاکرات، بیشتر تاکتیکی باشد برای گرفتن امتیازات کوتاه مدت مانند آزادی زندانیان سیاسی، گرفتن کمک‌های اقتصادی و جلوگیری از سرزنش کسانی که وی را مسئول شکست مذاکرات صلح می دانند. در دیدار جان کری با نتانیاهو، کری هشدار داد که اگر گفتگوهای صلح به شکست

*** از یک طرف بحران اقتصادی و فقر فزاینده دامنگیر ساکنان سرزمین‌های اشغالی شده و نارضایتی از رهبران فتح و حماس را به دنبال داشته و از طرف دیگر فشارهای رژیم صهیونیستی بر غزه و کرانه باختری و ادامه شهرک‌سازی‌ها باعث خشم روزافزون فلسطینیان از سیاست‌های این رژیم شده است که در چنین فضایی، ناظران سیاسی با تکیه بر این شواهد، معتقدند باید منتظر انتفاضه سوم بود؛ انتفاضه‌ای که از دو انتفاضه قبل خشونت‌آمیزتر به نظر می‌رسد**





بینجامد، اسراییل با خطر انتفاضه سوم روبروست و چنین امری، انزوای سیاسی و بین المللی اسراییل را در پی خواهد داشت. جان کری گسترش شهرک‌های یهودی نشین در کرانه غربی را غیرقانونی خواند و این شایعه را که آزادی زندانیان فلسطینی، درازای گسترش شهرک‌های یهودی نشین است، رد کرد. وی گفت که اگر ما با رهبری که معتقد است نباید دست به خشونت زد (محمود عباس) کنار نیاییم، باید منتظر رهبری باشیم که معتقد به خشونت در برخورد با اسراییلی هاست. شواهد حاکی از آن است که این دور از مذاکرات هم به نتیجه نمی رسد. محمود عباس گفته که اسراییل باید شهرک سازی ها را متوقف کند و مرزهای قبل از ۱۹۶۷ را به عنوان مرز دولت فلسطینی بپذیرد، اما انگار گوش مقامات رژیم صهیونیستی به این حرف ها بدهکار نیست، چرا که اسراییل اعلام کرد در حال تهیه نقشه ای برای احداث بزرگراه جدیدی در کرانه باختری است تا از طریق آن، شهرک نشینان «بیت لحم» را به «بحر المیت» وصل کند. بر این اساس، زمین‌های کشاورزی بسیاری از فلسطینیان مصادره خواهد شد و کرانه غربی، بیشتر تقسیم خواهد شد. با این کار، شانس تشکیل دولت فلسطینی منسجم، از نظر سرزمینی بیش از پیش کاهش خواهد یافت. درنوارغزه نیز وضعیت به گونه دیگری است. این روزها درگیری های پراکنده‌ای بین شبه نظامیان فلسطینی و اشغالگران قدس درنوارغزه رخ می دهد.

هر از گاهی، زد و خوردهایی بین گردان‌های «عزالدین قسام» و نیروهای اسراییلی بویژه در جنوب غزه دیده می شود. تنش ها زمانی بیشتر شد که اسراییلی ها ادعا کردند تونل هایی کشف کرده‌اند که نوارغزه را به سرزمین های اشغالی وصل می کند. این تنش ها از زمان حمله هشت روزه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۲ به نوار غزه بی سابقه است.

بنابراین با بررسی سیاست‌های اسراییل در کرانه غربی و زد و خوردهای اخیر در نوارغزه بین نیروهای اشغالگر و شبه نظامیان فلسطینی و همچنین تاریخچه مذاکرات صلح، به نظر می‌رسد این بار نیز مذاکرات صلح به نتیجه‌ای نرسد. ادامه این روند، خشم فلسطینیان را افزایش می‌دهد و همانگونه که بسیاری از تحلیل گران هشدار داده‌اند، احتمالا باید منتظر انتفاضه دیگری باشیم.

*** چالش از درون**

پیچیدگی رنج فلسطینیان به همین جا ختم نمی شود. آنها از چالش ها و تفرقه های درونی بین گروه‌های مختلف فلسطینی نیز در رنج هستند. این چالش ها از دو ناحیه نشات می گیرد؛ یکی مخالفت با حماس در نوارغزه و تشکیل جنبش تمرد توسط مخالفان این گروه و دوم، جنگ قدرت بین فتح و حماس و میان چهره‌های شاخص هر یک از این دو گروه. نوار غزه این روزها شرایط بدی را پشت سر می گذارد. جنبش تمرد که در شهریورماه به تاسی از جنبش تمرد مصر تشکیل شد، بیستم آبان ماه به یک تظاهرات سراسری در نوار غزه دست زد. طبق گفته رهبران این جنبش، اعتراضات در پاسخ به بی عدالتی، فشار و شرایط بد اقتصادی در غزه انجام شد. این جنبش بویژه از زمانی شکل گرفت که در سپتامبر و اکتبر، نیروهای مصری تونل هایی که غزه را به مصر وصل می کرد، تخریب کردند و طی آن، کمک‌های اقتصادی و سوخت که از این طریق به غزه می رسید، متوقف شد. به دنبال کشف این تونل ها، اسراییل نیز حمل سوخت به غزه را متوقف کرد و این مساله باعث ایجاد مشکلات بسیاری برای مردم غزه شد.

از زمانی که نیروهای نظامی مصر اقدامات سخت گیرانه ای را در ارتباط با تونل هایی که مصر و نوار غزه را به هم وصل می کرد انجام داده اند، نوارغزه با وضعیت سیاسی و اقتصادی سختی روبرو شده است.

بسیاری از فعالان فلسطینی از بروز فاجعه انسانی در نوار غزه خبر می دهند. آنها بر وضعیت بد اقتصادی و آمار بالای بیکاری در این منطقه تاکید دارند. در حال حاضر، درآمد بیشتر مردم این منطقه به ۲ دلار در روز کاهش پیدا کرده است. اختلافات فتح و حماس و چالش های درونی این دو گروه نیز برگ دیگری از درد و رنج مردم فلسطین است. از زمانی که ارتش مصر مرسی را از قدرت به زیر کشید و سران اخوان المسلمین به زندان افتادند، حماس نیز در انزوا قرار گرفت.

این امر منجر به برهم خوردن توازن به سود محمود عباس و جنبش فتح شد. جنبش فتح درحال حاضر نسبت به حماس از موقعیت بهتری برخوردار است، اما این جنبش نیز در کرانه باختری با چالش های زیادی روبروست.

این چالش ها، هم شامل اختلافات داخلی خود فتح و سازمان آزادیبخش فلسطین (چالش هایی از قبیل اختلافات درون سازمانی، نداشتن استراتژی شفاف در رابطه با مسائل فلسطینی و رقابت با حماس) و هم شامل چالش هایی می شود که رژیم صهیونیستی ایجاد می کند؛ چالش هایی مانند گسترش شهرک سازی ها، تخریب منازل فلسطینیان، غصب زمین های آنها، دستگیری و زندانی کردن فعالان فلسطینی. در کنار این مشکلات، فقر و بیکاری فزاینده نیز مزید بر علت است.

نقدی که بر عباس مطرح است، این است که وی از عرفات دیکتاتورتر است. در مقابل رفتارهای عباس، نه پارلمانی وجود دارد که وی را زیرنظر داشته باشد و نه اپوزیسیون اصیل سیاسی وجود دارد که مانع اقدامات غیردموکراتیک وی شود. شورای قانونگذاری فلسطین نیز در پنج سال گذشته تشکیل نشده و این در حالی است که فعالیت‌های حماس در کرانه باختری توسط جنبش فتح سرکوب می شود.

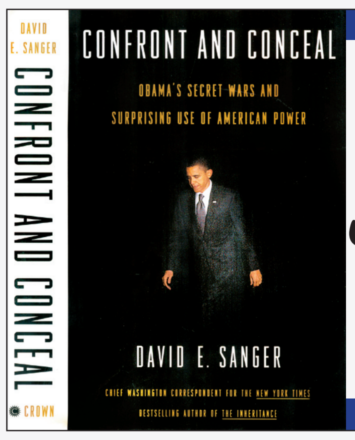
بنابراین باید گفت که فشارهای اسراییل، زندگی روزمره را برای مردم فلسطین مشقت بار ساخته و چالش‌های درونی رهبران فلسطینی نیز این مشقت را شدیدتر کرده است.

*** جمع بندی**

همانگونه که ذکر شد، فلسطین اشغالی در وضعیت بغرنجی به سر می برد. از یک طرف گسترش شهرک سازی های رژیم صهیونیستی در کرانه باختری و حملات موشکی به نوار غزه باعث نارضایتی گسترده فلسطینیان از سیاست‌های اسراییل شده و احتمال انتفاضه سوم می‌رود. از طرفی دیگر، دو منطقه اصلی فلسطین (نوار غزه و کرانه باختری) هر یک چالش‌های خاص خود را دارند که نارضایتی از رهبرانشان را به دنبال دارد. نارضایتی از سیاست های حماس باعث شکل گیری جنبش تمرد در این منطقه شده است. این جنبش نشان از شکل گیری یک نارضایتی مدنی از سیاست های حماس در غزه دارد؛ نارضایتی هایی که می تواند شورش اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

در کرانه غربی نیز وضعیت داخلی بهتر از نوار غزه نیست و نگرانی از وضعیت بد اقتصادی و سیاست‌های غیردموکراتیک محمود عباس، باعث گسترش نارضایتی ها از وی شده و احتمال شکل گیری اعتراضات خیابانی علیه وی وجود دارد. هر دو گروه فلسطینی با چالش های داخلی زیادی روبرو هستند و تا زمانی که طرفین بر سر قواعد بازی و یک برنامه مشخص به توافق نرسند، نمی توان هیچ برنامه ملی را در فلسطین به پیش برد. بر این اساس، نمی توان به وضوح گفت که خشم فروخورده فلسطینیان به چه ختم خواهد شد؛ انتفاضه سوم یا شورش درونی، یا شاید هم این مساله به انفعال سیاسی ختم شود. هر چه هست، این فلسطینیان هستند که در آتش بی توجهی داخلی و خارجی می سوزند.

رویارویی و پنهانکاری



نوشته: دیوید سَنگر
مترجم: منوچهر بیگدلی خمسه
۲۰۶

این وظیفه به کریستوفر هیل، دیپلمات کارکشتهٔ آمریکایی واگذار شد، که کندولیزا رایس او را آورد تا آسیب وارده در دورهٔ اول بوش را جبران کند.

هیل بیش از آنچه همگان انتظار داشتند، به دست آورد و یک جدول زمانی برای اوراق کردن داشته‌های هسته‌ای کرهٔ شمالی تنظیم شد. کرهٔ شمالی به منظور تأثیر بصری حتی یک برج خنک‌کننده در سایت اصلی هسته‌ای واقع در یونگ بیون را ـ البته جلوی دوربین‌های سی‌ان‌ان تخریب کرد تا نشان دهد که عازم عصر همکاری تازه‌ای شده است.

با توجه به تصریح اوباما دربارهٔ برقراری ارتباطات افزونتر، شاید می‌بایست توقع داشت که کیم یونگ ـ ایل بعد از تحلیف اوباما یادداشت تبریکی بفرستد و بگوید که چشم به راه گفتگوهای آینده است.

در عوض وی پیامی متفاوت فرستاد: در آوریل ۲۰۰۹ تای پودونگ ـ ۲ دیگری پرتاب شد که این بار حامل چیزی بود که کرهٔ شمالی می گفت ماهواره است، تا بدین ترتیب کیم بتواند انکار کند که با نقض قطعنامه‌های شورای امنیت موشک قاره‌پیما پرتاب کرده است.

(این ماهواره بلافاصله در دریا سقوط کرد و این اندرز را داد که اگر کرهٔ شمالی موشک قاره‌پیمایی به ایالات متحده پرتاب کند، امن‌ترین مکان ماندن، همان جایی است که آنها هدف گرفته‌اند.)

در این هنگام بود که دولت اوباما دریافت چون موضوع بازداشتن کره‌ای‌های شمالی به میان آید هماهنگ شدن با چین چقدر دشوار است. در همان زمان یک مقام دولتی به من گفت: «ترجیح‌بند چینی‌ها این بود،]ما نمی‌توانیم این کیم‌های دیوانه را کنترل کنیم، اما اگر آنها را زیر فشار بگذارید، از این هم بدتر رفتار می کنند.» چینی‌ها به همراه روسها با هر نوع مجازات‌های حقیقتاً سخت، یا هر تحریم واقعی علیه کرهٔ شمالی مخالف بودند. توافق حاصله یک «بیانیهٔ رؤسای جمهور» ضعیف صادر از شورای امنیت سازمان ملل، یا قوهٔ تعهد اندک بود.

آنگاه کرهٔ شمالی اعلام کرد که به تلافی این اقدام سازمان ملل، بار دیگر کلیهٔ بازرسان را از سایت اصلی هسته‌ای کشور اخراج خواهد کرد. دولت کیم تهدید به یک آزمایش هسته‌ای دیگر کرد، و قاطعانه افزود که مشغول تولید یک موشک جدید قاره‌پیما با هدف اصابت به شهرهای آمریکاست. حتی با معیارهای کرهٔ شمالی، این یکی بسیار افراطی بود.

اما در این موقع به نظر می‌رسید که اوباما هنوز دربارهٔ ترسیم یک «خط قرمز» که کرهٔ شمالی فقط به بهای مهلکه برای خود از آن عبور خواهد کرد، مردود است. من از این امر در عجب بودم که اوباما اخطار پرزیدنت بوش بعد از آزمایش هسته‌ای در سال ۲۰۰۶ را، مشعر بر اینکه در صورت فروش فناوری هسته‌ای به خارج ایالات متحده کرهٔ شمالی را مسئول خواهد شمرد، تکرار نکرده بود.

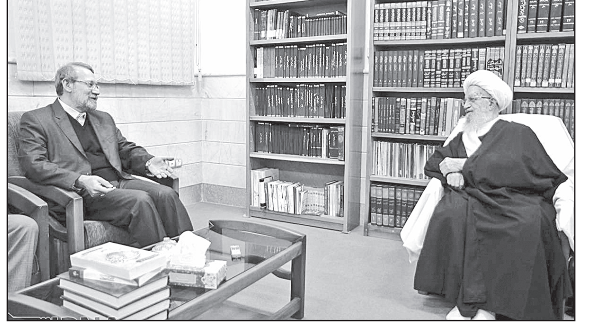
(چنانکه چنی در خاطراتش می‌نویسد، بوش وقتی که کرهٔ شمالی برای ساختن رآکتور هسته‌ای به سوریه، که سرانجام اسرائیل آن را منهدم کرد، یاری داد، از تهدید خود عدول کرد.) پیداست که در داخل کاخ سفید اوباما راجع به این که بیانیه‌ای مشابه فوق‌العاده تحریک‌آمیز خواهد بود، مباحثه می‌شد. بالاخره روزی دنیس مک دانائو، معاون مشاور امنیت ملی به من ایمیل زد که حاکی بود تصمیم گرفته‌اند که گیتس این تهدید را بیان کند ـ که کرد، هرچند که بدون تأیید ریاست جمهوری چندان جلب توجه نکرد.

در ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۹، کرهٔ شمالی دومین آزمایش زیرزمینی خود، در ظرف سه سال، را انجام داد؛ این بار آزمایش ضایع نبود. اگر چه فقط عده‌ای معدود در واشنگتن غافلگیر شدند، بر دیپلماسی اوباما در قبال کرهٔ شمالی در سالهای بعد تأثیر گذاشت. جفری بادر بعداً به من گفت: «از آن روز به بعد همه در کاخ سفید به شدت ضد کرهٔ شمالی شدند.»

ادامه دارد

رئیس مجلس: مسیر حرکت دولت مثبت است







بقیه از صفحه اول

مسائل شده اند، یادآور شد: یکی از نکات مثبت دولت یازدهم قانونگرایی است؛ همین که لایحه بودجه را به موقع دادند نشان از قانونگرایی دارد.

وی با بیان اینکه بودجه‌ای که دولت تنظیم کرده ۱۹۰ هزار میلیارد تومان است، اضافه کرد: اگرچه این رقم مقداری خوش بینانه است، اما قابل تحمل است.

امتیازهای لایحه بودجه

لاریجانی افزود: لایحه بودجه سال قبل بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بود که تأمین هم نشد لذا تعدیل خورد و متمم بودجه آمد و هنوز هم تخصیص‌هایی که می‌دهند آنقدر نیست که در بودجه آمده است.

وی گفت: یکی از کارهای خوب که در این لایحه بودجه وجود دارد این است که به جای اینکه تعداد پروژه‌ها را زیاد کنند و پروژه‌های زیادی را زخمی کنند و مثقالی بودجه دهند که زمان طولانی ببرد، ۲۹۰ پروژه را که از پیشرفت بالای ۸۰ درصدی برخوردار بود در اولویت قرار دادند که کار عقلایی است.

رئیس مجلس بابیان اینکه هرچه این پروژه‌ها زودتر به پایان برسد توان ملی کشور از نظر تولید بالا می‌رود، اضافه کرد: با توجه به این موضوع ممکن است برخی از استان‌ها پروژه‌های بیشتری داشته باشند و برخی کمتر، که این مساله موجب دغدغه برخی از نمایندگان شده که این دغدغه محترم است.وی با اشاره به اینکه ما غیر از این منابعی که برای پروژه‌های دارای اولویت داریم باید یک توسعه متوازن در کشور داشته باشیم، گفت: در این راستا باید دو کار انجام شود یکی اینکه یک سری پروژه‌های ریز باید نقاط محروم پوشش دهند مثل آب، برق، گاز و راه روستایی که لازم است در اولویت قرار گیرد و منابعی برای آن قرار داده شود که ما می توانیم در بودجه به آن برسیم.لاریجانی با بیان اینکه باید این موضوع را صریح‌تر با مردم در میان بگذاریم، افزود: رئیس جمهوری توضیح دادند ۴۰۰ هزار میلیارد تومان پروژه عمرانی در کشور وجود دارد که اگر ۳۰ هزار میلیارد تومان را برای این پروژه بگذاریم با نرخ تورم ۳۰ درصد ۲۰ سال طول می‌کشد به پایان برسد.

وی کمک مردم را در این زمینه راهگشا دانست و اضافه کرد: نقدینگی در جامعه زیاد است و چون تولید در رکود به سر می‌برد این نقدینگی به سوی تولید نمی‌رود.

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: باید این ۴۰۰ هزار میلیارد تومان پروژه را در اختیار مردم قرار دهیم تا سرمایه گذاری کنند و نقدینگی به سمت تولید سرازیر شود که این موضوع موجب ایجاد رونق اقتصادی و رفع مشکلات در کشور خواهد شد.

توسعه روابط با چین

لاریجانی در پاسخ به سوالی مبنی بر دستاوردهای سفر اخیر به چین گفت: ما با چین یک ارتباط تقریباً پایدار داریم و این کشور جزو کشورهایی است که سهم زیادی در روابط تجاری ما دارد.

رئیس مجلس استفاده از فاینانس چین را یکی از ظرفیت‌های مهم ایجاد شده دانست و افزود: در شرایط فعلی یکی از مسائلی که می‌تواند ما را از رکود بیرون بیاورد ایجاد زمینه‌هایی برای سرمایه گذاری است در همین راستا منابعی که ما در چین داریم می‌تواند پشتوانه‌ای برای حجم زیادی فاینانس شود.

وی پروژه راه آهن سریع السیر اصفهان –قم – تهران، پروژه راه آهن قم – تهران – مشهد و صنایع فولاد و پتروشیمی را از جمله پروژه‌هایی ذکر کرد که احتیاج به سرمایه گذاری دارد و مورد استقبال چینی‌ها قرار گرفته است.

توافقنامه، توقفگاه است

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین درباره موضوع توافقنامه ژنو گفت: توافقنامه ژنو منزلگاه نیست، بلکه توقفگاه موقتی است و خواسته ایران از آن حفظ فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز و از میان رفتن تحریم‌های ظالمانه است.

علی لاریجانی افزود:: این توافق به طور طبیعی شرایط بین‌المللی و فضا را آرام‌تر کرده و به همین دلیل جیغ و فریادهای رژیم صهیونیستی بلند شده است، چرا که این رژیم دوست دارد ایران همیشه در منطقه داغ قرار داشته باشد.او گفت: مباحث داخلی کشور درباره محتوای توافقنامه، یکسری بحث‌های تکنیکی است و مهم آن است که ما چگونه به گام‌های بعدی برسیم، چون توافقنامه ژنو را نه یک منزلگاه، بلکه یک توقفگاه موقتی می‌دانیم.

وی افزود: در ۶ ماه آینده باید با دقت کامل هم کارهای نهایی از نظر فنی را انجام دهیم و هم این که خواسته مردم ما که برخورداری از فناوری هسته‌ای است حفظ شود و هم تحریم‌ها کاهش یابد.وی افزود: در بخش تحریم‌ها یک حرکت کوچک انجام شده است و بنا شده تحریم‌های جدید داده نشود و برخی از پول‌های بلوکه در حدی برای خرید خوراک، دارو و... آزاد شود.

رئیس مجلس تاکید کرد: البته این امر سبب حل همه مشکلات نمی‌شود، بلکه این حرکت گام نخست برای آرام شدن فضا و حرکت رو به جلو بوده است و باید گام‌ها ادامه یابد.

مواضع متناقض

لاریجانی در پاسخ به سؤالی درباره مواضع متناقض مقامات و رسانه‌های آمریکا و تلاش برای ادامه تحریم‌ها گفت: یک دلیل این نوع مواضع مربوط به مسئولان آمریکایی است که زیاد حرف می‌زنند و گاهی به نوعی سخن می‌گویند که بی وجودی خود را نشان می‌دهند.

وی افزود: کسی که می‌خواهد وارد مرحله بزرگ‌تری شود و توافقی انجام دهد باید پای حرفش بایستد.

رئیس مجلس شورای اسلامی، فشار لابی صهیونیستی را دلیل دیگر برخی مواضع غیر اصولی رسانه‌های آمریکایی برشمرد و گفت: این‌ها از نظر رسانه‌ای قدرت زیادی دارند و تلاش می‌کنند فضا را غبارآلود کرده و شرایط را تخریب کنند.

وی تلاش مخالفان دولت در کنگره و سنا، و برخی لابی‌های منطقه‌ای را از دیگر دلایل مواضع متناقض مقامات و رسانه‌های آمریکایی دانست.

او گفت: به دلیل همین کارشکنی‌ها و مخالفت‌هاست که رفتار مسئولان ایرانی باید عقلایی و منطقی باشند و هدفشان را گم نکنند.لاریجانی تاکید کرد: هر کدام از این فضاسازی‌ها پاسخ خاص خود را دارد اما نباید بر روی مسیر اصلی ما تاثیر بگذارد.

ضرورت وحدت داخلی

رئیس مجلس بر ضرورت وحدت در داخل کشور بر سر مسائل ملی تاکید کرد و گفت: اگر وحدت وجود نداشته باشد دچار آسیب می‌شویم البته اینکه باید چند صدایی وجود داشته باشد هیچ اشکالی ندارد به ویژه در مجلس شورای اسلامی عقاید مختلفی وجود دارد و نمایندگان حق دارند درباره مسائل کشور نظر بدهند.او با تاکید بر ضرورت حرکت در مسیر ترسیم شده از سوی رهبر معظم انقلاب گفت: نقدها باید مشفقانه بوده و جنبه اصلاحی داشته باشد تا گام بعدی درست برداشته شود و نباید جنبه تخریبی پیدا کند.

وی تاثیر تقویت توان ملی به ویژه در بعد اقتصادی را بر مسایل بین المللی و مذاکرات یادآور شد و گفت: اگر حریف احساس کند ما به مذاکره و رفع تحریم‌ها نیاز داریم، گرانفروشی می‌کند، اما اگر وضع اقتصادی داخل را تا آنجاکه می‌توانیم بهبود ببخشیم، قطعاً در مذاکرات دست پیش خواهیم داشت. لاریجانی تاکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب مبنی بر بالابردن توان و رونق اقتصادی داخلی را یک آینده نگری دقیق برای کشور دانست و گفت: هر چند تحریم‌ها در بخش‌هایی مشکلاتی ایجاد کرده اما مقدار زیادی از مشکلات داخلی مربوط به مسائل مدیریتی است.

نگاه ملی به ظرفیت‌های قم

رئیس مجلس شورای اسلامی بر ضرورت نگاه ملی به ظرفیت‌های قم تاکید کرد. علی لاریجانی در ادامه درباره مسائل شهر قم گفت: وقتی نگاه ملی باشد در برخی از پروژه‌ها از جمله حرم تا جمکران هیچ نیازی به کمک دولت نداریم، بلکه نیاز به استفاده از ابتکارات خودمان داریم.وی گفت:به وسیله فکر صحیح می توانیم از این بلوار برای آبادانی دیگر بخش‌های قم درآمدزایی داشته باشیم.

لاریجانی با تاکید بر اینکه باید یاد بگیریم کشور با هزینه کم اداره شود، افزود: حجم زیادی از کار ما زمینگیر شده است در همین راستا باید یاد بگیریم کشور را ارزان اداره کرده و از کارآفرینی و ابتکارات استفاده کنیم.

وی در خصوص منوریل قم گفت: قسمت اعظم کارها انجام شده و در حال مذاکره برای خرید واگن هستند.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه یکی از اشکالات لایحه بودجه این است که برای پروژه منوریل پول کافی گذاشته نشده است، اضافه کرد: برای اتمام این پروژه نیازمند مهر ماندگار جدیدی هستیم.

دیدار رئیس مجلس با مراجع عظام

رئیس مجلس شورای اسلامی با حضور در دفتر آیات عظام وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی و سبحانی با این مراجع تقلید دیدار و گفتگو کرد. این دیدارها به صورت خصوصی و بدون حضور خبرنگاران برگزار شد.

وی همچنین با آیت الله العظمی نوری همدانی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی دیدار و گفتگو کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی از«جعفر رشتی زاده» استاد پیشکسوت فرش استان قم هم که در بستر بیماری است عیادت کرد.

عیادت از علامه عاملی

علی لاریجانی عصر دیروز از علامه سیدجعفر مرتضی عاملی از علمای برجسته لبنانی در منزل او در قم عیادت کرد.رئیس مجلس در این دیدار در جریان آخرین وضع جسمانی و روند درمانی علامه عاملی قرار گرفت.

اصلاح لایحه پیشگیری از وقوع جرم در مجمع تشخیص مصلحت نظام

سرویس خبر: معاون پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه اعلام کرد: مقام معظم رهبری در نامه‌ای به مجمع تشخیص مصلحت نظام اجازه دادند لایحه پیشگیری از وقوع جرم در این مجمع اصلاح شود یا تغییر یابد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکترصدر حسینی در جمع مدیران کل و معاونین پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه درباره آخرین وضع لایحه پیشگیری از وقوع جرم گفت: این لایحه بیش از یکسال است که به دلیل اختلاف میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته و بر روی آن بسیار بحث شد که مجمع تشخیص ایرادات مبنایی گرفت.وی افزود: رئیس این جلسه اعلام کرد که طبق قانون می توانیم دو کار مهم انجام دهیم اول اینکه حکمیت کرده و لایحه مجلس یا شورای نگهبان را تأیید کنیم و دوم آنکه خود کمیسیون قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام لایحه را تغییر دهد که این نیاز به اجازه مقام معظم رهبری داشت که معظم له در پاسخ به این نامه اجازه دادند تا خود مجمع لایحه را بازبینی، اصلاح و تغییر دهد که البته باز هم باید این لایحه در مجمع بررسی شود.

هلاکت ۲ آدم‌ربای مسلح در درگیری با پلیس در زاهدان

زاهدان: دو سارق و آدم‌ربای مسلح در زاهدان بامداد دیروز در درگیری با مأموران انتظامی کشته و دو همدست آنان دستگیر شدند.معاون سیاسی و امنیتی استانداری سیستان و بلوچستان در این باره گفت: سارقان مسلح یکشنبه شب با هدف سرقت، دو نوجوان ۱۰ و ۱۱ ساله را در زاهدان به گروگان گرفته بودند که این دو نوجوان توسط مأموران انتظامی از چنگ سارقان آزاد شدند.

رجبعلی شیخ‌زاده افزود: درگیری پلیس با سارقان مسلح در این شهر تا بامداد دیروز طول کشید و در این مدت مأموران تلاش کردند که به دو گروگان آسیبی نرسد.

وی گفت: گروه مسلح متلاشی شده تاکنون چند فقره سرقت در نقاط مختلف کشور انجام داده بود که در آخرین مورد علاوه بر دزدی، اقدام به گروگانگیری با قصد اخاذی کرد که این اقدام آنها ناکام ماند.

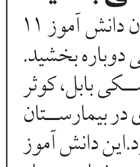
معاون استاندار سیستان و بلوچستان گفت: سارقان مسلح پس از تعقیب و گریز چند ساعته در یکی از خانه‌های حاشیه شهر زاهدان با همکاری نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دام افتادند.

پیکر آیت‌الله مروی در جوار حرم مطهر رضوی آرمید

سرویس شهرستانها ـ پیکر آیت الله مرحوم حاج شیخ علی مروی از علمای شاخص و انقلابی مشهد دیروز از مسجد ملاحیدر این شهر تا حرم مطهر حضرت امام رضا(ع) تشییع و پس از طواف در حرم مطهر حضرت ثامن‌الحجج(ع)، در صحن جمهوری حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. در آیین تشییع و خاکسپاری این عالم ربانی، استادان و طلاب حوزه‌های علمیه و قشرهای مختلف مردم شرکت داشتند.

مرحوم آیت الله حاج شیخ علی مروی از علمای نیشابوری ساکن مشهد بعد از نیم قرن تلاش در راه نشر معارف دینی و مذهبی در این شهر یکشنبه دعوت حق را لبیک گفت.این مرحوم سال‌ها امامت جماعت مسجد هدایت مشهد را برعهده داشت و از شاگردان شیخ مجتبی قزوینی و آیت‌الله میلانی بود. وی نقش مؤثری در مبارزات مردم در دوران ستمشاهی و حمایت از آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی داشت.

اعضای بدن دختر ۱۱ ساله به ۳ بیمار زندگی بخشید



ساری: اهدا و پیوند اعضای بدن دانش آموز ۱۱ ساله بابلی به سه بیمار نیازمند، زندگی دوباره بخشید.

به گزارش دانشگاه علوم پزشکی بابل، کوثر آشورون ۱۸ آذرجاری بر اثر بیماری در بیمارستان شهید بهشتی بابل بستری شده بود.این دانش آموز پس از چند روز به علت کاهش سطح هوشیاری دچار مرگ مغزی شد که با موافقت خانواده، بدنش برای کالبدشکافی و اهدای اعضای سالم به تهران انتقال یافت.دو کلیه، دو دریچه قلب، کبد، نسوج و قرنیه چشم این نوجوان مرگ مغزی به سه بیمار منتظر نجات از مرگ و سه بیمار منتظر درمان، اهدا و پیوند شد.

برخورد مینی بوس حامل دانش‌آموزان با تریلر ۱۲ کشته برجا گذاشت

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: برخورد یک دستگاه مینی‌بوس بنز حامل دانش آموزان با یک دستگاه تریلر ولوو در کیلومتر ۲۵ محور صالح آباد به شوشتر دراستان خوزستان ۱۲کشته و ۱۲ زخمی برجا گذاشت.

سرهنگ اسفندی رئیس تصادفات پلیس راه کشور دراین باره افزود: این حادثه ساعت ۷:۳۰ صبح دیروز رخ داد و کارشناسان پلیس با حضور در صحنه حادثه علت تصادف را تجاوز به چپ از سوی راننده مینی بوس بنز (سرویس مدرسه) اعلام کردند.



به گفته محمدپور فرماندار گتوند این مینی‌بوس که با ۲۴ سرنشین از شهر صالح آباد گتوند عازم شوشتر بود، حوالی ساعت ۷و ۳۰دقیقه با تریلر شاخ به شاخ شد و راننده و ۱۱نفر از سرنشینان مینی‌بوس در صحنه حادثه جان باختند و ۱۳ نفر هم زخمی شدند. پس از وقوع حادثه، امدادگران هلال احمر و آتش نشانی در محل حاضر شدند و زخمیان را به بیمارستان‌های شوشتر و دزفول انتقال دادند.یکی از افراد نجات یافته از این حادثه، گفت: حادثه زمانی رخ داد که مینی بوس از پرایدی که جلویش بود سبقت گرفت و با تریلر که از روبرو می‌آمد برخورد کرد.

همچنین در اتفاقی جالب یکی از کشته‌شدگان تصادف مینی‌بوس در محور گتوند – شوشتر که به سردخانه منتقل شده بود، با بروز علایم حیاتی به زندگی بازگشت.یکی از مجروحان حادثه به تصور اینکه بر اثر این تصادف جان خود را از دست داده است توسط نیروهای امدادی به سردخانه منتقل شده بود، اما پس از دقایقی علایم حیاتی در وی تشخیص داده شد و از سردخانه به بیمارستان انتقال یافت تا مداوا بر روی این مجروح انجام شود.

روابط عمومی دانشگاه‌علوم‌پزشکی دزفول اسامی هشت نفر ازکشته‌شدگان این حادثه راکه هویت آنان شناسایی شده است اعلام کرد.

قاسم پویانژاد، حسین رمضان‌زاده، محمدجاویدانه، فرهاد کریمی، اعظم حسین‌پور، سپیده حسینی و خانم‌ها رحیم‌پور و شهریاری از کشته شدگان این حادثه هستند.هویت ٤ نفر دیگر از کشته‌شدگان این حادثه هنوز مشخص نشده است. این حادثه تاکنون ۱۲کشته و ۱۲ مصدوم بر جای گذاشته است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

نگهبانان خوش برخورد بیمارستان

نگهبانان بیمارستان دکتر معیری واقع در خیابان مجاهدین اسلام، با بیماران و همراهان آنان برخورد مؤدبانه و خوبی دارند. امیدوارم چاپ این پیام باعث دلگرمی و تشویق آنان از سوی مدیران این بیمارستان شود.

فاطمه فرخی‌پور

اهمیت اخبار شهرستان‌ها برای مسئولان روزنامه

اخبار حضور آقای هاشمی، مدیر سازمان شهرستان‌های روزنامه اطلاعات و آقای ویژگان، دبیر سرویس اخبار شهرستان‌های این روزنامه در برخی شهرها و نمایندگان استان‌های روزنامه اطلاعات، نشان می‌دهد که اخبار شهرستان‌ها و خبرنگاران این حوزه دارای اهمیت زیادی برای مسئولان این روزنامه است.

عرفان

گذشت ماندلا در مقابل مخالفان

رهبر فقید آفریقای جنوبی در تاریخ جاودانه شد، چون در مقابل مخالفانش گذشت را پیشه ساخت. او برای مردم فقیر آفریقا، غرور و عظمت به ارمغان آورد و حتی برای مخالفان، یک رهبر واقعی محسوب شد.

تلفن به خط ارتباطی

نرخ بالای حمل بار در کیوسک‌های شهرداری

نرخ حمل بار در کیوسک‌های متعلق به شهرداری در پایانه مسافربری غرب بسیار بیشتر از نرخ‌هایی است که باربران معمولی اعلام می‌کنند و به همین دلیل مورد اعتراض مسافران است.

مسافر پایانه غرب

ضرورت دعوت به اتحاد و همدلی

یکی از نشانه‌های آشکار برخورداری از تقوای الهی در وجود عالمان دینی که هدایت مردم را به عهده دارند، تشویق مردم به اتحاد و همدلی و چاره‌جویی برای حل اختلافات است و این همان نکته‌ای است که از تمامی ائمه محترم جماعات و جمعه باید به آن توجه کنند.

از نمازگزاران جمعه

تصویر زیبای شادی جوانان دانشجو

تصویر زیبای صفحهٔ اول روزنامه اطلاعات ۱۷ آذر ماه ۹۲، شادی جوانان دانشجوی کشور را به خوانندگان روزنامه منعکس کرد.از مسئولان روزنامه برای انتخاب این عکس و از دکتر روحانی به دلیل عملکردشان در دوران کوتاه ریاست جمهوری تشکر می‌کنم و موفقیت‌های بیشتر ایشان را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

خانم خدادوست

ضرورت گسترش سامانه داشبورد جمعیتی کشور

راه‌اندازی سامانه داشبورد جمعیتی ایران به وسیله سازمان ثبت احوال کشور، دستگاه‌ها را از ارائه عکس، مدارک و کپی آن‌ها توسط مراجعان بی‌نیاز می‌کند و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز با ارائه کدملی، امکان‌پذیر می‌شود. ضرورت دارد این سامانه به تمامی بانک‌ها، ادارات، بیمارستان‌ها و وزارتخانه‌ها گسترش یابد تا از اتلاف کاغذ، وقت و هزینه مراجعان، جلوگیری شود.

تلفن به خط ارتباطی

حرمت خلیج فارس

پیشنهاد می‌شود به حرمت نام خلیج فارس در هر شهری یک مدرسه، مجموعه‌ورزشی یاهنری حتی یک خیابان به‌نام خلیج‌فارس، نام‌گذاری‌شود.

ایمیل به خط ارتباطی

رفتار مأموران سد معبر شهرداری خشن بود

در تاریخ ۸ آذرماه ۹۲ حوالی ظهر در خیابان ولی‌عصر(عج)، نرسیده به خیابان پارک‌وی، مأموران سد معبر شهرداری با یک جوان گل‌فروش رفتار نامناسبی داشتند. این رفتار خشن در مقابل چشم مردم در مورد جوانی که سعی داشت لقمه‌ای نان برای خانواده‌اش فراهم کند، دور از انتظار بود.

شهروند تهرانی

قدردانی از رانندگان وظیفه‌شناس اتوبوسرانی

پس از آنکه یکی از اتوبوس‌های خط انقلاب ـ شهرک ژاندارمری در یکی از خیابان‌های مسیر دچار نقص فنی شد، راننده اتوبوس با حفظ خونسردی در مقابل پرخاش‌های برخی از مسافران خسته، بلافاصله با پایانه اتوبوسرانی انقلاب تماس گرفت و راننده دیگری پس از زمان کوتاهی از راه رسید و به ادامه مسیر پرداخت. به سهم خود از رانندگان وظیفه‌شناس شرکت واحد اتوبوسرانی و مسئولان پایانه انقلاب قدردانی می‌کنم.

پریسا خدیوپارسی ـ استادیار دانشکده مهندسی شیمی پردیس دانشگاه تهران

پیشنهادی دربارهٔ افزایش امنیت اجتماعی

برای افزایش ضریب امنیت اجتماعی به سازمان تاکسیرانی و اداره راهنمایی و رانندگی پیشنهاد می‌شود سامانه پیامکی را راه‌اندازی کنند تا مسافران به ویژه بانوان برای اطمینان از تاکسی‌ها و خودروهای شخصی که قصد سوار شدن آنها را دارند، پس از ارسال شماره پلاک خودرو به این سامانه و دریافت پاسخ تأیید، با آسودگی خاطر در سطح شهر رفت و آمد کنند.

ایمیل به خط ارتباطی

درمانگاه تأمین اجتماعی تأسیس شود

برای رفاه حال کارگران معادن ذغال سنگ شهرستان رامیان (استان گلستان) و دیگر بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی، تقاضا می‌شود درمانگاهی زیرپوشش این سازمان در این شهر تأسیس شود.

رامیان ـ بیمه شده تأمین اجتماعی

مقابله عملی دولت با آلودگی هوا

پس از ابلاغ دستور رئیس جمهوری برای رسیدگی فوری به مسأله آلودگی هوا، ساکنان شهرهای بزرگ و صنعتی، بی‌صبرانه منتظر نتایج اقدامات عملی دولت در مواجهه با این پدیده خطرناک هستند.

منصوری

سرمایه خریداران سهام بلوکه شده است

حدود یک سال و نیم است که نماد سهام پتروشیمی اصفهان بسته شده و خرید و فروش آن ممنوع و سرمایه خریداران سهام بلوکه شده است. امیدواریم مسئولان ذی‌ربط در سازمان بورس و اوراق بهادار در این خصوص توضیح دهند.

از خریداران سهام

پاسخگویی طلبکارانه

در جایی که پاداش پایان سال گذشته کارکنان دولت و بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی، ۴۰۰ هزار تومان بود، پس از فاش شدن پاداش‌های چندصد میلیونی برخی از مسئولان تأمین اجتماعی، در این میان، عده‌ای طلبکارانه، سعی در توجیه کارهای صورت گرفته دارند که تأسفبار است.

علی مظفری

بیماران اعصاب و روان زیر پوشش بیمه نیستند

نمایندگی بیمه تکمیلی آتیه‌سازان حافظ در بزرگراه رسالت از ارائه معرفی‌نامه برای بستری شدن دخترم که مبتلا به بیماری اعصاب و روان است، خودداری می‌کند و متصدیان بیمه اعلام می‌کنند که این بیماری جزو تعهدات بیمه نیست. در حالی که سایر بیمه‌ها هزینه‌های بستری شدن بیماران اعصاب و روان را هم زیرپوشش قرار می‌دهند.

بازنشسته تأمین اجتماعی

نرخ دارو روند صعودی دارد

برخلاف گفته‌های برخی از مسئولان وزارت بهداشت و درمان در کنترل بازار دارو و ثابت ماندن نرخ‌ها و حتی کاهش قیمت برخی اقلام دارویی، قیمت دارو همچنان رو به افزایش است. به عنوان مثال هزینه خرید داروهای مادرم پس از عمل جراحی قلب در خردادماه ۱۳۰ هزار تومان شد و تمدید و خرید همان نسخه با همان اقلام دارویی در آذرماه ۳۳۰ هزار تومان هزینه داشت. ضمن آنکه سهم بیمه از این مبلغ فقط ۲۰ هزار تومان شده است!

فرزند سالمند بیمار

کلاهبرداری از هموطنان شهرستانی

متأسفانه برخی از افراد سودجو با استفاده از پیامک از هموطنان شهرستانی کلاهبرداری می‌کنند. این افراد با بهره‌برداری سوء از دوری مسافت به جای کالاها و لوازم وعده داده شده در پیامک‌ها، جعبه‌های خالی برای هموطنان شهرستانی می‌فرستند. شناسایی و مجازات آنان از سوی عوامل نیروی انتظامی و محاکم قضایی درخواست می‌شود.

زاهدان ـ خانم شهروند

بقیه در صفحه ۹

برتری مهرام و شکست ذوب آهن در لیگ برتر بسکتبال

هفته دهم لیگ برتر بسکتبال، دیروز با پیروزی تیم مهرام و شکست خانگی تیم ذوب‌آهن، آغاز شد.

دیروزدر آغاز هفته دهم لیگ برتر بسکتبال، تیم دانشگاه آزاد در اصفهان، میهمان ذوب‌آهن بود که در این بازی به برتری رسید.

ذوب‌آهن که با حکم کمیته انضباطی در این بازی بدون حضور تماشاگران خود حاضر شده بود، نتیجه را ۷۶ - ۶۹ به تیم دانشگاه آزاد، واگذار کرد.

در دیگر بازی آغازین هفته دهم، تیم صدرنشین مهرام در تهران، میزبان تیم قعرنشین شهرداری گرگان بود. شاگردان اسدالله کبیر تا دقایقی از بازی را مساوی پیش رفتند، ولی در ادامه، مغلوب تجربه مهرامی ها شدند و ۹۵ - ۷۸ بازی را واگذار کردند.

۳۰ بوکسور در اردوی تیم ملی

کادر فنی تیم ملی بوکس ایران در شرایطی اسامی ۳۰ بوکسور را برای حضور در اردوی تیم ملی، اعلام کرد که نفرات غایب مسابقات قهرمانی کشور، جایی در این فهرست ندارند.

مسابقات بوکس قهرمانی کشور - انتخابی تیم ملی، در سالن انقلاب کرج برگزار شد. در این دوره از مسابقات ۱۸۹ مشتزن از ۳۱ استان حضور داشتند که در پایان رقابت‌ها، کادر فنی اسامی نفرات دعوت شده به اردوی تیم ملی را اعلام کرد. در بین اسامی اعلام شده، نامی از غایبان مسابقات انتخابی وجود ندارد. اسامی نفرات دعوت شده به اردوی تیم ملی بوکس به این شرح است:

وزن ۴۹ کیلوگرم: هومن طوقانی و جعفر ناصری

وزن ۵۲ کیلوگرم: ایمان طیبی، سجاد محمدپور

وزن ۵۶ کیلوگرم: احسان سپهوندی و رضا کرزه‌بری

وزن ۶۰ کیلوگرم: فروتن گل آرا، مسلم مقصودی، مرتضی مهدوی‌نیا، راغب آلبوشکه و محمد مومی‌وند

وزن ۶۴ کیلوگرم: دانا اسماعیل‌زاده، محمد ابراهیم‌ناظری و پرویز کرم‌زهی

وزن ۶۹ کیلوگرم: امین قاسمی‌پور و مصطفی صالحی‌پور

وزن ۷۵ کیلوگرم: مبین کهرازه، فرزاد راعی و سیاوش امیدی

وزن ۸۱ کیلوگرم: مجید حاج‌عباسی، علی دهقان، سالار طهماسبی و محمد ستارپور

وزن ۹۱ کیلوگرم: رضا مرادخانی، وحید ابراهیمی، ایمان رمضان‌پور و مهدی برجی‌خانی

وزن ۹۱+ کیلوگرم: محمدعلی شهیدی، سجاد پوراشرفی و سعید نورایی

نفرات دعوت شده به اردوی تیم ملی بوکس، از جمعه این هفته باید در اردوی مذکور، حضور داشته باشند.

۲ مدال دیگر اسکی‌بازان ایران در انتخابی بازی های المپیک زمستانی



یک مدال طلا و نقره دیگر به جمع مدالهای اسکی بازان ایران در مسابقات ترکیه اضافه شد.

دیروز در ادامه مسابقات اسکی انتخابی بازی های المپیک زمستانی - ۲۰۱٤ سوچی که در ترکیه برگزار می‌شود، تیم ایران یک مدال طلا و یک نقره دیگر به مجموع مدال های خود، اضافه کرد.

مهدی سولقانی در بخش مارپیچ بزرگ، مدال طلا گرفت و مهدی کیا دربندسری به مدال نقره رسید. همچنین در بخش بانوان، فروغ عباسی با یک پله صعود در جایگاه چهارم ایستاد.

تعیین برترین وزنه برداران معلول کشور













بیست و یکمین دوره مسابقات وزنه برداری معلولان قهرمانی کشور که با حضور ۱۳۰ وزنه بردار از ۲۲ استان، زیر نظر کمیته بین المللی پارالمپیک در تهران جریان دارد، پیش از ظهر امروز با معرفی قهرمانان سنگین و فوق سنگین وزن، پایان می یابد.

این دوره از مسابقات به دلیل حضور معاون کمیته بین المللی پارالمپیک در تهران، اهمیت بسزایی داشت. چرا که وزنه برداران، بدون حضور در مسابقه برون مرزی، جایگاه خود را در رنکینگ جهانی ثبت کردند و برای نخستین بار، کلاسبندهایی از کشورهای روسیه و کویت در این مسابقات حضور داشتند و وزنه برداران کشورمان برای تایید کلاسبندی پزشکی، نیازی به حضور در کشورهای خارجی نداشتند.

پس از بازی های پارالمپیک لندن، اوزان وزنه برداری، تغییر کرد و ۱۰ وزن جدید (٤۹، ٥٤، ٥۹، ٦٥، ۷۲، ۸۰، ۸۸، ۹۷، ۱۰۷ و ۱۰۷+) اعلام شد. پس از بازی های پارالمپیک لندن، نخستین مسابقاتی که در اوزان جدید برگزار شد، رقابت های قهرمانی آسیا - ۲۰۱۳ مالزی بود و رکورد همه وزنه برداران به نام آنان ثبت شد و این اتفاق در مسابقات قهرمانی ایران نیز تکرار می شود.

سید محمدرضا میرشفیعی، سرپرست انجمن وزنه برداری فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولان درباره حضور ملی پوشان در این مسابقات، گفت: نیمی از ملی پوشان اعزامی به بازی های پارالمپیک لندن، ماه پیش در رقابت های قهرمانی آسیا در مالزی حضور داشتند و نیمی دیگر در رقابت های قهرمانی کشور شرکت کرده اند تا رکوردهای آنان در اوزان جدید، ثبت شود. از این پس هر وزنه برداری که در مسابقات شرکت می کند، باید رکورد ثبت شده او در وزن های جدید اعلام شده از سوی IPC باشد؛ چون همه رکوردهای قبلی وزنه برداران صفر شده است و آنان باید رکورد خود را در اوزان جدید به ثبت برساند.

همچنین دوره ارتقا داوری بین المللی وزنه برداری معلولان با حضور ۱۸ نفر از داوران ایرانی در فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولان به مدرسی معاون IPC برگزار شد و افرادی که این دوره را با موفقیت طی کردند، درجه بین المللی دریافت کرده و در مسابقات سال آینده، داوری خواهند کرد.

نفرات برگزیده رقابت های قهرمانی کشور و مسابقات آسیایی مالزی به اردوهای تیم ملی دعوت می شوند تا از بین آنان ۱۰ نفر برای رده سنی بزرگسالان و ۱۰ نفر برای گروه سنی جوانان، انتخاب شود و به مسابقات جهانی - ۲۰۱٤ امارات (فروردین سال ۹۳) اعزام شوند.

قبل از اعزام ملی پوشان به مسابقات جهانی - ۲۰۱٤ امارات، سه مرحله اردوی تدارکاتی پیش بینی شده است که دو مرحله آن تا پایان سال برگزار می شود و مرحله آخر، فروردین ۹۳ برپا خواهد شد.

نفرات برتر ۴ وزن

نفرات برتر اوزان ٦٥، ۷۲ و ۸۰ کیلوگرم رقابت‌های وزنه‌برداری جانبازان و معلولان قهرمانی کشور، مشخص شدند.

دسته ۶۵ کیلوگرم، بزرگسالان

۱- سعید نصیری با ثبت رکورد ۱۷۵ کیلوگرم

۲- زین العابدین عسگری با ثبت رکورد ۱۶۸ کیلوگرم

دسته ۶۵ کیلوگرم، جوانان

۱- امیرسجاد یوسفی‌زاده با ثبت رکورد ۱۳۰ کیلوگرم

۲- میلاد موحدی با ثبت رکورد ۱۱۲ کیلوگرم

دسته ۷۲ کیلوگرم، بزرگسالان

۱- علی حسینی با ثبت رکورد ۱۹۰ کیلوگرم (با وزن ۶۹/۹)

۲- شیرحسین شیرمهد با ثبت رکورد ۱۹۰ کیلوگرم (با وزن ۷۳/۳)

دسته ۷۲ کیلوگرم، جوانان

۱- محمدرضا ابراهیم با ثبت رکورد ۹۶ کیلوگرم

۲- سعید حیدرپور با ثبت رکورد ۹٤ کیلوگرم

۳- رامین حیدری با ثبت رکورد ۸۰ کیلوگرم

رقابت های دسته ۸۰ کیلوگرم بزرگسالان صبح دیروز در سومین روز از این رقابت ها در کمپ تیم های ملی برگزار شد و مجید فرزین (قهرمان بازی های پارالمپیک لندن) با ثبت رکورد ۲۱۰ کیلوگرم به مدال طلا و عنوان قهرمانی دست یافت.

نادر زرگانی با رکورد ۱۹۲ کیلوگرم و شهرام رمضانی با ثبت رکورد ۱۷۶ کیلوگرم، عنوان های دوم و سوم را به دست آوردند.

همچنین در دسته ۸۰ کیلوگرم رده سنی جوانان، حسن رعیت زاده با ثبت رکورد ۹۰ کیلوگرم، قهرمان شد و محمد امین ساکت با رکورد ۸۹ کیلوگرم، عنوان نایب قهرمانی را به دست آورد.

عصر دیروز در سومین روز از رقابت های وزنه برداری جانبازان و معلولان، وزنه برداران دسته ۸۸ کیلوگرم، روی تخته رفتند و این نتایج بدست آمد:

دسته ۸۸ کیلوگرم بزرگسالان

۱- سید حامد صلحی پور با ثبت رکورد ۲۰۰ کیلوگرم

۲- اردشیر اله کرمی با ثبت رکورد ۱۹۰ کیلوگرم

۳- حسین رحیمی با ثبت رکورد ۱۸٦ کیلوگرم

دسته ۸۸ کیلوگرم جوانان

۱- علیرضا واحدی با ثبت رکورد ۸٦ کیلوگرم

جوانترین وزنه بردار

محمد امین ساکت، وزنه بردار دسته ۸۰ کیلوگرم تیم استان تهران در گروه سنی جوانان به مدال نقره دست یافت.

وی با ثبت رکورد ۸۹ کیلوگرم، نخستین مدال خود را دریافت کرد تا شانس حضور در تمرینات تیم ملی، برای اعزام به مسابقات جهانی امارات را داشته باشد.

او که ١٤ سال دارد و جوانترین ورزشکار حاضر در این دوره از رقابت های وزنه بردار قهرمانی معلولان کشور است، افزود: هر روز، تمرین می کنم و به خاطر تمرینات منظم، در مدت زمان کوتاهی که وارد رشته وزنه برداری شدم، پیشرفت خوبی کردم.

ساکت که به اردوهای آمادگی مسابقات پاراآسیایی دعوت شده‌بود، به دلیل محدودیت سنی از اعزام به این مسابقات بازماند و اکنون تلاش می کند که برای مسابقات جهانی امارات، شرایط لازم را بدست آورد و پس از آن به بازی های پاراآسیایی کره جنوبی دراعزام شود.

دیدار دوستانه تیم ملی فوتبال ایران با گینه

تیم ملی فوتبال گینه در صورت تأخیر در دیدار تیم‌های ایران و کویت، برای دیدار دوستانه با کشورمان به ایران سفر می کند.

علی کفاشیان در خصوص دیدارهای دوستانه تیم ملی فوتبال ایران، گفت: در صورتیکه دیدار با کویت در چارچوب مسابقات مقدماتی جام ملت‌های آسیا، چهار روز عقب بیفتد، تیم ملی فوتبال گینه در «فیفا دی» به ایران می آید و یک بازی دوستانه مقابل این تیم برگزار می کنیم.

وی در مورد اینکه چه تضمینی وجود دارد که این تیم با ترکیب اصلی خود حاضر شود، افزود: این تیم ۸ - ۹ لژیونر دارد و قرار است، فهرستی را به ما بدهند تا طبق آن در تهران حاضر شوند.

رئیس فدراسیون فوتبال، تصریح کرد: اردویی را در آفریقای جنوبی برگزار خواهیم کرد که احتمالا یک بازی هم در آنجا با تیم ملی فوتبال این کشور انجام می‌دهیم و پس از بازگشت به تهران، احتمالا یک بازی دوستانه دیگر با آنها در ایران، انجام خواهیم داد.

کی‌روش، پریروز از احتمال دیدار دوستانه تیم ملی فوتبال ایران با گینه یا کنگو خبر داده بود که به این ترتیب، احتمال رویارویی با گینه، بیشتر است.

برپایی اردوی تیم ملی هاکی چمنی؛ امروز در تهران

ششمین مرحله اردوی تدارکاتی تیم ملی هاکی چمنی،از امروز با حضور ۲٦ بازیکن در مجموعه ورزشی تختی تهران برپا خواهد شد.

در این اردوی یک هفته‌ای، ورزشکاران تمرینات خود را زیر نظر رجب نورانی و ابوالفضل یوسفی از سر می گیرند.تیم ملی هاکی چمنی، برای حضور در نخستین دوره مسابقات غرب آسیا آماده می شود.

این مسابقات، بهمن امسال با حضور تیم های عمان، قطر و امارات در کشور قطر برگزار می شود. تیم ملی هاکی چمنی، اواخر اسفند امسال برای شرکت در مسابقات انتخابی بازی های آسیایی - ۲۰۱٤ کره جنوبی، عازم بنگلادش خواهد شد.

علیرضا چزانی، سعید خانزاد، محسن قاسمی، کاوه ملکی، علی محبی، یعقوب بهرامی، رضا رحیمی، شایان بزرگ زاده، محمد اثنی عشری، امیر اروئی، محمد حسین زاده، مسعود بهلولی، محسن بهلولی، احسان یوسف وند، وحید فتحی، رضا نوروززاده، سجاد نوری، احسان گلستانی نیا، پیام لشگری، نیما حیدری، حمید نورانیان، مهراب شریفی، بهنام سعدی، امیر هاشمی، صادق فتح الهی و نوید طاهری راد، دعوت شدگان به این اردو هستند.

قرعه کشی مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا

۱٦ تیم راه یافته به مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا، حریفان خود را شناختند.

آیین قرعه کشی مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا در شهر «نیون» سوئیس برگزار شد و شانزده تیم راه یافته به این مرحله، حریفان خود را شناختند. دشوارترین قرعه به تیم‌های منچسترسیتی و آرسنال خورد که باید با تیم‌های بارسلونا و بایرن مونیخ روبرو شوند.

شانزده تیم راه یافته به این مرحله، باید برای صعود به مرحله یک چهارم نهایی در مجموع دو بازی رفت و برگشت مقابل حریفان خود به پیروزی برسند. تیم‌هایی که در گروه خود صدرنشین شده‌اند، این امتیاز را دارند که در دیدار برگشت، میزبان باشند.

دیدارهای مرحله یک هشتم نهایی به این شرح است:

آرسنال - بایرن مونیخ
گالاتاسرای - چلسی
شالکه - رئال مادرید
منچسترسیتی - بارسلونا
میلان - اتلتیکو مادرید
المپیاکوس - منچستر یونایتد
بایرلورکوزن - پاری سن ژرمن
زنیت - بوروسیا دورتموند

رقابت‌های این فصل لیگ قهرمانان اروپا به دلیل برگزاری جام جهانی، نسبت به سال‌های گذشته، اندکی زودتر برگزار می‌شود.

رقابت ۳۲ تیم در لیگ اروپا

مرحله یک شانزدهم نهایی لیگ اروپا قرعه‌کشی شد و ۳۲ تیم راه یافته به این مرحله، حریفان خود را شناختند که یاران سردار آزمون باید به مصاف «بتیس» بروند.

مرحله حذفی لیگ اروپا در «نیون» سوییس قرعه‌کشی شد و تیم‌های صعود کرده به این مرحله، حریفان خود را شناختند.

نتایج قرعه‌کشی به این شرح است:

دنیپرو - تاتنهام
سوانسی - ناپولی
ماریبور - سویا
اودسا - لیون
اسبجرگ - فیورنتینا
ماکاوی - بازل
آنژی ماخاچکالا - خنک
پائوک سالونیکیا - بنفیکا
بتیس - رابین کازان
یوونتوس - ترابوزان
ویکتوریا پلژن - شاختار دونتسک
لاتزیو - لودوگرست
آژاکس - سالزبورگ
پورتو - اینتراخت فرانکفورت
دیناموکیف - والنسیا
لیبرس - آلکمار

رقابت سریعترین مرد دنیا با کودکان شهر «بوینوس آیرس»



سریعترین مرد جهان که به دعوت یک بنیاد خیریه در آرژانتین به بوئنوس آیرس، سفر کرده است با کودکان این شهر در خیابان به رقابت پرداخت.

این اقدام در شرایطی صورت گرفته است که چهره‌های مطرح و سرشناس ورزش دنیا، حضور در برنامه‌های خیریه و ماندگار را در دستور کار دارند و کمتر پیش می‌آید که چنین برنامه‌هایی را از فعالیت های اجتماعی خود، حذف کنند.

«یوسین بولت» به دعوت یک بنیاد خیریه به آرژانتین سفر کرد و پس از حضور در نشست خبری، چند مسابقه نمادین را در خیابان‌های پایتخت آرژانتین برگزار کرد. یوزپلنگ جامائیکایی که برای تشویق کودکان بی‌سرپرست به ورزش در آرژانتین به سر می‌برد، علاوه بر رقابت با آنها، مسابقه نمادینی را با شهردار بوئنوس آیرس برگزار کرد.

دکتر قالیباف: پژوهش نباید در خدمت قدرتمندان باشد



سرویس سیاسی - اجتماعی:

«اگر پژوهش و تولید علم در خدمت قدرتمندان و صاحب‌منصبان جامعه باشد، به سمت تباهی و فساد پیش می‌رود.»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را دکتر محمدباقر قالیباف شهردار تهران دیروز در دومین همایش بین‌المللی بهترین‌های پژوهش و نوآوری در مدیریت شهری اعلام و تأکید کرد: اندیشمندان نباید به گونه‌ای پیش بروند که دانش و تحقیقات آنان مؤید مدیران و توجیه‌گر اقدام‌های صاحب‌منصبان قدرت باشد، به ویژه در جاهایی که دانش در حوزه سیاست‌گذاری تولید می‌شود.

او ادامه داد: تحقیقات و تولید دانش باید از انحصار دولت و دولت‌گرایی خارج شود و اجازه بدهیم که مراکز علمی، انجمن‌های دانشجویی و دانشگاه‌ها به درستی کار خود را انجام دهند.

شهردار تهران افزود: هر اقدام و هر تصمیمی اگر خلق‌الساعه و بدون مبنای پژوهشی باشد، محکوم به شکست است و جوامع و دولت‌ها اگر بخواهند پیشرفت کنند، ناگزیر از توجه به مراکز جمعیتی هستند که بر این اساس، توجه به شهرها و کرامت انسانی بسیار مهم است.

قالیباف تأکید کرد: امروز شتاب تغییرات در جامعه بسیار زیاد است و از این رو، به تحقیقات میدانی نیازمندیم؛ ولی وقتی از کاری عقب می‌افتیم، از تجربه دیگران استفاده می کنیم که در این صورت، بدون بومی‌سازی تحقیقات، دچار مشکل خواهیم شد.

شهردار تهران ادامه داد: امیدوارم در دوره مدیریتی جدید توفیق داشته باشم که قلم‌های روان و منتقد با قدم‌های من همراه باشد. در ادامه این همایش، احمد مسجدجامعی رئیس شورای اسلامی شهر تهران هم درباره اهمیت پژوهش اظهار داشت: جایگاه پژوهش تا حدی گسترده است که به یک شیوه در طبقه‌بندی اسنادی رسیده‌ایم و نگرش قانون، نوعی هماهنگی بین پژوهش، شورا و مدیریت شهری را می‌طلبد.

او افزود: شهرداری‌ها گرایش زیادی به فعالیت عمرانی دارند، در حالی که متن قانون، تجربه و دانش امروزی را مهم جلوه می‌دهد؛ تأکید جامعه جهانی برای حکمروایی شایسته در تمامی سطوح شهری، تفویض قدرت به سطوح پایین است که بخشی از این موضوع از مدیریت عمرانی اثر می گیرد. اما فقط شامل این فعالیت‌ها نمی‌شود.

رئیس شورا ادامه داد: در شهرداری باید به مدیریت انسان‌محور تأکید شود، زیرا انسان برای شهر نیست بلکه شهر برای انسان است و به همین علت، جلب رضایت شهروندی و ارتقای کیفیت محیط زیست در اولویت قرار می گیرد.

مسجدجامعی تأکید کرد: از آنجا که مبنا و محور مدیریت، توسعه انسانی است، در برنامه پنجساله دوم شهرداری، چند محور را در دستور کار داریم که از میان موضوعات مهم آن می‌توان به سلامت، عدالت و مشارکت اشاره کرد.

او توضیح داد: سلامت از شاخصه‌های مهم شهر است و البته هدف ما از توجه به آن، فقط شامل سلامت جسم نمی‌شود و سلامت مناسبات اجتماعی، روحی، فضاهای عمومی و همچنین سلامت آب، خاک و هوا را هم در بر می گیرد. مسجدجامعی درباره اهمیت مشارکت هم گفت: شهروندان و شهرسازان باید در هم‌افزایی متقابل مشارکت داشته باشند؛ اقتدار شهروندی اقتضا می کند مردم که در حوزه تصمیم گیری مشارکت کنند و به همین علت، مبنای شکل گیری شورایاری‌ها، تقویت حضور و مشارکت شهروندان است.

پیشنهاد پژوهشی

رئیس شورای شهر در عین حال پیشنهاد کرد: بسیار شایسته است که مانند ساخت و موضوعی کردن فرهنگسراها، به ساخت پژوهشگاه‌هایی موضوعی در سطح شهر تهران رو بیاوریم. به عنوان مثال در حوزه محیط زیست و آلودگی هوا پژوهشگاه‌هایی مستقل و با مدیریت فرزانگان این مباحث به فعالیت بپردازند.

استاندار: تهران از وجود معتادان پاکسازی می شود

استاندار تهران گفت:پاکسازی تهران از معتادان قبلا مقطعی اجرا می شد که در مذاکره با نیروی انتظامی، از این پس پایتخت به طور پیوسته و مستمر از وجود معتادان پاکسازی می شود.

سید حسین هاشمی، در گفتگو با ایرنا، افزود: پاکسازی در گذشته مقطعی بوده و معمولا در یک مقطعی معتادان از سطح خیابان ها جمع آوری و بار دیگر در خیابان ها مشاهده می شدند.

وی با تاکید بر همکاری مردم در امر پاکسازی خیابان ها از وجود معتادان اظهار داشت:به فرماندهی نیروی انتظامی هر سه منطقه شرق، غرب و مرکز تاکید کردیم که پاکسازی مقطعی همانند قرص مسکن است و جواب نمی دهد و این امر نیازمند کمک مردم است.

وی ادامه داد: مردم باید نیروی انتظامی و استانداری را در جریان این امر قرار بدهند وهر کجا معتادی در سطح شهر مشاهده کردند به ماموران نیروی انتظامی اطلاع دهند.

استاندار تهران اظهار امیدواری کرد این کار به طور پیوسته انجام شود تا فرزندانمان شاهد صحنه های این چنینی که واقعا صحنه های خوبی نیستند، نباشند.

هاشمی با ابراز رضایت از پاکسازی شهر از معتادان، تصریح کرد: بیشتر از گذشته نسبت به پاکسازی شهر از معتادان رضایت دارم چون مقطعی نیست و این کار باید تداوم داشته باشد تا مردم هم فکر نکنند که در مدت کوتاهی مسئولان موضوع را خبری می کنند و بعد همه چیز به دست فراموشی سپرده می شود.

نخستین کشتی اقیانوس‌پیمای ساخت ایران به زودی به آب انداخته می‌شود

مدیرعامل سازمان صنایع دریایی وزارت دفاع اظهارداشت: "ناو وناوشکن‌های ایران به موشک‌هایی مجهز ند که ورای افق را هدفگیری کنند و زیردریایی‌ها هم مجهز به اژدرهای بسیار هوشمند و قدرتمندی هستند که می‌توانند از زیر سطح، دشمن متجاوز را مورد هدف قرار دهند."

به گزارش ایسنا، امیر دریادار رستگاری بااعلام این مطلب، به دستاوردهای سازمان صنایع دریایی در حوزه‌های نظامی و غیرنظامی اشاره کرد و گفت: نخستین کشتی اقیانوس‌پیمای مؤسسه اقیانوس‌شناسی ایران در صنایع دریایی شهید درویشی وزارت دفاع در حال ساخت است و در آینده نزدیک به آب انداخته می‌شود.

وی، اولین مأموریت و مهمترین مسئولیت این سازمان را پشتیبانی از یگان‌های شناور نیروی دریایی ارتش و نیروی دریایی سپاه و نیروی دریابانی نیروی انتظامی برشمرد و افزود: همان گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند، دریا برای هر کشور فرصت کلان و بزرگی است و ملت‌ها با اقتدار می‌توانند از این فرصت کلان و راهبردی استفاده کنند. سازمان صنایع دریایی در راستای این فرمایش حکیمانه مقام معظم رهبری، مسئولیت خطیری را در پشتیبانی از نیروهای مسلح به عهده دارد.

رستگاری به جایگاه بالای ایران در ساخت شناورهای سطحی، زیرسطحی، تندرو و اثرسطحی اشاره کرد وافزود: ناوشکن دماوند که دومین سری از ناوشکن‌های کلاس موج است، در وزارت دفاع ساخته شدواکنون با مشارکت نیروی دریایی در حال انجام آزمایش در دریاست.

رستگاری در پاسخ به این که "صنعت دریایی ایران چه خدمتی به صنعت دریایی خصوصی و تجاری ارائه می‌دهد گفت: با این که صنعت دریایی ایران صنعت نوپایی است، اما سازمان صنایع دریایی بسیاری از محصولات غیرنظامی شامل ده‌ها فروند انواع یدک‌کش‌ها، لندین گرافت‌ها و انواع باج‌ها و دوبه‌ها را تولید کرده و در اختیار بخش خصوصی و کشتیرانی و سازمان دریایی بنادر و دریانوردی قرار داده است.

ابراهیم جعفری:نمی‌توان نقش ایران را در تحولات منطقه نادیده گرفت

ابراهیم جعفری، رئیس ائتلاف ملی عراق که برای دیدار و رایزنی با مقامات کشورمان به تهران سفر کرده است ، صبح دیروز با محمد جواد ظریف دیدار و در باره روابط دوجانبه و مسائل مورد علاقه منطقه‌ای و بین‌المللی گفتگو و تبادل نظر کرد.

وی در این دیدار شهادت شماری از تکنسین‌ها و کارگران ایرانی را در اقدام تروریستی اخیر در عراق به شدت محکوم کرد و این حادثه را به دولت، مردم ایران و ظریف تسلیت گفت.

وی خاطرنشان کرد : این‌گونه اقدامات غیرانسانی و تروریستی نه تنها نمی‌تواند تاثیری بر روند توسعه و تحکیم روابط همه جانبه بین دو کشور مسلمان و همسایه بگذارد، بلکه عزم و اراده دو کشور را برای تقویت این روند و همکاری در ابعاد دو جانبه ، منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت می‌کند.

رئیس ائتلاف ملی عراق همچنین با اشاره به برخی مسائل و چالش‌ها در عرصه سیاسی ، اقتصادی و امنیتی این کشور ابراز اطمینان کرد که با همگرایی و انسجام احزاب و طیف های سیاسی عراق و اولویت قرار گرفتن منافع ملی و استفاده از تجارب و حمایت‌های ایران به عنوان کشور همسایه و موثر در منطقه ، عراق می‌تواند این مسائل و مشکلات را پشت سر بگذارد و مدیریت کند.

جعفری همچنین با اشاره به نقش و نفوذ فزاینده ایران در عرصه تحولات منطقه ای و بین المللی به خصوص بعد از حصول توافق بین جمهوری اسلامی و گروه ۵+۱ ، خاطر نشان کرد : امروز هیچ کسی نمی تواند نقش ایران به عنوان کشوری مقتدر و فعال در عرصه تحولات منطقه و جهان و در روند حل و فصل مسائل و بحرانهای موجود را نادیده بگیرد.

ظریف هم در این دیدار با اشاره به سیاست اصولی ایران در تحکیم و توسعه روابط با همسایگان و در راس آن عراق ، بر نگاه و رویکرد راهبردی جمهوری اسلامی در حمایت از وحدت ، یکپارچگی و توسعه عراق و توسعه همه جانبه روابط با این کشور تأکید کرد.

ظریف با تشکر از مواضع دولت عراق و اقدامات نوری المالکی نخست وزیر عراق در پیگیری حادثه تروریستی اخیر، تاکید کرد : دو کشور همه همت خود را به کار خواهند گرفت تا علیرغم همه این تلاشهای مذبوحانه روند تحکیم و تقویت روابط را ادامه دهند.

ترحیم

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **محمدعلی معصومی** بزرگ خاندان معصومی را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن عزیز از دست رفته از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ روز چهارشنبه ۹۲/۹/۲۷ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار خواهد شد.
خانواده‌های: معصومی ـ کیهانی ـ مهاجری نراقی ـ ذبیحی ـ واعظ موسوی ـ معاونیان ـ عباس نبائی ـ هوشیار ـ آمالی ـ یاراحمدی و سایر وابستگان

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت اندوه و تأسف درگذشت پدری مهربان و فداکار مرحوم **آقای حاج محمود قماشچی**، مدیرعامل شرکت معدنی بلور سرامیک را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همکاران محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحوم در روز پنجشنبه ۹۲/۹/۲۸ از ساعت ۱۹:۱۵ الی ۲۰:۴۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
از طرف مدیران و کارکنان
شرکت معدنی بلور سرامیک

بازگشت همه بسوی خداست
پژوهشگر و محقق عالی‌قدر جناب **آقای غلامعلی توسطی** بزرگ خاندان توسطی در ۹۲/۹/۲۳ به رحمت ایزدی پیوست. مجلس ختم زنانه و مردانه آن مرحوم در روز چهارشنبه ۹۲/۹/۲۷ از ساعت ۱۵ تا ۱۶/۳۰ در مسجد نظام مافی واقع در خیابان آیت‌الله کاشانی بالاتر از جنت آباد جنوبی برگزار می‌گردد.
حضور اقوام، آشنایان و دوستان محترم در مجلس مذکور موجب شادی روح عزیز از دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
فرزندان: غلامرضا ـ ژیلا ـ ژاله و امیرحسین توسطی
خواهر: حاجیه اقدس توسطی
وسایر بستگان سببی و نسبی

بازگشت همه بسوی اوست
با نهایت تأسف درگذشت مرحوم **علی ثابت عهد** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند.
به‌همین‌مناسبت‌مراسم ترحیمی روز پنجشنبه ۹۲/۹/۲۸ از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستریها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده: ثابت عهد و سایر وابستگان سببی و نسبی

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت همسری فداکار و پدری مهربان **هاشم مونسی شبستری** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم به همین مناسبت مجلس ختم مردانه و زنانه آن مرحوم در روز ۵شنبه ۹۲/۹/۲۸ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستریها واقع در میدان فاطمی برگزار خواهد شد.
تشریف فرمایی شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
از طرف خانواده‌های: مونسی شبستری ـ جامبور ـ مخدوم ـ فطوره‌چی ـ شاطری و سایر بستگان سببی و نسبی

بازگشت همه بسوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحومه مغفوره شادروان **حاجیه خانم سکینه(شکوه) ناظمی**، همسر سرهنگ محمدحسین ناصری صالح آبادی و مادر بانوان دکتر زهرا ـ دکتر پوراندخت ـ دکتر آذرمیدخت ـ مهندس محمدعلی و دکتر گیتاناز ناصری صالح آبادی را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ختمی روز چهارشنبه مورخه ۹۲/۹/۲۷ از ساعت ۱۳ الی ۱۴/۳۰ در مسجدالنبی(ص) واقع در انتهای خیابان کارگر شمالی ـ مقابل کوی دانشگاه تهران برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران عزیز موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: ناصری ـ ناظمی و سایر بستگان

یادبود

(۱۳) سیزده سال از درگذشت مادر مهربان و عزیزمان مرحومه **روحانیه فاضل** سپری شد.
یادش برای ما همیشه زنده و گرامی است.
از طرف فرزندان

تسلیت

باکمال تأسف درگذشت شادروان **آقای نقی نظیری** را به بازماندگان و فامیل محترم آن مرحوم تسلیت عرض نموده و در غمشان شریک می‌باشم.
عباس زندی

استاد گرامی
جناب آقای دکتر حسن بطحائی
درگذشت برادر گرامیتان جناب **آقای دکتر مهدی بطحائی** را به شما و خاندان محترم تسلیت عرض می‌نمایم.
دکتر مسلم بهادری

هو الحی الذی لایموت



ارتحال غم‌انگیز **حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدمحمدجواد طبسی حائری(ره)** را به محضر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) و مقام معظم رهبری، مراجع عظام و علمای اعلام خصوصاً اخوان مکرم و بیت شریف آن فقید سعید تسلیت عرض می‌نمائیم.
الاحقر محمد حجتی کرمانشاهی ـ ذکرالله احمدی ـ محمدرضا مهدوی ـ محمدحسن مهدوی

انالله و اناالیه راجعون
جنابان آقایان سید محمدکاظم، سید محمدباقر و سید محمدهاشم موسوی روزبهانی
جناب آقای دکتر ولی‌پور و جناب آقای کارگر شریف
جناب آقای مهندس محمد مشایخی
و جناب آقای محسن مشایخی



با تأسف و تأثر فراوان درگذشت شادروان **حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقاسیدحسین موسوی روزبهانی**، پدر شهید والامقام سیدمحمدصادق موسوی روزبهانی را خدمت شما و خانواده محترم موسوی روزبهانی تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال برای آن بنده شریف خدا علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر خواستارم. انشاالله اکنون که در آستانه اربعین حسینی قرار داریم در جمع یاران و مجاوران حضرت سیدالشهدا و شهدای کربلا محشور گردد. خداش بیامرزاد که یاد و میراث بجامانده از او نیکی، پاکدامنی، مهربانی و کوشش در ترویج مکتب اهل بیت عصمت و طهارت و پاسداشت امام حسین(ع) و شهدای کربلا بود.
دکتر مهدی زارع و خانواده

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تألم درگذشت مرحومه **نیا مستشفی** را به خانواده محترم عطابخش تسلیت عرض نموده از خداوند منان علودرجات برای آن مرحومه و صبر و شکیبایی برای بازماندگان آرزومندیم.
هیأت مدیره شرکت داروسازان ماد

همکار گرامی جناب آقای حسن فرازمند
مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت می گوییم، برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه ایزد منان مسألت داریم.
اعضای تحریریه و بین‌الملل روزنامه اطلاعات:
آقایان:
آبی ـ آذرنیا ـ اکبری ـ اسدی ـ آقایی ـ بردبار ـ بنی‌الحسینی ـ پورعالی ـ تبریزی ـ حیدرزاده ـ خانی ـ خطیبی ـ داودبیگی ـ درویشی ـ دهقان ـ رعنا ـ رفیع ـ سام ـ سلیمانی ـ صالح ـ صادقی ـ طوسی‌نژاد ـ ظریف ـ عبداللهی ـ عسکری ـ فارسی ـ فرقانی ـ فیضی ـ قاسم‌زاده ـ قطبی ـ قهرمانی ـ کاظمی میر ـ کرابی ـ گلابی ـ مازوجی ـ میری ـ میری‌خانی ـ میرزاآقاسی ـ نرجه ـ نفیسی ـ نیک‌نژاد ـ وزیری ـ ویژگان ـ یزدان‌پرست.
خانم‌ها:
اتراکی ـ پزشکی ـ تیموری ـ تاج‌علی ـ چابکی ـ رنجبران ـ زاهدی ـ زمان‌فشمی ـ صرافی ـ عسکری ـ علی‌نیا ـ عصارزاده ـ قیاسی ـ کاشانی ـ گردان ـ گودرزی ـ نظری ـ مهدوی ـ میرزایی ـ واعظ محرابی ـ هاشمی ـ یارمحمدی.

اناالله و اناالیه راجعون
جناب آقای محمود هومان
مصیبت وارده را به حضور جنابعالی و خانواده گرامیتان تسلیت عرض می‌نمائیم روحش شاد و یادش گرامی.
از طرف کلیه بازنشستگان
و هیأت مدیره کانون بازنشستگان
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

همکار ارجمند، استاد گرامی
جناب آقای دکتر بطحائی
پزشکان و پرسنل بیمارستان مهرگان، درگذشت برادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت گفته و برای جنابعالی و بازماندگان صبر جمیل و سلامتی آرزو می‌نماید.
«دکتر شاهپور گلفام»

جناب آقای مهندس علی‌اصغر عبقری
با تأسف و تأثر درگذشت ابوالزوج جنابعالی را خدمت سرکار، همسر و فرزندان داغدیده و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم
هیئت مدیره و کارکنان
مهندسین مشاور داهه

سخنرانی

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین
محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است امام خمینی (ره)

مجلس سوگواری و ذکر مناقب و مصائب سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم آلاف التحیة والثناء، هر روز بعد از نماز جماعت ظهر و عصر با سخنرانی وعاظ محترم به شرح زیر در مسجد حضرت امام خمینی (ره) بازار تهران منعقد می‌باشد.
دهه دوم صفر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمدعلی غروی
شایسته است عموم مومنین و مومنات علاقمند به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء علیه السلام شرکت نموده و ضمن بهره‌مندی از تعالیم رهائی‌بخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، تعظیم شعائر دینی نمایند.
دفتر مسجد حضرت امام خمینی(ره)

تسلیت

خانواده محترم جناب آقای مصطفی زینلی
بدینوسیله مصیبت وارده را به شما و همکاران محترم ایشان تسلیت عرض نموده و سلامت و بهروزی برای بازماندگان آن مرحوم خواستاریم.
هیئت مدیره، مدیرعامل، رئیس پزشکان، پرسنل بیمارستان قائم(عج) کرج

جناب آقای دکتر محمدعلی نجفی
درگذشت مادر عزیز را به شما و خانواده محترمتان صمیمانه تسلیت می گوئیم.
مسعود یزدانیان ـ طاهره بحرالعلوم

استاد محترم سرکار خانم عاطفه دربندی
درگذشت تألم‌آور والده محترمه را تسلیت گفته، از درگاه خداوند متعال صبر جمیل برای سرکار عالی و سایر بازماندگان مسئلت داریم.
هیأت مدیره موسسه ملی زبان

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

تقویم اطلاعات

سه‌شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۲
۱۴ صفر ۱۴۳۵ - ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۲ و ۰۰ دقیقه
غروب آفتاب	۱۶ و ۵۳ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۱۳ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۱۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۳۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۰۹ دقیقه

کشته شدن یک نظامی صهیونیست در مرز لبنان

سرویس خارجی: سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی در بیانیه‌ای اعلام کرد یک تک تیرانداز نیروهای مسلح لبنان به سمت خودرو متعلق به نظامیان رژیم صهیونیستی در نزدیکی گذرگاه مرزی "روش هانیکرا" واقع در مرز اسرائیل و لبنان آتش گشود که بر اثر آن یک نظامی اسرائیلی به دلیل اصابت مستقیم گلوله کشته شد.

یک منبع امنیتی نیز گفت تماس مسئولان نظامی لبنان با سرباز این کشور که به سمت سرباز اسرائیلی آتش گشود، قطع شده است. روزنامه معاریو نیز اعلام کرد: یک نظامی ارتش اسرائیل در شرایط مبهم در منطقه راس الناقوره کشته شد. برخی دیگر از منابع صهیونیستی هم از کشته شدن این نظامی در شرایط نامشخص خبر داده اند. در این حال روزنامه الاخبار لبنان نوشت، تحقیقات اولیه اشاره دارد که تیرانداز یک سرباز ارتش لبنان است که از زمان وقوع حادثه ناپدید شده است ولی بر اساس آنچه سایت النشره گزارش داد این سرباز که در میان درختان پنهان شده بود، پیدا شده است. اظهارات ضد و نقیض منابع نظامی لبنان بر ابهام این ماجرا افزوده است. درحالی که یک منبع نظامی به روزنامه الاخبار گفت تیرانداز یک سرباز لبنانی است، خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع امنیتی لبنان ارتباط ارتش با این رویداد را رد کرد.

همچنین رسانه های رژیم اسرائیل در ابتدا گفتند یک تک تیرانداز حرفه ای به سمت نظامی اسرائیلی تیراندازی کرده است اما بعدا این روایت را پس گرفتند. این حادثه ساعت هشت و نیم شب به وقت محلی روی داد. در این زمان یک دستگاه خودرو نظامی ارتش اسرائیل به خط آبی (خط ترسیم شده سازمان ملل بین لبنان و فلسطین اشغالی) در منطقه راس الناقوره نزدیک شد. یکی از سربازان ارتش لبنان که در مرکز نظامی ارتش مشرف به گذرگاه راس الناقوره نگهبانی می داد، به خط مرزی نزدیک شد و به سمت کسانی که در داخل این خودرو نظامی بودند، تیراندازی کرد. این اطلاعات درجریان تحقیقات اولیه ارتش از دوستان این سرباز بدست آمد که بعد از تیراندازی ناپدید شده بود. بالگردهای اسرائیلی نیز برای شناسایی منطقه به پرواز درآمدند و گلوله های منور بر فراز منطقه الناقوره شلیک شد.

همچنین برخی اطلاعات امنیتی حکایت از آن داشت که نیروهای گذشته به سمت مرکز دستگاه امنیت عمومی لبنان در منطقه الناقوره تیراندازی کردند اما برخی منابع نظامی لبنانی با رد این اطلاعات به روزنامه الاخبار گفتند: صهیونیست‌ها به طور مستقیم بعد از حادثه به سمت مرکز ارتش تیراندازی کردند و بعد از آن آرامش در منطقه برقرار شد. در همین راستا سخنگوی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مستقر در جنوب لبنان اعلام کرد این نیروها از وقوع حادثه‌ای در خط آبی در مرزهای میان لبنان و اراضی اشغالی اطلاع کسب کرده‌اند و برای روشن شدن جزئیات تلاش خواهند کرد. در پی کشته شدن سرباز اسرائیلی ارتش این رژیم نیروهای خود را به حال آماده باش درآورده است. سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد: اسرائیل شکایتی را به نیروهای سازمان ملل در جنوب لبنان (یونیفل) ارائه داده است. وی افزود: ما از حمله به اسرائیل چشم نمی پوشیم و در مقابل عاملان حملات به اسرائیل و شهروندان غیرنظامی از خود دفاع می کنیم.

در همین راستا بان کی مون دبیر کل سازمان ملل این حادثه را که در مرزهای لبنان و اراضی اشغالی رخ داد، محکوم و دو طرف را به خویشتن داری دعوت کرد. این در حالی است که وزیر جنگ رژیم صهیونیستی دولت لبنان را مسئول کشته شدن نظامی اسرائیلی در مرز جنوبی الناقوره دانست. موشه یالون گفت اسرائیل هرگز در خصوص نقض حاکمیت خود مسامحه نخواهد کرد. یکی از فرماندهان ارتش اسرائیل نیز با بیان اینکه حزب‌الله دشمن باهوشی است، تاکید کرد: وقوع جنگی دیگر میان اسرائیل و حزب‌الله حتمی است.

کشته شدن نظامی لبنانی

ارتش لبنان اعلام کرد در حمله افراد مسلح به دو ایست بازرسی ارتش در جنوب این کشور، یک نظامی و چهار فرد مسلح کشته شدند. یک فرد مسلح با عبور از موانع ایجاد شده در ورودی شمالی شهر صیدا واقع در جنوب لبنان، نارنجکی را به سمت نیروهای ارتش که در این ایست بازرسی مستقر بودند پرتاب کرد که بر اثر آن دو نظامی زخمی شدند و نیروهای ارتش نیز در مقابل به سمت این شخص آتش گشودند و وی را به قتل رساندند. سه ساعت پس از این حمله، خودرویی که سه فرد مسلح سرنشین آن بودند، به یک ایست بازرسی دیگر ارتش در منطقه "مجدلیون" در شهر صیدا حمله کرد و یکی از آن‌ها از خودرو بیرون آمد و با بمبی دست ساز یک حمله انتحاری علیه نیروهای ارتش ترتیب داد که بر اثر این حمله یک نظامی لبنانی کشته و یک تن دیگر زخمی شد و نیروهای ارتش نیز به سمت دو فرد مسلح دیگر آتش گشودند و آن‌ها را از پای درآوردند. فرماندهی ارتش لبنان اطلاعاتی در خصوص هویت افراد مسلح و تابعیت آن‌ها ارائه نداد. در این حال گروه‌ها و احزاب لبنانی و شخصیت‌های سیاسی و نظامی این کشور، حمله افراد مسلح به دو پست ارتش در شهر صیدا را به شدت محکوم کردند.



آماده‌باش ارتش اسرائیل در مرز لبنان

توسعه روابط با حزب الله

تحلیلگران فاش کردند که همزمان با پایان یافتن تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه شاخه نظامی حزب‌الله در ژوئیه گذشته، این اتحادیه تلاش می‌کند با الگوگیری از توافقنامه هسته‌ای اخیر میان ایران و غرب، روابط خود را با حزب‌الله اصلاح کند. خبرگزاری "ورلدنت دیلی" آمریکا اعلام کرد پاتریک پاولی، سفیر فرانسه در لبنان اخیرا با برخی اعضای حزب‌الله در پارلمان لبنان از جمله علی فیاض و نوار الساحلی و همچنین عمار الموسوی رئیس دفتر امور بین‌الملل حزب‌الله دیدار کرد. در این حال سفیر ترکیه در بیروت تاکید کرد که ترکیه به طور مرتب با حزب‌الله در تماس است. «سلیمان انان اوزیلدیز» گفت مسلما ما با حزب‌الله در مورد سوریه توافق نظر نداریم اما حزب‌الله یک حزب لبنانی است و بهتر است نظرات و دیدگاه‌های آن را مدنظر قرار دهیم و ما می توانیم به نظرات آن درباره لبنان و منطقه گوش فرادهیم، اختلاف نظر درباره سوریه به معنای آن نیست که ما با حزب الله اختلاف داریم بلکه نقطه نظرات مشترکی بین ما درباره برخی مسائل وجود دارد.

بزرگداشت حماس

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد تاسیس جنبش حماس، مراسمی با حضور گروه‌ها و احزاب مختلف فلسطینی و لبنانی در جنوب لبنان برگزار شد. در این مراسم، نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی لبنانی و فلسطینی و همچنین فلسطینی‌های ساکن بیروت و اردوگاه‌های اطراف آن حضور داشتند. در تحولی دیگر کمیته امداد امام خمینی(ره) توزیع کمک‌های غذایی و پوشاک بین خانواده‌های فلسطینی در سراسر نوار غزه را آغاز کرد. «عوض ابو دقه» عضو کمیته امداد جمعیت عمومی غزه در این خصوص گفت کمک‌های کمیته امداد امام خمینی(ره) در چارچوب کمپین «شفقت و برادری» به دست بیش از ۱۴۰۰ خانوار ساکن سراسر نوار غزه رسیده است. کمیته امداد امام خمینی (ره) علاوه بر این، در ماه رمضان گذشته نیز به منظور کاستن از سختی‌ها و درد و رنج شهروندان فلسطینی محاصره شده ۴۰ هزار سبد غذایی در نوار غزه توزیع کرد.

سازمان ملل: ترکیه ۴۷ تن تسلیحات در اختیار معارضان سوریه قرار داده است

سرویس خارجی: سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرد ترکیه حجم بالایی از تسلیحات را در اختیار معارضان سوریه قرار داده است. بنابر گزارش سازمان ملل، ترکیه از ژوئن امسال بیش از ۴۷ تن تسلیحات برای معارضان سوری فرستاده است. بر اساس گزارش سازمان ملل، فقط در ماه سپتامبر میزان تسلیحات ارسالی ترکیه ۲۹ تن بوده است. «لیونت گومروکو» سخنگوی وزیر خارجه ترکیه ابتدا خبر انتقال سلاح را تکذیب کرد اما پس از آن در گفت‌وگو با روزنامه حریت گفت عددی که سازمان ملل اعلام کرده بر مبنای آماری است که پیش از این اداره آمار ترکیه نیز اعلام کرده بود. گفتنی است پیش از این مخالفان سوری مدعی شده بودند که ۴۰۰ تن تسلیحات از ترکیه به دستشان رسیده است. در این حال جان کری وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد از سرگیری کمک‌های غیرکشنده به معارضان سوریه که هفته گذشته به دنبال تصرف یک مخزن توسط افراط گرایان به حال تعلیق درآمد، خیلی سریع از سرگرفته می‌شود.

وی ضمن تأکید بر اینکه بحران گسترده انسانی در سوریه وجود دارد، گفت: هیچ‌کس در آمریکا خواستار اعزام ارتش به سوریه نیست. اگر ما در آنجا نیرو داشتیم می‌توانستیم سریع‌تر مواد غذایی وارد این کشور کنیم اما این گزینه در دسترس نیست و در واقع هیچ‌کس خواستار ورود به جنگ سوریه نیست زیرا این تا حد زیادی یک جنگ قومی است بنابراین شما مجبورید با ابزارهایی که در اختیار دارید و مجاز است، کار کنید. کری گفت: سوریه با توجه به درگیری های داخلی تروریست ها و افزایش قدرت القاعده دچار آشفتگی فرقه ای گسترده شده و تلاش آمریکا را برای یافتن راه حل سیاسی برای این درگیری با مشکل روبرو کرده است.

دلیل حضور حزب الله

معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان با تاکید بر این که امکان ندارد حزب‌الله نسبت به مقاومت بی‌تفاوت باشد، گفت: حضور حزب‌الله در سوریه با هدف دفاع از مقاومت و طرح‌های آن است، نه برای دفاع از شخص، نظام یا محدوده جغرافیایی خاص در این کشور. نعیم قاسم گفت: آنچه امروز در سوریه شاهد هستیم، تلاش دشمنان برای ضربه زدن به نیروهای مقاومت در سوریه پس از ناتوانی‌شان در لبنان، فلسطین و ایران است. وی تلاش‌ها برای ضربه زدن به مقاومت را بخشی از طرح خاورمیانه جدید با هدف تغییر معادلات در منطقه و سلطه اسرائیل بر خاورمیانه دانست و تاکید کرد: امکان ندارد حزب‌الله نسبت به مقاومت بی‌تفاوت باشد چرا که آنچه محور مقاومت را هدف قرار دهد، سایر نیروهای مقاومت را در اماکن دیگر نیز هدف قرار خواهد داد.

معاون دبیرکل حزب‌الله تصریح کرد: به عقیده من حل بحران سوریه بسیار پیچیده است و اگر کنفرانس ژنو ۲ برگزار شود نیاز به زمان بیشتری برای آغاز به کار دارد به ویژه اینکه گروه‌های تکفیری در حال حاضر نه تنها بخشی از راهکار سوریه نیستند بلکه به حل بحران از طریق کشورهای غربی اعتماد ندارند. لذا حل بحران سوریه طول می‌کشد. وی تاکید کرد برخی کشورهای عربی با وجود شکست طرح‌ها و توطئه‌هایشان در سوریه می‌خواهند بحران را طولانی کنند و هدف این افراد نابودی کشور و ملت سوریه است. از سویی رئیس پارلمان سوریه در نامه‌ای به روسای پارلمان‌های کشورهای مختلف نسبت به خطرات ناشی از انتشار افکار وهابی در جهان هشدار داد و عربستان را مسئول ترویج این افکار و حمایت از تروریست‌ها در سوریه دانست. محمد اللحام گفت: اسامی آن دسته از علمای دین که فتواهای فتنه انگیز صادر می‌کنند، باید در لیست حامیان تروریسم قرار گیرد.

تهدید شیعیان

ارتش آزاد سوریه در بیانیه‌ای تهدید کرد شیعیان ساکن شمال سوریه را خواهند سوزاند. گروه تروریستی «گردان آزادگان سوریه» وابسته به ارتش آزاد در بیانیه‌ای، اهالی دو شهرک شیعه‌نشین «نبل» و «الزهراء» را تهدید به سوزاندن کرد. گروه‌های مسلح اهالی دو شهرک مذکور را هدف گرفته و از ماه‌ها قبل حلقه محاصره خود بر این دو شهرک را تنگ‌تر کرده‌اند، ولی هر بار در تصرف آن ناکام مانده‌اند. خبر دیگر اینکه گروه تروریستی «امارت اسلامی عراق و شام» موسوم به داعش که از چند روز قبل سیطره خود را بر ریف ادلب اعلام کرده بود، تاکید کرد: از تمامی کسانی که آنها را مفسد می نامد، انتقام می گیرد. در همین راستا داعش اولین انتقام خود را با ترور «أبو سلیمان» از سرکرده‌های گروه تروریستی جند الشام معروف به «فرقه سلیمان» آغاز کرد. «عبد الصمد عیسی» ملقب به «أبو سلیمان الحموی» از سرکرده‌های گروه‌های تروریستی معروف منطقه بود که با تشکیل گروهی تروریستی در شهر حما، دامنه فعالیت‌های خود را به شهرهای حلب و ادلب گسترش داد.

در تحولی دیگر نیروهای ارتش سوریه، گروه‌های مسلح مستقر در حلب را با بشکه‌های مواد منفجره هدف گرفته و خسارت‌های زیاد به آنها تحمیل کردند. از سویی ارتش سوریه، عرصه را بر تروریستهایی که چند روز پیش به شهر کارگری عدرا در ریف دمشق حمله ور شدند و به جنایات وحشیانه ای دست زده اند، تنگ تر کرده است. در چنین شرایطی گروه‌های مسلح با حمله به یک نیروگاه برق، جریان برق را در دو استان حلب و ادلب قطع کردند.

بیش از ۱۲۰ کشته و زخمی در روز خونین عراق

سرویس خارجی: عراق در آستانه اربعین حسینی یک روز خونین دیگر را پشت سر گذاشت و شاهد کشته شدن ۳۷ تن و زخمی شدن ۸۳ تن دیگر بود. در یکی از پرتلفات‌ترین حملات، اتوبوس حامل زائران حسینی در منطقه «تلعفر» موصل هدف حمله افراد مسلح قرار گرفت که طی آن ۱۲ تن از جمله شش زن کشته شدند. همچنین انفجار دو خودرو بمب گذاری شده در منطقه «الرشید» بغداد چهار کشته برجای گذاشت. از سوی دیگر افراد مسلح به مرکز پلیس منطقه بیجی یورش بردند و نیروهای امنیتی حاضر در آن را کشتند. افراد مسلح که پیش از حمله یک خودرو را در نزدیکی مقر پلیس منفجر کرده بودند، در داخل ساختمان پلیس سه نیروی امنیتی عراقی را کشتند. رسانه‌های خبری با اعلام سیطره کامل افراد مسلح بر ساختمان مرکز پلیس «بیجی»، تأکید کردند که سلاح و مهمات این مرکز پلیس به دست افراد مسلح افتاده و آنها با آزاد کردن زندانیان، به نبرد با نیروهای امنیتی عراق پرداختند. گفته شده در پی این حمله، یک سرگرد پلیس و دو نیروی دیگر کشته شده‌اند.

بر اساس این گزارش، افراد مسلح همه نیروهای پلیس موجود در این مرکز پلیس را به قتل رساندند و اقدام به آزادی برخی زندانیان وابسته به القاعده کردند. العربیه اعلام کرد، شماری از زندانیان خطرناک در ساختمان مذکور نگهداری می‌شدند. در این حال، تمامی محورهای ورودی و خروجی شهر بیجی بسته شد. از طرفی، در حمله مسلحانه به مقر شهرداری تکریت، چند نفر کشته و شماری به گروگان گرفته شدند. این در حالی است که در پی وقوع یک رشته انفجار در بغداد چندین نفر کشته و زخمی شدند. انفجار یک خودروی بمب‌گذاری شده در خیابان فلسطین بغداد نیز چهار کشته و دست‌کم ۲۰ زخمی به همراه داشته است. در انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در نزدیکی ساختمان شورای استانی بغداد سه نفر کشته و ۱۷ تن دیگر زخمی شده‌اند. از سویی، منابع پلیس عراق از انفجار خودروی بمب‌گذاری شده در شرق بغداد و کشته شدن سه تن و زخمی شدن ۱۱ تن دیگر در اثر این انفجار خبر دادند. منابع پلیس گفتند، یک خودروی بمب گذاری شده در محله شیعه‌نشین صدر در نزدیکی بازاری در شرق بغداد منفجر شد و سه غیرنظامی بر اثر این انفجار کشته و ۱۱ تن دیگر زخمی شدند. همچنین به دنبال انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در ورودی محله «الحسینیه» یک نفر کشته و سه نفر دیگر زخمی شدند. در تحولی دیگر، هیاتی از واتیکان در پیاده‌روی عزاداران حسینی که برای بزرگداشت مراسم اربعین به سمت کربلا در حال حرکت بودند، شرکت کرد. اعضای هیاتی از واتیکان که به تازگی به عراق سفر کرده‌اند، در پیاده‌روی گروهی از زائران که با هدف بزرگداشت اربعین حسینی از شهر ناصریه به سمت کربلا می‌رفتند، شرکت کردند. خبر دیگر اینکه، پیکر شش نفر از شهدای ایرانی حادثه تروریستی عراق از مرز خسروی وارد خاک کشورمان شد. بر اساس این گزارش، یزدان کیوانی، علی خلیلی، رضا امانی، مرتضی پالار، کامران شبان، داریوش رییسی، احمد خواجه، علی شیخی نژاد، ساسان خواجه، قربان علی صمدی پور، محمد نصیری، اسماعیل خانه فروش، بهمن شفیعی و خسرو پاداش، ۱۴ شهید حادثه تروریستی عراق هستند که پیکر شش نفر از آنها وارد کشور شده و مابقی به دلیل سوختگی اجساد، بعد از شناسایی وارد کشور خواهند شد. در چنین شرایطی، معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه کشورمان برای دیدار و رایزنی با مقامات عراقی و پیگیری حادثه تروریستی اخیر در بعقوبه راهی بغداد شد. حسین امیرعبداللهیان معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه کشورمان برای دیدار با مقامات عراقی راهی بغداد شد. معاون وزیر خارجه در این سفر ضمن دیدار با مقامات این کشور، حادثه تروریستی اخیر که منجر به شهادت و مجروح شدن تعدادی از تکنسین‌های ایرانی در استان دیالی عراق شد را مورد پیگیری قرار می‌دهد. از دیگر سو، وزیر امور خارجه عراق در راس هیاتی بلندپایه برای شرکت در یک نشست وزارتی مشترک میان عراق و کویت و پایان دادن به برخی مسائل اختلافی میان دو طرف، به این کشور سفر کرد. در همین حال، جلال طالبانی رئیس جمهور عراق سرلیست اتحادیه میهنی کردستان در انتخابات پارلمانی آینده عراق شد.

اتحادیه اروپا: تحریم‌های ایران لغو می‌شوند

بقیه از صفحه ۲

ایمنی همسایه‌های ما، حکم ایمنی و ثبات خودمان را دارد. معتقدیم که به یک محیط امن و آرام نیاز داریم تا بتوانیم پیشرفت کنیم. ما معتقد نیستیم که تنش به نفع ماست. بنابراین اگر شما این را تعریف یک ملت می‌دانید، پس ما یک ملتیم. ولی اگر می‌خواهید یک دوگانگی بین آرمان‌ها و منافع ملی ایجاد کنید، فکر می‌کنم قبولاندن این پیشنهاد پیش از قبولاندن آن به ایران در آمریکا هم دشوار باشد.

* به هر حال ما خود را یک ملت خارق‌العاده می‌دانیم.

ما هم همین طور.

* ساده بگویم، هفته گذشته در ابوظبی و دوبی نگرانی‌هایی را درباره آنچه اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران تلقی می‌شود شنیدم. این مردم را نگران کرده است. آیا همان‌طور که می‌خواهید درباره اهداف هسته‌ای ایران به سایرین اطمینان دهید، بررسی‌های مشابه و اعتماددهی‌های مشابه‌ای را در زمینه این مسائل منطقه‌ای نیز خواهید پذیرفت؟

بررسی را نخواهم پذیرفت. ولی در مقاله‌ای که در روزنامه عربی الشرق‌الاوسط نوشتم پیشنهاد برقراری یک طرح همکاری و امنیت بین‌المللی را دادم. معتقدم که ما باید مدت‌ها پیش این کار را می‌کردیم. وقتی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که به جنگ ایران و عراق پایان داد نوشته می‌شد، به درخواست ایران در ۲۶ سال پیش این پیشنهاد داده شد که امنیت منطقه‌ای در راس قرار گیرد. ما معتقدیم که اگر این اتفاق می‌افتاد، اکنون با دو فاجعه در عراق (حمله عراق به کویت و جنگ عراق که با حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ آغاز شد) روبرو نبودیم. یک فاجعه یعنی جنگ ایران و عراق کافی بود. بنابراین معتقدیم که اقدامات اعتمادساز، گفتگو و همکاری بین کشورهای منطقه نه فقط لازم، بلکه غیرقابل اجتناب هم هست. همه ما به آن نیاز داریم. همه ما باید سر عقل بیاییم. نمی‌توانیم همسایگانمان را خودمان انتخاب کنیم. امنیت می‌تواند از طریق همکاری در بین ما حاصل شود. امنیت را نمی‌توان خرید. نمی‌توانیم به قیمت ناامن کردن سایرین به امنیت دست یابیم. من (در اوایل ماه دسامبر) ملاقات‌های خوبی با رهبران کشورهای حاشیه خلیج‌فارس داشتم. معتقدم که همگی در این زمینه توافق داریم که آنچه در ژنو اتفاق افتاده است برای آینده ما خوب است و به ضرر کسی نیست. دلیلی برای نگرانی کسانی که ابراز نگرانی کرده‌اند، نمی‌بینیم. همه آنها با من صحبت کرده‌اند و گفته‌اند که از این مساله استقبال می‌کنند.

* در عین حال نگرانی‌های بزرگی را هم مطرح کرده‌اند.

من با یک کلام با دشمنان و دوستان صحبت می‌کنم. ما در خلیج‌فارس و در میان کشورهای منطقه به امنیت و همکاری نیاز داریم. نگرانی‌ها باید حل شود و ما به عنوان قوی‌ترین کشور منطقه آماده‌ایم.

* سوال آخر: هفته گذشته با شنیدن اظهارات کوهن و تلاش‌های گسترده مقامات کنگره آمریکا برای اعمال تحریم‌های جدید، حتما احساس کرده‌اید که این پروسه در حال از دست رفتن است. به رابین رایت (گفتگو با مجله تایم در هفته گذشته) گفتید که اگر تحریم‌های جدیدی اعمال شود، کل توافق خواهد مرد.

این جوابی در پاسخ به سئوال او بود.

* ولی من می‌خواهم بپرسم به برخی افراد در ایران و آمریکا که ممکن است از مردن این پروسه خوشحال شوند چه خواهید گفت.

به آنها می گویم که روش‌هایی که انتخاب کردند اشتباه بود و باید اکنون به مسیر درست فرصتی بدهند. آنها تحریم‌ها را امتحان کرده‌اند. آنها فشار را امتحان کرده‌اند. تنها نتیجه‌اش ۱۹ هزار سانتریفیوژ و بی اعتمادی مردم ایران نسبت به آمریکاست، زیرا آمریکا استانداردهای دوگانه و فشار را بر مردم ایران تحمیل کرده است. همه روش‌هایی که آنها امتحان کرده‌اند اشتباه است. آنها می گویند که دیپلمات‌ها معمولا پس از امتحان کردن روش‌های غلط، روش‌های درست را امتحان می‌کنند. سیاستمداران همه راه‌های غلط را امتحان کرده‌اند. اکنون زمان آن است که اجازه دهند مسیر درست پیش برده شود؛ حداقل فرصتی برای پیشرفت به آن بدهند.

* این مرحله از تاریخ که شما در حال گذر از آن هستید بسیار بزرگ است. من فکر می‌کنم ما به یک دو راهی رسیده‌ایم و من امیدوارم همه اهمیت تاریخی این پروسه را درک کنند. این می‌تواند مسیر روابط ما با غرب را تغییر دهد.

نارضایتی ایران از اقدامات اخیر آمریکا

وزارت امور خارجه با انتشار اطلاعیه‌ای، گفتگوی تلفنی دکتر محمدجواد ظریف با جان کری وکاترین اشتون را تائید کرد. اداره کل دیپلماسی رسانه‌ای وزارت امور خارجه درباره تماس تلفنی وزیر امور خارجه آمریکا با محمد جوادظریف، وزیر خارجه کشورمان اعلام کرد: پیرو تحولات اخیر در زمینه اجرای اقدام مشترک، وزیر خارجه آمریکا با ظریف تماس تلفنی داشت و وزیر امور خارجه کشورمان مراتب نارضایتی ایران را اعلام کرده است. در این اطلاعیه آمده است: ظریف در همین زمینه با اشتون هم تبادل نظر کرده است.

اشتون: مذاکره با ایران از سر گرفته می‌شود

«کاترین اشتون» نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی دیروز گفت انتظار دارد مذاکرات فنی میان نمایندگان ایران و گروه ۱+۵ به زودی از سر گرفته شود.

به گزارش فارس، وی افزود: من به وزیران (خارجه اتحادیه اروپا) در مورد ایران و وضع فعلی این موضوع توضیح خواهم داد. مذاکرات فنی مجددا آغاز خواهد شد. می‌دانید که اغلب جزئیات را مرتب کردیم، اما یکی دو موضوع در مورد نحوه اجرا مانده است که باید به دقت در مورد آن فکر و روی آن کار کنیم. دستیابی به توافق یک مساله و اجرای آن مساله دیگری است که ضرورت دارد کارشناسان بر روی آن کار کنند. اشتون در مورد نیمه‌کاره ماندن دور قبلی مذاکرات فنی که در وین برگزار شد، گفت: به همین دلیل تیم ایرانی برای برخی مشورت‌ها بازگشت، اما من با وزیر خارجه -ایران- در تماس بودم و ایرانی‌ها هم با ما در تماس بودند. منتظر آن‌هاییم تا خیلی زود بار دیگر کارها را آغاز کنیم.

عراقچی با اشتون دیدار می‌کند

سیدعباس عراقچی، عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران امروز با کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار و گفتگو می‌کند.

به گزارش ایسنا، عراقچی که برای شرکت در نشست بنیاد کوربر و دیدار با مقامات این کشور به آلمان رفته بود دیشب عازم بروکسل شد. معاون وزیر خارجه کشورمان در آلمان با قائم مقام وزارت خارجه و مسئول امور خاورمیانه، آمریکای لاتین و آفریقا وزیر امور خارجه آلمان دیدار و درباره مسائل دوجانبه و مذاکرات هسته ای ایران و ۱+۵ گفتگو و تبادل نظر کرد. وی قرار است ۸ صبح امروز به وقت محلی (۱۰:۳۰ به وقت تهران)، در دیدار با اشتون در بروکسل، آخرین موضوعات مربوط به مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ و توافق ژنو را بررسی کند.

نشست شورای وزیران اتحادیه اروپا دیروز در بروکسل به ریاست کاترین اشتون رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا با محوریت ایران، اوکراین و سوریه آغاز شد. در ابتدای این جلسه شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپا درباره مساله هسته‌ای ایران با یکدیگر گفتگو کردند. اشتون هم وزیران خارجه این اتحادیه را در جریان آخرین روند تحولات برنامه هسته‌ای ایران گذاشت. وی درباره آخرین نشست کارشناسی میان ایران و ۱+۵ که در روزهای نهم و سیزدهم دسامبر برگزار شد، گزارشی ارائه کرد. برنامه اقدام مشترک مورد توافق شده در مذاکرات نوامبر در ژنو یکی دیگر از مسائل مورد گفتگوی این شورا بود.

کودتا در سودان جنوبی ناکام ماند



استقرار نظامیان سودان جنوبی در مراکز حساس «جوبا»

سرویس خارجی: «سالواکر» رئیس جمهوری سودان جنوبی از ناکام ماندن تلاش معاون سابقش برای انجام کودتا خبرداد.

وی با بیان اینکه تلاش معاون پیشینش برای کودتا شکست خورده گفت: دولت در حال حاضر کنترل کامل پایتخت را در اختیار دارد وقانون منع آمد وشد شبانه در «جوبا» به اجراگذاشته شده است. رئیس جمهوری سودان جنوبی با تایید خبر کودتا از سوی برخی از مسئولان این کشور تاکید کرد: گروهی وجود دارد که تلاش می کند علیه نظام سودان جنوبی کودتا کند. ارتش اکنون بر تمامی مناطق حساس پایتخت تسلط دارد و شماری از کودتاچیان دستگیر شده‌اند.

سالواکر در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره پناهنده شدن برخی از کودتاچیان به سفارت آمریکا اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: این مساله را باید از سفارت آمریکا پیگیری کنید. «بی.بی.سی» گزارش داد که در تبادل آتش سنگین در پایتخت سودان جنوبی، دهها تن زخمی شده‌اند و شماری از مردم نیز درمقابل دفتر سازمان ملل پناه گرفتند. همچنین آسوشیتدپرس ازوقوع چندین انفجارقوی درجوبا خبرداد. به دنبال درگیری‌ها میان نیروهای وفاداربه سالواکرو کودتاچیان، فرودگاه جوبا تعطیل شد و شبکه تلویزیونی دولتی سودان جنوبی برای چندساعت پخش برنامه‌های خودرا متوقف کرد. براساس گزارش ها، شمارزیادی ازنظامیان درخیابان های پایتخت مستقرشده اند وبرخی ازساکنان جوبا به محوطه دفترسازمان ملل پناه برده اند. مقامات سازمان ملل از زخمی شدن چندین کودک دردرگیری های جوبا خبردادند.

سازمان ملل نیزبا ابرازنگرانی شدید ازخشونت های به وقوع پیوسته درسودان جنوبی، خواستاربرقراری آرامش فوری دراین کشورشد. همچنین برخی منابع از شنیده شدن شلیک گلوله ودرگیری دراطراف سفارتخانه آمریکا درجوبا خبردادند. سفارت‌های آمریکا و انگلیس در جوبا از شهروندان خود خواسته‌اند تا از منازل خود خارج نشوند و جوانب احتیاط را رعایت کنند. سخنگوی ارتش سودان جنوبی نیز با ابراز تاسف از شرایط به وجود آمده، اعلام کرد، شرایط تحت کنترل است و درگیری‌ها تاکنون تلفاتی بر جای نگذاشته است. روزنامه «سودان تریبیون» نیز در وب‌سایت خود گزارش داد تیراندازی میان اعضای گارد ریاست جمهوری سودان جنوبی وکودتاچیان سنگین بوده واکثر شورشیان از حامیان «ریک ماشار» هستند. آسوشیتدپرس نیز گزارش داد، درگیری‌ها از ماه ژوئیه، همزمان با اخراج «ریک ماشار» معاون سالواکر، رئیس جمهوری سودان جنوبی افزایش یافته است. گفته می‌شود که علت اخراج وی از سوی سالواکر، کشمکش بر سر قدرت بوده است؛ ادعایی که دو طرف به شدت رد می‌کنند. ریک ماشار که برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۵ اعلام آمادگی کرده بود، پس از اخراجش گفت: اگر قرار است کشوری متحد باشیم، نمی توانیم حکمرانی یک فرد یا دیکتاتوری را تحمل کنیم.

یادداشت

زمینه‌های اقتصادی بحران اوکراین

دکتر محمودرضا امینی

در دنیای جهانی شده امروز، پیوند میان عوامل اقتصادی و سیاسی آنچنان عمیق است که تمایز و تفکیک میان این حوزه‌ها را در عمل غیرممکن کرده است. در واقع در تمام پدیده‌های سیاسی در سطح بین‌المللی می‌توان نقش و تأثیر منافع و عوامل اقتصادی را نیز مورد توجه و تاکید قرار داد. یکی از این دست پدیده‌های سیاسی که ظرف هفته‌های گذشته بسیاری از نگاه‌ها را در سطح بین‌المللی به خود جلب کرده است، بحران سیاسی اوکراین است؛ پدیده‌ای عمدتا سیاسی که در بطن آن شاهد نقش پررنگ عوامل اقتصادی نیز هستیم.

اوکراین مهم‌ترین کشور اروپای شرقی در ابعاد جغرافیای سیاسی و اقتصادی برای اتحادیه اروپاست. اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین به عنوان دومین کشور بزرگ اروپایی واقع در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه تا آن‌جاست که «برژینسکی» از آن کشور به عنوان ترن سیاست منطقه‌ای پس از گسترش اتحادیه اروپا یاد می کند. به لحاظ اقتصادی نیز، این کشور محل ترانزیت ۸۰ درصد گاز طبیعی و ۷۵ درصد نفت خام وارداتی اتحادیه اروپا از روسیه است. ویژگی‌هایی از این دست، اوکراین را به کشوری ذاتاً بین‌المللی تبدیل کرده است؛ به همین دلیل اوکراین را باید محل تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر روسیه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا نامید. نقطه آغاز اعتراضات اخیر در اوکراین در عدم امضای موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا از جانب رئیس جمهور روس گرای اوکراین، «ویکتور یانوکوویچ» بوده است. خیل عظیمی از معترضان به این اقدام دولت، که چشم انتظار امضای این موافقتنامه به دست دولت بودند، در میدان اصلی شهر «کیف» و سایر شهرهای اوکراین تجمع کردند. این ناآرامی‌های سیاسی در اوکراین را می‌توان سر باز کردن زخمی عمیق و ریشه‌دار در جامعه و فضای سیاسی این کشور دانست.

در تحلیل عمیق‌تر این اعتراضات و تظاهرات، باید به نقش یک شکاف بنیادین در ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی جغرافیایی اوکراین بپردازم. این شکاف را می‌توان شکاف روس‌گرایی - غرب‌گرایی دانست که انعکاس این شکاف را می‌توان در تمام حوزه‌های جامعه اوکراین دید. ساختار سیاسی نیروها و احزاب سیاسی در اوکراین را می‌توان به جریان‌های سیاسی تحت حمایت روسیه و همین طور حامی اتحاد با غرب منتسب دانست. در حوزه اجتماعی و فرهنگی نیز، جامعه اوکراین ساختار دوگانه اسلاوی - اروپایی دارد. مردم قسمت غربی این کشور گرایش‌های ضدروسی، ناسیونالیسم اوکراینی و فرهنگ غربی دارند و در مقابل، ساکنان قسمت شرق اوکراین اساساً از نژاد روسی و طرفدار حاکمیت زبان روسی در این مناطق هستند. بنابراین، همان طور که اشاره شده این ساختار دوگانه را می‌توان در تمام حوزه‌ها و ابعاد جامعه اوکراین مشاهده کرد. شدت این تعارضات آن زمان پررنگ‌تر می‌شود که بدانیم این کشور محل مانور قدرت دو قدرت فرامنطقه‌ای یعنی روسیه و اتحادیه اروپا در شرق و غرب مرزهای خود است. روسیه اگرچه پس از فروپاشی شوروی بخش عمده‌ای از نفوذ خود را در اروپای شرقی از دست داد. اما؛ پس از به قدرت رسیدن پوتین، تلاش دوباره‌ای برای احیای قدرت از دست رفته به ویژه در دوران «یلتسین» غربگرا داشته است. سیاست منطقه‌ای پوتین این بوده است که اگرچه مانع همکاری و همگرایی اقتصادی کشورهای حوزه نفوذ خود نمی‌شود، اما به شدت بر همگرایی و اتحاد امنیتی و سیاسی با این کشورها تأکید می کند. در این میان، اوکراین برای پوتین، جایگاه ژئوپولتیک و ژئواستراتژیک برجسته‌ای دارد.

نکته مهم در مورد اوکراین این است که موازنه قوا میان این دو بلوک در درون ساختار سیاسی و اجتماعی به گونه‌ای است که هیچ کدام از دو طرف قائل به برتری مطلق نیست و همین موازنه قوا سبب گشته است تا هراز چندگاهی این زخم بنیادین سر باز کند. زخمی که بروز و ظهور آن را در مقاطع گوناگون شاهد بوده‌ایم. بحران سیاسی سال ۲۰۰۴ اوکراین موسوم به انقلاب نارنجی که منجر به پیروزی نیروهای غربگرا به رهبری «یوشچنکو» شد و بازگشت و پیروزی دوباره نیروهای تحت حمایت روسیه در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ و نخست‌وزیری ویکتوریا یانوکوویچ و در مرحله بعد پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۰ و اعتراضات امروز اوکراین در بخش‌های وسیعی از جامعه علیه دولت روس گرای یانوکوویچ، همه تجلی این شکاف و زخم بنیادین در درون جامعه اوکراین است. نکته حائز اهمیت در فضای فعلی اوکراین این است که در دورن این معادله پیچیده، عوامل و ابزارهای اقتصادی نیز نقشی بسیارجدی ایفا می کنند. به نظر می‌رسد آنچه در تحلیل نهایی می‌تواند موازنه قوا را در میان دو جریان رقیب در فضای سیاسی اوکراین تغییر دهد، قدرت تأثیر گذاری اقتصادی در درون جامعه است که طبیعتاً خود متأثر از قدرت و توان اقتصادی دو نیروی حامی بیرونی این دو جناح در شبکه قدرت اوکراین است. در واقع در معادلات سیاسی امروز اوکراین، عوامل اقتصادی به مثابه ابزاری در دست دو نیروی خارجی تأثیرگذار بر معادلات اوکراین هستند. وضعیت اقتصادی اوکراین به شدت وخیم است. اقتصاد اوکراین شکننده است و در حال حاضر، ترس از یک بحران ارزی هم بر اقتصاد کشور سایه افکنده است؛ ضمن این که نرخ بهره اوراق قرضه دولتی و در نتیجه، هزینه استقراض این کشور افزایش یافته و از توانایی دولت حاکم (که با نارضایتی گسترده مردمی روبروست) برای بازپرداخت بدهی‌های خارجی در موعد سررسید آن، کاسته است. ذخیره ارزی در پایان ماه اکتبر، ۲۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بود؛ رقمی که برای پوشش دو ماه واردات، ناکافی به نظر می‌رسد. در این اوضاع نابسامان، حمایت‌ها و مشوق‌های اقتصادی دو بازیگر خارجی دخیل در معادلات اوکراین، می‌تواند به مثابه ابزاری باشد که موازنه قوا را در درون این کشمکش سیاسی به نفع جناح همگرا با خود تقویت، و در نهایت، زمینه را برای نفوذ بیشتر یکی از طرفین فراهم می کند. اوکراین پس از فروپاشی شوروی سابق و اعلام استقلال تاکنون، به دلیل وابستگی‌های اقتصادی، صنعتی، سیاسی، جغرافیایی، انرژی، نژادی، جمعیتی، امنیتی به روسیه، با وجود پیگیری سیاست همگرایی با اروپا، به دلیل نبود موازنه میان روسیه و غرب، همواره ناگزیر به اعمال یک سیاست پاندولی میان این دو شده است.

در حال حاضر مسکو که همواره نگران عضویت کشورهای پیرامونش در ساختار نظامی، سیاسی و اقتصادی اروپا بوده، با استفاده از اهرمهای در دست، بویژه وابستگی اوکراین به انرژی گاز و بدهی اوکراین از این بابت به روسیه، عامل روس تبارهای ساکن اوکراین و هم‌مرز بودن با این کشور، به جای ورود اوکراین به پیمان تجارت آزاد، موضوع عضویت اوکراین در اتحادیه گمرکی مشترک‌المنافع و اتحاد با اوراسیا را پیگیری می کند. همچنین روسیه با واگذاری یک وام ۱۵ میلیارد دلاری به اوکراین موافقت کرده است و علاوه بر آن موافقت کرده است که بهای گاز صادراتی روسیه به این کشور، از رقم حدود ۵۰۰ دلار برای هزار مترمکعب، به ۲۰۰ دلار کاهش یابد. این همکاری‌های اقتصادی روس‌ها، به مثابه مشوقی برای نگه داشتن اوکراین در مدار نفوذ مسکو عمل می کند. این در شرایطی است که رئیس جمهور روس گرای اوکراین (یانوکوویچ) اگر چه برای نزدیک شدن بیشتر به اروپایی‌ها بی‌میل نیست، اما به نظر می‌رسد نزدیک شدن به انتخابات ۲۰۱۵، سبب شده است که وی بسیار محتاطانه و بدبینانه به طرف اروپایی نگاه کند و سعی داشته باشد که حمایت روسیه از خود را از دست ندهد. یانوکوویچ پس از عدم امضای موافقتنامه تجارت آزاد، اظهار داشته است که پذیرش شروط اقتصادی پیشنهادی اتحادیه اروپا - تحقیرآمیز بوده و تا زمان ارائه شرایط اصلاح شده توسط این مجموعه، دولت وی با اتحادیه اروپا (در مورد پیمان تجارت آزاد) به توافق نخواهد رسید. وی این سخنان را در حالی اظهار داشت که هزاران اوکراینی طرفدار پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا، به تظاهرات خود در شهر کیف و دیگر شهرهای این کشور ادامه می‌دهند. یانوکوویچ می گوید اتحادیه اروپا در طول سه سال گذشته، از اوکراین درخواست کرده که در برابر کمک فنی این اتحادیه به ارزش ۶۱۰ میلیون یورو، موافقتنامه درخواست وام از صندوق بین‌المللی پول را به امضا برساند و همچنین صندوق بین‌المللی پول به اوکراین اعلام کرده که باید مالیات‌ها را افزایش دهد و حقوق و مستمری‌ها را نیز در سطح فعلی متوقف نگاه دارد.

قرار گرفتن فضای سیاسی اوکراین در تب و تاب انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که این تنش‌ها را باید در افق این رخداد تا ۲ سال آینده مورد تحلیل قرار داد. به نظر می‌رسد که این وضعیت ملتهب سیاسی، تا انتخابات ریاست جمهوری با شدت و ضعف ادامه پیدا کند و حضور بازیگران خارجی ذینفع در اوکراین نیز در سایه این تحولات تداوم یابد. در این میان به نظر می‌رسد که روس‌ها سعی می کنند با به کار گرفتن تمامی امکانات، جناح حاکم همگرا با خود را همچنان تقویت کنند.

ترور روحانی شیعه پاکستانی در لاهور

سرویس خارجی: پلیس پاکستان اعلام کرد؛ یک روحانی برجسته شیعه در یک حمله تروریستی به ضرب گلوله کشته شد. شیعیان پاکستان و گروه‌های مذهبی در اعتراض به حمله تروریستی و ترور علامه «ناصر عباس» از رهبران ارشد شیعیان این کشور، در شهر لاهور مرکز ایالت پنجاب تحصن کرده و خواستار اقدام جدی دولت پاکستان برای جلوگیری از اقدامات گروه های شبه نظامی شدند. علامه ناصر عباس، رهبر تحریک نفاذ فقه جعفری که یک سازمان شیعی است، هنگامی توسط مردان مسلح موتور سوار هدف شلیک گلوله قرار گرفت که پس از سخنرانی برای یک جماعت مذهبی در شهر لاهور با ماشین به خانه‌اش باز می‌گشت.

مقامات پاکستانی از جمله «چودری نثارعلی خان» وزیر کشور و برخی از وزرای ایالتی پنجاب در حال ارتباط با اعضای ارشد احزاب سیاسی و مذهبی پاکستان بوده و در تلاش هستند تا نسبت به شناسایی و بازداشت عوامل ترور علامه ناصرعباس به معترضان اطمینان دهند. تاکنون هیچ گروهی مسئولیت قتل علامه عباس را به عهده نگرفته است اما مقامات پلیس پاکستان این حادثه را فرقه ای دانسته و سازمان های شیعی این کشور نیز مسبب حمله تروریستی را گروه های تکفیری و افراط گرا می دانند. گروهها و شخصیت های مذهبی و سیاسی این حمله تروریستی را بشدت محکوم کرده و خواستار پیگیری این پرونده و بازداشت متهمان و محاکمه آنان شدند. گروه های شیعی پاکستان سه روز عزای عمومی اعلام کردند.

دولت ائتلافی مرکل معرفی شد

سرویس خارجی: آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان اعضای کابینه خود را رسما معرفی کرد. با اعلام رسمی تشکیل کابینه ائتلافی آلمان مشخص شد که برای نخستین بار یک زن در رأس وزارت دفاع آلمان قرار گرفته و همچنین بار دیگر یک ترک تبار به عنوان مشاور مرکل منصوب شده است. «اورسولا فن درلاین» [illegible] به عنوان وزیر دفاع آلمان تعیین شده است. این نخستین بار در تاریخ آلمان است که یک زن در رأس وزارت دفاع قرار می‌گیرد. وزارتخانه‌های کشور، دفاع، دارایی و سلامت نیز در اختیار دموکرات مسیحی قرار دارد. «وولفگانگ شویبله» [illegible] وزارت دارایی باقی می‌ماند. یک رخداد تاریخی دیگر حضور یک زن ترک تبار [illegible] «آیدان اوزگوز» از حزب سوسیال دموکرات مشاور آنگلا مرکل در امور هم‌پیوندی اجتماعی (انتگراسیون) خواهد بود. حزب سوسیال مسیحی که با دموکرات مسیحی‌ها و سوسیال مسیحی‌ها دولت «ائتلاف بزرگ» را تشکیل داده، شش وزارتخانه را در اختیار خواهد داشت. «فرانک والتر اشتاین‌مایر» رئیس فراکسیون سوسیال دمکرات‌ها در پارلمان سراسری، جانشین «گیدو وستروله»، وزیر امور خارجه شده است. «زیگمار گابریل» رئیس حزب سوسیال دموکرات آلمان هم قائم مقام آنگلا مرکل خواهد بود.

تظاهرات دانشجویان مصری با شعار «مرگ بر دولت کودتا»

سرویس خارجی: دانشجویان هوادار اخوان المسلمین بار دیگر با برگزاری تظاهرات در دانشگاه‌های مصر با شعار مرگ بر دولت کودتا، کودتای نظامی و اقدامات نیروهای امنیتی علیه دانشجویان این کشور را محکوم کردند. این در حالی است که وزارت کشور مصر اعلام کرد که نیروهای امنیتی با درایت و هوشیاری کامل با هرگونه تظاهرات غیرقانونی مقابله خواهند کرد.

نیروهای امنیتی مصر نیز با هدف متفرق کردن تظاهرکنندگان وارد عمل شدند. در دانشگاه «اسیوط» نیز نیروهای امنیتی با استفاده از دو خودروی زرهی و سلاح به دانشگاه یورش بردند و شروع به تیراندازی به دانشجویان کردند که این حمله به زخمی شدن دهها تن انجامید و حال برخی از مجروحان وخیم گزارش شده است. در دانشگاه قاهره نیز تظاهرکنندگان پیش از اینکه به سمت میدان النهضهٔ حرکت کنند در مقابل درهای اصلی این دانشگاه تجمع و کودتا را محکوم کردند. خبرگزاری یونایتدپرس نیز اعلام کرد: دانشجویان در این تظاهرات شعارهایی از جمله مرگ بر دولت کودتا، ما در دانشگاهیم، در پادگان نیستیم و کلاس درس تا زمان بازگشت مرسی تعطیل است سر دادند. همچنین صدها تن از دانشجویان دانشگاه الازهر با تجمع در ساختمان دانشگاه واقع در شهرک نصر خواهان سقوط دولت کودتاچی شدند. در استان‌های الفیوم، اسیوط، المنصوره و الجیزه نیز دانشجویان با برگزاری تظاهرات کودتای نظامی را محکوم کردند و خواهان بازگشت مشروعیت شدند. از سوی دیگر جنبش «٦ آوریل» در بیانیه‌ای اقدامات نیروهای امنیتی مصر در برخورد با مخالفان و بازداشت آنان و همچنین قانون تظاهرات را محکوم کرد. همچنین برخی از جوانان مصری به دعوت جبهه «راه انقلاب» خواهان استعفای حسام عیسی، وزیر آموزش عالی و آزادی دانشجویان زندانی شدند. از طرفی، در پی فراخوان تظاهرات جریان‌های انقلابی برای بزرگداشت سالروز حوادث شورای وزرای مصر در دوران شورای نظامی، نیروهای امنیتی تدابیر شدیدی در میدان تحریر و اطراف شورای وزیران اتخاذ کردند. در تحولی دیگر، تشکیلات اخوان المسلمین مصر در خارج از کشور بطور محرمانه «عبدالمنعم ابوالفتوح» یکی از شخصیت‌های جدا شده از این گروه را به عنوان رهبر جدید خود برگزید.

کوتاه از سراسر جهان

«باشلت» رئیس جمهوری شیلی شد



ایسنا: نتایج شمارش آرا نشان می‌دهد «رونیکا میشله باشلت» با کسب ۶۲,۵۹ درصد آرا در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری شیلی پیروز شده است. باشلت که از سوی جناح سوسیالیست وارد انتخابات شیلی شده بود، توانسته است «اولین ماتئی» را شکست دهد. نتایج آرا نشان می دهد ماتئی، ۳۷,۴۰ درصد آرا را کسب کرده است. ماتئی پیروزی رقیب سوسیالیست خود را به رسمیت شناخته است. باشلت از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ نیز ریاست‌جمهوری شیلی را برعهده داشت.

۱۶ کشته دردرگیری پلیس چین با اویغورها

فارس: ۱۶نفر از جمله دو افسر پلیس به دنبال درگیری میان پلیس چین با اویغورهای ساکن منطقه سین کیانگ کشته شدند. پلیس به دنبال بازداشت افرادی است که به گفته آنها با مواد منفجره و سلاح سرد به پلیس در شهر «کوشو» در «کاشغر» حمله کرده‌اند. این حمله ٦ هفته بعد از حمله انتحاری به میدان «تیان آن من» در مرکز پکن صورت گرفت که منجر به کشته شدن دو نفر و مجروح شدن ۴۰ نفر شد. منطقه سین کیانگ یک منطقه جدایی طلب با اکثریت مسلمان است.

یمن پرواز پهپادها را ممنوع کرد

سرویس خارجی: نمایندگان پارلمان یمن پس از حمله پهپادی اخیر که به کشته شدن ۱۷ تن در یمن انجامید، به طرح جلوگیری از پرواز پهپادها در آسمان این کشور رای موافق دادند. نمایندگان پارلمان یمن به طرح ممانعت از پرواز پهپادها در آسمان این کشور رای دادند اما در این طرح مشخص نشده است که پهپادهای یاد شده وابسته به ارتش آمریکا هستند یا خیر. نمایندگان یمنی تاکید کردند که باید از جان شهروندان بی گناه در مقابل حمله به آنها محافظت و حریم هوایی یمن نیز حفظ شود.

تحولات اخیر کره‌شمالی، محور رایزنی های چین و آمریکا

سرویس خارجی: وزارت امور خارجه چین اعلام کرد: جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا و وانگ یی، وزیر امور خارجه چین طی مکالمه تلفنی به بحث درباره برنامه هسته‌ای کره‌شمالی و مسائل دو جانبه پرداختند. وزیر امور خارجه آمریکا اعدام شوهرعمه کیم جونگ اون در کره شمالی را یادآور اقدامات صدام دانست و گفت که این رویداد «نشانه‌شوم‌بی‌ثباتی» در این کشور است. جان کری در گفت‌وگویی اختصاصی با شبکه ای.بی.سی نیز گفت: اعدام شوهرعمه کیم جونگ اون ویدئویی را به یاد من آورد که در آن می‌دیدیم صدام چنین کارهایی می کند.

معترضان اوکراینی خواستار حمایت آمریکا شدند

سرویس خارجی: رهبران احزاب مخالف در اوکراین با «جان مک‌کین» سناتور جمهوری‌خواه آمریکایی دیدار کرده و از وی خواستند دولت آمریکا اقدامات مشخصی علیه دولت اوکراین انجام دهد و حمایت معنوی و زبانی برای آنها کافی نیست. کلیچکو، رهبر «اتحاد دموکراتیک اوکراین» بعد از این دیدار در جمع خبرنگاران گفت: اوکراین که در حال سپری کردن زمان بسیار حساسی در تاریخ این کشور است، در شرایط کنونی به حمایت دوستان خارجی خود بسیار احتیاج دارد. وی همچنین از دولت آمریکا خواست اقدامات مشخصی علیه دولت اوکراین انجام دهد.

٤ کودک افغان؛ قربانی مین

سرویس خارجی: «عبدالله همت»، سخنگوی والی ارزگان از کشته شدن چهار کودک بر اثر انفجار مین کنار جاده‌ای در منطقه «دهراوود» این ولایت خبر داد. همت افزود: این حادثه زمانی به وقوع پیوست که کودکان قربانی این حادثه مشغول بازی بودند. همت ضمن محکومیت چنین اقداماتی از سوی مخالفان امنیت و آرامش در افغانستان گفت: بر اثر این انفجار، ۳ خانواده عزادار و داغدار کودکان خود شده‌اند.

ادب و هنر ۲۵۴

سه شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۲
شماره ۲۵۷۶۵

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات



میــازار مــوری که دانه کش اســت
که جان دارد و جان شیرین خوش است
«حکیم فردوسی»

اول دفتر

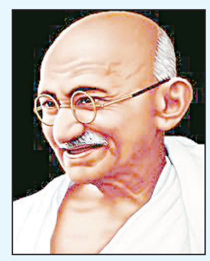
نگاهی گذرا به کتاب «ساتیا و من»

روزنوشت های ماهاتما گاندی

ترجمه و تدوین: هومن ظریف

«انسان هنگامی که اشتباه می کند،شرمسار است؛ولی زمانی که نیکی می کند،درآرزوی آشکار شدن آن است.چرا؟» - گاندی

یکی از آسیب های جدی قرن شلوغ ما،این است که انسان فکر می کند که شخصیت های معروفی چون گاندی و ماندلا را می شناسد.یعنی اگر نظر آنها را درباره این دو نفر بپرسید،ساده دلانه می گویند:«آنها مبارزان راه آزادی بودند».«با دشمن داخلی و خارجی می جنگیدند» و «اکنون جزو مقدسات تاریخ بشری هستند».



آن چنان انسان امروز در چنبره اخبار روز و چرخ دنده درّنده روزمرگی ،جان و تنش خرد شده است که دیگر هوس مطالعه زندگی اشخاص بزرگ به ذهنش خطور نمی کند.

کتاب «ساتیا و من»،با ترجمه هومن بابک،دلیل مقدمه ای بود که عرض شد.این کتاب،روزنوشت های مهاتما گاندی است که طی دو سال از زندگی اش،هر روز بندی به بندهای آن اضافه کرده است. بنابر آنچه هومن بابک به عنوان مقدمه این کتاب نوشته است؛«سنت روز نویسی یا نوشتن پیام های روزانه میان بزرگان هند،از دوران گذشته باقی مانده است و جناب گاندی ،بنا بر همین سنت تاریخی، این متن ها را نگاشته است... ساتیا،در واژگان سانسکریت به معنای راستی و حقیقت و سرچشمه جوشان نگرش گاندی به دنیای پیرامونش است.»

برخلاف نظر جناب هومن بابک که گفته است:«پس از گرداندن کتاب به این نتیجه رسیدم که برخی جمله های گاندی و گاهی واژگانی که استفاده می کند،برای بسیاری از پارسی زبانان،ناآشنا و شرح آنها در بخش ویژه ای نیاز است...» باید گفت که اگر منظور دیدگاه و محتوای اصیل پیام های گاندی است،بسیاری از مفاهیم، در دیوان های بزرگان سبک هندی،بیدل دهلوی و صائب تبریزی وجود دارد و نیز بزرگانی که در غزنین بالیده اند و جهانی شده اند، نظیر سنایی و ناصر خسرو(با توجه به اینکه بسیاری از آثار ایشان ابتدا در هند به چاپ رسیده اند). اما از جهتی با توجه به ابتدای سخن نگارنده،باید با هومن بابک هم نظر بود که شرح و درک مفاهیم اصیل و مشترک جوامع بشری،وقتی آشنایی و شناختن ،فراتر از «تهمت»نیست،این کتاب نیازمند شرح بوده است که مترجم ایرانی آن به زیبایی و شیوایی از عهده آش برآمده است.

گاندی نیز با هر دوی ما هم نظر است که می گوید:«من چیز جدیدی ندارم که به دنیا آموزش دهم . راستی وبی آزاری ،همسن کوه ها هستند.»

اما افسوس که آسمانخراش های شهرمدرن امروز نمی گذارند شهرنشینان مدعی متمدن،به راحتی کوه های شهر خود را ببینند ومردم رنجور،حیرانی خود را در کنج کافی شاپ و ته فنجان قهوه،مرهم می نهند!در صورتی که برای دیدن کوه،امروز کمی بیشتر همت باید.

بقیه در صفحه ٤

نگاهی به سینمای مستند در ایران
به بهانه برگزاری هفتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت

زهره زاهدی کرمانی



سینمای مستند سینمای حقیقت

سینمای حقیقت، سینمای مستند است. سینمایی که فیلمساز به پشتوانه یک تحقیق محکم و گسترده، به سراغ مسائلی می‌رود که شاید امروز یا در گذشته دغدغه ما هم بوده، اما مشغله روزگار نگذاشته تا به سراغ تحقیق جدی و کاملی برویم و حقیقت را درک کنیم. فیلمساز مستند با تکیه بر تحقیقات کامل و جامعی که انجام می‌دهد (اصل بر این است که انجام دهد)، ما را به سوی حقیقت هدایت می‌کند. حقیقتی که می‌تواند پرده از بسیاری کج فهمی‌ها، شایعات و اطلاعات ناصحیح اما شایع بردارد.

«جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت» به عنوان بزرگترین و مهمترین جشنواره‌ای که نگاه خود را بر سینمای مستند ایران و جهان متمرکز کرده است، از آغاز شکل گیری تا کنون نشان داده است که بر این سینما و اهداف آن، کم و بیش وفادار است.

این جشنواره که امروز هفتمین دوره خود را به پایان می‌رساند، با وجود راه پر فراز و نشیبی که تاکنون پیموده، موافقین و مخالفین بسیاری دارد که بحث اصلی را به حاشیه می‌رانند. جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت، در هفتمین دوره خود، میزبان ٩٦ فیلم در بخش بین‌المللی و ١٦٦ فیلم ایرانی در بخش مسابقه ملی بود که توانستند به لحاظ کمیت، این جشنواره را آبرومندانه پیش ببرند.

و اما کیفیت:

یکی از مهمترین نکاتی که در سال اخیر، بی توجهی به آن تبدیل به اصل اول مستندسازان جوان و تازه‌کار و همیشه خسته شده است، بحث شیرین تحقیق و پژوهش است که نبود آن فیلم را با چندین معضل روبرو می‌کند:

١ـ فیلم به وضوح در زمان نمایش عمومی از بی‌دانشی رنج می‌برد.

٢ـ فیلمساز، تازه در میانه راه به دلیل عدم جمع‌آوری اطلاعات کافی، به اطلاعات جدیدی دست پیدا می‌کند که مسیر فیلم را تغییر می‌دهد و چه بسا در این بین باعث از دست رفتن بودجه و زمان خود و عوامل فیلم شود.

٣ـ فیلمساز قادر به ایستادن در کنار فیلم خود نیست و توانایی دفاع از آن را ندارد.

و الی آخر.

معضل دوم، حضور افرادی علاقه‌مند به سینمای مستند است. وجود افراد علاقه‌مند، به خودی خود یک معضل محسوب نمی‌شود، اما زمانی که این درصد علاقه به جایی می‌رسد که فیلمساز بدون هیچ تجربه‌ای در زمینه فیلمسازی (چه رسد به مستندسازی) تصمیم به ساخت فیلم می‌گیرد، این آغاز مشکلات است. کم تجربگی کارگردان در تشخیص نماها، بی‌توجهی به مسأله صدا(که یکی از مهمترین ارکان فیلم مستند است) و نبود قاب‌بندی مناسب، همگی عواملی است که بودجه و وقت فیلمساز و حوصله مخاطب را به تباهی می‌برد.

سینمای مستند در سال‌های اخیر پیشرفت چندانی از نظر جذب مخاطب نداشته است و هر اشتباه تازه‌ای نیز در این مسیر، فاصله بین بیننده و سازنده را بیشتر و بیشتر می‌کند که هرچه این فاصله بیشتر می‌شود، پایه‌های اقتصادی این سینما نیز متزلزل‌تر خواهد شد.

نبود مستندسازان حرفه‌ای در صحنه سینمای مستند امروز، حضور مستندسازان تازه‌کاری را که عرصه فعالیت در این حوزه را خالی یافته‌اند، پررنگ تر کرده است. امسال یکی از اقدامات خوب جشنواره سینما حقیقت، برگزاری نکوداشت ناصر تقوایی بود که از اساتید قدیمی این عرصه به شمار می‌رود و به خاطر دلگیری از سینمای ایران و اهالی آن، او را کمتر می‌دیدیم.

او در نشستی که پس از نمایش فیلم هایش برگزار شده بود، گفت: « کیفیت سینمای ما تنها در تولید چند فیلم فرهنگی در سال نیست، بلکه باید یک مجموعه همه جانبه‌ای به وجود بیاید که ما نام آن را سینما بگذاریم. چه کسی گفته است فیلم مستند که بهترین فروش ها را در دنیا دارد، نمی‌تواند در سینمای ما آن فروش را داشته باشد؟!...»

بقیه در صفحه ٣

گزارشی دربارۀ نشست ماهانه اهالی موسیقی در فرهنگسرای ارسباران تهران

یخ‌های موسیقی ذوب می‌شوند

ملیحه صباغ

حالا دیگر با دهۀ ٦٠ و ٧٠ و حتی ٨٠ خیلی فرق دارد. سالهایی که اهالی موسیقی به‌راحتی نمی توانستند ساز خود را داخل پوسته‌اش گذاشته و آن را روی دوش خود بگیرند و از این سوی خیابان به آن سوی خیابان بروند. سال‌هایی که عده‌ای بر طبل حرام بودن مطلق موسیقی و حذف آن از تمامی رسانه‌ها می کوبیدند.

حالا با آن سالها خیلی فرق دارد و اهالی موسیقی با سه دهه مقاومت در مقابل انواع ناسزاها بالاخره توانستند ثابت کنند که اگر موسیقی نباشد، باید کرکره‌های تمام شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی را پایین بکشند و بدون موسیقی معنا و مفهومی برای رسانه‌ای صوتی و تصویری، متصور نیست امروز دیگر اهالی موسیقی می توانند کنسرت بدهند، آثار تازه‌ای خلق کنند، به راحتی به استودیوها بروند و آنها را ضبط و میکس کنند.

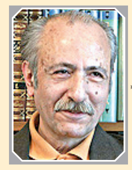


امروز آنها حتی می توانند ماهانه نشست‌ها و گردهمایی‌های تخصصی یا هم‌اندیشی‌های عمومی داشته باشند. کاری که حدود ٢ سال است توسط «علیرضا پورامید»، شاعر و پژوهشگر موسیقی، در فرهنگسرای ارسباران تهران پیگیری می‌شود و هر ماه جمع زیادی از اهالی موسیقی در آنجا گرد هم می‌آیند.

این نشست ماهانه موسیقی از جمله برنامه‌های فرهنگی است که در فرهنگسرای ارسباران به همت شهرام صارمی به عنوان

بقیه در صفحه ٥

کژتابی‌های ذهن و زبان



استاد بهاءالدین خرمشاهی

۹۸

بنده در «حافظ نامه» در توضیح آنکه چرا دریا «اخضر» (سبز) نامیده شده و چرا هلال به آن باریکی به کشتی تشبیه شده است، مطالبی آورده‌ام و حال پیشنهاد می کنم و ملاحظه می کنید که پیشنهادهای بنده چقدر معقول و مقبول است که چنین بگوییم:

دریای ازرق فلک و زورق هلال
هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

اولاً: ازرق یعنی آبی و کبود که با رنگ دریا مناسب‌تر است.

ثانیا: زورق باریک‌تر از کشتی است و با هلال تناسب بیشتر دارد.

ثالثاً: بین «ازرق» و «زورق» هم سجع و هم جناس شبه اشتقاق برقرار می گردد.

نکتهٔ دیگر آنکه کسانی که می گویند برای جمع ذیروح باید از فعل و ضمیر و رابطهٔ مفرد استفاده کرد، ملاحظه می کنند که حافظ با ما که منکر این مدعا هستیم، موافق است، نه آنها.

تازه سعدی هم می گوید:

ابر و باد و مه و خورشید فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

که نگفته است: «در کاراست».

اما سخن از ویرایش آثار بزرگان بود. حافظ بیت زیبای دیگری دارد که ما با آن کار و سرو کار داریم؛ و آن این است:

دی گفت طبیب از سر حسرت چو مرا دید
هیهات که درد تو ز قانون شفا رفت

لطف بیت در این است که «قانون» و «شفا» دو کتاب مهم از آثار ابن سینا (۳۸۰–۴۲۸ق) حکیم و طبیب نابغهٔ ایران /اسلامی است و حافظ این دو کلمه را با ایهام و تلمیح به کار برده است.

فعل دوم در مصرع دوم «درد از ... رفتن» است که چندان لطفی ندارد. حال به ویرایش این عبدجانی، و نویسنده در سطح جهانی، عنایت فرمایید (اگر عنایت هم نکردید، می شوید مثل سایر کسانی که نشریهٔ حاضر را نمی خرند و نمی‌دانند که از چه سعادت بزرگی خودشان را محروم کرده‌اند.)

باری، عرض بنده این گونه است: ... «هیهات، نجات تو ز قانون شفا رفت» که بدین ترتیب ایهام و تلمیح از ۲ به ۳ فقره ارتقا می‌یافت، و ثانیاً: نجات دادن بیمار یک تعبیر رایج است و به گمانم در عصر حافظ هم تداول داشته است.

*

بر سردر مؤسّسه‌ای فرهنگی نوشته شده بود: «فلسفه و تاریخ علم» که دیدم کژتابی دارد:

الف) «فلسفه» مستقل است و عطف و اضافه شده است به تاریخ علم

ب) مراد فلسفهٔ علم و تاریخ علم است (و مراد اصلی هم همین بود).

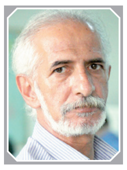
*

در فیلمی از مخملباف، آدم هیولا وشی که اگر نگاه زن آبستن به او می‌افتاد، درجا سقط جنین می‌کرد و هر اکوان دیوی هول می‌کرد و مردانگی‌اش جابه‌جا می‌شد؛ در مونولوگ یا دیالوگی (بهتر بود می‌گفتم در حدیث نفس یا در گفت‌وگو با دیگری که فارسی را بلکه پارسی را پاس بداریم) با رندی تمام به جای آنکه در مورد زشتی بی‌سابقه‌اش بگوید من موجودی زشت و زهره شکافم، می‌گفت: «فیزیک قیافه‌ام منفیه» و هیچ سخنی از شیمی قیافه‌اش نمی‌زد و از آن روز به بعد من خصومت عمیقی با اعتماد به نفس که همان خود فریبی آبرومندانه است، پیدا کردم.

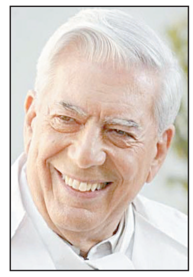
ادامه دارد

درخشش دوباره «ماریو بارگاس یوسا» در ادبیات امریکای لاتین

زانو بزن دیکتاتور!...



محمد رضا حیدرزاده









زمانی که قلم در خدمت مبارزه با قدرت شیطان قرار بگیرد، نتیجه اش این می شود که اگر از دیکتاتورهای جهان سئوال شود دوست دارید کدام یک از نویسندگان مطرح امریکای لاتین را با دست های خودتان دار بزنید؟ بی شک همه یکصدا خواهند گفت: ماریو بارگاس یوسا!

نویسنده های زیادی تا کنون در کتاب های خود سراغ نقد قدرت و تحلیل و رد شرایط و سیستم های دیکتاتورساز رفته اند، ولی شاید کمتر نویسنده ای با جدیت و ثابت قدمی وانضباط ماریو بارگاس یوسا به انجام این مهم پرداخته باشد.

این نویسنده ۷۷ ساله نوبل گرفته (سال ۲۰۱۰) که به عنوان یکی از بزرگترین نویسندگان اسپانیایی زبان شناخته می شود، با آن قامت بلند و چهارشانه و ستبر، دارای روحیه ای است که هر دیکتاتوری از هر قماشی را از کوره به در می کند تا در برابرش زانو بزند؛ چرا که او در بیشتر رمان هایش به اشکال مختلف به افشاگری علیه قدرت و انحصارطلبی آن دست می زند.

چند هفته قبل، خورخه ماریو پدرو بارگاس یوسا، به عنوان برنده جایزه بین المللی ستون نویسی روزنامه ال موندوی اسپانیا انتخاب شد. یوسا که در مراسم اهدای این جایزه در روزنامه ال موندو در مادرید حاضر شده بود، در سخنرانی صمیمانه ای گفت که از ۱۵ سالگی شروع به روزنامه نویسی کرده و اوقات فراغت خود را در تابستان صرف این کار می کرده است.

گروه داوران امسال این رقابت که مدیران چهار روزنامه تأثیر گذار بودند، یوسا را به دلیل حفظ رابطه اش با حرفه روزنامه نگاری و پیگیری او در این زمینه، شایسته دریافت این جایزه خواندند و از دفاع او از آزادی در حوزه بین‌المللی تقدیر کردند. جایزه روزنامه نگاری ال موندو امسال با گرامیداشت خاطره خوسه لوئیس لوپز ده لاکایه، روزنامه نگار فقید برگزار شد.

ماریو بارگاس یوسا، در ۲۸ مارس سال ۱۹۳٦ در «آرکیپا» کشور پرو به دنیا آمد. وی تنها فرزند پدر و مادرش بود و والدینش خیلی زود از هم جدا شدند. ۱۰ سال اول زندگی اش را در بولیوی و با مادرش گذراند. پس از اینکه پدربزرگش مقام دولتی مهمی در پرو به دست آورد، همراه مادرش در سال ۱۹٤٦ به سرزمینش بازگشت. دوران کودکی او با تلخی سپری شد. در ۱٤ سالگی پدرش وی را به دبیرستان نظام فرستاد که تأثیری ژرف بر او نهاد و ایده نخستین رمانش را در ذهنش پروراند.

نگرش داروین گرایانه او نسبت به زندگی، حاصل تجربه همین دو سال است. بارگاس یوسا در رشته هنرهای آزاد دانشگاه لیما فارغ‌التحصیل شد و سپس از دانشگاه مادرید در رشته ادبیات درجه دکتری گرفت. یوسا در سال ۱۹۵۹ به پاریس مهاجرت کرد و به عنوان معلم و خبرنگار خبرگزاری فرانسه و همچنین تلویزیون ملی فرانسه مشغول به کار شد. وی سال‌ها در اروپا، به ویژه در پاریس و لندن و مادرید زیست و به کارهای گوناگون پرداخت که مترجمی، روزنامه‌نگاری و استادی زبان از آن جمله‌اند.

وی در نوزده سالگی با خولیا اورکیدی، که یکی از نزدیکانش و هیجده سال از او بزرگتر بود، ازدواج کرد. در رمان برجسته عمه خولیا (۱۹۷۷) از شخصیت این زن الهام گرفته‌است. اما این ازدواج دیری نپایید و در ۱۹٦٤ به طلاق انجامید و در سال بعد با پاتریسیا، بانوی زندگی‌اش دیدار کرد که تا امروز همسر اوست و از او سه فرزند دارد: آلفارو، گونزالو، مورگانا.

ماریو بارگاس یوسا بیست ساله بود که اولین داستانش منتشر شد؛ داستان کوتاهی به اسم سر دسته ها، که در یکی از نشریات پایتخت به چاپ رسید. اما او راه درازی را در پیش داشت و شاید خودش هم آن قدر جاه طلبی نداشت که روزگاری نامش را در میان سه نویسنده بزرگ آمریکایی جنوبی ببیند. امروز اما ادبیات پر رونق آمریکای لاتین مدیون مارکز، فوئنتس و یوساست.

شهرت یوسا با نخستین رمانش «زندگی سگی» آغاز شد. رمانی که در آن به تجربه‌های سختش در خدمت نظامی می‌پردازد. بدین ترتیب جهان خیلی زود با دوره طلایی ادبیات امریکای لاتین، که Boom نام دارد، آشنا شد. این دوره از دهه پنجاه و شصت قرن پیش آغاز شد و توجه جهانیان را به این قاره و ادبیاتش جلب کرد.

انتشار کتاب «سور بز» جنجال بزرگی به پا کرد؛ زیرا در آن به زندگی رافایل لیونیداس تروخیو، دیکتاتور دومینیکن، پرداخته بود. در زندگی این موجود وحشی، فساد و خون‌خواری و جنون همه پادشاهان دیکتاتور و چگونگی تبدیل انسان به اهریمن را نشان می‌دهد. این جنجال‌آفرینی از دنیای یوسا دور نیست که او کلمات را مین‌های کاشته شده‌ای می‌داند که باید در ذهن یا اخلاق یا حافظه خواننده منفجر شود.

مضمون عمده رمان‌های یوسا، جدال بر سر قدرت و اعمال این قدرت در آمریکای لاتین است. قهر و خشونت مردانی که سودای سالاری را در سر دارند (خواه در ارتش، در گروه‌های چریکی و یا در احزاب سیاسی). در بسیاری از کتاب‌های او مضمون عمده‌است، خاصه در شاهکار به یادماندنی اش «جنگ آخر زمان» (۱۹۸۱).

به گمان بارگاس یوسا، خشونت پایه روابط انسان‌ها را در جوامع عقب‌افتاده تشکیل می دهد. در رمان «چه کسی پالومینو مولرو را کشت»، که ماجرای آن در بیابان‌های شمال پرو، نزدیک یک پایگاه نیروی هوایی، روی می‌دهد؛ جنایتی تکان‌دهنده به وقوع می‌پیوندد. دو پلیس محلی برای تحقیق دست به کار می‌شوند. اما آنها کارآگاهان کارکشته‌ای نیستند که امکانات مدرنی در اختیار داشته باشند. آنها حتی اتومبیل گشت ندارند.

ظاهراً کسی مشتاق آن نیست که دو پلیس محلی، سیلوا و لیتوما، قاتل پالومینو مولرو را پیدا کنند. اما این دو مداومت نشان می‌دهند و آهنگ کند و عاری از نظم تحقیقات آنها تنها به هیجان روایت دامن می‌زند. درونمایه رمان چه کسی پالومینو مولرو را کشت، درونمایه برخی از رمان‌های بزرگ یوساست. درونمایه جرم و بی گناهی و نداشتن امکان دسترسی به عدالت در جامعه‌ای که بر پایه نابرابری شکل گرفته‌است.



توصیه به آقای ضرغامی!

«یکی از عیوب جوامع ما این است که فرهنگ خود را متأثر از فرهنگ دیگران کردیم. باید عقل و دین و هدایت الهی را مبنا قرار دهیم، نه این که مردم کشورهای دیگر چه می کنند. امت اسلامی معیار را باید از قرآن بگیرد.»

مطلب بالا که در گیومه آمده است، یکی از هزاران رهنمود فرهنگی رهبر فرزانه انقلاب است، لذا بر ما تکلیف است که رهنمودهای معظم له را جامه عمل بپوشانیم. بر این اساس ما از جناب ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما – مخلصیم، سلام بلند دکتر محمدحسین صوفی را هم برسانید – استدعا داریم که اگر آب دستشان است، زمین بگذارند و به این جماعت مجری های عزیز بگوید از کلمات فرنگی استفاده نکنند. ما همین دوشنبه قبلی یک عالمه حرص و جوش خوردیم از بس این عادل فردوسی پور در برنامه نود به جای تشکر می گفت «مرسی»!

ضمناً این گیر دادن ما به نود و فردوسی پور با امیر قلعه نوعی که با این برنامه و مجری توانمندش در افتاده هیچ ارتباطی ندارد؛ چون قبل از هرچیز، ما پرسپولیسی هستیم و برنامه نود را هم دوست داریم.

باز هم دم لیونل مسی گرم!

باز دم لیونل مسی گرم که آن همه چرت و پرت را از سوی کسانی که ادعا می کردند ایرانی هستند، روی صفحه «ف ی س ب و ک» خودش خواند و آخرش هم فهمید پای توطئه گران استکبارجهانی در میان است و عاقبت اطلاعیه ای صادر کرد و ضمن غنی خواندن فرهنگ ایران زمین تأکید کرد که یقین دارد آن چرت و پرت ها کار ایرانیان واقعی نبوده است.

لذا ما پیشنهاد می کنیم که به طور خود جوش در وسط یکی از مراسم باشکوه این هفته دارقوز آباد علیا از جناب لیونل مسی تقدیر و تشکر و قدردانی شود و صلواتش را بفرستیم تا همه چیز ختم به خیر شود. با این کار، ما با یک تیر چند هدف می زنیم.



امیرحسین انبارداران

اولاً که یکهو دیدید لیونل مسی جوگیر شد و احساساتش گل کرد و در جام جهانی به تیم ما پیوست، هدف بعدی این که عده ای هم کنارش عکس یادگاری می گیرند و به نوایی می رسند.

خدا حفظ کند آقای دوربینی را که زیر همه تابوت ها یک تنه حاضر می شد و راه به دیگران نمی داد؛ این چند وقته که پیداش نیست، هزار ماشاءالله چقدر آقای دوربینی در مملکت مان زیاد شده! خدا بیامرزد امیرحسین فردی را که تا وقتی زنده بود، همه دعاگویش بودند و همین که به رحمت خدا رفت، صغیر و کبیر و ریز و درشت و چپ و راست، رفتند زیر تابوتش عکس یادگاری گرفتند. یارو چنان عینهو غاز مازندران گردن کشیده بود پشت تابوت که هنوز که هنوز است، پس از گذشت چند ماه از درگذشت امیرخان، ما جگرمان دارد می سوزد.

این که دیدید «ف ی س ب و ک» را این طوری می نویسیم، علت دارد. این ف ی س ب و ک بی پدر و مادر یک بار اشتباهی با ما کار ناپسندی کرده که ما تا عمر داریم از سرش نمی گذریم.

خودمانیم ها.....کاری که جماعت ف ی س ب و ک باز ما با لیونل مسی کرد، زشت بود. نکنیم این کارها را!

معرفی «دیوان شعر مشهور» / مشهور فرامرزی / به کوشش احمد حبیبی / نشر همسایه

گمانم کار خوبی کرده مشهور!

اکبر اکسیر

شهرهای کوچک، آدم‌های بزرگی دارد و آدم‌های بزرگ کارهای بزرگتر. در هر نقطه‌ای از خاک طربناک ایران کسانی هستند که یک تنه تمام مسئولیت‌های اداری، سیاسی، اجتماعی، ادبی، هنری و... را به دوش می کشند؛ بدون اینکه آدمی مقام‌پرست، پول‌دوست یا جاه‌طلبی باشند. اغلب این افراد فعالیت اجتماعی را یک نوع وظیفه و خدمت به شهر و دیار خود می‌دانند.

آنهایی که ساکن شهرستان یا روستاهای دورافتاده هستند، درک واقعی از این سخنان خواهند داشت. مثلاً اگر شاعر سرشناس فلان شهر کوچک باشی، از انشای دبستان بچه‌های فامیل گرفته تا شعر سنگ قبر و عریضه دادگاه و مبایعه‌نامه و اجاره‌نامچه را از تو طلب می کنند. حتی زیر پایت می نشینند تا برای شورا ثبت‌نام کنی! خلاصه یقه‌ات پیش همه گیر است.

یکی از این نفرات سراپا تلاش که از معلمی تا فرمانداری از نویسندگی تا پژوهش و خلاصه در خیر و شر مردم شهر بُستک در استان هرمزگان سهیم بوده است، جناب «احمد حبیبی» است که به طرزی شکیل، مجموعه اشعار استاد مشهور فرامرزی را با یاری انتشارات همسایه به چاپ رسانده است و توانسته با تدوین این دیوان ٤٢٧ صفحه‌ای در قطع پالتویی در شناساندن مفاخر ادبی منطقه به مردم ایران، سهم عمده‌ای داشته باشد. به طوری‌که دواوین اغلب شعرای منطقه را تدوین و منتشر کرده است و از این بابت حق مهمی بر گردن اهالی فرهنگ و هنر هرمزگان دارد. احمد حبیبی در مورد معرفی مشهور فرامرزی می‌نویسد:

«مشهور فرامرزی متولد ۱۳۱۰ گچویه، شاعری محبوب و مردمی و عارفی باتقوا بود. اشعار فراوانی از شاعران بزرگ پارسی و محلی از حفظ داشت. طبع شعرش روان و شعرش ساده و عامه‌پسند است.»

مقدمهٔ جامعی از آقای حبیبی در شرح حالات و ویژگی‌های آثار مشهور فرامرزی در ۵۰ صفحه به چاپ رسیده و ما را با احوال و آثار این عارف بزرگ آشنا می‌سازد. از لابلای این شرح حال متوجه می‌شویم که مشهورترین فرد این خاندان، استاد عبدالرحمان فرامرزی، روزنامه‌نگار بزرگ ایران بوده است که از روزنامه‌نگاران فرهیخته دوران قبل از انقلاب بود.

مشهور فرامرزی از خیل ترانه‌سرایان مردمی مثل محیای بستکی، باقر لارستانی، فایزدشتی، امیر پازواری، مختوم قلی فراغی و باباطاهر عریان بود که ترانه‌هایش در بین مردم از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است.

ضمن خسته نباشید به پژوهشگر ارزنده منطقه بستک هرمزگان جناب آقای احمد حبیبی از ایشان می‌خواهم کارهای دولتی و سیاسی و پست و مقام را به صاحبانش بسپارد و تدوین دواوین شعرا و معرفی بزرگان شعر و ادب مناطق محروم را ادامه دهد و بداند که یک جلد مقامات حمیدی، نفیس‌تر از مقامات دنیوی است!

در ادامه، چند نمونه از ترانه‌های مشهور فرامرزی گچوئی از نظرتان می گذرد تا طراوت و شادابی را در سادگی و روانی و زیبایی دوبیتی‌های مشهور احساس کنیم و بپذیریم که شعر خوب از دلهای پاک برمی‌آید و یادمان باشد که شکستگی وزن و اشکالات قافیه در ترانه‌های محلی به تلفظ خاص آنها مربوط است! به هرمزگان آمده‌ایم انصاف نیست یادی از شاعر طنزپرداز بندرعباس جناب راشد انصاری هم نکنیم!

گچو باز آمدم بعد از زمانی
به یار و اقربا کردم سلامی
گمانم کار خوبی کرده مشهور
ندارد کس در این دنیا دوامی

**

خدایا سیرم از این زندگانی
نبردم هیچ عشرت از جوانی
مخور مشهور غم دوران همیشه
که دنیا نیست جای جاودانی

**

* شکر بی‌قیمت است نزد لبانت
جواهر گوهر است روح و روانت
شنیدستم تو پی جور غلامی
بود مشهور غلام رایگانت

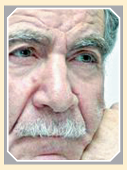
**

* زنم داد و زنم داد و زنم داد
جوانی و شبابم رفته بر باد
به امید تو مشهوری نشسته
شب و روزان به افغانم به فریاد



تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»

رازِ راز



۴۵ گفتگو از: کریم فیضی

تصدیق و تصور

*** یعنی همان تصور و تصدیق و نظایر آن...**

درست است. حکما ادراک را به دو بخش تصور و تصدیق تقسیم کرده‌اند. این تقسیم در همهٔ کتابهای منطقی آمده است. پر واضح است که تصور قبل از تصدیق است. گفته‌اند که: تصدیق از تصور ساخته می‌شود که البته چنین نیست و تصدیق از تصور ساخته نمی‌شود.

*** قول صحیح این است که تصدیق گونه‌ای از تصور است که تصدیق می‌شود.**

* آفرین، تصدیق، تصوری است که تصدیق می‌شود. این اشتباهی است که خیلی ها مرتکب شده و گفته‌اند: تصدیق از مجموع سه تصور موضوع و محمول و نسبت حکمیه ساخته می‌شود. این حرف به طور قطع غلط است. اساساً این سه تصور، اجزاء تصدیق نیستند، شرایط تصدیقند. فرق است بین اجزاء و شرایط. درست است که تصدیق بدون تصور نیست اما تصورات اجزاء تصدیق نیستند بلکه اگر باشند شرایط تصدیقند و حقیقت تصدیق، همان حکم است. حکم که روح تصدیق است، مادامی که تصورات نباشد، واقع نمی‌شود. پس نوعی وابستگی در اینجا وجود دارد، اما ترکیب نیست و موضع از سنخ جزء و کل نیست. این مسئلهٔ مهمی است که خیلی‌ها به آن توجه نمی‌کنند.

*** برگردیم به دیدگاه حکما که از تصور و تصدیق سخن گفته‌اند.**

* نخستین مرحله در ادراک تصور است. فرض حکما و از جلمه شبستری این است که تصور، غیر از تصدیق است. اکنون که ما باهم حرف می‌زنیم، در مغرب‌زمین اهل فلسفه می گویند: ما تصور نداریم. می گویند، هر تصوری تصدیق است. بنابراین، واحد کلام تصدیق است.

*** در واقع، غربی‌های جدید تصور را قبول ندارند. آیا این قول را قبول دارید؟ چون ما تصوراتی داریم که تصور است و تصدیق نمی‌شود و حکم نمی کنیم.**

* طبیعتاً آنها این را می‌دانند. به همین جهت می گویند: هر چیزی را که تصور می کنید، هرچند که حکم رویش باز نکنید، به مجرد تصور می‌دانید که شما تصور کرده‌اید

*** حرف ظریفی است. در واقع، در هر تصوری، حکمی ملحوظ و مستور است.**

* همین که من تصور می‌کنم، تصدیق است. این حرف بسیار مهم است. لازم نیست بگوییم چنین است و چنان است. مطلق تصور، از نوع تصور سیمرغ، همین که تصورش کنید و بدانید که شما تصور کننده‌اش هستید، تصدیق است.

*** البته این تصدیق تصور نیست، بلکه یک تصدیق بیرون از تصور متصور و تصدیقی دیگر است.**

* تصدیق تصور خودم است؛ یعنی تصدیق می‌کنم تصور خودم را.

*** این تصدیق تصور مورد تصور نیست، بلکه به این صورت است که تصور خودم را تصدیق می کنم.**

* خب، هرکسی تصور خودش را تصور می کند. ما نمی‌توانیم به طور مفصل وارد این بحث بشویم. غرض اشاره به این نکته بود که چنین بحث‌هایی در اندیشه‌های جدید غرب وجود دارد. من به پیروی از حکمای خودمان بر این عقیده‌ام که تصور هست؛ یعنی تصور درست است که همیشه با تصدیق همراه است و همین تصور من هم تصدیق می‌شود، ولی من این توانایی را دارم که تصدیق را لحاظ نکنم، به نحو عدم اعتبار، نه به اعتبار عدم.

ادامه دارد

نگاهی به سینمای مستند در ایران به بهانه برگزاری هفتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت



زهره زاهدی کرمانی



بقیه از صفحه اول

تقوایی افزود: «چون موضوعات در مستند متفاوت‌هستند، جهان‌بینی نیز متفاوت‌می‌شود. تفاوت بسیاری بین کسی که گزارش تهیه می کند با کسی که راه حل پیدا می کند، وجود دارد. و خوشبختانه این گروه در سینمای ایران کم نیستند و معمولاً جوانان به سراغ موضوعاتی رفته‌اند که به آن موضوع اشراف دارند و هرچه دانش خود را درباره موضوعی که تصمیم دارند بسازند، بالاتر ببرند، فیلم موفق‌تری خواهند ساخت و تماشاگر هم با رخدادهایی که نمی‌دانسته است، آشنا خواهد شد.»

جمعه گذشته سه فیلم «باد جن»، «اربعین» و «مشهد قالی» ناصر تقوایی که هر سه اشاره به آیین‌هایی مختص به جنوب ایران داشتند، در سالن سینما فلسطین جشنواره سینما حقیقت به نمایش درآمدند و با استقبال خوبی هم مواجه شدند.

تقوایی درباره ساخت این سه فیلم گفت: «من هرگز در فیلم مستند «بادجن» یا «اربعین» مجبور نشدم پلانی را به دلیل آنکه کسی به دوربین زل زده است کنار بگذارم، گاهی مجبور می شدم از یک دوربین قلابی استفاده کنم تا هواس مردم را با آن پرت کنم و با یک دوربین دیگر فیلمبرداری را انجام می‌دادم.»

تقوایی درباره‌شکل گیری موضوع مستند اظهار کرد: «هر موضوعی که به فیلم تبدیل می کنیم باید تم داشته باشد و تم یعنی جوهر آن چیزی که فیلم می‌خواهدبگوید. تم‌ها، لازمه یک داستان سینمایی است. جوهر یک‌موضوعی که فیلم می‌خواهد بگوید چیست؟ زمانی که تم پیدا می‌شود جزئیات نیز پیدا می‌شوند. در سینما مثل ادبیات وقتی که تم پیدا می‌شود شما متوجه می‌شوید که در سناریو بازیگران چه چیزی باید به هم بگویند».

این فیلمساز دربارهِ تفاوت داستان با فیلمنامه توضیح داد: «داستان را به محض یک شروع خوبِ می‌توان نوشت. نگران پایان داستان نباشید اما در فیلمنامه برعکس است، پایان باید مشخص باشد زیرا ماهیت اجرایی این دو کار با هم متفاوت است. ادبیات را به تنهایی درخانه و به طور ذهنی می‌نویسیم اما فیلم را یک گروهی باید اجرا کنند. بازیگری که نمی‌داند پایان فیلمش چه می‌شود چه چیزی را می‌خواهد بازی کند؟ بازیگر باید از شروع پایان را بداند».

هفتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت، امشب (سه شنبه شب) با نکوداشت ناصر تقوایی و سید حسن بنی هاشمی به کار خود در تالار وحدت تهران پایان می‌دهد تا تلاش‌ها برای برپایی هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت آغاز شود.



«ناصر تقوایی» در نشستی پس از نمایش فیلم هایش

طنز در گلستان سعدی

بخش نهم



محمدعلی علومی

ملک گفت: موجب گرد آمدن سپاه و رعیت چه باشد؟ گفت: پادشه را کرم باید تا برو گـرد آیند، و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند، و ترا این هر دو نیست.

نکنـد جور پیشـه سـلطانی
کـه نیایـد ز گـرگ چوپانی
پادشـاهی که طرح ظلم افکند
پـای دیوار مُلک خویش بکند

شرح طنز

الفــبنای طنز بر عدم تجانس و یا عدم تناسب اسـت. ملک در این حکایت به نحوی تصاعدی و لایه در لایه، در عدم تناسب است با:

۱ــموقعیت خود که ملک است و ناگزیر می‌باید که عدالت‌پرور باشد اما این ملک چنان موذی است که: «دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیـت کـرده، تا به جایی که خلق از مکاید فعلش ... راه غربـت گرفتنـد.» به همین جهت طنز در این حکایت، طنز موقعیت محسوب می‌شود.

۲ــعدم تجانس است میان این ملک زورگو با فریدون شاهنامه.

۳ــعدم تجانس است میان رفتار و منش ملک با منش و کنش وزیر خردمند.

شیوه‌های داستان‌پردازی

ب‌ــشخصیت‌پردازی: سعدی در این حکایت به شـیوه داستان‌نویسی جدید، خود به عنوان راوی داستان کنار رفته است و اشخاص داستان، از طریق گفته‌ها و به خصوص کردارهایشـان است که خود معرف خویشتن هستند. ملک در این حکایت بنا به رفتارهایش، آدمی طمعکار اسـت که اموال رعیت خود را غارت می‌کند و در همان حال آدمی خودبین و خود رأی است؛ چرا که «ملک را پند وزیر ناصح، موافق طبع مخالف نیامد، روی از این سـخن درهم کشید و به زندانش فرستاد.»

وزیر، شخصیتی دلیر دارد که در حضور چنین ملک‌ظالمی،زبان‌به‌بیان‌حقیقت‌می‌گشاید،می‌گوید: «ای ملک چو گرد آمدن خلقی موجب پادشاهیست، تو مر خلق را پریشان برای چه می‌کنی؟»

رعیت در این داستان، بنا به ستم‌های فراوان که دیده اسـت، همه به طرزی یکسان شخصیتی واحد دارند.

سعدی در روان‌شناسی اجتماعی این جماعت سـتمدیده می‌گوید: «قومی که از دست تطاول او به جان آمده بودند و پریشان شده، بر ایشان گرد آمدند و تقویت کردند تا ملک از تصرف این به در رفت و بر آنان مقدر شد.»

ج‌ــتعلیـق حکایت در چنـد مرحله: تعلیق موضوعی است که از ابتدای داستان‌نویسی تاکنون عاملـی مهـم در پرداخت داسـتان و یـا حکایت، محسـوب شـده و بدیهی اسـت که اگر داسـتان، گره‌گاه‌هایی نداشـته باشد که خواننده را نسبت به ادامه داسـتان علاقه‌مند کند، مخاطب از همان ابتدا، به موضوع بی‌علاقه می‌شود.

اولین مرحله تعلیق در این حکایت، وقتی است که رعیت کم می‌شود و «خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند» در شباهت با ستمگری‌های اوست که در مجلس حاکم، داسـتان ضحاک خوانده می‌شود، دومین گره‌گاه وقتی اسـت که حاکـم، پند وزیر را نه تنها نمی‌پذیرد بلکه او را به حبس می‌اندازد.

سـومین گره‌گاه که در عین حال حکایت را به فرجام می‌رساند وقتی است که عموزادگانش بر او عصیان می‌کنند و در برگشت به آغاز حکایت است که رعیت آزرده و سـتمدیده بـا عموزادگان ملک، همراهی می‌کنند.

ادامه دارد

نگاهی به نمایشگاه نقاشی های «هومن نصیری» در گالری «گلستان»

ضرب آهنگ پرواز



کیوان خلیل نژاد
(دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر)

در هفته ای که گذشت گالری «گلستان» میزبان آثار نقاشی «هومن نصیری» بود. «خوشا پرنده» عنوان یازدهمین نمایشگاه انفرادی «هومن نصیری» است. او در این مجموعه فرم پرنده را بهانه‌ای برای برون ریزی احساس نقاشانهٔ خود قرار داده، احساسی که به گفتهٔ خـودش «تمام جان و تن مرا دربر می گیرد و عبور از کنار آنچه به دنیا تعلق دارد را برایم میسر میسازد».

«هومن نصیری» در نقاشیهایش به زبانی بصری و شـخصی دست یافته است،زبانی شـاعرانه که از ادبیات تأثیر پذیرفته امّا داسـتان نمی گوید. این زبان دارای دو کارکرد است. فرمها به وسیلهٔ آن با مخاطب وارد گفتگو می شـوند؛ گفتمانی از جنس تصویر نه از جنس روایت. این زبان بصری مرز میان جوشـش درونی نقاش و اثر او اسـت. به واسطهٔ آن بیقراریهای روح نقاش به خطها، لکه‌ها و ضربهٔ قلموها ترجمان می شـوند .درمجموعهٔ «خوشا پرنده» ضربهٔ قلموها همه‌جا دیده میشوند. آنها مرز فرم را در می‌نوردند و پرنده های ثابت درون قاب را تا بی‌نهایت به حرکت وا می‌دارند.

هرگاه نقاشـی را به وسیلهٔ تاش و ضربهٔ قلموها تعریف کنیم، بخشی از خصلت دیداری آن به خصلت بسـاوایی مبدل می‌شود. تاش‌ها می توانند احساس زبری و برندگی را منتقل کنند یا آنقدر کشیده و باریک شوند که نقش «خطوط شکل ساز» (کنتور) را به عهده گیرنـد؛ تکـرار آنها در کادر بـا ایجاد ریتم، خروش موسیقی را جایگزین سکوت نقاشی می کند.

وقتـی به دوره هـای مختلف نقاشـی «هومن نصیـری» می نگریم، آنچه در اولین مواجه بیشـتر به چشم می آید ضربه قلموها است. آن‌ها گاهی خصلت خط به خود می گیرند و گاه به شـکل تاش‌هایی لکه وار نمودار می شوند. از فشردگی آنها میدان هایی از بافت به وجود می آید که تا لبهٔ فرم‌های آشنایی‌زدایی شدهٔ نقاش به طور گسترده پهنه می‌دوانند. این فرم‌ها خود را در روند کاری «هومن نصیری» به صورت های فیگور انسـان، پرنده، فرشـته، هلال ماه، موجودات بالدار، کتیبه و تنهٔ درخت آشکار می سازند.

این فـرم‌ها قصدی بـرای بازنمایـی واقعیت ندارند. هرچه بیشـتر به آنها می نگریم بیشـتر ما را از عـادت‌هـای بصریمـان دور می کنند. بـرای نمونه پرنده های مجموعهٔ «خوشا پرنده» گاهی کاملاً قالب خود را می‌شکنند و چون سنگ پشت ساکن و صلب بر جایشان باقی می مانند، همچنین گاه چون ماهیان شـاد در حوض فیروزهای نقاشی جست و خیز می کننـد. اما آنچه در آنان عمومی تر اسـت پنجه های قـوی آنها اسـت. در اینجا پرنده‌ها بیشـتر به پاهای مستحکمشان اعتماد دارند تا بالهایشان. آنها با پاهای







استوارشان چون توده‌های از سنگ بر پایه‌ای ستون‌مانند ایسـتاده‌اند. آنچه پـرواز را در این مجموعهٔ صلب و سـاکن نمایان می کند شوق پرواز خطوط است. آنها قفس پرنده را بر نمی تابند و پرواز را بر تمامی سطح نقاشی فریاد میزنند.

در دیـدگاه «فرویـد» هنـر به عنـوان« ارضاء جایگزین» نقش بسـزایی در تعـادل روانی و ایجاد پروسهٔ «اقتصاد روانی» ایفا می کند. نیاز به تعادل روانی و رسـیدن به آسایش در دنیای مدرن، امروزه بیش از گذشته احساس می‌شود. جهان پر سروصدای مدرن آدمی را تحت سـیطرهٔ خود در آورده اسـت. به قول «ژیل دولوز»؛ فیلسوف فرانسوی «انسان مدرن توسط امر بیرونی کر شـده است». «دولوز» نقاشی مدرن را در محاصـرهٔ هجوم عکس‌ها و کلیشـه ها می داند؛ مجموعه ای از چیزهایی که پیش از شروع نقاشی بوم را اشغال کرده‌اند. خود نقاش نیز همراه این کلیشه ها درون بوم سـفید حضور دارد. بوم برای نقاش مدرن صحنهٔ کارزار است ، چارچوبی قفس مانند که نقاش در آن اسـیر کلیشه های پیرامون اش شده است. برای او شروع نقاشی ، دمیدن در کوس جنگ است ؛ جنگی که در آن نقاش، صفحهٔ نقاشی را از چنگ آنچه پیش از آن پر شـده نجات داده، صحنه را خالی و شـفاف می‌سـازد و از آن خارج میشـود. نقاش مدرن همان اندازه که می خواهد تابلو را از دسـت کلیشـه های پیشـین برهانـد به همان مقـدار خود را نیـز از آنها مـی پالاید.«هومن نصیری» در مسـیری که تا کنون پیموده، راه پیروزی در این کارزار را یافته اسـت. در ایـن میان پرنده‌های او از کلیشـهٔ پـرواز به کلّی دور شـده اند، بافت نرم پرهاشـان به خطوطـی بیانگرا (اکسپرسـیو) و بدون تکلف بدل شده؛ خطوطی که در انـدام پرنده می رقصند تا پـرواز را برای پرنده به امری درونی بدل سازند.

نقاشـی های «هومن نصیری» خود را بر بینایی تحمیل نمی کنند؛ بلکه اجازه می دهند تا اندک اندک مورد شـناخت و تأویل قرار گیرند. در اولین مواجه با اثر، تصویر آشـنا و ساده می‌نماید؛ پرندهای بزرگ تمامی قاب تصویر را تحت تاثیر قرار داده اسـت. اما با لحظه‌ای درنگ، پس زمینه، که در نگاه اول ساکن و تخت به‌نظر رسیده، به حرکت در می آید، به دور پرنده مـی‌رقصد و خط هایـی از درون آن را با خود همراه مـی سـازد. ضرب آهنـگ پرواز از همـه جا به گوش مـی رسـد؛ از درون پرنـده ،از پس زمینـه ، از خطوط ناخوانای نوشته شده بر صفحهٔ نقاشی و حتّی از کتیبه ای که گاه بالای سر پرنده قرار دارد. لیکن در این میانه هیچ چیز شلوغ و مشوش نیست و یک دستی فرم های موجود در اثر همه چیز را به سکون اولیه باز خواهد گردانید.

نقد کتاب

نگاهی گذرا به کتاب «ساتیا و من»

روزنوشت های ماهاتما گاندی





ترجمه و تدوین: هومن ظریف

بقیه از صفحه اول

و باز در مقدمه شیوای هومن بابک می خوانیم: «به باور گاندی، سـاتیگراها (مقاومت کنندگان بر اسـاس راسـتی) که بعدها توسط مارتین لوترکینگ در جنبش سیاهان امریکا با عنوان «قدرت سکوت» یا «قدرت روح» از آن نام برده می شد، بسیار نیرومند تر از توان فیزیکی است. گاندی می نویسد: «هنگامی که نا امید می شوم، به یاد می آورم در تاریخ ،راه راستی و عشق همواره پیروز بوده است.

حکمران ها و دیکتاتورها در برهه ای شکسـت ناپذیر جلوه می کنند ولی در نهایت همه آنها سرنگون شده اند. همیشه به این واقعیت بیندیشید.»...

اصل سـاتیاگراهای گاندی بر بسیاری از فعالان آزادی خـواه ماننـد دکتـر مارتیـن لوترکینگ، تنزین گیاتسو، لخ والسا، استفان بیکو، دزموند توتو، آنگ سان سـوچی و نلسـون ماندلا تأثیر گذاشت. البته همه این رهبران نتوانستند کاملاً به اصل عدم خشونت و مقاومت گاندی وفادار بمانند.

و اما در اندک مجال این مقال، رگه هایی از تعالیم جناب سنایی در روزنوشت های مهاتما گاندی را متذکر می شـوم که برای پژوهشـی درخور، زیبا و بجا به نظر می رسد. سنایی در قصاید خود می گوید:

مکن در جسـم و جان منزل، که این دون اسـت و آن والا
قدم زین هر دو بیرون نه، نه آنجا باش و نه اینجا

و گانـدی در ۱۴ اردیبهشـت ۱۳۲۴ مـی گوید: «ذهن ها دو دسـته اند؛ گونـه ای بلند بالا و آن دیگری فرومایه. بیایید به شایستگی فراتر از این بیندیشیم و تمیز دادن یکی از دیگری را بیاموزیم.»

سـنایی در «حدیقهٔ الحقیقه و شریعهٔ الطریقه» در الباب السّادس فی ذکر نفس الکلّی و احواله می گوید:

عیسی جانت گرسنه است چو زاغ
خـر او می‌کنـد ز کنجـد کاغ
جانـت لاغـر ز گفـت بی‌معنـی
تنـت فربـه ز کـرد بـا دعـوی

و گاندی در ۱۸ فروردین ۱۳۲۴ می فرماید:

«من سخت می کوشم از بدن مادی ام پاسـداری کنم. آیا همان اندازه هم درد می کشم که روحم را بشناسم؟»

و آخر اینکه می توانسـتم بدون قرابت نام گاندی و آزادگی، چند مثال زیر را برای نظری که عرض شد به عنوان شاهد مثال بیاورم:

مـرگ بهتـر ززندگانـی بـد
نیسـت کاره زمرگ خـود، به خرد

***

مبـر ایـن زندگی به صدر سـعید
هـم بدین جـاش واگـذار و بمیر

امـا بـا توجه بـه مفهـوم آزادگـی در این بیت سنایی، هردو نقل قول را باهم متذکر می شوم:

بی برگـی اگر مرگ مالد گوشـم
آزادی را بـه بندگـی نفروشـم

و یادداشـت گاندی در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۴: «آیا مـرگ در هر حال، رهایـی از درد و رنج نیسـت؟ اگر چنین اسـت، هنگامی که سرمی رسد، سوگواری برای چیست؟»

و این قصه دراز است و به قول گاندی کوه ها در همه جا هستند ولی باید از پنجره سرک کشید.

گزارشی دربارهٔ نشست ماهانه اهالی موسیقی در فرهنگسرای ارسباران تهران

یخ‌های موسیقی ذوب می‌شوند

ملیحه صباغ

بقیه از صفحه اول

مسئول بخش موسیقی فرهنگسرا و همچنین علیرضا پورامید، در جایگاه مدیر و سخنران برنامه به صورت مداوم ماهانه برگزار می‌شود. برای بررسی تأثیرات و عملکردهای این برنامه و همین طور نقاط قوت و ضعف آن، گفتگویی با اساتیدی که به طور مرتب و یا حداقل چند برنامه در این نشست حضور داشته‌اند، انجام داده‌ایم که بخش‌هایی از آن را می‌خوانید:

علیرضا پورامید معتقد است که این مجلس دو هدف اصلی دارد: یکی انسجام بین هنرمندان موسیقی و با خبر شدن از حال پیشکسوتان و حتی بعضا اساتیدی است که در انزوا به سر می‌برند و یا متأسفانه مظلوم واقع شده‌اند و دلجویی از آنها تا حدامکان. هدف دیگر، ارائه فرصتی به نسل جوان برای حضور در صحنه است. جوانانی که تعدادشان کم نیست و درصد بالایی از آنها انصافاً در سطح خوبی برای ارائه کارشان به سر می‌برند و منتظر فراهم شدن شرایطی هستند که لیاقت و شایستگی خود را برای حضور پررنگ‌تر در صحنه نشان دهند.

در واقع جنبه تشویقی و ترغیبی برنامه بسیار محسوس‌تر و مهمتر از حرفه‌ای بودن آن است. اگر چه این به معنی حضور غیرحرفه‌ای‌ها در صحنه نیست، بلکه نشان از هدف حمایت پیشکسوتان از نسل جوان دارد.

صدای مثبت سازها

آنچه در نظر اکثر اساتید همچون هوشنگ ظریف، ملیحه سعیدی، جواد لشگری، معصومه مهرعلی، ارفع اطرایی و رضا نوایی در وهله اول شنیده شد، مثبت بودن وجود چنین برنامه‌هایی است و این که باید برای بیشتر شدن این برنامه‌ها به منظور دیده شدن هنرمندان مهجور تلاش کرد. «**افلیا پرتو**» می گوید: ویژگی مهم این برنامه این است که یک شب در ماه در به روی همه باز است و اساتید و مهمتر از آن هنرجویان و هنردوستان می توانند حضور داشته باشند و مسائل و دغدغه‌های خود در حیطه موسیقی را بیان کنند و علاوه بر آن اخبار ماهانهٔ موسیقی در اینجا بازگو می شود که این اطلاع‌رسانی به پویایی فضای موسیقی ایرانی کمک شایانی می کند.

«**میلاد کیایی**» نوازنده پیشکسوت سنتور، معتقد است: همانطور که همیشه گفته‌اند «دیکته نانوشته غلط ندارد» و تا وقتی که برنامه‌هایی مشابه به این نشست اساساً وجود نداشته باشد، قیاس و برتری و بدتری معنایی نخواهد داشت. «**منصور نریمان**»، استاد زبردست عود هم می گوید: همت کسانی که بانی این جلسه هستند، بدون این که چشمداشت مادی و معنوی داشته باشند، قابل تقدیر است؛ زیرا باب گسترش روابط هنرمندان موسیقی را باز می کند و همچنین اساتیدی چون آقایان: فردوسی، حلمی، انتظامی و... در مفید بودن این گونه جلسات از بابت صورت گرفتن کارهای جدید و خلق همکاری بین هنرمندان موزیسین اتفاق نظر داشتند و با توجه به نمونه‌هایی که در این مدت شاهد آن بوده‌اند، معرفی چهره‌های جدید را به جامعهٔ موسیقی از دستاوردهای این نشست دانستند.

فرصتی برای جوانان

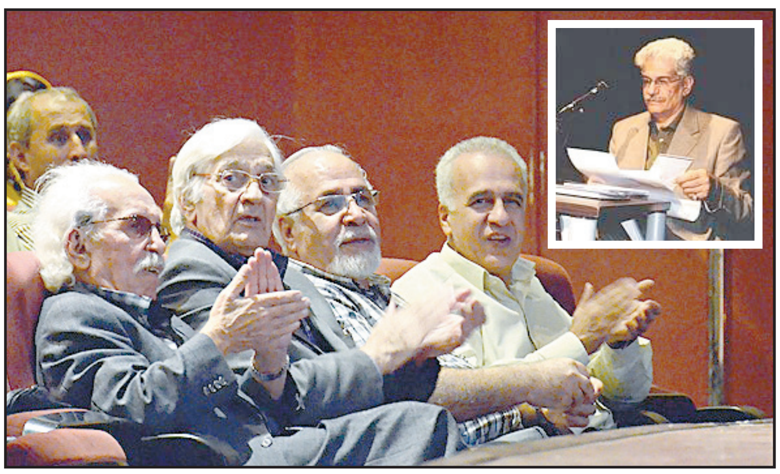
اما مسائل قابل تأمل و بازنگری نشست اینجاست که گروهی از اساتید بر این باور هستند که اگرچه این برنامه با نیت ارائه فرصت به جوانها و پیوند آنها با پیشکسوتان بسیار مفید است، اما آنچه بعضاً در مواقعی مشاهده شده این است که نسل جدید به لحاظ اخلاقی و رفتاری در برابر بزرگان و استادان خود به نحو احسن برخورد نکرده و از منش و شیوهٔ طلبه بودن در راه هنر برخوردار نیستند و این عامل باعث کاهش کیفیت برنامه و همچنین انگیزه حضور آنها می شود. همچنین از دیگر انتقاداتی که نسبت به برنامه وجود داشت این بود که اگر فرصتی فراهم شود که اساتید راجع به اجراها نظر بدهند، باعث پیشرفت بیشتر هنرمندان تازه به عرصه رسیده خواهد شد. به علاوه رفتار دیگری که در این برنامه شاهد آن هستیم، رعایت نکردن سکوت و شأن مجریان در حین اجراها از جانب برخی از حضار است.

احترام گذاشتن به استاد

انتقاد به رفتار جوانان و حفظ حرمت و ادب نسبت به اساتید، به راستی از کجا نشأت می گیرد؟ اساساً شخصیت هنری هنرمند توسط چه کسی باید تربیت شود؟ آیا غیر از این است که در فرهنگ اصیل ما، استاد ـ اگر به معنای واقعی ایستادگی دارد و یا کسی است که شاگرد هنری را از او می‌ستد ـ نقش و تأثیر بسزایی در تربیت همه جانبهٔ هنرآموز، تربیت فرهنگی و علمی، دارد و چه بسا آنقدر که تربیت روحی، روانی، اخلاقی و شخصیتی شاگرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، تربیت تخصصی، علمی و فنی او نیست، که گفته‌اند شاگرد اگر اخلاق را بیاموزد، دانش را هم خواهد آموخت. امروز اساتید موسیقی می گویند و می پرسند که چرا نسل جوان که در حیطه‌های مختلف هنری از جمله موسیقی به فعالیت می پردازد و به دنبال هدفی است، از دیدگاه اساتید و یک نسل یا دو نسل هنری قبل از خود، در رفتار و کردار و منش هنری به درجه راضی کننده‌ای شایسته نیست؛ و آنچنان که باید و شاید، حق استادی را به جا نمی آورد.

یک نوازنده و استاد سنتور نیز می گوید ما به عنوان عضوی از اعضا جامعه موسیقی باید اعتراف کنیم که در انتخاب پدران و مادران موسیقایی خود، همچون پدر و مادر واقعی و خونی، قدرت تصمیم گیری نداشته‌ایم. می دانیم اختلاف سلیقه و معیارهای اخلاقی بین دو نسل همیشه بوده و هست. وقتی اساتیدی که در دههٔ پنجم تا ششم زندگی خود به سر می‌برند، نسبت به بزرگان خود با دید بسته نگاه می کنند و مثلاً آنها را برای احترام و درجه برترشان محق نمی‌دانند؛ چگونه می توان به جوان امروز درس ارادت و دست‌بوسی استاد را داد؟ اگر پدران و مادران موسیقایی خود را با تمام انتقاداتی که به اخلاق و رفتار و حتی سازندگی و خوانندگی و نوازندگی آنها داریم، بپذیریم؛ راه بهتری برای پیشرفت و بهبود تمام مسائل مربوط به حیطه فعالیت‌مان و بهینه شدن روابط اعضای این خانواده نخواهد بود؟

علیرضا پورامید نیز در این باب می گوید: امروز، هوشنگ ظریف، فرزندی خود را نسبت به آن استاد ارجمند، روح‌الله خالقی، با پذیرش و پیروی و حرمت گذاری به پدر خود، با وجود تمام ضعف‌ها و ایراداتی که در هر دوره و در هر انسان در هر جایگاه و مقامی دیده می‌شود، اثبات کرده است. به نوعی ـ بدون هیچ نظری به نظریه‌های روانشناسی ـ می خواهم بگویم



این بازی(!) یا برنده ـ برنده است و یا بازنده. در هر مقامی که هستیم، استاد یا شاگرد، باید جایگاه و وظایف و حقوق خود را بشناسیم و با نگرش مثبت در راهی که به آن معتقدیم، واقع گرایانه یا ایده‌آلیستی تفاوتی ندارد، قدم برداریم.

نتایج یک نظرسنجی

گذشته از آنچه که به عنوان نقطه نظرات جمعی از اهالی موسیقی در این گزارش گونه آمد، خوب است در پایان به نتایج یک نظرسنجی هم دربارهٔ این سلسله نشست‌ها نگاهی بیندازیم.

این نظرسنجی که از سوی فرهنگسرای ارسباران انجام شده، نشان می دهد که اکثر نظردهندگان نسبت به این جریان، بی تفاوت نیستند.

شمار زیادی از آنها آن را پایگاهی برای اجتماع اهل موسیقی و دیدارها می دانند و از اطلاع‌رسانی هایی که در زمینه موسیقی در این نشست‌ها می شود، به عنوان یکی از نکات مثبت یاد می کنند.

همچنین عوامل دیگری چون: انجام هنرمندان با آگاهی از احوال پیشکسوتان موسیقی، و آگاهی یافتن از پژوهش‌ها و نشرهایی که در زمینه موسیقی اتفاق افتاده، همه برای اکثر نظردهندگان مناسب است.

آنها اما انتقاداتی هم به این برنامه دارند، از جمله این که فضای نشست‌ها رسمی است، نه صمیمانه؛ اجراها به طور کامل معرفی نمی شوند و برخی از آنها نمایشی است و جدی نیستند؛ صحبت و سخنرانی زیاد است و مدت برنامه طولانی و خسته کننده. عده‌ای دیگر از نظر دهندگان نیز پیشنهادهایی دارند و معتقدند که در این نشست‌ها باید به جوانها فرصت زیادتری داده شود، و یا به هنرمندان صاحب اثر که میان ما نیستند نیز پرداخته شود. شاعران معاصر شعر و ترانه بخوانند و از آثار حافظ و مولانا و امثال آن کمتر استفاده شود.



بازشناسی افکار و اشعار «سیمرغ خراسان»

دفاعیّات ناصرخسرو



دکتر نورالدین قاضی

۲۵

وان بندها که بست فلاطون پیش‌بین
خوهل است و سست پیش کهین پیشکار من
این پایگه، مرا ز بهمن خلایق است
این پایگه نداشت کس اندر تبار من
بر چرخ ماه رفتم ازین چاه ژرف زشت
هرگز کسی ندید عجب‌تر ز کار من
(دیوان، ص۲۹۹، ابیات ۱۶-۲۲)

خوهل: «کج و ناراست بود» (سرمهٔ سلیمانی)

در اظهار فخر و برتری بر سقراط و افلاطون، نیز گفته است:

چون من ز حقایق سخن گشایم
سقراط و فلاطون سزد عیالم
(دیوان، ص۳۲۳، ب۲۳)

تفاخر به سخن خویش و برتری بر شاعران عرب



اگر در میان کوه‌های یمگان مانده‌ام، این از عجز و ناتوانی من نیست؛ همهٔ رجال خراسان همیشه عاشقان گفتار من هستند. کتاب و نقاشی‌های مانی از جلوهٔ سخنان من خوار و خفیف شده است.

نام حقیقی آثار نظم و نثر من در چشم خردمند دانا، «سحر حلال» است؛ به طوری که اگر برخی شاعران برجستهٔ عرب یعنی «عجاجین»، این پدر و پسر شاعر (روبه و عجاج) اشعارم را بشنوند؛ گنگ و لال می گردند و اگر عطارد (تیر) نویسنده و کاتب فلک از آسمان به زمین آید، در خدمت من، مطیع و منقاد می‌شود!

اگر در مورد ادعاهای من تردید داری، جای جنگ و جدل نیست. نمونه‌ای و مختصری از آثار من، این مدعا را ثابت می کند. فقط سخن من است که اشکال و ابهام‌ها را از دل عاقلان و خردمندان می‌زداید.

مانده به یمگان به میان جبال
نیستم از عجز و نه نیز از کلال
یکسره عشاق مقال منند
درگه و بیگه به خراسان رجال
وز سخن و نامهٔ من گشت خوار
نامهٔ مانی و نگارش نکال
نام سخن های من از نثر و نظم
چیست سوی دانا؟ «سحر حلال»
گر شنوندی همی اشعار من
گنگ شدی روبه و عجاج، لال
ور به زمین آمدی از چرخ، تیر
بر قلم من شده بودی عیال
ور به گمانست دل تو درین
چاشنی ام گیر چه باید جدال؟
جز سخن من ز دل عاقلان
مشکل و مبهم را نارد زوال
(دیوان، ص۳٤۷، ابیات ۱-۸)

کلال: خستگی و ناتوانی
نکال: عقوبت و کیفر
سحر حلال: کنایه از شعر

«روبه و پدرش عجاج، هر دو از شعرای رجزسرای عرب بوده‌اند» (پاورقی ص ۲۵۱، دیوان ناصرخسرو، تصحیح نصرالله تقوی)



۸



عبدالصابر کاکایی

رودهای بی خانه

دهمین نشست کارگاه شعر کوتاه به بررسی مجموعه‌شعر «رودهای بی‌خانه»، سرودهٔ صبا کاظمیان اختصاص داشت. در این نشست، سیروس نوذری، عبدالجبار کاکایی، حمیدرضا شکارسری، اصلان قزللو و عبدالصابر کاکایی حضور داشتند و پیرامون رودهای بی‌خانه سخن گفتند.



در ابتدا «**سیروس نوذری**» یکی از ویژگی‌های هنر در دوران جدید را این دانست که هر هنرمندی دنیای خودش را می‌سازد و سبک فردی خودش را دارد. او عنوان کرد که ورود به مثل «هم نویسی» در جهان امروز مطرود است و اگر امضای شاعر در شعر مشخص نباشد، شعر ارزش چندانی ندارد. نوذری گفت که در برخی از اشعار رودهای بی‌خانه، بارقه‌هایی از حرکت به سمت استقلال را می‌شود دید و افزود که اگرچه ممکن است این حرکت به صورت ناخودآگاه باشد، اما باز قابل تقدیر است. نوذری در ادامه تعدادی از شعرهای این مجموعه را کاریکلماتور معرفی کرد و همچنین روح هایکو و سن‌ریو را بر برخی اشعار حاکم دانست.

«**عبدالجبار کاکایی**» نیز پس از اشاراتی به حرکت نیما در شعر معاصر، عنوان کرد که به غیر از تعدادی از شاگردان نیما، مابقی به نوعی مثل هم نویسی دچار شدند. او شعر در سال‌های اخیر را قربانی علم زبانشناسی دانست و عنوان کرد که بسیاری از شاعران به فرمول‌هایی تجویز شده توسط زبان‌شناسان روی آوردند و به خلق آثار شبیه به هم پرداختند. کاکایی در ادامه بیان کرد که در برخی از اشعار کوتاه این مجموعه ایجاز رعایت نشده است.

نگارنده که اجرای این مراسم را نیز برعهده داشت، در خصوص انتقاد سیروس نوذری و عبدالجبار کاکایی به یکسان‌نویسی شاعران در سالهای اخیر به این موضوع اشاره کرد که یکسان‌نویسی، تنها در شعر دهه هشتاد اتفاق نیفتاده است، بلکه در شعر دهه هفتاد هم یکسان‌نویسی داریم، در شعر دهه شصت هم به همین گونه؛ منتهی در دهه هشتاد به دلیل اینکه بدنهٔ شعر بسیار فربه شد و تعداد شاعران و تولید کتاب افزایش چشمگیری داشت، این شباهت‌ها بیشتر به چشم آمد.

«**حمیدرضا شکارسری**» نیز پیرامون انتقادات نوذری و عبدالجبار کاکایی نسبت به شعر دهه هشتاد این گونه پاسخ داد که شعر این دهه، واکنش فعالی بود که شاعران به شعر پیش از خود و پیچیده‌نویسی شاعران دهه هفتاد نشان دادند. کوتاه‌نویسی نیز از مؤلفه‌هایِ اصلی این واکنش فعال بود. شکارسری ادامه داد که معمولاً یافتن موتیو در کتاب نخست شاعران، بسیار دشوار است و در رودهای بی‌خانه اگرچه موتیو موضوعی و واژگانی دیده نمی‌شود، ولی می‌توان رد موتیو ساختاری را در شعرهای این مجموعه یافت و این موتیو ساختاری، کوتاه‌نویسی صبا کاظمیان است.

«**اصلان قزللو**» آخرین منتقدی بود که به بررسی رودهای بی‌خانه پرداخت و گفت که حضور طبیعت در اشعار این کتاب بسیار پررنگ است.حضور طبیعت با واژه‌هایی نظیر رودخانه، گندمزار، برف و... . او همچنین تأثیر هایکو را بر برخی از اشعار مشهود دانست. قزللو عنوان کرد که شعر کاری است خلاقانه. کشفی در میدان رابطه‌ها و زندگی بشری و متضمن تصویرپردازی و فضاسازی و اندیشه‌ورزی در سایهٔ خیال. هجوم به هر چیز معمولی، از زبان گرفته تا زمان.

مروری بر «آستارا؛ تنها بندر بی‌کشتی»، اثر داوود ملک‌زاده

دراز می کشی بر پلاژی در ساحل خزر



احسان براهیمی

«آستارا؛ تنها بندر بی‌کشتی»، نام سومین مجموعه شعر از داوود ملک‌زاده است که در سال ۱۳۹۲، از سوی انتشارات نگاه، منتشر شده است. داوود ملک‌زاده، شاعر جنگل و دریا و عاشقانگی‌هاست. در بسیاری از شعرهای این مجموعه، حال و هوای شاعر با نشانه‌های طبیعت پیوند خورده و با ارجاع کلمات به بیرون از متن، جریانات معمول زندگی، با زبانی ساده اما شاعرانه گفته می‌شود:

«(شب، خارجی، ساحل)
دراز می‌کشی بر پلاژی در ساحل خزر
لحاف ترد و خنکی
به روی‌ات می‌ریزد
باد.» (ص ۳۷)

شاعر این مجموعه، در برخی از شعرهایش، عشق‌ها و آرزوها را به سمت حسرتی عریان و نتیجه‌گیری در متن می کشاند که تأویل‌پذیری را برای مخاطب پایین می‌آورد و فضای شاعرانه را به سمت نثر می کشاند:

«... آه،
چه طالع بی‌مقداری
هیچ یک از این‌ها نیستم
اشرف مخلوقات‌ام
عاجز عاجز
با حسرتی تمام نشدنی.» (ص ۸۸)

یکی از مباحث مهم در شعر، فرم است که از به هم پیوستگی عناصر مختلف در ترکیب عمومی به وجود می‌آید. هر خوانندهٔ برخوردار از توان ادبی، ساختمان شعری را مورد قبول می‌داند که اگر کلمه‌ای را از متن، حذف و یا اضافه کند،ساختمان فرو بریزد.

داوود ملک‌زاده، شاعر توانایی است اما در شعرهای این مجموعه به انسجام ساختاری مطلوب نرسیده است. با این که گاهی از ارتباط کلمات در به



وجود آمدن فضای مورد نظر استفاده کرده است:

«مثل سربازی گمنام/ـ که با عشق به وطن ـ/ به جبهه می‌رود/دوستت دارم،/مثل سرباز وظیفه/ـ که مجبور است بجنگد ـ/دوستت دارم/تو/مین میدان‌های جنگی هستی/که یک روز به جای دشمن/ زیر پای من/منفجر می‌شوی.» (صص ۵ و ٦)

با این که ملک‌زاده، شاعر حسرت‌های بارانی است، گاهی ازلذت‌های ساده می گوید و مخاطب را برای دگرگونه دیدن دنیا دعوت می کند:

«مثل طعم بستنی در کافی‌شاپ خاطره
مثل عکسی از دوران مدرسه
مثل برگهٔ تشویقی پادگان
مثل پُک سیگار بعد از شام
مثلِ ...
مثل شب شعر من و تو و او
خنده‌هایی آمیخته با گریه و سنج...
کجای دنیا قشنگ نی است؟ بگو!» (ص٥٦)

یکی دیگر از مؤلفه‌های این مجموعه، طنزی است که در زبان برخی از شاعران خطه شمال ایران وجود دارد و به نظر می رسد که بیشتر تحت تأثیر شعرهای فرانو از اکبر اکسیر است. طنزی رندانه و پنهان که انسان اهل اندیشه را به تأمل وادار می کند و جریانات در متن، شوخی‌شوخی، جدی می‌شوند:

«پدرم می گفت:
یک موی تو را به دنیا نمی‌دهم
و هر ماه مرا به سلمانی می‌برد!» (ص ٦۲)

تشبیه و تشخیص در شعرهای ملک‌زاده موج می‌زند. راوی یا شاعر در متن، برای عینیت بخشیدن به کسالت احساساتی که نسل سوخته را هم گرفتار کرده است، دست به دامن اشیای پیرامون می‌شود و در ناکامی خویش از جهان، به گفت‌وگوی درون می‌پردازد:

«مثل قلیانی با زغال خاموش/کام نمی دهد این معشوق/نه دل می‌برد/و نه دلی برای بردن دارد/ روی نیمکت بی‌جان/خمیازه موی دماغ می‌شود/ چشم می‌دوانم به دور و بر/یک نفر بیاید مرا و دلم را بدزدد.» (ص ٦٤)

شاعر «آستارا تنها بندر بی‌کشتی» وقتی که تخیل را در خدمت فضاسازی به کار گرفته است، به سمت موفقی از چگونگی در شعر و نه تنها چه گفتن پیش می‌رود:

« نه،/نمی‌توانم چشم بپوشم
از گناهی که تو باشی
حتا اگر خدا
یک ستاره بالای اسمم بگذارد.
من شاگرد ناخلف جهان‌ام
با مبصری مهربان
که هر ساعت
مرا سرهنگ دوزخ می‌سازد
و تا دربان نیامده
حسابم پاک می‌شود.» (صص ۲۷ و ۲۸)

شعر امروز

برایتان چه بگویم

اصغر معاذی

پُرازغم‌وغزلم...گوشه‌گوشه«منزوی»ام
دچار ابری تا اطلاع ثانوی‌ام
خدا به کالبد من دمیده آهش را
سروده با نی و نی نامه... کرده مثنوی‌ام
هزار شعرِ غلط خورده در سرم مانده
ردیف و قافیه جان می‌کَنند با «روی»ام
شبیه مردی با چارچرخه‌ای بیکار
پر از کلافگی چهار راه مولوی‌ام
درون‌جمجمه‌ام‌قهوه‌خانه‌ای‌است‌شلوغ
میان هاله‌ای از بغض‌های حلقوی‌ام
برای مرگ سرم درد می‌کند انگار
پر از تهوّع مشتی مسکّن قوی‌ام
«برایتان چه بگویم زیاده بانوی من»
برایتان‌چه‌بگو...!؟بهتراست‌نشنوی‌ام...!

شاعری ناکام

محمد شریف

پشت گوشی که گریه می‌کردی
زندگی را جواب می‌کردم
صاحب اختیار اگر بودم
مرگ را انتخاب می‌کردم
قطع و وصلی... صدای گریهٔ تو
طاقتم طاق می‌شود... آرام
گریه‌ات را اگر ادامه دهی
می‌نویسند: شاعری ناکام...
ادعا می‌کنی نمی‌گریی
در صدایت نشسته اما غم
خوب من! فکر می‌کنی اینجا
لرزش شانه را نمی‌فهمم؟
تو اگر پیش من نباشی، باز
شعر خود را خراب خواهم کرد
من برای نوشتن از دریا
روی چشمت حساب خواهم کرد

برای ماندلا

ناصر یمین مردوخی کردستانی

کشتی علم و شجاعت از چه شد بی ناخدا
رخت بربست از جهان دریای ایمان ماندلا
او نه تنها جانفدا شد، بود انسانی خدوم
آن که سیمرغ است و در این روزگاران کیمیا
گشت سی سال او اسیر بند و زندان صد اسف
رنج وی گنجی پدید آورد، گنجی پربها
سالهای سخت با آپارتاید اندر نبرد
از جوانی تا به پیری، ز ابتدا تا انتها
رفع تبعیض نژاد آموخت از ختم رسل
تا که آزادی به آفریقا شود فرمان روا
بعد از آن آری نوای صوراسرافیل داد
مردگان را زنده کرد و محشر کبری بپا
چون مصدق گفت حق و خصم استعمار بود
در مصاف خصم گشتند از دل و جان جانفدا
عاقبت چون با مصدق همدل و همگام شد
روز پیری کرد هجمه، دشمن حجب و حیا
شهسواری بود و در لبیک با ملک وجود
آفتابی کان به ظاهر هردو گردید از فضا
زشت‌تر در این جهان کاری ز استعمار نیست
کشور ما را به زشتی خواست سوی قهقرا
زان همه آلودگان پست استکباریون
جز تبهکاری چه دید آن پاک‌مرد پارسا
عصر استعمار باشد عصر نکبت‌بار و نحس
باید ای دل نسل فردا خود ستاند خون بها
می فروشد جمله کالاهای خود هردم گران
مستمندان بی‌رمق گشتند و چشمان بی‌ضیا
«ناصر مردوخ» شعری گفت بهر ماندلا
روشن از شخصیتش باشد جلال کبریا

معنیکاتورها...



مهدی محمدی

اخبار: برنامه‌ای که در ابتدای آن، صدای دینگ دینگ درمی‌آید و معمولاً خبرهای تورم و بیکاری در بلاد غرب را اعلام می‌کند. برنامه‌ای که هوا را پیش‌بینی می‌کند ولی چون هوا اخبار گوش نمی‌کند، یک جور دیگر می‌شود.

اشتباه: تشخیص پزشک معالج.

آمپول: ازوسایل پزشکی درمانی که‌انسان‌از آن‌بیشتر از میکروب و ویروس و این جور چیزها می‌ترسد.

برفک: برنامه‌ای که کارگردان، بازیگر و ... از همه مهم‌تر هزینه ندارد ولی گاه به برنامه‌هایی که همه اینها را دارد ترجیح داده می‌شود.

نقطه‌چین: به تعدادی نقطه گفته می‌شود که در بعضی جاها مثل ... از آن استفاده می‌شود.

پزشک قانونی: پزشکی که آدم‌های زنده را ویزیت نمی‌کند و برای ملاقات کردن او یک عمر باید صبر کرد.

تلویزیون: جعبه‌ای که صفحه دارد ولی نمی‌توان صفحه آن را ورق زد. جعبه‌ای که در آن امواج تلویزیونی تبدیل به آدم، حرف و چیزهای دیگر می‌شود. معمولاً خاموش کردن آن لذت بیشتری از روشن کردن آن دارد.

جراحی: درآوردن اعضایی از بدن مثل: کلیه، کبد، آپاندیس و گذاشتن وسایلی در بدن مثل قیچی، چاقو، پنس.

جعبه کادو: همان تلویزیون است که چون نامزدها را با یکدیگر خواهر و برادر می‌کند و می‌تواند فیلم ۱۰۰ دقیقه‌ای را با تدوین مجدد در ۸۸ دقیقه نمایش دهد و با وجود برنامه‌های آبکی و وصل بودن به برق اتصالی نمی‌کند، جعبه جادو هم می‌گویند.

خمیازه: باز کردن دهان تا آخر بدون درخواست دکتر معالج.

دکتر خوب: دکتری که شربت تلخ را ۱۲ ساعته و شربت شیرین را ۸ ساعته بنویسد.

دکتر ناشی: دکتری که همواره از مهارت، تخصص و دانایی او پیش طلبکارانتان تعریف می‌کنید.

دکتر: کسی که قرار است مرگ احتمالی شما را به مرگ حتمی تبدیل کند.

زمان اتمام پروژه: زمان بعد از ابد

سریال: برنامه‌ای که برخلاف نامش ارزش آن بیشتر از سه ریال است، مثلاً ٤ ریال. در نوع ایرانی آن بازیگران، عوامل پشت صحنه، جلو صحنه و وسط صحنه و کسانی که از مقابل صداوسیما رد می‌شوند، باهم ازدواج می‌کنند. در انواع جدیدتر آن ممکن است روح‌ها هم باهم ازدواج کنند.

شهر مشهد: شهری که در هنگام شلوغی و آلودگی تبدیل به تهران، هنگام بارندگی تبدیل به ونیز و هنگام شروع پروژه تبدیل به کابل می‌شود.

شهرداری: نام یک سازمان اداری که شهروندان و ارباب‌رجوعان در آنجا متوجه می‌شوند وقت نه تنها طلا نیست، بلکه یک حلب پاره کهنه هم نیست. نام سازمانی که اگر از برخی کارکنانش بپرسید دستشویی کجاست؟ می‌گویند: برو فردا بیا! اگر بگویید برای پرداخت عوارض آمده‌ام، می‌گویند چرا دیروز نیامدی؟!

شیر یا خط: روشی که در زمان مرخصی دکتر آزمایشگاه با آن نتیجه آزمایش مثبت یا منفی اعلام می‌شود.

عمو پورنگ: نوعی مجری که بالا و پایین می‌پرد، هفتاد و سه جور لباس دارد و از بچه‌ها عاجزانه می‌خواهد سه بار بگویند: قوری گل قرمزی. قوری گل قرمزی. گوری قل قرمزی؟!



فیش حقوقی معلمان: کاغذی است که بهتر از هنر انشایی معلمان را به پاسخ واقعی علم بهتر است یا ثروت می‌رساند.

گواهی استراحت پزشکی: نوعی کاغذ که امکان مسافرت آسان و بدون استرس را برای انسان فراهم می‌کند.

ماهواره: آنتن مجرم، دایره زنگی به قول خانم بخت‌آور نوعی بشقاب که در آن غذا خورده نمی‌شود ولی به خاطر آن حکم قضایی خورده می‌شود.

مستند: برنامه‌ای که در آن حیوانات می‌دوند، دنبال هم می‌کنند و یکدیگر را قورت می‌دهند.

وزیر بهداشت: مسئول نگاه کردن به اندازه ناخن اعضای هیأت وزیران.

ماشین عروس: ماشینی که چون آغاز یک عمر زندگی مشترک است، سالم بودن بوقش از سالم بودن قسمت‌های فنی آن مهم‌تر است.

زندان: محل نگهداری کسانی که وکیل خوبی انتخاب نکرده‌اند.

راهیایی برای کاهش تصادفات

مهدی ارسنجانی

نظر به اینکه آمار بالای تصادفات و تلفات رانندگی در ایران کولاک کرده، لذا پس از بررسی‌های گسترده در میان انواع کشورهای پیشرفته، پیشنهادهای ذیل به منظور کاهش تلفات رانندگی احصا و به‌طور رایگان در اختیار مسئولین مربوطه قرار می‌گیرد:

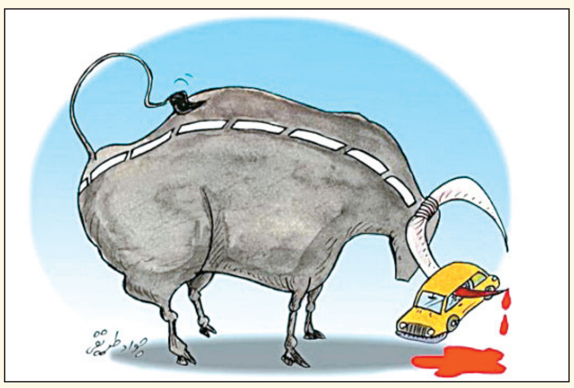
۱ـ با توجه به اینکه کشیدن عکس کلیه‌های خراب ناشی از دود سیگار بر روی پاکت سیگارها تاثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش مصرف کنندگان داشته، پیشنهاد می‌گردد که اقدامی مشابه، عکس مصدومین بدخیم تصادفات رانندگی همراه با علامت مرگ بر روی بدنهٔ خودروها حک شود.

۲ـ به جای نوشتن اشعار عاشقانه یا طنزگونه در پشت خودروها، اشعاری همانند این مصراع حافظ: «بیفتد آنکه در این ره با شتاب رود» انتخاب و در پشت تمامی خودروها نوشته شود.

۳ـ به منظور ممانعت از افزایش بیش از حد سرعت خودروها، شهرداری‌ها اقدام به مواج کردن سطح تمام راه‌ها و ایجاد تعداد لازم چاله و چوله در آنها بنمایند.

٤ـ در اقدامی تنبیهی، چرخ خودروهای مختلف مربعی و برای رانندگان خیلی متخلف مثلثی شود. همچنین تمام چرخ‌های رانندگان خیلی خیلی متخلف از خودروهایشان خارج و به انبارهای مجاز انتقال داده شوند.

۵ـ مطالعات نشان داده است که بسیاری از رانندگان تا دست زور بالای سرشان نباشد، از انجام خلاف‌های رانندگی خودداری نخواهند نمود. لذا پیشنهاد می‌گردد که خودروسازان دستی آهنی در بالای سر راننده طراحی و نصب نمایند تا در مواقع لزوم و سرعت‌های غیرمجاز یا حرکات مارپیچ، نسبت به نواختن یک پس گردنی محکم به راننده اقدام بنمایند.



٦ـ با توجه به اینکه تا رسیدن به دور برگردان مورد نظر در بزرگراه‌ها، مایهٔ اعصاب خردی و افزایش سرعت بعضی از رانندگان فراهم می‌شود، لذا پیشنهاد می‌گردد در راستای تکمیل طرح مزبور، تمامی گاردریل‌های وسط به طور کلی برداشته شده تا رانندگان از هر محلی که مایل بودند بتوانند دور بزنند.

۷ـ مطالعات روانشناختی نشان‌داده است که بی‌فرهنگی بعضی از رانندگان عامل اصلی بسیاری از تصادفات بوده است. لذا پیشنهاد می‌گردد تعداد متنابهی انواع فرهنگ‌های فارسی به انگلیسی، عربی به فارسی، انگلیسی به ترکی و... تهیه و در اختیار رانندگان بی‌فرهنگ قرار داده شود تا همیشه داخل خودرو به همراهشان داشته باشند.

تبسم و تفکر

جواد طریقی اکبر پور



*کارمند و ساکن کرج
*کسب مقاوم اول در دومین جشنواره هنرهای تجسمی استان البرز در رشته کاریکاتور
کسب مقام پنجم اولین جشنواره کشوری بیداری اسلامی
کاریکاتوریست رسمی خبر گزاری فارس، اول نیوز، نمک نیوز و ماهنامه بانوی برتر
کسب جوایز متعدد از جشنواره های داخلی و بین المللی کاریکاتور

ایمیل: javad5karika@yahoo.com



از فرمایشات ما

شیوه های اثبات رشوه گیری



رضا رفیع

یک شهروند عزیزی زنگ زده به ما که: «احساس می کنم چون به یکی از مأموران راهنمایی و رانندگی، رشوه ندادم؛ مرا جریمه کرد و چند نمرهٔ منفی به من داد که منبعد از این کارها نکنم.»

خیلی شفاف به او گفتم: «شما چرا به ما زنگ زدید؟»

می گوید: «مگر شما صدای مردم نیستید؟»

می گویم: «خب هستیم ولی این چه ربطی دارد که ما هر ادعای بی پایه ای را فورا در سطح عمومی انعکاس دهیم و خدای نکرده، اذهان عمومی را خدشه دار سازیم؟ آن هم ادعایی در حد احساس!.... منم حساس! بالاخره شهر هرت که نیست. هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. شما باید زنگ بزنید به این سامانهٔ ۱۹۷ بازرسی کل ناجا، ادعایتان را با سند و مدرک اثبات کنید.»



می گوید: «من خیال می کردم فقط برای تقدیر و تشکر مردم از زحمتکشان پلیس است.»

می گویم: «نه خیر پدرجان؛ چون خود مسؤولان این نیروی دلسوز و زحمتکش قبول دارند که بالاخره در هر لباسی ممکن است دو سه تا آدم متخلف هم باشند که از موقعیت شان سوء استفاده کنند؛ فلذا یک همچین شماره تلفن هایی را در نظر گرفتند برای یک همچین روزهایی؛ نه صرفاً روز مبادا. خود پلیس بارها اعلام کرده در جراید که عده ای از افراد متخلف در لباس پلیس را از کار برکنار کرده. از اینرو شما نیز تعلل نکنید و برای اثبات ادعای خود تماس عاجل عنایت بفرمایید. اصلاً می خواهی مشخصاتت را در اختیار پلیس قرار دهم تا اقدامات بایسته صورت بگیرد؟»

می گوید: «نه تو رو خدا.... خودم زنگ می زنم. ببخشید، ولی یک سؤال ناچیز. من چطوری ثابت کنم که ادعایم درست است؟...»

می گویم: «داری مته لای خشخاش می گذاری ها!.... ولی خب چون می بینم صداقت داری و از طرفی، مستأصل هستی؛ گوشی را که بگذاری روی تلفن، در ادامه به شیوه هایی از اثبات ادعای ارتشاء اشاره می کنم. امید که مفید واقع گردد. فقط یادت نرود که یک نسخه از روزنامه را بخری!... چرا قطع نمی کنی؟.....الو....... چند بدم قطع کنی؟!.....»

ــ الو........ شما هم؟!

ــ ای وای.... قطع نکردی؟..... آدم شوخی هم نمی تواند بکند؟..... خداحافظ!

شیوه های اثبات رشوه گیری: کسانی که ادعا می کنند در اداره ای، در سطح خیابانی، در هر جایی، کسی صریحاً یا تلویحاً و با ایماء و اشاره و یا با به وجود آوردن قرائن لازم برای طرف که خودش بفهمد باید چیزی بسلفاند؛ روشهای مچ گیری زیر پیشنهاد می شود:

۱- به همراه داشتن شاهد: به محض احساس ناخوشایند طلب رشوه، فوراً دو نفر را به عنوان شاهد پرداخت، صدا بزنید. عین مواردی که ماشین تان داخل جوی می افتد. چطور آدم صدا می کنید؟ اینها بعداً می توانند شهادت بدهند.

۲- گرفتن فیلم: خدا را شکر الآن اکثر ملت موبایل دارند. و باز خدا را شکر، الآن اکثر موبایل های ملت، دوربین دارند. فلذا خیلی راحت می توانید از صحنهٔ پرداخت رشوه، عکس یا فیلم بگیرید. حتی بعدش سرفرصت در منزل می توانید روی آن نریشن گذاری کنید و توضیحات لازم را بدهید.

۳- گرفتن فاکتور: از فرد متخلفی که گول شیطان را خورده ــ و البته فشار اقتصادی هم بی تأثیر نیست ــ بخواهید که در قبال گرفتن رشوه، به شما کاغذ رسید بدهد. در عرف تحویل گرفتن جنس معمول است. اگر به شما خندید، در صداقت او شک کنید. شک، آغاز رسیدن به یقین است. رسیدید، رسید یادتان نرود.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۲، (برابر با ۲۱ ذیقعده ۱۳۹۳، ۱۷ دسامبر ۱۸۷۳) نقل شده است

۵ هزار زن گواهینامه رانندگی گرفتند

از میان ۳۲هزار و ۱٦۳ نفر دریافت کنندگان گواهینامه رانندگی در شش ماه اول امسال ۵ هزار زن موفق به اخذ گواهینامه ۲ شخصی شده‌اند.

همچنین آمار نشان می‌دهد تعداد دریافت‌کنندگان گواهینامه ۲ همگانی در همین مدت بالغ بر ۳ هزار و ۸۰۰ نفر بوده‌اند.

تعداد گواهینامه‌های پایه یکم که در ٦ ماهه اول امسال صادر شده است ۵ هزار و ۵۰۰ فقره ضبط شده است و در همین مدت قریب ۳ هزار و ۳٤٤ نفر نیز گواهینامه موتوسیکلت دریافت کرده‌اند.

بقرار اطلاع روزانه بین ۲ الی ۳ هزار کارت رانندگی برای متقاضیان صادر میشود ولی از مجموع کسانی که در روز برای آزمایشات مختلف رانندگی مراجعه میکنند فقط ۵۰۰ الی ٦۰۰ نفر موفق به دریافت گواهینامه میشوند و علت این امر را کارشناسان عدم آشنائی داوطلبین به فن رانندگی و مراعات نکردن مسائل عمده ترافیک ذکر می‌کنند.

حدود ۲۰ درصد از متقاضیان گواهینامه پایه دوم شخصی را خانم‌ها تشکیل می‌دهند لیکن اکثر دریافت‌کنندگان گواهینامه ۲ همگانی و پایه یکم همه متقاضیان مرد هستند.

بازار سیاه روغن ورامین

معاملات بازار روغن تحت تأثیر فراوانی این کالا روند طبیعی خود را بازیافته و مشکل کمبود انواع روغن نباتی برطرف شده است.

در بازار روغن فعلاً روغن ورامین کمیاب است که قیمت حلب ۱۰ کیلوئی آن از ٦۲ تومان در بازار سیاه تا ۱۰۲ تومان ترقی نموده است. گفته میشود یکی از علل کمیابی روغن ورامین توجه شدید عامه به مصرف این نوع روغن و در عین حال کمی تولید میباشد.

در حال حاضر قیمت انواع روغن نباتی از اینقرار است دو پوندی ٦۰ ریال، چهار پوندی ۱۱۸ ریال، ۱۰ پوندی ۲۷۸٫۵ ریال، ۲۰ پوندی ۵٤۵ ریال، ۱۷ کیلوئی ۹۸٦ ریال.

یکی از بنکداران روغن در گفتگوئی اظهار داشت که قیمت بازار بعلت هزینه‌های باربری و غلامانه ۵ ریال بالاتر از قیمتهای فوق است.

وی همچنین افزود: مشکل اساسی بازار روغن در آنست که برای بنکداران تنها نیم درصد سود تعیین نموده‌اند که با توجه به افزایش هزینه‌ها این مقدار غیرعادلانه است به همین علت بنکداران روغن مذاکراتی را با اولیاء امور آغاز نموده‌اند.

کارمندان زائد سازمان برنامه

تعداد کارمندان مازاد بر احتیاج تشکیلات جدید سازمان برنامه و بودجه کشور طی فهرستی در اختیار کارگزینی این سازمان قرار گرفت، تا در صورت لزوم از وجود آنان در سایر سازمان‌های دولتی استفاده شود.

مطابق تشکیلات جدید سازمان برنامه، حدود یکصد و هشتاد نفر از کارمندان امور اداری این سازمان مازاد تشخیص داده شده‌اند که قرار است برای این عده از کارمندان در صورت عدم احتیاج در سایر سازمان‌های دولتی ضوابط بازنشستگی و بازخرید بمورد اجرا درآید.

همچنین ظرف چند روز آینده احکام جدید کلیه کارمندان این سازمان صادر خواهد شد.

گفته میشود: چند تن از مدیران سازمان برنامه با حقوق و مزایای قابل توجه در بخش خصوصی مشغول به کار می‌شوند و برخی دیگر نیز تغییر سمت خواهند داد.

ژنرال شاذلی مشاور نظامی سادات شد

بیروت ـ خبرگزاری فرانسه ـ خبرگزاری عراق از قول منابع بسیار مطلع بیروت گزارش داد که ژنرال سعدالدین شاذلی رئیس سابق ستاد کل ارتش مصر به فرمان انور سادات بعنوان مشاور نظامی مقام ریاست‌جمهوری مصر منصوب شده است.

ژنرال شاذلی روز چهارشنبه گذشته به فرمان انور سادات از ریاست ستاد کل ارتش مصر برکنار شده بود.

طبق گزارش خبرگزاری عراقی عزل شاذلی در روز چهارشنبه گذشته کفاره گناهی بود که بخاطر شکست نیروهای مصر بدنبال رخنه نیروهای اسرائیل به ساحل عربی کانال سوئز متوجه وی شد.

قاب امروز



باغ پرندگان-آذر۹۲/عکس از:مهدی مقتدر

داستان کوتاه

رحمت

صبح ساعت ۷ بیدار شدم و فهمیدم که به شدت سرما خورده‌ام. دوست نداشتم از تخت خواب بلند شوم اما یاد قسط‌های بانکی و بدهی‌هایم افتادم که باید زودتر آن‌ها را پرداخت کنم. به پول احتیاج داشتم و یک روز کار نکردن برای من ضرری دو چندان داشت. لباس پوشیدم و سر کار رفتم. بعد ازظهر که دیگر حالم خیلی بد شده بود، سوار اتومبیلم شدم تا به خانه برگردم. لاستیک خودرو پنچر شد. با آن حال پیاده شدم و دیدم لاستیک زاپاس هم پنچر است . در این میان که مانده بودم چه خاکی بر سر کنم مردی متشخص با خودرویی لوکس در کنارم ایستاد و مرا سوار کرد. در راه شرح حالم را برایش توضیح دادم و او به من پیشنهاد یک کار با مزایای عالی داد. با خود گفتم:از من حرکت، از خدا برکت!

مترجم: آرش میری‌خانی
منبع: marcandangel.com

سرایه

گر دست دهد هزار جانم
در پای مبارکت فشانم
آخر به سرم گذر کن ای دوست
انگار که خاک آستانم
هر حکم که بر سرم برانی
سهلست ز خویشتن مرانم
تو خود سر وصل ما نداری
من عادت بخت خویش دانم
هیهات که چون تو شاهبازی
تشریف دهد به آشیانم
گر خانه محقرست و تاریک
بر دیده روشنت نشانم
گر نام تو بر سرم بگویند
فریاد برآید از روانم
شب نیست که در فراق رویت
زاری به فلک نمی‌رسانم
آخر نه من و تو دوست بودیم
عهد تو شکست و من همانم
سعدی

امروز در تاریخ

درگذشت مولانا

مولانا جلال الدین محمد صوفی بزرگ و صاحب مثنوی، ۱۷ دسامبر سال ۱۲۷۳ میلادی در قونیه (ترکیه امروز) درگذشت و هر سال به این مناسبت مراسمی در کنار مزار او بر پا می شود که یک هفته به طول می انجامد. مولانا جلال الدین محمد متخلّص به مولوی که بیش از ۲٦ هزاربیت شعر عرفانی سروده است بسال ۵۸٦ هجری خورشیدی (سی ام سپتامبر ۱۲۰۷ میلادی =هشتم مهرماه) در بلخ خراسان یکی از مراکز بزرگ فرهنگ و ادبیات فارسی و تمدن ایرانی به دنیا آمد.

اولویت ایالت ها و مالیات گوسفند و بز

طبق ضابطه‌ای که تاریخ تنظیم آن پس از تطبیق تقویم‌ها ۱۷ دسامبر سال ۱٦۵٤ میلادی زمان حکومت صفویه، است و در یک دفتر دیوانی (دولتی) آن زمان ثبت شده است؛ در مکاتبات اداری تقدم استان های ایران را برحسب جمعیت و تولیدات و اهمیت تاریخی شان در نظر نمی گرفتند بلکه اولویت بر پایه نسبت و روابط والی آن با شاه و شخصیت سیاسی وی بود!.

بنابراین، با جا به جایی والی اهمیت ایالت هم تغییر می یافت!. شاهان صفویه والیان خراسان، فارس، گرجستان، «کرمان ـ مکران» و «لرستان ـ بختیاری» را از نزدیکان خود انتخاب می کردند.

در یک بخشنامه چاپ سنگی که تاریخ صدور آن ۱۷ دسامبر سال ۱۸۸۷ است تصریح شده است که مالیات هر یکصد گوسفند و بز ۲۵ قران و معادل ۲ و نیم درصد بهای کل آن خواهد بود که باید از مالدارها (عمدتا عشایر) وصول شود.

سیمون بولیوار درگذشت

۱۷دسامبر سال ۱۸۳۰ سیمون بولیوار قهرمان ملّی و مظهر استقلال لاتین های قاره آمریکا در ٤۷ سالگی از بیماری سل درگذشت. بولیوار که کمر به قطع استعمار اسپانیا در آمریکای لاتین بسته بود در همین روز در سال ۱۸۱۹ استقلال «گران کلمبیا» را اعلام کرده بود.

در آن زمان به مجموعه ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور، پرو (و بخشی از پرو که امروزه کشور بولیوی است) «گران کلمبیا» می گفتند. شهری را که بولیوار در آن استقلال منطقه را اعلام کرد سیوداد بولیوار (شهر بولیوار) نام نهاده اند.

www.iranianshistoryonthisday.com

۳۴۶۵ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

اثر احمد محمود – بازیگر بی‌خداحافظی – خون پالایی / یادداشت – زهرآگین – مربی استقلال خوزستان – ی – سرد شدن / چای خارجی – سردار کارتاژ

ز – کارگردان فیلم چ – صابون خیاطی / ویرایش – درخت تسبیح / کلاه پادشاهی – حرف خوردنی / بسنده – ابزار اضافه لازم / آهنگ – خالص / درون صدف – کم‌بها – ض – بخشش / کشور بانکوک – نت چهارم / دومین حرف – شهر عراق / جمع کاروان – بازنده شطرنج / شکاف سر قلم – نوعی بازی – مهربان / طوفان در هوای برفی – بیزاری / یار میز

حل ۳۴۶۴

هافبک مصدوم سپاهان	از شعب موسیقی ایرانی / انجمن علمی	ع	بسیار بخشنده / جزیره جنوبی	و	رسول / عزیز شدن	پ	کارگردان "قصه پریا"	بلند مرتبه
ن	ا	ش	ل	ا	ع	ی	ف	ر
و	ن	ی	ا	ه	ز	ا	ر	اثر آلفونس لامارتین
ی	س	ر	ر	ب	پژوهش / گاز اطراف ما	م	ی	دریا / دعای صبح جمعه
د	ت	ا	ک	قطب منفی / مذهب	ه	ب	د	ن
ک	ی	ن	خوب / نشانه جمع	د	و	ر	و	مقابل خروج / ریشه
ی	ت	حرف زمین شوی	ه	ی	ا	جمله قرآنی / آب راکد	ن	ب
ا	و	ن	ا	ن	خباز / کوه مرزی چین	ا	ج	ر
				درختکاری شده	س	ب	ی	امیدواری / خشک مزاج
				م	ا	خ	ر	سنگ مرمر
				ش	ی	ف	ا	ورقه چاپی تبلیغاتی
				ج	ا	ت	ن	زاده دام / بی علم و تخصص
				ر	ن	ه	ی	ب

۹۵۲ سودوکو

				۸	۹		۳	
۵				۴				
۶		۹			۲	۱		۷
	۱				۶	۸		
	۶		۷		۳		۲	
		۳					۱	
۳		۱	۸			۲		۵
				۷				۸
	۹		۳	۶				

۲	۸	۴	۷	۶	۳	۱	۹	۵
۱	۹	۵	۲	۸	۴	۷	۶	۳
۷	۶	۳	۱	۹	۵	۲	۸	۴
۴	۲	۸	۳	۵	۷	۶	۱	۹
۶	۷	۱	۴	۲	۹	۳	۵	۸
۳	۵	۹	۸	۱	۶	۴	۲	۷
۹	۴	۲	۶	۳	۸	۵	۷	۱
۸	۱	۷	۵	۴	۲	۹	۳	۶
۵	۳	۶	۹	۷	۱	۸	۴	۲

حل ۹۵۱